ناشر: price-action.ir

مترجم: احمدرضا جبل عاملی

سلب مسئولیت

ترجمه این کتاب ارزشمند تنها به هدف آموزش و ارتقای سطح معامله گران ایران زمین در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده و با توجه به ریسک فراوان در معامله گری بازارهای خارجی هیچ گونه مسئولیتی برای **price-action.ir** در استفاده از محتوا برای دیگر بازارهای خارجی توسط خوانندگان وجود ندارد.

همچنین هرگونه استفاده از محتوا باید بر اساس شرایط شخصی خواننده باشد و هیچ گونه جنبه مشاوره برای سرمایه گذاری یا معامله گری محسوب نمی شود، لذا نویسنده و مترجم شما را قبل از هر گونه سرمایه گذاری، به مشاوره با مشاوری حرفه ای و با تجربه تشویق می کنند. نویسنده و مترجم بر این باورند که اطلاعات ارائه شده صحیح هستند، با این حال ما در قبال ادعای هر گونه ضرر و زیان توسط هر فرد مسئولیتی نخواهیم داشت.

تمامی چارتها، تایم فریمها و پلتفرمها تنها برای ارائه مثالهای آموزشی استفاده شده اند و به این مفهوم نیست که هر یک از آنها برای استفاده شما مناسب باشند.

درباره نویسنده

لنس بگز ۴۰ سال سن دارد و در منطقه گرمسیری شمال کوئینزلند استرالیا زندگی میکند او یک معامله گر تمام وقت با اولویت جاری برای بازار ارز، فیوچرز بازار ارز و فیوچرز اِمینی می باشد که معاملات خود را از GBP/USD آغاز کرد که در آن زمان برای گذران زندگی به حقوق شغل اول خود و شغل همسرش وابسته بود. سبک معاملاتی او شخصی (ساخته شده توسط خودش) می باشد که بر اساس شناخت عواملی در جهت درک احساسات کوتاه مدت دیگر معامله گران در چهارچوب حمایتها و مقاومتها است.

وی سابقا یک خلبان هلیکوپتر نظامی و متخصص ایمنی هوانوردی بوده، لنس از طریق مطالعه بر عوامل انسانی، مدیریت ریسک و مدیریت منابع خدمه، دروس و روانشناسی ایمنی هوانوردی به محیط معامله گری علاقه مند شد.

او بنیانگذار و مدیر عامل http://www.YourTradingCoach.com می باشد، که هدف آن ارائه آموزشهای معامله گری با کیفیت و ایجاد منبعی با تکیه بر مسائل مهم معامله گری اعم از مدیریت سرمایه گذاری، مدیریت ریسک، مدیریت سرمایه و روانشناسی معامله گری است.

می توانید از طریق support@YourTradingCoach.com با لنس در ارتباط باشید.

" ایجاد یک انگیزه برای یادگیری.

اگر انگیزه داشته باشید، هرگز از رشد کردن متوقف نخواهید شد"

Anthony J. D'Angelo

مقدمه

به معامله گری حرکات قیمت YTC خوش آمدید.

من دو هدف اصلی در این کتاب دارم.

۱ – به اشتراک گذاشتن دیدگاه خود در بازارهای مالی و راهی که من از پرایس اکشن برای تشخیص و مدیریت فرصت های معاملاتی استفاده میکنم.

۲ – به اشتراک گذاشتن فرایندی از توسعه موفقیت که به اعتقاد من، شما برای تبدیل شدن به یک معامله گر حرفه ای و سودآور به آن نیاز دارید، صرف نظر از استراتژی که شما برای اجرا انتخاب می کنید.

از بین این دو هدف اصلی، دومی بسیار مهم تر می باشد.

معامله گران تازه کار به اشتباه معتقدند که موفقیت تنها به دانش صحیح و استراتژی صحیح وابسته است. ضمن این که این مهم است، ولی آنها قادر به درک تبدیل شدن به یک معامله گر واقعی در طی یک فرایند رشد و توسعه نیستند. موفقیت نتیجه کشف ترکیبی صحیح از مجموعه اندیکاتورها یا پارامترها و تنظیمات صحیح قوانین معاملاتی در یک روز نیست. موفقیت از طریق یک فرایند یادگیری به شرط رعایت آن به صورت مطمئن توسط خود شما در یک محیط بلاتکلیف حاصل می شود. اعتماد به توانایی های خود برای تصمیم گیری موثر در مدیریت ریسک و شناختن و مدیریت فرصت ها.

در طرح ریزی این کتاب قبل از مباحثه در مورد سیستم معاملاتی ابتدا به پایه ریزی این موارد می پردازم. هرچند که نگرانی من این است که اکثرا برای رد شدن از این اطلاعات و زودتر رسیدن به موارد مرتبط به سیستم معاملاتی وسوسه می شوند.

بنابراین درست یا غلط، من در پایان به سیستم معاملاتی خواهم پرداخت و صداقانه بر این باورم که این کار در این راه بهتر است.

یاد گیری واقعی در خارج از صفحات پایانی این کتاب شروع می شود، هنگامی که شما سود خود را به خاطر ماهیت نامشخص بازار از دست می دهید (منظور نویسنده اهمیت تمرین و کسب تجربه می باشد). به واسطه ساختار این کتاب من راه و روش های مورد نیاز برای اطمینان از فرایند یادگیری موثر (رسیدن به کسب سود مستمر) را در ذهن شما خواهم ساخت.

اگر من کارم را به خوبی انجام دهم شما به وضوح مسیر طولانی پیش رو را درک خواهید کرد و برای چالشهای سفر به خوبی آماده خواهید شد. شما با علاقه به یادگیری نظریه های جدیدِ تصمیم گیری، روانشناسی معامله گری، مدیریت ریسک و مدیریت سرمایه خواهید پرداخت.

اما نگران نباشید....... ما در مورد بازار و سیستم معاملاتی به خوبی بحث خواهیم کرد.

در حالی که این روش، منحصر به فرد من نیست، شما با مشاهده راه و روش من در نگاه به بازار، رویکرد متفاوتی را که در بیشتر روشها نزدیک به هم است درک خواهید کرد. این تغییر در چشم انداز برای من منجر به یکی از بزرگترین پیشرفتها در رشد و ترقی به عنوان یک معامله گر بود. امیدوارم که همین تاثیر برای شما نیز ایجاد شود.

استراتژی منتشر شده در این کتاب یک روش اختیاری در معامله گری است. این یک سیستم ساده خرید و فروش بر اساس سیگنالهای ضعیف نیست، زیرا چنین سیستم هایی کار نمی کنند و مهم نیست که ما چقدر به آنها امیدواریم. با صرف یک روز گشت و گذار در فرومها و سایتهای سیستم های معاملاتی شما خواهید دید که تمامی آنها برای شما مناسب هستند ولی نهایتا درعمل هیچ یک سوددهی ندارد. بسیاری از سیستم های معاملاتی که به نظر می رسند با پتانسیل بسیار بالایی در فرومها ارائه شده اند، با ایجاد هیجان در میان کاربران فرومها و سراسیمگی در ارسال پستها توسط آنها به چنین سرابی تبدیل شده اند. در نهایت تمام آن کاربران فعال به عنوان کاشف یک سیستم معجزه گر نمی توانند به نتایج و سوددهی مطلوب برسند و کم کم امید آنها، به تلاش برای فیلتر کردن سیستم تبدیل میشود و درنهایت آنقدر سیستم محدود یا متحول می شود که معامله کردن با آن در عمل غیر ممکن خواهد شد.

شما با درک دیدگاه من به بازار متوجه خواهید شد که چرا آن سیستم ها کار نمی کنند. به طور معمول آنها بر فرضیه های غلط استوار هستند که این نتیجه درک نادرست از محیط بازار و واقعیت بازی معامله گری می باشد.

در ادامه فصل ها شما با واقعیت محیط بازار آشنا شده و در نهایت به درک درستی از بازی واقعی بازار و همه چیز در مورد آن خواهید رسید. و شما به رایگان به این درک خواهید رسید که چرا بسیاری از معامله گران در جستجوی بی پایان برای کشف سیستم معاملاتی جام مقدس گیر کرده اند.

هر چند که متاسفانه کشف واقعیات این بازی آسان نیست اما امید است شما حداقل نهایتا در مسیر درست قرار خواهید گرفت.

من استراتژی معاملاتی خود را با شما به اشتراک میگذارم. با این حال من نمی توانم تضمین کنم که آن متناسب و سازگار با نیازهای شما بوده و زمینه سود دهی شما را فراهم کند استراتژی یک امر اختیاری است. از همین رو اهمیت درک نکات کلیدی و سلب مسئولیت در همین ابتدا عنوان شد. درک این موضوع که معامله گری شما را در معرض ریسک و به احتمال زیاد به از دست دادن پول شما خواهد انجامید اهمیت یادگیری موثر و فرایند رشد و ترقی را پر رنگتر میکند.

در استفاده از استراتژی شما ملزم به استفاده از تجربیات و مشاهدات خود هستید. نتایج حاصله در معامله گری به سطح شما در رشد و ترقی بستگی دارد. همان طور که شما نمی توانید دوچرخه سواری را از طریق خواندن کتاب یاد بگیرید و برای آن نیاز به تجربه عملی می باشد، در معامله گری هم نیاز تجربه عملی است. این کتاب به شما اصول نظریه حقیقی بازار را به همراه یک استراتژی طراحی شده برای استفاده در بازار حقیقی ارائه می کند. این تنها یک نقطه شروع است. یادگیری واقعی از طریق قرار گرفتن در معرض بازار واقعی آغاز می شود.

در نهایت من انتظار ندارم که شما مانند یک کپی دقیق از رونوشت من شوید. واقعیت این است که همه ما دارای ادراک و توانایی های مختلف در تصمیم گیری هستیم و استفاده شما از استراتژی من کاملا منحصر به فرد برای شما خواهد شد. البته از فرایند ترقی خود در یادگیری و توسعه معاملاتتان به واسطه تغییر در استراتژی خود نترسید، یک چشم انداز برای شما وجود دارد که چه چیز برایتان کار میکند و چه چیز کار نمیکند و موثر نخواهد بود. ترکیب رویکرد آموزشهای دانش من با تجربه قبلی خودتان برای ایجاد یک استراتژی منحصر به فرد، خود یک هنر است. ارائه نتیجه نهایی مبتنی بر حقیقت بازار در جلد دوم این کتاب و ارائه سیستم معاملاتی به صورت کاربردی برای توسعه معاملات شما در جلد پنجم انجام میشود. شما در مسیر درست قرار دارید.

۱,۲ – محدوده – استراتژی، بازار و تایم فریم

استراتژی ارائه شده در جلد سوم این کتاب به سادگی به بیان معامله گری حرکات قیمت می پردازد.

مبنای آن اختیاری است، استراتژی معاملاتی نوسانات، که شامل تجزیه و تحلیل در سه تایم فریم به منظور شناسایی روند و نوسانات در تایم بالاتر و معامله در نوسانات دقیق تایم پایین تر می باشد.

از آنجا که استراتژی با یک بازار و تایم فریم سازگار است (ارائه نقدینگی کافی)، نمونه و بحث و گفتگوها در درجه اول بر روی یک بازار و تایم فریم تمرکز دارند. این سادگی تضمین میکند که شما همیشه کجای چارت قرار دارید و همواره با تایم فریم بالا، میانه و پایین خواهید دانست که قیمت در چه موقعیتی قرار دارد.

بازار و تایم فریم انتخابی برای به تصویر کشیدن استراتژی به شرح زیر می باشند:

- (فیوچرز پوند انگلستان، معادل با پند/دلار بازار ارز 6B)
- چارتهای ۱دقیقه، ۳ دقیقه و ۳۰ دقیقه

چرا این ترکیب؟ ساده است، زیرا این یکی از علایق من است!

آیا این تنها بازار و تایم فریم برای کار کردن است؟ قطعا نه!

اگر در دیگر بازارها و یا تایم فریم ها معامله می کنید خیلی نگران نباشید.

در فصل ششم مفصل به اتخاذ این استراتژی به دیگر بازارها و تایم فریم ها همراه با چارتها و نمونه تنظیمات مختلف خواهیم پرداخت. که در آنجا ملاحظات دیگری فراتر از محدوده این کتاب (یک کتاب کوچک تکمیلی)، گسترده تر و اطلاعات دقیق تر درباره انواع بازارها و تایم فریم ها ارائه می گردد.

۱,۳ – اقرار نامه

متاسفانه من هرگز کسی را پیدا نکردم که به صورت مربی فعالیت کند، من آموخته های خودم را انتقال میدهم، چیزی که از طریق آزمون و خطا برای توسعه معاملات خود به آن رسیدم.

که می شود گفت هیچ چیز جدیدی کشف نشده که قبل از این وجود نداشته باشد و همه چیز از قبل در اصول معامله گری وجود داشته است. این فقط تفصیر منحصر به فرد من از ترکیبی از اطلاعات است که در اثر قرار گرفتن در معرض عوامل بسیاری در طول سفر معامله گری به آن دست یافته ام.

مدرسان و تریدران بسیاری در توسعه معامله گری من نقش داشته اند. با توجه به این که تعداد آنها زیاد است و از حوصله این جستار خارج است تشکر ویژه ای از افراد زیر میکنم:

گذشتگان:

Dr Alexander Elder, Dr Van Tharp, Mark Douglas, Linda Raschke

کسانی که در حال حاظر بینش جدید و الهام بخش هستند:

Mike Reed, Denise Shull, Davin Clarke, Don Miller, Sam Seiden, Toni Hansen and Dr Brett Steenbarger

با مطالعه این کتاب شما می توانید تمام نوشته های این افراد را پیدا کنید.

١,٤ – پیش نیازها

این کتاب برای مبتدیان نوشته نشده و نیاز است که برای اصول اولیه رسم نمودار و تجزیه و تحلیل فنی که پیش نیازهای این کتاب هستند به منابع دیگری مراجعه کنید.

اگر شما جدیدا به این بازی آمده اید و با نمودارها (نمودار میله ای یا کندل استیک) آشنا نیستید و یا با استفاده از الگوهای نمودار و تجزیه و تحلیل فنی آشنایی ندارید لازم است که خواندن این کتاب را تا یادگیری آنها به تاخیر بیاندازید.

١,٥ – پیشنهادات و انتقادات

هر پیشنهاد و انتقادی قابل تقدیر است، چه مثب و چه منفی. در واقع من با هر گونه بازخورد شما در خصوص این کتاب تشویق می شوم. من هیچگونه ادعایی در علم به همه چیز در مربی گری ندارم. من باور دارم که هیچ کس تا به حال استاد کامل این بازی نبوده است و این یک فرایند بی پایان یادگیری را برای ما فراهم میکند. زمانی که من به ٥ سال پیش خود در معامله گری نگاه میکنم متوجه میشوم که چقدر ناشی بوده ام و به همین شکل این اتفاق در ٥ سال دیگر برای من تکرار خواهد شد و پیشرفت و رشد بیشتر خود را در آن زمان نسبت به اکنون خواهم دید. ما می توانیم از یکدیگر یاد بگیریم.

لطفا تمام بازخوردهای خود را به این آدرس ارسال کنید: support@YourTradingCoach.com

من خوشحال میشوم به افکار شما گوش دهم.

۱٫۵ – بررسی اجمالی مطالب

موارد زیر یک خلاصه سریع از مطالب پیش رو می باشد.....

جلد دوم – بازارها و تحلیل بازارها

فصل دوم از این سری جاییست که ما واقعیات بازار و بازی معامله گری را درک می کنیم. ما ماهیت حقیقی حرکات قیمت و همچنین راهی را که من به بازار نگاه میکنم برای شناسایی مناطق فرصتهای معاملاتی را خواهیم دید.

فصل سوم از این سری تجزیه و تحلیل بازار را پوشش می دهد. شما باید یاد بگیرید که چگونه از چهارچوب حمایت و مقاومت ها برای تجزیه و تحلیل بازار استفاده کنید. شما باید چگونگی تشخیص حرکت آینده بازار را یاد بگیرید و با دنبال کردن کندل به کندل بازار این دیدگاه خود را به روز نگه دارید.

جلد سوم – استراتژی معاملاتی

در فصل چهارم، ما معامله گری حرکات قیمت را ارائه خواهیم کرد. ما فرصت های معاملات سودده را در درون ساختار بازار شناسایی خواهیم کرد و همراه با نمونه مثالهای متعدد چگونگی شناسایی این فرصت ها را نشان میدهیم که چگونه این موقعیت های معاملاتی اجرا و مدیریت می شوند.

در فصل پنجم، تعدادی از نمونه موقعیت های معاملاتی را از ابتدا تا پایان فرایند معامله بررسی می کنیم. یک انتقاد همیشگی وجود دارد که نویسندگان کتاب های معاملاتی بهترین نمونه های معامله را نشان می دهند که به سادگی یک ورود خوب و حرکت در سود و کسب سود بزرگ را نمایش می دهند. جالب است، من نیز چنین احساس وسوسه انگیزی دارم، ضمیر انسان یک نیروی شگفت آور و قدرتمند است. اما باز با این حال من کتابهای معاملاتی زیادی را میشناسم که به خوبی خدمت کرده اند. واقعیت این است که هیچ گاه یک کتاب آموزشی به صورت شسته و رفته دلیل موفقیت در معاملات نیست. بنابراین من تلاش میکنم که موقعیت های معاملاتی بر اساس واقعیت بازار را با تنظیمات مختلفی از برخی موقعیتهای سودده را که دیگران در آنها با ضرر خارج شده اند و به کسب سود از بازار شک کرده اند را به شما نشان دهم. امیدوارم این کار به گسترش سود شما کمک کند.

در قسمت ششم در خصوص اجرای استراتژی در چهارچوب تایم فریم های دیگر بحث خواهیم کرد و همچنین از اجرای آن در بازار های دیگر.

جلد چهارم – معاملات تجاری شما

در جلد چهارم ما به معامله گری به عنوان کسب و کار تجاری می پردازیم. فصل ۷ و ۸ مربوط به تضمین بقای مالی می باشد که از منظر مدیریت سرمایه و مدیریت برنامه های احتمالی صورت می گیرد.

در فصل ۱۰ راهکارهای اطمینان از حفظ بقای شخصی (روانشناسی) از طریق یک برنامه عملی بر پایه روانشناسی معامله گری و تکنیک های مربوطه ارائه میشود.

فصل ۱۱ به معرفی انواع ستاپهای معاملاتی خودمان می پردازیم.

فصل ۱۲ و ۱۳ بحث در مورد دو سند مهم در خصوص استفاده در معاملات تجاری ما می باشد – فایل اول طرح معاملاتی استراتژی است که از آن برای تشریح عملکرد و معاملات خود استفاده می کنیم، فایل دوم ثبت وقایع معاملاتی در طی انجام معاملات روزانه در پایان روز – این دو برای مدیریت اقتضایی و فرایندهای بررسی کاربرد دارند.

در فصل ١٤ ما به صورت کامل به بحث در مورد مستندات معامله گری خود خواهیم پرداخت که با ترسیم جداول متعدد و صفحات توضیحی بسیار که همگی مورد نیاز هستند همراه خواهد بود.

جلد پنجم – توسعه معامله گری

این جایی است که ما در آن به بحث در مورد روند تبدیل شدن به یک معامله گر خواهیم پرداخت.

در فصل ۱۵ به مقطعی که در آن به یک معامله گر حرفه ای (کسب سود مستمر و کافی) تبدیل می شوید صحبت خواهیم کرد، که رسیدن به این سطح خود یک سفر از رشد و ترقی شما می باشد.

فصل ١٦ در مورد فرایند یادگیری است، اصول - ابزار و تکنیکهای مورد نیاز برای اطمینان از پیشرفت کارآمد از طریق سیر توسعه معامله گری. این چیزی است که شما در بیشتر کتابهای معامله گری آن را پیدا می کنید، اما من بر این باورم که مطلب ارائه شده در این کتاب اهمیت بسیار بیشتری دارد.

فصل ۱۷ مربوط به اقدامات عملی می باشد، همان چیزی که از طریق آن به پیشرفت روزافزون خواهید رسید. ایجاد یک طرح برای پیشرفت، از طریق چهار مرحله توسعه معامله گری انجام می شود.

جلد ششم – نتیجه گیری پایانی

فصل ۱۸ خلاصه ای از مطالب و مفاهیم اصلی می باشد که به شما کمک می کند تا یک چشم انداز کلی از ساختار تمام محتوا داشته باشید.

موفق و شاد باشید

جلد دوم

جلد دوم معامله گری پرایس اکشن
44445اسفند ۱۳۹۵ 17 -لنس بگز

4.4363636363636 1 1 1 1 1 Rating 4.44 (55 Votes)

ناشر: price-action.ir
مترجم: احمدرضا جبل عاملی

مطالعه جلد اول

فصل دوم – اصول بازار

اصول بازار - 2.1

یکی از دلایل کلیدی عدم دستیابی معامله گران به موفقیت مستمر این است که آنها درک صحیحی از این بازی ندارند.

- آنها قادر به درک ماهیت واقعی بازارها نیستند
- آنها قادر به درک ماهیت واقعی بازی معامله گری نیستند

هدف ما در این فصل اصلاح این اشتباهات است.

بحث این قسمت ممکن است بسیار بدیهی باشد، اما یکی از پایه های مهمی است که به شما در درک روشن تر محیطی که قرار است در آن تجارت کنید کمک میکند و چگونگی رسیدن ما به سود را نشان میدهد.

بسیاری از کتابهای معامله گری و کورس ها بر روی حرکات قیمت و الگوهای حاصله از آن ویا اندیکاتورهای مبتنی بر سیگنال دهی تمرکز دارند (منظور نویسنده تکیه بر الگوها و اندیکاتورها برای معامله گری است). آنها کلید اصلی مفاهیم مسائل پشت پرده حرکات قیمت را گم کرده اند (منظور نویسنده علتهای اصلی حرکات قیمت است).

در پایان این فصل شما به درک روشنی از مسائل زیر خواهید رسید:

- ماهیت واقعی بازارها
- ماهیت واقعی بازی معامله گری

شما در نهایت درک خواهید کرد که چرا تمام سیستم هایی که استفاده می کرده اید بی فایده بوده اند.

شما دیگر به این سیستم ها علاقه مند نخواهید بود.

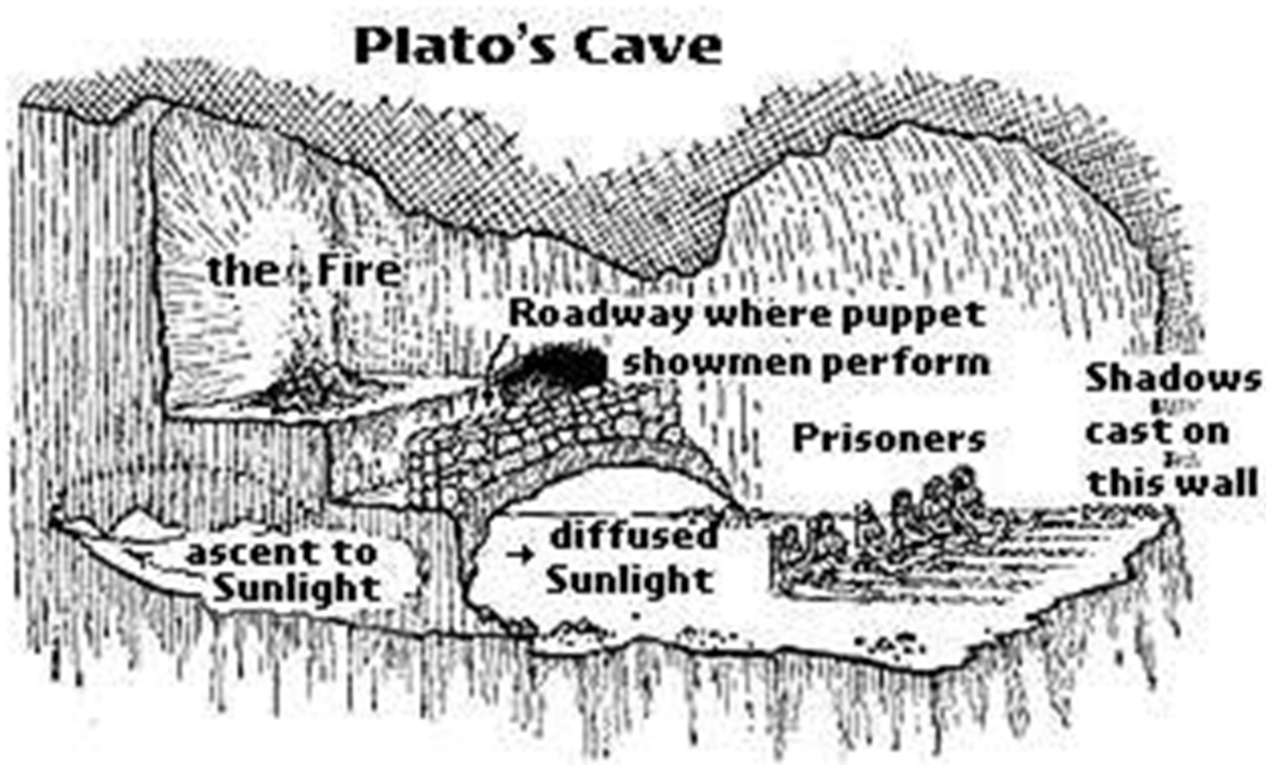
شما از جستجو برای سیستم معاملاتی جام مقدس خلاص خواهید شد.

و به پایه و اساس تجزیه و تحلیل صحیح و معامله گری صحیح در بازار دست خواهید یافت، با تکیه بر معامله گری پرایس اکشن و یا هر استراتژی مبتنی بر آن میتوانید به رشد و ارتقا خود توسعه دهید.

واقعیت – بازار 2.1
معامله گری سایه ها – 2.2.1

چه چیز در مورد معامله گری افلاطون میدانید ؟
احتمالا هیچ چیز! اما او یک کلام بزرگ دارد که من از آن برای نشان دادن در اینجا استفاده میکنم.

- واقعیت برای ما بر اساس چیزی است که ما می بینیم.
- در خیلی از موارد واقعیت اصلی آن چیزی نیست که ما می بینیم.



تصویر ۱ – تمثیل افلاطون از غار

تصور کنید غاری است که ساکنان آن زندانیانی هستند که زنجیر شده اند و ...... " نمی توانستند از دوران بچگی هیچ حرکتی کنند، نه تنها دست و پای آنها بسته است بلکه سر آنها نیز ثابت است و مجبورند تنها به دیوار مقابل خود نگاه کنند. پشت سر زندانیان آتش بزرگی روشن است و بین آتش و زندانیان یک راهرو قرار دارد که زندانیان فکر میکنند مسیر حرکت دیگران است و در طول آن آدمکها و

زندانیان تنها می .حیواناتی که از چوب و سنگ و غیره ساخته شده اند قرار دارد توانستند سایه آنها را روی دیوار مقابل خود مشاهده کنند و پژواکهایی را از تردد افراد پشت دیوار می شنیدند. این منطقی نیست که زندانیان تصور کنند سایه ها واقعی هستند و پژواک ها واقعا صدای آنها می باشند؟ چون آنها تا کنون آنها را " ......دیده بودند و شنیده بودند

...... به عبارت دیگر

چیزی که ما به عنوان واقعیت درک می کنیم لزوما آنگونه نیست. اغلب یک واقعیت عمیق تر وجود دارد که ما نمی بینیم.

.... یا

.چیزی که تصور می شود واقعیت است در واقع یک توهم است

.همین در معامله گری هم صادق است

.باور من این است که اکثر مردم نمی فهمند که بازار چیست

آنها چارت را می بینند و حس میکنند سیگنالهای اندیکاتورها و الگوها هستند که قیمت را حرکت می دهند.

و آنها خیال می کنند که این واقعیت دارد، این است تمام چیزی که میدانند، و این .تمام چیزی است که در تمام سایتها، کتابها و دوره های آموزشی ارائه می شود

متاسفانه این معامله گران همانند زندانیان داخل غار افلاطون هستند. به باورشان پا فشاری می کنند و در باور خود از واقعیات اشتباه میکنند، در واقع آنها به یک توهم اعتقاد دارند. آنها قادر به درک این نیستند که واقعیت، حقیقتی بسیار عمیق تر در بازار است.

این واقعیتی است که من باور دارم به خاطر آن معامله گران با بازدهی های مختلف در بازار تجارت می کنند.

بیشتر معامله گران در سایه ها معامله می کنند (منظور نویسنده از سایه، اندیکاتورها و الگوها می باشد)، بدون هیچ درکی از واقعیاتی که پشت سایه ها اتفاق می افتند. حقیقت بازار " چیزی که ما نیز قبلا به اشتباه اعتقاد داشتیم " این است که قیمت متاثر از سیگنالهای اندیکاتورها و الگوها حرکت میکند. این ها سایه هستند یا توهم! بیشتر مردم فکر میکنند که سایه ها قائده بازی هستند، آنها فکر می کنند اندیکاتورها و الگوها همه چیزی هستند که در مورد قیمت وجود دارد، به این بازی کاملا روی چیز .طوری که سعی می کنند بر اساس آنها معامله کنند دیگری است.

با این وضعیت موفقیتی حاصل نمی شود، با این اندیکاتورها و الگوها موفقیتی کسب نمی شود و معامله گران همیشه به دنبال اندیکاتور جدید، تنظیمات یا پرامتر های جدید هستند، چرخه ای که پایانی ندارد. آنها هیچگاه حقیقت را پیدا نمی .کنند چه را که آن در سایه ها جستجو می کنند. آنها این حقیقت را درک نمی کنند معامله گری موفقیت آمیز به دیدن حقایقی نیاز دارد که سایه ها را می سازند. حقیقتی که حرکات قیمت را می سازد و به دنبال آن اندیکاتورها و الگوها ساخته می شوند.

.این حقیقت تنها قیمت نیست

حقیقت در سطوح عمیق تری از درک وجود دارد، که چه چیز قیمت و حرکات آن را آیجاد می کند.

علت و معلول – 2.2.2

به سرعت نگاهی می کنیم به یک راه دیگر، که برخی از شما ممکن است برایتان مفیدتر باشد.

اجازه دهید حرکات قیمت را از دریچه متفاوت علت و معلول نگاه کنیم. حرکات قیمت و هر سیگنال حاصل شده از اندیکاتورها و الگوها همگی معلول هستند. در عوض برای درک حقیقت بازار ما نیاز داریم که بروی علت تمرکز کنیم.

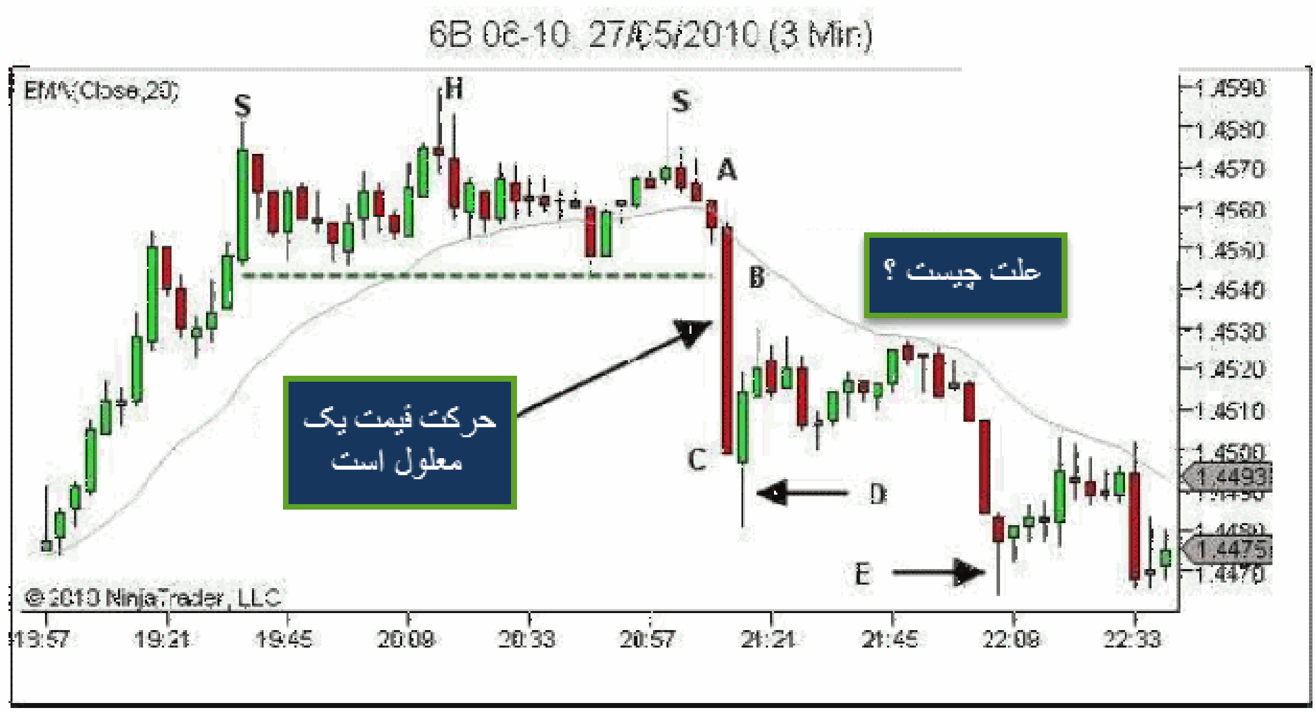
چه چیزی علت حرکت قیمت است؟

- تنها پس از آن می توانیم حقیقت بازار را درک کنیم.
- و تنها پس از آن می توانیم به شناسایی زمانی که قیمت حرکتی را آغاز میکند و ادامه می دهد و در نهایت به پایان می رسد دست یابیم.

در تجزیه و تحلیل نمودار تصویر زیر بسیاری از افراد تنها بر روی قیمت تمرکز می کنند. آنها بریک اوت نزولی را مشاهده می کنند که در اثر الگوی سر و شانه در کوتاه مدت اتفاق افتاده است (برچسب های S-H-S).

معامله گران الگوها نگاه می کنند به نقطه بریک اوت الگوی سر و شانه و در نقطه (B) پیش فروش می کنند، یا تا بسته شدن کندل صبر می کنند و با تایید نزول در نقطه (C) پیش فروش می کنند.

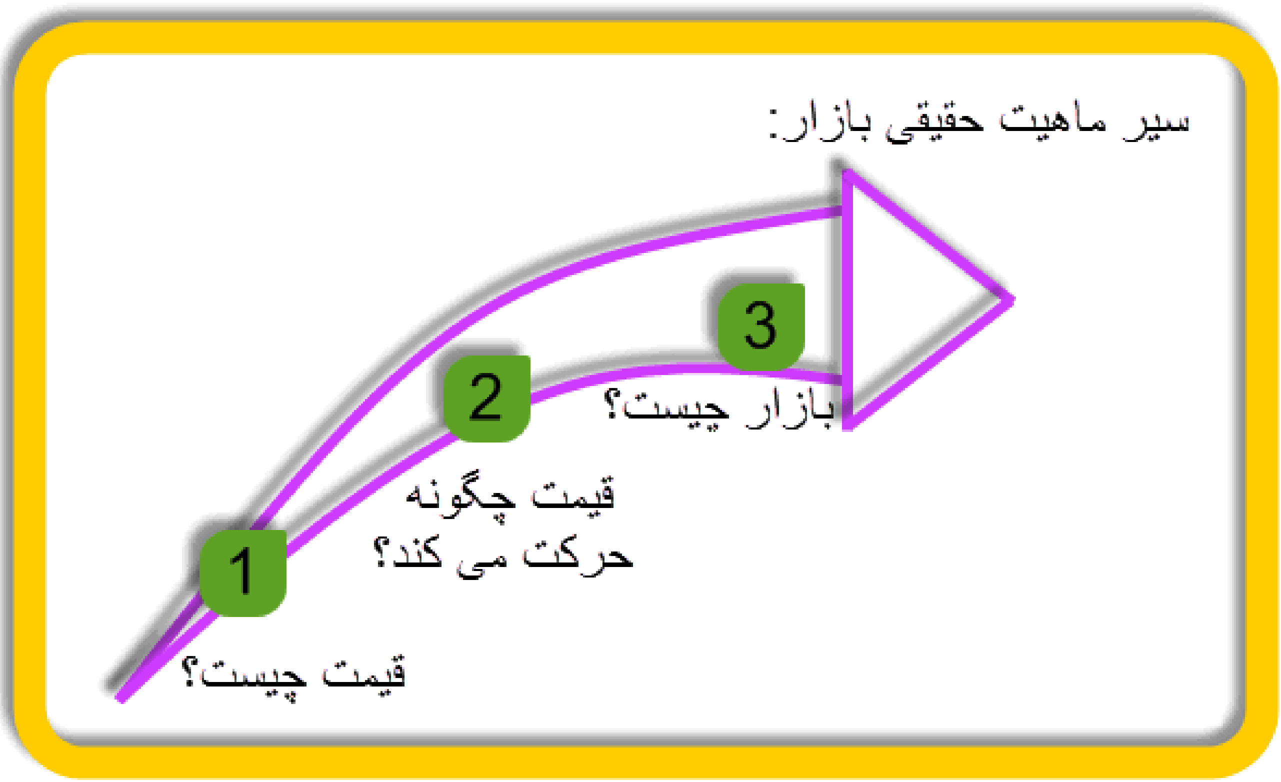
معامله گران اندیکاتورها نیز به احتمال زیاد در حوالی نقطه (C) وارد می شوند که سیگنالهای آنها برگرفته از یک مشتق تاخیری از قیمت هستند، که ماشه ورود آنها به اندازه قابل توجهی از نقطه شروع حرکت قیمت در مسیر جدید فاصله دارد.



مشکل این معامله گران این است که آنها بر روی قیمت تمرکز دارند.
حرکت قیمت یک معلول است.
این معامله گران به سادگی به معلول واکنش نشان می دهند، به این امید وارد می شوند که قیمت به اندازه کافی به حرکت نزولی در مسیر خود ادامه دهد تا بتوانند سود کسب کنند.
امید به اندازه کافی برای من خوب نیست.
یک راه بهتر برای معامله این است که علت حرکات قیمت را درک کنم.
اگر چه شما آن را نمی بینید، ولی با شناسایی علت شما می توانستید در مثال به عنوان B وارد شوید، و با انتظاری که در شکست نقطه (A) بالا در حوالی نقطه به هدف سود خود برسید و حتی E و D یک سطح حمایت به وجود آمد در محدوده فرصت کافی داشتید که با سود اندک یا بدون B با نا موفق بودن شکست سطح ضرر از معامله خارج شوید.

درک علت به شما امکان تشخیص حرکات قیمت را قبل یا در زمان شروع شان به شما می دهد.
درک علت به شما امکان ورود در قیمت نزدیکتر (بهتر) می دهد.
درک علت به شما امکان می دهد تا چرایی حرکت قیمت را درک کنید.
درک علت به شما امکان تشخیص ادامه حرکت و پایان حرکت قیمت را می دهد.
درک علت به تنهایی یعنی همه شما می توانید به چیزی که در حال رخ دادن است

به موقع واکنش نشان دهید و سپس به سادگی امید خواهیم داشت که حرکت پتانسیل لازم برای کسب سود کافی را دارا می باشد.
بنابر این اگر در بازار قیمت حرکت نکند اندیکاتورها و الگوها چه خواهند شد؟ حقیقت چیست ؟
برای درک ماهیت حقیقی بازار ما نیاز به سیر چند گام داریم.



ما نیاز به شروع از برخی اصول بسیار پایه ای داریم، قیمت چیست؟ و چگونه حرکت می کند؟ ؛ که اینها ما را به درک جدیدی از ماهیت بازار هدایت میکنند.
قیمت ماهیت بازار نیست، قیمت یک چیز کاملا متفاوت است.

قیمت چیست؟ – 2.2.3

صرف نظر از این که ما در مورد چه بازاری صحبت میکنیم اعم از بورس اوراق بهادار تهران، استوک، فیوچرز، بازار ارز و یا هر بازار دیگر، قیمت مقدار مبلغی است که خریدار بابت دریافت یک محصول از فروشنده به او پرداخت میکند.
هر معامله شامل یک محصول و دو طرف خریدار و فروشنده است. فروشنده ارائه کننده محصول است، خریدار می خواهد آن محصول را دریافت کند.
قیمت مقدار مبلغی است که آنها برای انتقال کالا از فروشنده به خریدار با هم توافق می کنند.

...... یک کلمه کلیدی در این جمله است
توافق .... خریدار می خواهد بخرد در این قیمت ... فروشنده می خواهد ....
بفروشد. در همین قیمت
آتها گرد هم می آیند، آنها تبادل می کنند.

قیمت چیست ؟

بله، آن مقداری حجم پول است که آنها برای تبادل بر روی آن توافق کرده اند.
اما این چیزی نیست که من می خواهم به شما نشان دهم.
در عوض، قیمتی که دو طرف در ایجاد یک خرید و فروش ایجاد می کنند را خواهیم دید.
از..... منظر معامله گری
قیمت دو معامله است که با تصمیم خریدار و فروشنده ایجاد می شود.
این یک تفاوت ظریف اما مهم است.
در حال حاظر بازار تمام تبادلات را در یک قیمت انجام میدهد.. که حرکت می کند. خوشبختانه! در غیر این صورت فرصت های سودده ایجاد نمی شدند.
همانطور که قبلا گفتیم خیلی از افراد بسیار خوشحالند که فقط درک کرده. اند قیمت حرکت می کند
من می خواهم برای این موضوع به عمق بیشتری بروم، حالا که دیدیم قیمت تنها پول یا حجمی از آن در معامله نیست و از تصمیم خرید و فروش معامله گران ساخته می شود، میرویم که ببینیم چگونه این تصمیمات حرکات. قیمت را می سازند
این ما را به عمق بیشتر و بهتری هدایت می کند، درک درستی از ماهیت بازار.

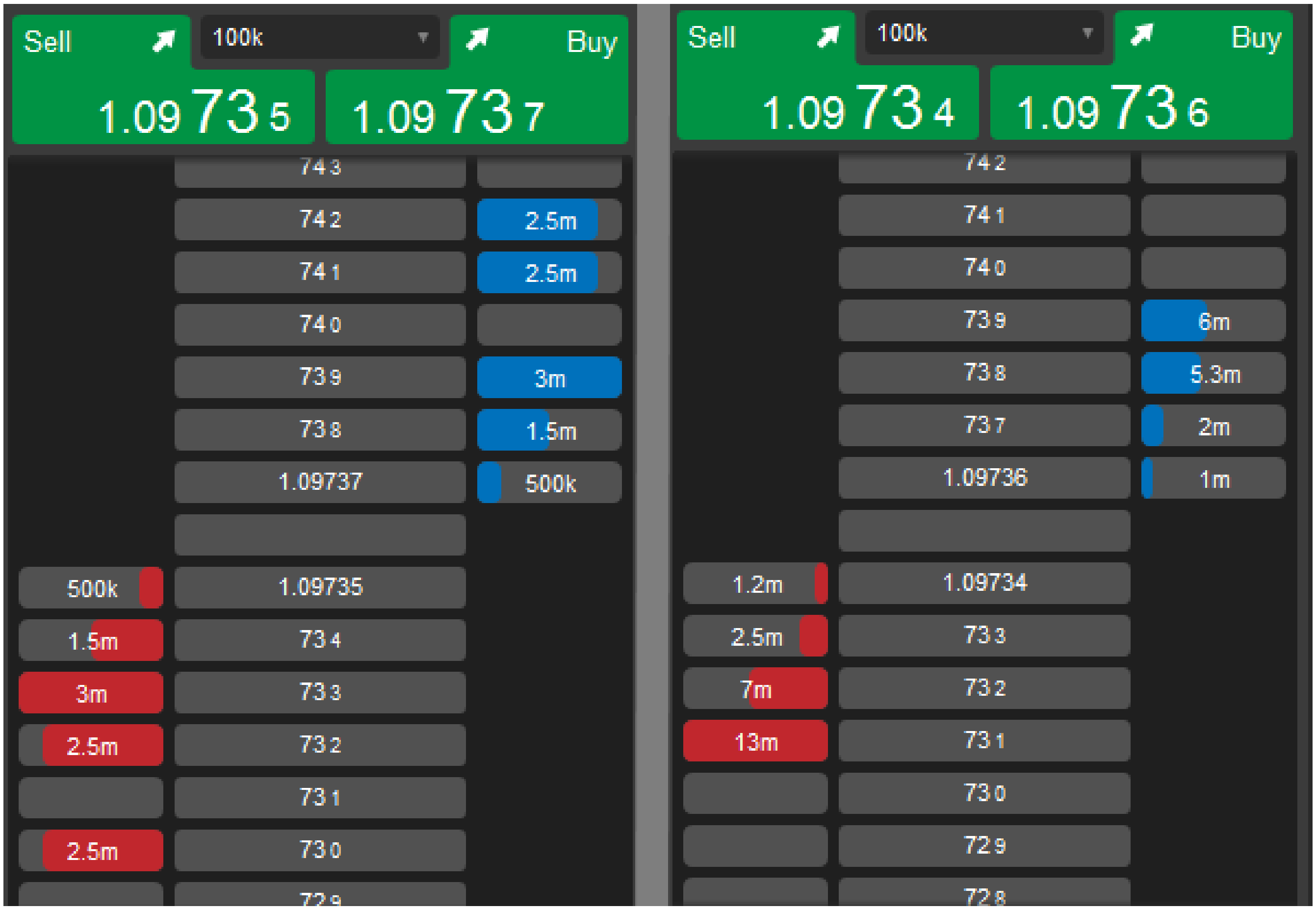
2.2.4 – قیمت چگونه حرکت می کند؟

حرکت. قیمت یک تابع از عرضه و تقاضا است
مجدد ما این را از عمق بیشتری خواهیم دید، ما به زودی خواهیم گفت که محرکه عرضه و تقاضا چیست. اما اکنون من نیاز دارم که عرضه و تقاضا را توضیح دهم، مطمئن شوید که این مفاهیم اساسی را درک می کنید.
اجازه دهید این مفاهیم را به زبان ساده و خارج از تعاریف کتابی توضیح دهم.
عرضه: مقداری از یک محصول است که فروشنده می خواهد آن را در قیمتی. خاص بفروشد

تقاضا: مقداری از یک محصول است که خریدار می خواهد آن را در قیمتی خاص بخرد.
قیمت: با تغییر عرضه و/ یا تقاضا حرکت می کند.
اجازه دهید به چند نمونه نگاه کنیم.
ابتدا به مثالی می پردازیم که بیشتر مردم با آن آشنا هستند – حراج مسکن
در این سناریو ما یک عرضه ثابت داریم، یک خانه برای فروش، و تعداد متغیری برای تقاضا (خریدار)، بسته به درک عمومی از ارزش ملک. برای یک خانه زیبا در محله ای عالی در طول زمان رشد اقتصادی قوی وجود دارد که ممکن است تعداد زیادی از خریداران بالقوه در پی آن باشند و همگی برای آن ملک با هم رقابت می کنند. در حالی که برای خانه ای معمولی در یک محل سطح پایین ممکن است تعداد خریداران بالقوه بسیار کم و یا حتی هیچ خریداری وجود نداشته باشد.

برای این مثال ما باید فرض بگیریم که یک جمعیت زیادی از خریداران داریم، همه نا دلال .امید از تصاحب ملک و مایلند ملک را بین ٦٥٠,٠٠٠ تا ٧٥٠,٠٠٠ خریداری کنند حراج را از ٥٥٠,٠٠٠ شروع می کند. بعد چه اتفاقی می افتد؟ هر یک از خریداران با توجه به تمایلی که در قیمت خرید دارد سعی دارد قیمت بالاتری را عنوان کند تا شاید دیگران از خرید آن منصرف شوند. در ابتدا قیمت با سرعت افزایش پیدا میکند هر خریدار . 660.000 – ٥٧٥,٠٠٠ – ٦٠٠,٠٠٠ – ٦٢٠,٠٠٠ – ٦٤٠,٠٠٠ – ٦٥٠,٠٠٠ قیمت بالاتر قبلی را با افزایشی پیشنهاد می کند با امید این که دیگران از دور خارج شوند. در این زمان میزان رشد قیمت ممکن است کند تر شود و خریداران زمان اگر خریداران هیجان کافی .بیشتری برای بررسی حرکت بعدی خود اختیار کنند برای خرید داشته باشند ممکن است مناقصه با قیمت بیشتری نسبت به برنامه در نهایت با توجه . 753.500 – قبلی پایان گیرد، ٧٥٠,٠٠٠ – ٧٥٢,٠٠٠ – ٧٥٢,٥٠٠ به تمایلی که متاثر از هیجان خریداران است باعث می شود ملک با قیمت بیشتری نسبت به تمایلات و برنامه قبلی فروش رود.
در این مثال تقاضا شامل تعداد زیادی خریدار بود که همگی حاظر به پرداخت قیمت بالاتر برای تصاحب ملک بودند. عرضه تنها یک مورد فروشنده بود که مایل بود تا زمانی که بالاترین قیمت پیشنهاد می شود صبر کند و به بالاترین قیمت بفروشد.
تقاضا عرضه را احاطه میکند به نحوی که منجر به رالی افزایش قیمت می شود، قیمت همچنان به رالی افزایشی خود ادامه می دهد تا زمانی که دیگر خریداری نباشد تا قیمت بالاتری را حاظر به پرداخت باشد.
حال اجازه دهید مثالی را فرض بگیریم که فروشندگان نا امید وجود دارند، ارائه دو محصول با خصوصیات یکسان. دو آپارتمان در مجاورت یکدیگر با خصوصیات و کیفیت

اتصالات و لوازم جانبی مشابه با ارزش یکسان. و اجازه دهید فرض کنیم که تنها یک خریدار در برابر آنها قرار دارد. در اینجا روند کاملا معکوس مثال قبل است.
خریدار هیجانی برای خرید ندارد در حالی که دو فروشنده با یکدیگر برای موفق شدن در فروش سخت رقابت می کنند. فروشندگان به نوبت قیمت درخواستی خود را کاهش می دهند، تا زمانی که فروشنده دیگر مایل به کاهش بیشتر نباشد و خریدار آن قیمت را قبول کند و معامله انجام شود.
عرضه تقاضا را احاطه میکند به نحوی که رالی کاهش قیمت تا جایی ادامه پیدا می کند که دیگر هیچ کس حاظر به فروش در قیمت پایین تر نباشد.
نکته مهم ... این تنها مهم نیست که تعداد شرکت کنندگان در معامله چقدر است، بلکه هیجان و نا امیدی آنهاست که مهم است.
در مثال فرضی اول خریداران حاظر به پرداخت مبالغ بالاتر از سقف برنامه بودند و در همین حال مالک تا بالاترین قیمت پیشنهادی صبر کرد و ملک خود را به بالاترین قیمت ممکن فروخت. در صورتی که اگر مناقصه با ۸۵۰,۰۰۰ شروع میشد هیچ خریداری برای آن وجود نداشت، هیچ معامله ای بدون حضور خریداران و فروشندگان بالقوه صورت نمیگیرد. تنها در صورتی معامله ای صورت می گیرد که خریداری دارای پول و تصمیم کافی برای خرید وجود داشته باشد و از طرفی فروشنده مایل به فروش در آن قیمت باشد.
غلبه عرضه بر تقاضا منجر به کاهش قیمت می شود.
خب! اجازه دهید اکنون بازارهای مالی را در نظر بگیریم.
اکنون ما میدانیم فرایند متقابل حراج چیست. خریداران متعدد برای خرید وارد بازار می شوند و فروشندگان متعدد برای فروش وارد بازار می شوند. همه آنها در یک زمان حضور دارند. تصویر بعدی حضور خریداران و فروشندگان متعدد حاظر در بازار با قیمتهای متفاوت را نشان می دهد.



ستون مرکزی مربوط به نمایش قیمت قابل معامله و ستون های طرفین مربوط به
است، این نماد معاملاتی پند بریتانیا در بازار B6 حجم معاملات در انتظار برای
بازار ارز می باشد. در بعضی از نقطه ها تقاضا برای GBP/USD فیوچرز معادل با
خرید. تمام میشود

این چگونگی کار کردن بازار از دیدگاه عرضه و تقاضا است. یک فرایند دودویی است
با قیمت مزایده هم بالا و هم پایین که بستگی دارد در این زمان قدرت کدام یک
غلبه. کند، عرضه یا تقاضا

- افزایش قیمت در حالی که تقاضا بیشتر از عرضه باشد و در عین حال خریدارانی. خاطر به پرداخت قیمت های بالاتر باشند
- افزایش قیمت تا زمانی که خریداران این کار را ادامه دهند یا عرضه به اندازه کافی. برای جذب تمام تقاضاها زیاد شود
- کاهش قیمت در حالی که عرضه بیشتر از تقاضا باشد و در عین حال فروشندگانی. خاطر به فروش در قیمت های پایین تر باشند
- کاهش قیمت تا زمانی که فروشندگان این کار را ادامه دهند یا تقاضا به اندازه کافی. برای جذب تمام عرضه ها زیاد شود

حرکت. قیمت یک تابع از عرضه و تقاضا است

یا بهتر بگویم ... حرکت قیمت نتیجه عدم تعادل عرضه و تقاضا است و عدم تعادل عرضه و تقاضا توسط تمایلات معامله گران در داد و ستند ایجاد می شود.

اجازه دهید از طریق شکل زیر نگاهی به چگونگی فرایند مزایده بر روی یک نمودار قیمت داشته باشیم.



نمودار میله ای قیمت نتیجه فرایند مزایده دودویی در چهار چوب زمان است.

هر نوسان قیمت در نتیجه فرایند مزایده دودویی ایجاد شده، در یک دوره از زمان که تقاضا بیشتر از عرضه بوده قیمت افزایش داشته و نوسانات ۱ و ۳ را ایجاد کرده و زمانی که عرضه به صورت مداوم بیشتر از تقاضا شده، قیمت کاهش یافته و نوسان ۲ ایجاد شده است.
اطلاع اضافی: گپی که در محل A ایجاد شده است به دلیل هیجان ناشی از اخبار منتشر شده مربوط به GBP در آن زمان است که باعث شده به صورت مقطعی خریداران با فاصله زیادی از آخرین فروشندگان وارد بازار شوند و اولین فروشنده پس

از اننتشار خبر با فاصله ای که گپ نامیده می شود از آخرین فروشنده قبل از انتشار خبر از بعد قیمت فاصله گرفته.
تمایلات فردی معامله گران ممکن است در هر زمان به صورت صعودی یا نزولی در نمودار مشاهده شوند. تاثیر خالص، نتیجه جمعیه کل تفکرات معامله گران بالقوه در بازار است، میتواند تاثیر نزولی، صعودی یا خنثی بر روی حرکت قیمت داشته باشد.

- تمایلات صعودی منجر به معاملات خرید بیشتر و در نتیجه افزایش قیمت در نوسانات ۱ و ۳.
- تمایلات نزولی منجر به معاملات فروش بیشتر و در نتیجه کاهش قیمت در نوسان ۲.
- تمایلات خنثی منجر به عدم معاملات چشمگیر در جهتی خاص و در نتیجه حرکت قیمت به صورت مستقیم.

توجه داشته باشید که قیمت در این نوسانات در یک خط مستقیم در حال حرکت نیست، خود نوسانات در جهتی تداوم دارند. بازار شامل خریداران و فروشندگانی است که همگی در حال رقابت از طریق سبکهای متفاوت تجزیه و تحلیل خود با همدیگر هستند، در دوره های زمانی متفاوت تمایل برای ورود یا خروج با دلایل مختلف متفاوت است. ما دلایل فردی هر شخص را به صورت مجزا نمی دانیم، چیزی که مهم است تمایلات جمعی آنهاست و حرکات قیمت از هر کدام از دسته تمایلات جمعی که شدت بیشتر داشته باشد پیروی می کند.
حرکت قیمت از تمایلات شرکت کنندگان بازار تبعیت می کند.
معامله گران انفرادی با تمایلات صعودی خود به طور فزاینده به تمایلات صعودی گروهی از معامله گران قوت می بخشند. اگر این به اندازه کافی باشد این تمایل کلی بر بازار چیره می شود و با غلبه تقاضا بر عرضه قیمت بالا می رود.
معامله گران انفرادی با تمایلات نزولی خود به طور فزاینده به تمایلات نزولی گروهی از معامله گران قوت می بخشند. اگر این به اندازه کافی باشد این تمایل کلی بر بازار چیره می شود و با غلبه عرضه بر تقاضا قیمت پایین می رود.

- قیمت با تغییر در نیروی عرضه و تقاضا حرکت می کند.
- عرضه و تقاضا بر اساس تمایلات جمعی تغییر می کند.
- تمایلات جمعی بر اساس تغییر تمایلات صعودی یا نزولی شرکت کنندگان در بازار شکل میگیرد.

... بنابر این در اینجا یک نکته کلیدی وجود دارد
همانطور که متوجه شدیم قیمت از تصمیمات دو نفر خریدار و فروشنده ایجاد می شود، همچنین می دانیم که حرکت قیمت نتیجه اثر خالص تصمیم گیری شرکت کنندگان در بازار است.
دسته ای از افراد از اصول تحلیل فاندامنتال و دسته ای دیگر از اصول تحلیل تکنیکال یا حتی دسته ای از نظریات ستاره شناسی برای تصمیم گیری در معامله گری استفاده می کنند. این اصلا مهم نیست، چیزی که مهم است این است که همه آنها تصمیم گیری می کنند.

قیمت در اثر اصول فاندامنتال یا تکنیکال حرکت نمی کند، این تصمیمات شخصی است که جهت بازار را شکل می دهد. آنها بر اساس تفکرات خود عمل می کنند که این منجر به تصمیم گیریشان برای خرید یا فروش می شود.
مجموع تمام تصمیات خرید یا فروش از تمایلات جمعی شرکت کنندگان افزایشی یا کاهشی است و این تمایلات جمعی همه شرکت کنندگان در بازار باعث می شود که جهت حرکت قیمت در بازار صعودی یا نزولی باشد.
اگر سهمی معاملاتی بر اساس فاندامنتال شدیدا صعودی باشد ولی تصمیمات جمعی شرکت کنندگان مبنی بر نزول باشد و بر تصمیم خود پا فشاری کنند قیمت نزول خواهد کرد.
....این مربوط به فاندامنتال یا تکنیکال نیست
این مربوط به مردم است .... و تصمیم گیری آنها در مورد جهت بازار.
قیمت با تغییرات عرضه و تقاضا تغییر می کند وعرضه و تقاضا بر اساس تصمیمات شرکت کنندگان در بازار تغییر می کند و تصمیمات آنها بر پایه تفکرات آنها است.

اجازه دهید به یک جمع بندی در این بخش نگاهی داشته باشیم – قیمت چگونه حرکت می کند؟

- حرکت قیمت ناشی از عدم تعادل در عرضه و تقاضا است.
- تغییر در عرضه و تقاضا از طریق تغییر در تمایلات شرکت کنندگان در بازار رخ می دهد.
- بنابر این قیمت به تمایلات صعودی یا نزولی شرکت کنندگان در بازار بستگی دارد.
- وزن همه تصمیمات فردی معامله گران و اقدامات آنها وزن دستورات معاملاتی را شکل می دهد.
- زمانی که جریان سفارشات صعودی باشد (تقاضا بیشتر از عرضه) قیمت افزایش می یابد.
- قیمت مادامی که خریدارانی برای قیمت های بالاتر در بازار باشند افزایش خواهد یافت، و یا این که در قیمت های بالاتر فروشندگان با عرضه خود فشار کافی برای غلبه به تقاضا ایجاد کنند.
- زمانی که جریان سفارشات نزولی باشد (عرضه بیشتر از تقاضا) قیمت کاهش می یابد.
- قیمت مادامی که فروشندگانی حاظر به قیمت های پایین تر در بازار باشند کاهش خواهد یافت، و یا این که در قیمت های پایین تر خریداران با تقاضای خود فشار کافی برای غلبه به عرضه ایجاد کنند.

یا ساده تر بگوییم:
قیمت از نتیجه تصمیمات جمعی معامله گران افزایشی یا کاهشی حرکت میکند،

تصمیمات خرید یا فروشی که از طریق آنها در بازار اعمال می شوند.

نکته: برخی از واژه هایی که ما در اینجا استفاده می کنیم عبارتند از:

فشار افزایشی: مجموع همه تقاضاها در بازار (نیروهایی که تلاش می کنند قیمت به بالا حرکت کند).

فشار کاهشی: مجموع همه عرضه ها در بازار (نیروهایی که تلاش می کنند قیمت به پایین حرکت کند).

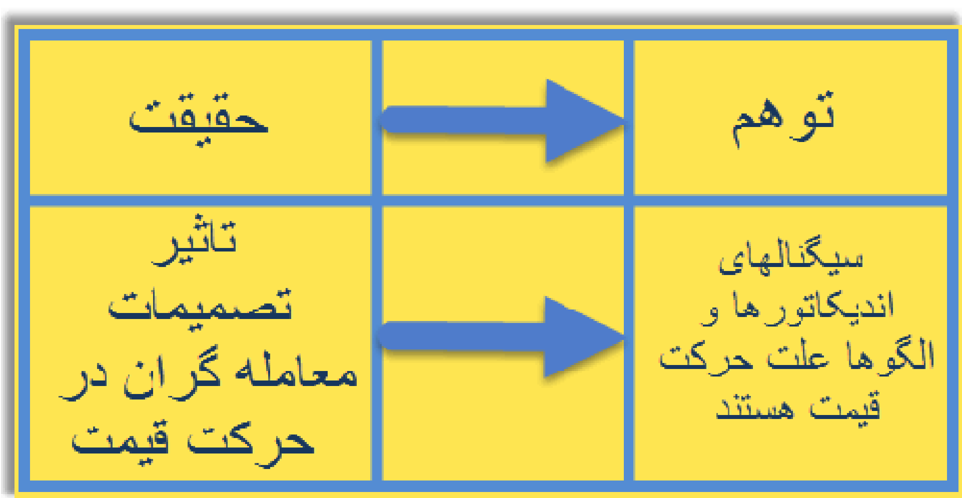
جریان سفارشات: نتیجه فشار افزایشی ویا کاهشی است که اگر وزن خالص تقاضاها بیشتر باشد قیمت به بالا حرکت می کند و اگر وزن خالص عرضه ها بیشتر باشد قیمت به پایین حرکت می کند. از این پس این واژه را به صورت (NOF) نام می بریم.

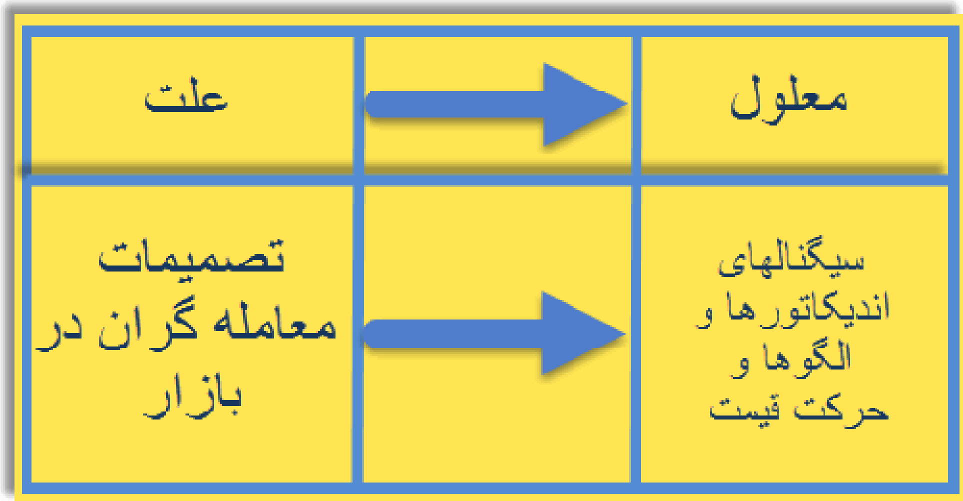
2.2.5 – بازار چیست؟

بیشتر معاله گران حرکات قیمت را به سادگی در بازار می بینند، آنها به چارت نگاه می کنند و به وسیله اندیکاتورها و یا الگوها آنچه که به نظرشان درست است را فیلتر می کنند.

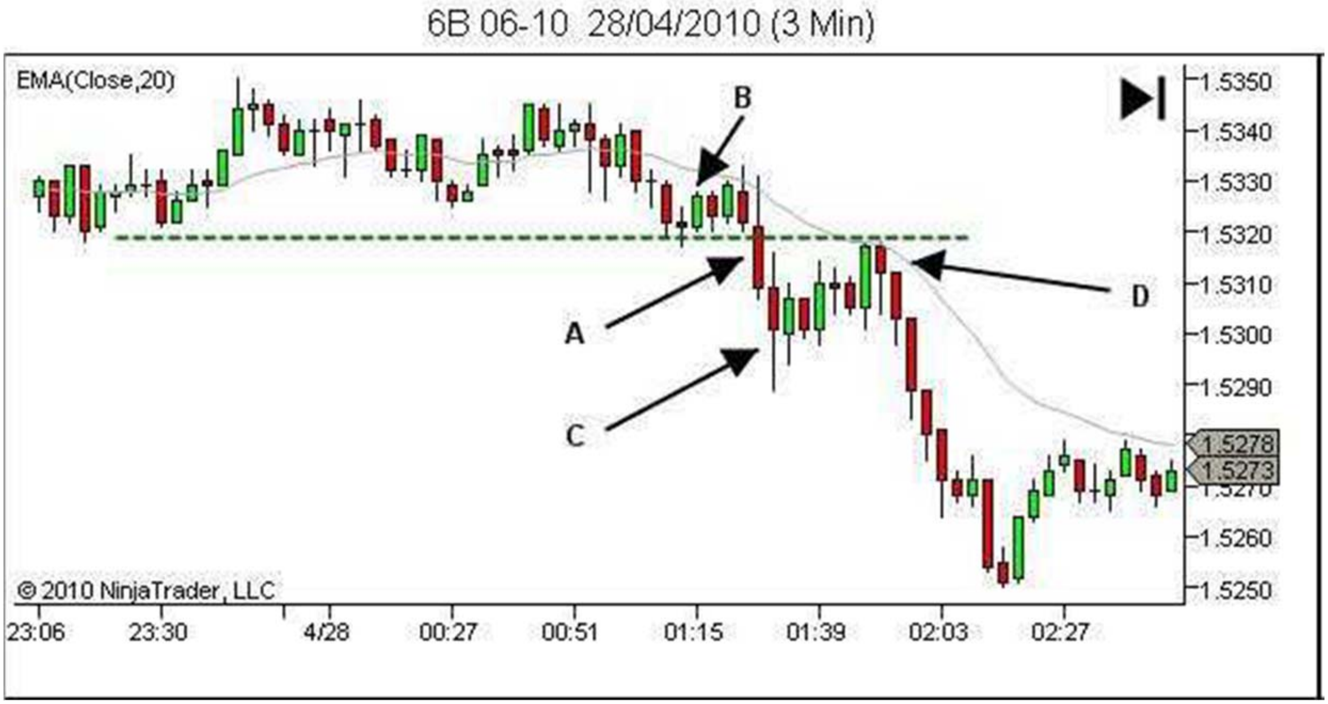
بر اساس تمثیل غار افلاطون آن معامله گران با سایه ها معامله میکنند; توهم.
آنها درک نمی کنند که واقعیت اصلی در پشت قیمت نهفته است.
یا اگر شما علت و معلول را در خاطر داشته باشید آنها با تکیه بر معلول معامله می کنند.

.... اینها علت حرکت قیمت نیستند، ماهیت واقعی بازار این است که معامله گران با تصمیمات خود بازار را می سازند.
معامله گران با تصمیماتشان جریان سفارشات را می سازند که این تنها علت حرکت قیمت است.





ما بازار را به عنوان یک تجمع گروهی معامله گران میبینم با تصمیمات و اعمال متاثر از تمایلات افزایشی و کاهشی خود که جریانسفارشات افزایشی یا کاهشی را ایجاد. می کنند که این علت حرکت قیمت است
شاید. شما فکر کنید که این بی ربط است؛ اشتباه می کنید
این تفاوتی ظریف اما واقعی است. تا زمانی که شما این مهم را درک نکنید، به اندیکاتورها و الگوها خواهید چسبید و به سادگی به گذشته بازار نگاه خواهید کرد و. انتظار دارید در حرکات آینده بتوانید از آنها کسب سود کنید
بازار از تصمیمات احساسی معامله گران ساخته می شود؛ بازار نتیجه حرکت قیمت. نیست
زمانی که ما به یک چارت نگاه می کنیم حرکات قیمت را نمی بینیم، بلکه تصمیمات احساسی معامله گرانی را می بینیم که بر این اساس خرید و فروش انجام. می دهند و کنار می ایستند
تنها در این زمان است که شما درک میکنید که اینها فرضیات نادرست هستند و همه. چیز در تصمیمات و اعمالِ دیگر معامله گران نهفته است
اجازه دهید به این مثال نگاه کنیم



.را نگاه کنید A فقط بریک اوت نقطه
در نظر بگیرید که حرکت قیمت از دیدگاه دیگر معامله گران چگونه است و حرکت
.قیمت چگونه تحت تاثیر تصمیمات آنها هست
ببینید که خرسها (معامله گران با تمایل و تفکرات کاهشی) با پیش بینی و حرص
با سفارشات فروش وارد می شوند و انتظار قیمتهای پایین تر به دنبال A در محدوده
.بریک اوت را دارند
B و می بینیم که گاوها (معامله گران با تمایل و تفکرات افزایشی) که در محدوده
.خرید کرده اند منتظر حمایت این سطح نگهدارنده هستند
این افراد وحشت زده هستند، اینها در افت سرمایه هستند، قیمت به سرعت بر
خلاف آنها حرکت میکند. با فعال شدن حدضرر اینها فشار کاهشی بیشتر میشود و
.قیمت برای قیمت های پایین تر حرکت می کند
.معامله گران تصمیمات معاملاتی می گیرند
توقف میکند ما تنها یک سوئینگ (نوسان) نمی C زمانی که قیمت در محدوده
وارد فروش شده اند در A بینیم، بلکه می بینیم معامله گرانی که در بریک اوت
کوتاه مدت سودهای خود را برداشت می کنند. این برداشت سود باعث فشار
افزایشی و آهسته شدن حرکت بریک اوت می شود. و در همین حال خریدارای در
همین منطقه به امید این که این بریک اوت شکست خورده خرید انجام میدهند، این
تصمیمات معامله گران به اندازه کافی تعادل عرضه و تقاضا را برای صعود تغییر می
.دهد
.نمی بینیم D ما فقط یک پولبک در منطقه

را از دست داده بودند اکنون با شور و شوق A معامله گرانی که فروش در محدوده از این فرصت دوم برای فروش استفاده میکنند و همچنین معامله گران فروشنده در نقطه A از این فرصت دوباره برای اضافه کردن حجم معامله خود استفاده میکنند که هر دو این سناریو ها فشار نزولی را افزایش میدهند.

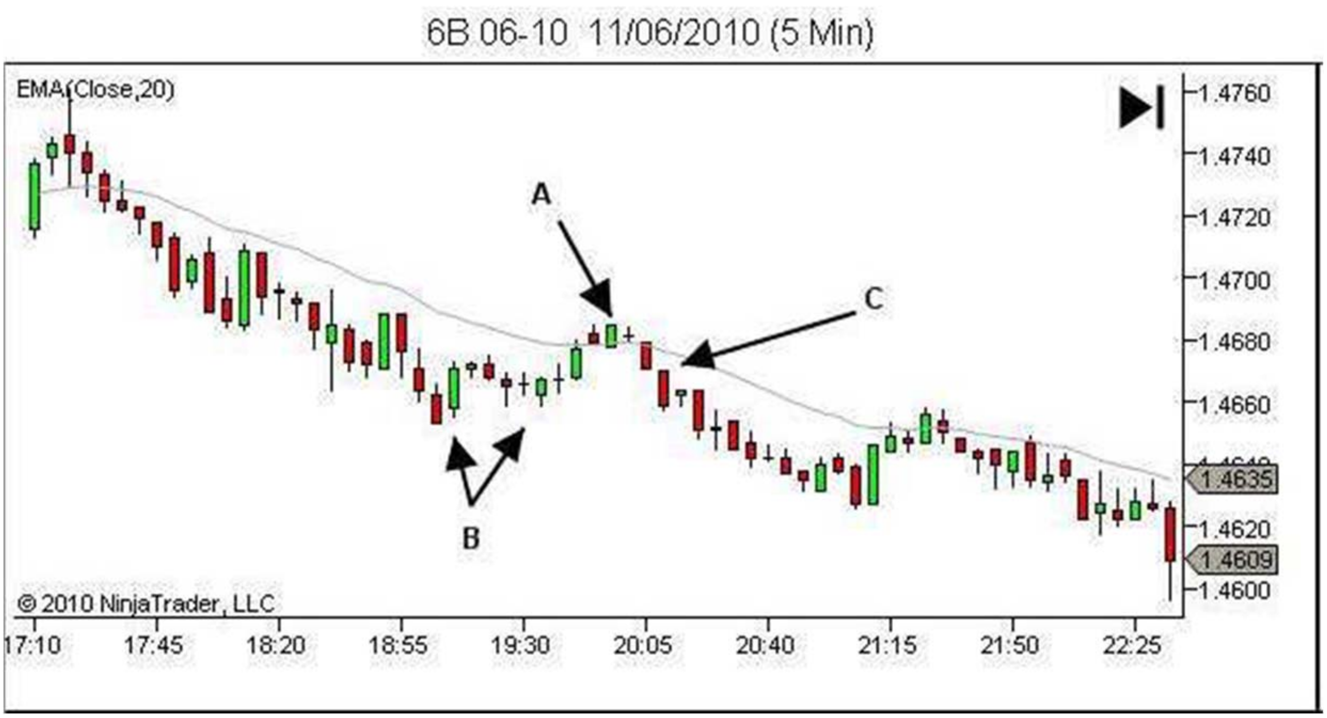
خرید کرده بودند با مشاهده پولبک از B همچنین برخی خریدارانی که در محدوده فرصت استفاده کرده و با ضرر اندک خرید خود را می بندند که این هم به فشار نزولی می افزاید.

خرید کرده بودند با مشاهده این شواهد سود C از طرفی خریدارانی که در محدوده خود را برداشت میکنند که این نیز باعث افزایش فشار نزول می شود.

زمانی که این فشارهای نزولی ایجاد می شوند قیمت مجددا به حرکت نزولی خود ادامه می دهد و خریداران محدوده D که از خرید خود در محدوده B و C خارج نشده بودند حدضررهایشان در زیر محدوده C فعال می شود و این باعث می شود فشار نزولی بیشتری ایجاد و حرکت نزولی با قدرت بیشتری ادامه یابد.

تمام این تصمیمات معاملاتی منجر به ایجاد جریان سفارشات فروش و در نهایت سقوط قیمت شدند.

یک مثال دیگر...



در بازار معاملاتی نگاه کنید A به پولبک محدوده.

در نظر بگیرید که حرکت قیمت از دیدگاه دیگر معامله گران چگونه است و حرکت قیمت چگونه تحت تاثیر تصمیمات آنها هست.

تعداد بیشماری از معامله گران یک تمایل طبیعی برای مخالفت با روند دارند، این دسته از معامله گران به دنبال فرصت هایی هستند که یک حرکت بلند مدت را از ابتدای آن (محل چرخش قیمت) وارد شوند.
ببینید این گاوها (معامله گران با تمایل و تفکرات افزایشی) با پیش بینی و حرص با امید قیمتهای بالاتر خرید می کنند، و با انتظار خود برای رسیدن به B در محدوده قیمت های بالاتر و فرصتی برای لاف زدن به دوستانشان در مورد این که چطور یک روند صعودی بلند مدت را از ابتدای آن معامله کرده اند، جریان معاملاتی را ایجاد می کنند که باعث صعود قیمت در کوتاه مدت و شکل گیری پولبک می شود.
می رسد، می بینیم که سطح ترس خریداران A زمانی که قیمت به محدوده با مشاهده توقف قیمت در سه کندل بیشتر می شود B محدوده.
این در حالی است که معامله گران دانا (حرفه ای) که مایلند در مسیر روند به عنوان یک فرصت ایجاد شده توسط پولبک نگاه می A معامله کنند به محدوده کنند تا بتوانند مجدد در این محدوده یا به حجم فروش خود اضافه کنند و یا برای اولین بار فروش انجام دهند، که این امر باعث ایجاد فشار نزولی بیشتر و در نتیج غلبه به فشار کوتاه مدت پولبک میکند.
که حرفه ای تر از خریداران B می بینیم که برخی خریداران محدوده C در محدوده دیگر این محدوده هستند با مشاهده حرکت نزولی قیمت به سمت پایین از معامله خرید خود خارج مشوند که این باعث ایجاد فشار نزولی و در نتیجه کاهش بیشتر قیمت می شود. اینها خریدارانی هستند که درک میکنند که این صعود تنها یک پولبک بوده.

2.2.6 – خلاصه ای از ماهیت واقعی بازار



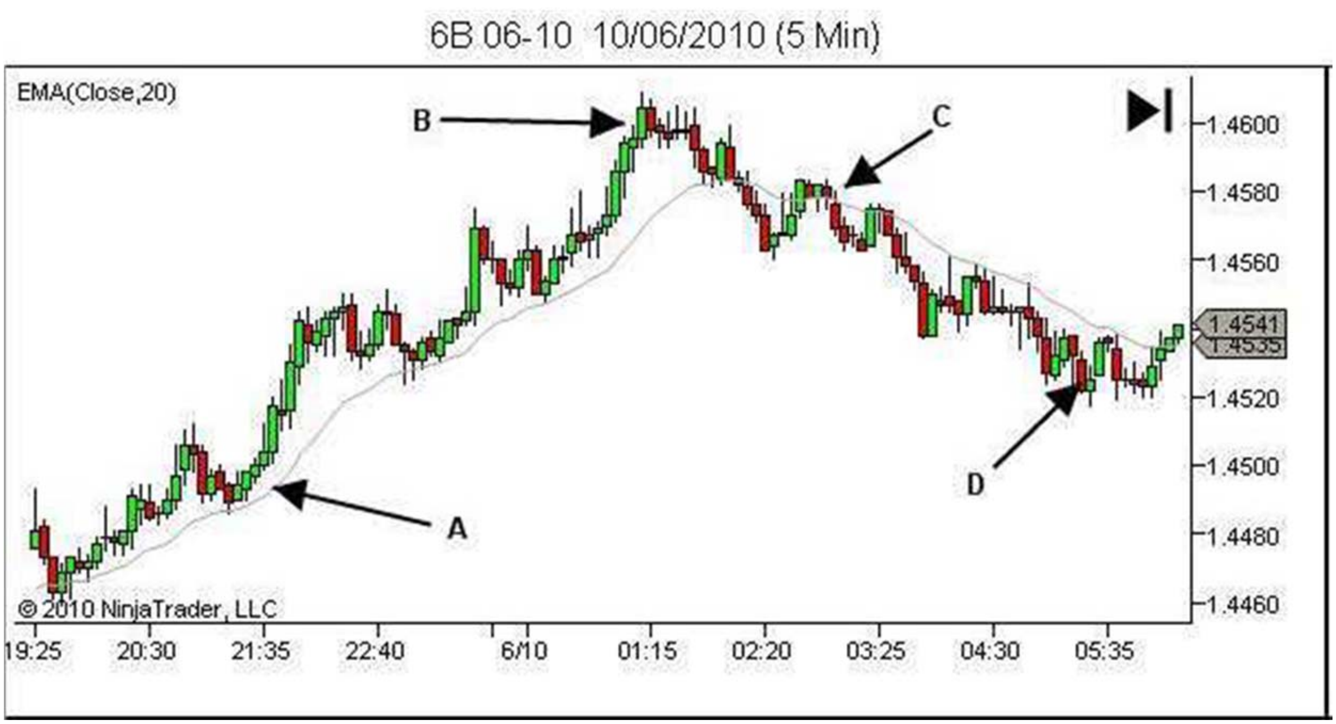
تصمیمات معاملاتی معامله گران واقعیت بازار است.
این بستگی به مردم دارد نه قیمت.
تصمیمات معاملاتی هر معامله گر بر اساس درک او از بازار ایجاد می شوند.
وزن متاثر از اعمال معامله گران در بازار نتیجه تصمیمات افزایشی، کاهشی یا خنثی آنها است که با جریان سفارشات خود منجر به حرکت قیمت به صورت صعودی، نزولی یا رنج می شوند.
باید یاد بگیریم که حرکات قیمت را از چشم انداز دیگر معامله گران نگاه کنیم و این

که چگونه قیمت در اثر تصمیمات آنها حرکت می کند.
هنگامی که ما به یک چارت نگاه می کنیم، حرکات قیمت را نمی بینیم؛ ما اعمال دیگر معامله گران را می بینیم که براساس ترس، امید، ادراک و تجربیات خود تصمیم گرفته و متعصبانه به آن عمل می کنند.
شاید شما فکر کنید که این تاثر زیادی ندارد و یا حتی بی ربط است، شما سخت در اشتباهید. این تعریف مهمی در راه معاملاتی ما است و ارتباط بالایی با بخش بعدی کتاب دارد، آنجا ما بازی معامله گری و واقعیات مربوط به آن را یاد خواهیم گرفت.

2.3 – واقعیت بازی معامله گری

2.3.1 – ما چگونه سود می کنیم؟

ابتدا عذر خواهی می کنم..... مانند بخش قبلی بایست از مفاهیم ابتدایی شروع کنیم که هرکسی که مدتی در بازار بوده با آنها آشنا هست، لطفا این بخش را رد نکنید؛ این برای شما بسیار مهم است به خصوص اگر هنوز به سود مستمر نرسیده باشید که این نشان می دهد برخی مفاهیم کلیدی را هنوز نمی دانید یا درک نکرده اید و برای این که بفهمید چرا استراتژی شما کار نمی کند نیاز به این زیرساخت دارید.
بیایید فرض کنیم هدف ما بجای معامله گری، کسب سود از بازار است.
برای اکثر ما (به استثنای برخی معامله گران) سود از حرکت قیمت حاصل می شود، در تصویر زیر ممکن است برخی با خرید در پولبک محدوده A و برخی دیگر با فروش در محدوده B و برخی با فروش در محدوده پولبک C و عده دیگر با خرید در منطقه D سود کسب کنند.



سود، ناشی از حرکت قیمت و توانایی شما در خرید در قیمت های پایین تر و فروش در قیمت های بالاتر و بالعکس است.

اینجا یک نکته مهم وجود دارد؛ برای کسب سود نیاز به حرکت قیمت در جهت تشخیص شما پس از ورود شما به معامله است.
اجازه دهید این را با چشم انداز دیگری نسبت به دیگر معامله گران و درک جدید ما از واقعیت بازار و واقعیت حرکات قیمت مطرح کنیم.
یک موقعیت صعودی را برای کسب سود در نظر بگیرید؛ شما بعد از خرید نیاز به یک حرکت صعودی دارید، حرکت صعودی قیمت متاثر از جریان سفارشات افزیشی دیگر معامله گران است که این از تمایلات صعودی آنها ایجاد می شود – تصمیم خرید دیگر معامله گران. پس برای این که شما سود کسب کنید باید دیگر معامله گران همزمان و همچنین بعد از شما تصمیم خرید داشته باشند.
حال همین مفهوم برای یک موقعیت نزولی؛ شما بعد از فروش نیاز به یک حرکت نزولی دارید، حرکت نزولی قیمت متاثر از جریان سفارشات کاهشی دیگر معامله گران است که این از تمایلات نزولی آنها ایجاد می شود – تصمیم فروش دیگر معامله گران. پس برای این که شما سود کسب کنید باید دیگر معامله گران همزمان و همچنین بعد از شما تصمیم فروش داشته باشند.
بدون تداوم و حمایت جریان سفارشات هم جهت دیگر معامله گران، همزمان و بعد از زمان تصمیمات شما سودی برایتان حاصل نمی شود.

تجزیه و تحلیل برای سود– 2.3.2 مبنای واقعی برای سود

جهت تجزیه و تحلیل شما باید به روش زیر باشد.

- **خرید در مناطقی که میدانید دیگران همزمان و بعد از شما نیز خرید خواهند کرد، زیرا خرید آنها جریان سفارشاتی را ایجاد میکند که منجر به فشار صعودی و در نتیجه افزایش قیمت است و این فرصت کسب سود را برای شما فراهم می کند.**
- **فروش در مناطقی که میدانید دیگران همزمان و بعد از شما نیز فروش خواهند کرد، زیرا فروش آنها جریان سفارشاتی را ایجاد میکند که منجر به فشار نزولی و در نتیجه کاهش قیمت است و این فرصت کسب سود را برای شما فراهم می کند.**

ساده تر بگویم، خرید در مناطقی که دیگران بعد از شما خرید میکنند و فروش در مناطقی که دیگران بعد شما می فروشند.
برای انجام این باید تجزیه و تحلیل شما بر مناطقی که دیگر معامله گران تصمیم می گیرند متمرکز باشد.

سایر معامله گران چه فکر میکنند؟ انها در چه مناطقی تصمیم معاملاتی می گیرند؟
به شناسایی مناطقی که دیگران در آن تصمیم خرید میگرند و شما می توانید سود کنید بپردازید.
به شناسایی مناطقی که دیگران در آن تصمیم فروش میگرند و شما می توانید سود کنید بپردازید.
تجزیه و تحلیل قیمت مهم نیست، بلکه تجزیه و تحلیل تصمیمات دیگر معامله گران مهم است.

اگر شما برای درک این موضوع نیاز به مطالعه بیشتر دارید، مقاله زیر را مطالعه کنید:
http://yourtradingcoach.com/trading-process-and-strategy/Rock-Paper-Scissors-A-Trading-Analogy/
این یکی از مقالات مورد علاقه من است که به صورت تصادفی به بررسی دیگر جنبه های بازی معامله گری می پردازد.
اگر شما بدانید حریفتان به چه فکر می کند آنگاه می توانید او را شکست دهید.
معامله گری یعنی همین، اگر شما بدانید دیگر معامله گران چه فکر می کنند آنگاه می توانید از معاملات خود سود کسب کنید.

آیا ما می توانیم بفهمیم که دیگر معامله گران چه فکر می کنند؟

تصمیمات و اقدامات فردی معامله گران را نمی توانیم بفهمیم، چون هر کدام ازآنها به دلایل مختلفی معامله میکنند. همه ما دارای تصمیمات معاملاتی با دلایل مختلف هستیم.
عوامل خارجی مختلفی در هر زمان خاص بر تصمیمات ما تاثیر دارند.اعم از فاندامنتال، تکنیکال، تم های بین بانکی، تمایلات کلی بازار (ریسک ریسک گریزی)، نظرهای منتشر شده از رسانه ها – اقتصاددانان / پذیری مقامات مالی و غیره — مدیران شرکتها
ترکیب اینها با عوامل درونی ما که در تصمیات گیری ما تاثیر دارند.....
محدودیت های حافظه (استفاده تجربیات) – محدودیت پردازش اطلاعات
تصمیمات هوشمندانه / متعصبانه – وضعیت روحی – – خطاهای ادراکی
حواس پرتی (عدم تمرکز) و حتی استعداد – – ارزش ها و نظام باورها
ما در نفوذ و شناخت روانشناسی جمعی که یک گروه چگونه فکر می کنند وبه همین خاطر ممکن نیست که فهمید هر شخص چه فکر یا عملی می کند.
قیمت یک نمایش واقعی از ارزشهای بنیادی نیست، بلکه نماینده تمایلات گروهی هست که بنا به دلایل مختلف تصمیات مختلف در بازار می گیرند.

بنابراین حرکت قیمت بر پایه روانشاسی هست، و این یک فاکتور حرکت قیمت را نمی توان با ریاضی / فیزیک .احساسی است نه ریاضی پیشبینی یا پیشگویی کرد و من هرگز چنین انتظاری ندارم.
تصمیمات فردی معامله گران غیر قابل مشاهده است.
و ما می توانیم از تمایلات جمعی در هر زمان نتیجه گیری کنیم.
با این حال هدف ما شکست نخورده است.
هرچند که به طور کلی درست است، اما به یاد داشته باشید که عدم تعادل عرضه و تقاضا در واقع به این معنی نیست که تعداد بیشتری در یک سمت قرار دارند بلکه این یک عدم تعادل در اوج ناامیدی و اضطرار است.
ما می توانیم از طریق تجزیه و تحلیل خود مناطقی را که گروههای قابل توجهی از معامله گران در آن تحت تنش شدید هستند و در نتیجه مجبور به اقدامات منطقی و قابل پیشبینی هستند را کشف کنیم.
در زمان تنش تصمیمات و اقدامات تا حد بسیار زیادی قابل پیشبینی میشوند و به طور معمول اقدامات با نومیدی و فوریت بیشتری انجام میشوند. ما دقیقا به دنبال همین مناطق هستیم.
این تضمین شده نیست اما به طور کلی کاملا قابل اعتماد است.
تفکرات طبیعت انسان در رفتار گروهی خاص را در زمان های دیگر تنش در نظر بگیرید؛ یک مرکز خرید را فرض کنید، مسیر حرکت هر فرد در آن مرکز خرید تا حد زیادی غیر قابل پیشبینی است و ظاهرا مسیر حرکت تمام مشتریان اساسا تصادفی است.
این کاملا متضاد زمانی است که آنها صدای زنگ خطر آتش را بشنوند، زیرا در این حالت مسیر حرکت آنها تا حد زیادی قابل پیشبینی خواهد بود و همه مشتریان در جهت نزدیک ترین خروجی ها حرکت می کنند.
ما همین مفهوم را در تجزیه و تحلیل های بازار بکار می بریم.

چه زمانی معامله گران بیشتر تحت تنش هستند؟

- زمانی که یک موقعیت بر خلاف آنها حرکت کرده و آنها در افت سرمایه هستند. در بیشتر موارد آنها به حد اکثر تنش خود در آن زمان می رسند و نهایتا قبول می کنند که دوباره اشتباه کرده اند و باید با ضرر از موقعیت خود خارج شوند.
- هنگامی که در موقعیت سود هستند و قیمت شروع به حرکت در جهت مخالف موقعیت آنها می کند. در برخی از موارد آنها به حداکثر تنش خود در آن زمان می رسند و قبول می کنند که معامله آنها برای بلند مدت صحیح نیست و قبل از این که بازار سود بیشتری به آنها بدهد از مقعیت خود خارج می شوند.

به بیان دیگر در مناطقی که آنها درک می کنند که اشتباه کرده اند و مجبور به اقدام هستند (اقدام به خروج با ضرر یا خروج با سود کمتر نسبت به سود بیشتری که

می توانند کسب کنند).
هدف ما ورود قبل یا در زمان حداکثر تنش است، زمانی که آنها درک می کنند که اشتباه کرده اند.
تصمیم خروج آنها به این معناست که آنها می خواهند از تنش خود خلاص شوند.
این جریان سفارشاتی را ایجاد می کند که منجر به کسب سود ما از موقعیتهای ما می شود.

بازی واقعی معامله گری

تجزیه و تحلیل تصمیم گری دیگران بازی واقعی معاملاتی است.
هدف درک تمام حرکات قیمت از چهار چوب تصمیمات و اقدامات دیگر معامله گران است.
هدف مشخص کردن موقعیت هایی هست که تعداد فراوانی از معامله گران در آن تصمیم گیری های اشتباه انجام داده اند، آنها درک میکنند که دوباره اشتباه کرده اند و با ضرر خارج می شوند و با این کار یک جریان سفارشات ایجاد میکند. هدف من کسب سود از این جریان سفارشات، دقیقا همزمان یا قبل از شروع آن است.
به بیان ساده من به دنبال پیدا کردن بازنده ها بر روی چارت هستم.
این یک بازی است، من از ضررهای آنها سود می کنم. اما این ماهیت این بازی است و من این را قبول دارم.
این خیلی مقدماتی است ولی خیلی از معامله گران اصلا به آن اهمیت نمی دهند. معامله گری، همه چیز در مورد مردم و تصمیمات آنهاست.

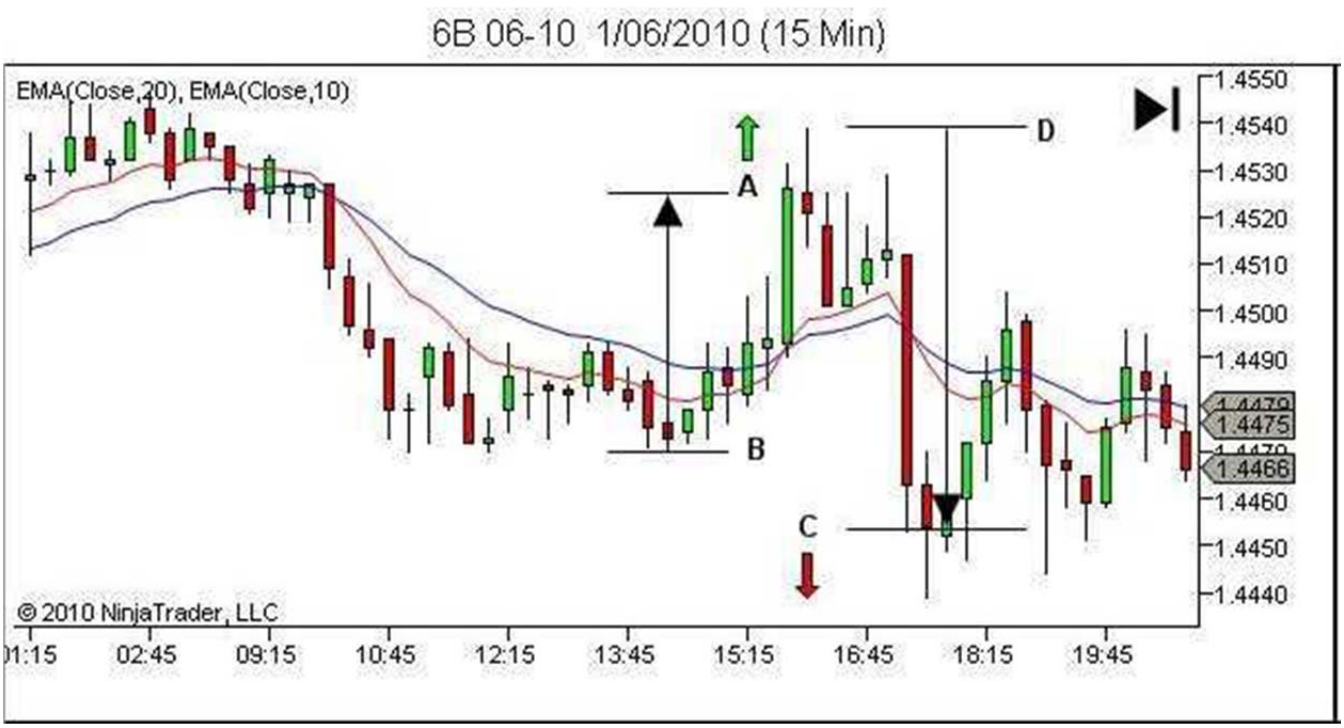
2.4 – استراتژی های موثر در برابر استراتژی های غیر موثر

در جلد ۳ و ٤ ما یک روش مدیریت برای تجزیه و تحلیل بازار را به شما ارائه خواهیم کرد. شناسایی ستاپ ها، ورود به معامله و مدیریت معامله که به طور فراوان در مورد اینها بحث خواهیم کرد.
این یک استراترژی موثر است که بر پایه ماهیت واقعی بازار و بازی معامله گری بنا شده است.
یک استراتژی موثر بر پایه تجزیه و تحلیل علل عرضه و تقاضا و ارزیابی مسائلی که تصمیمات معامله گران را تحت تاثیر قرار میدهد می باشد.
دانستن این که چرا و چگونه قیمت از کجا در چارت حرکت خواهد کرد، قیمت به کجا خواهد رفت، تعداد قابل توجهی از معامله گران در کجا به دام تنش افتاده اند و مجبور به اقدام اضطراری هستند، جریان سفارشات حرکت قیمت را چگونه شکل خواهند داد.
تجزیه و تحلیل موثر اجازه میدهد تا ما موقعیت های بالقوه با احتمال بالا را شناسایی کنیم، که اگر این کار به درستی انجام شود ریسک معاملات بسیار کم شده و در عوض سود آنها بیشتر خواهند شد.

تجزیه و تحلیل موثر به ما امکان میدهد تا معاملات خود را به صورت فعال مدیریت کنیم، معاملاتمان را تا زمانی که دیگر معامله گران مطابق انتظارات ما عمل می کنند نگه داریم، یا قبل از این که حرکت قیمت بر انتظارات ما پیش نرفت بتوانیم .بدون ضرر یا با حداقل ضرر ممکن از بازار خارج شویم
تجزیه و تحلیل موثر به ما امکان می دهد تا اهداف قیمتی را از طریق شناسایی مناطقی در چارت که دیگران خلاف جریان سفارشات وارد شده اند و زمینه ساز .سود بیشتر ما می شوند مدیریت کنیم
B قیمت به زیر سطح A تصویر زیر یک تجزیه و تحلیل موثر را نشان میدهد. در کندل نفوذ کرده، معامله گرانی که با شکست سطوح (بریک اوت) و سیگنال اندیکاتور ها معامله می کنند به احتمال زیاد در این محدوده به سمت پایین وارد شده اند، در حالی که تجزیه و تحلیل موثر شاناسایی این واقعیت است که قیمت در محدوده قیمت .در تایم فریم بالاتر وارد شده و یک صعود رخ خواهد داد C حمایتی سطح های پایین ترِ محدوده حمایتی به احتمال زیاد جریان سفارشات افزایشی را ایجاد خواهند کرد، بر خلاف بریک اوت. ما تشخیص می دهیم که خروج این معامله گران ماشه ورود ما .با ضرر موجی از جریان سفارشات افزایشی را ایجاد خواهد کرد
E و اولین قسمت سود در محدوده A می باشد با حد ضرر زیر کندل D محدوده است که انتظار داریم برخی از معامله گران در سود به این سود کم قانع خواهند بخش اول .بود و با خروج خود از خرید باعث کند شدن حرکت صعودی می شوند برداشت F سود ما در اینجا کسب شده و باقی مانده سود را در سطح بعدی یعنی .خواهیم کرد



تجزیه و تحلیل موثر، روش معامله گری توده عظیمی از معامله گران نیست. به طور معمول تصمیمات آنها بر پایه آموزشهای متداول تحلیل تکنیکال است با سهم کمی از تجزیه و تحلیل موثر یا هیچ گونه تجزیه و تحلیل در مورد تحلیل عوامل نیروهای عرضه و تقاضا، معمولا آنها فکر نمی کنند که تمایلات دیگر معامله گران چیست و چه تصمیم و اقدامی خواهند داشت.
آنها از ترکیب تحلیل تکنیکال و سیگنالهای اندیکاتورها برای تصمیم گیری خود استفاده می کنند.
فکر می کنید اندیکاتورهای مورد علاقه شما بر چه اساس کار میکنند ؟ آنها معمولا چه چیزی نشان می دهند؟
اندیکاتورهای دنباله رو روند مانند کراس میانگین های متحرکت (یا هر تغیر دیگر چیز پیچیده ای نیست) به سادگی نشان می دهند که قیمت به سمتی با فاصله ای خاص حرکت میکند، که این فاصله به فرمول و محاسبات این اندیکاتور وابسته است.



صادر A سیگنال خرید در محدوده EMA 10/20 در تصویر بالا که کراس مووینگ های را ا دست داده و همینطور B تا A کرده اند، مقدار زیادی از حرکت قیمت در حدفاصل که سیگنال فروش صادر کرده است مقدار زیادی از حرکت C در کراس محدوده را از دست داده است C تا D قیمت در حدفاصل.

این کراس ها و شکست سطوحی که توسط کندلها اتفاق می افتند محل ورود بسیاری از معامله گران هستند.
تائیدیه های بیشتر برای اقدام به ورود، با فاصله انداختن بیشتر بین سطح ورود و سطح شروع حرکت، ریسک معاملات را افزایش می دهند (بیشتر شدن فاصله سطح ورود با سطح حد ضرر)، و از طرفی به دلیل نزدیک کردن سطح ورود به سطح حد سود، پتانسیل سود دهی را نیز کم میکنند.
حرکت قیمت یک فاصله معینی از نقطه شروع نخواهد داشت و هیچ تضمینی برای مقدار حرکت آن نیست. در برخی موارد حرکت ادامه خواهد یافت و در برخی موارد دیگر اینچنین نیست. معامله گران تازه کار به سادگی این سیگنال ها را معامله می کنند و امیدوارند که حرکت قیمت همچنان به نفع آنها ادامه خواهد داشت. آنها خودشان را متقاعد می کنند که این قابل قبول است، زیرا این یک بازی احتمالات است و این بازی به سیگنال نیاز دارد. هر بار که شکست می خورند قبول نمی کنند که تجزیه و تحلیلی موثر تر از تجزیه و تحلیل تکنیکی وجود دارد، که نه تنها موقعیت های محتمل تر را شناسایی می کند بلکه ریسک را نیز کاهش می دهد.
اما همچنان به دنبال کسب اطلاعات بیشتر در مورد تنظیمات مختلف اندیکاتور ها برای شناسایی حرکات بالقوه هستند.
اینها هرگز به عمق بازار توجهی نمی کنند، این که کجا در ساختار تایم فریم بالاتر سیگنال صادر شده است؟ اینها همیشه در موقعیت هایی هستند که به احتمال بالا جریان سفارشات بر خلافشان ایجاد می شوند.
در چه محدوده ای وسعت بیشتری برای حرکت قیمت وجود دارد و در نتیجه پتانسیل کسب سود را بیشتر می کند؟ چه پتانسیلی از سود ممکن است؟ و کجا نسب سود به ریسک بهتر است.



در تصویر بالا همان موقعیت تصویر قبلی مورد بررسی تجزیه و تحلیل موثر قرار می گیرد. A هم سطح محدوده مقاومتی در اینجا می بینیم که کراس خرید در محدوده اتفاق افتاده. D هم سطح محدوده حمایتی C و کراس فروش در محدوده B البته استراتژی شما ممکن است قدری پیچیده تر از کراس ساده مووینگ اوریج ها باشد.

باز هم اصل مسئله همان خواهد بود. همه اندیکاتورها تاخیری هستند و مشتقی از حرکات قیمت هستند که هیچ توانی در پیش بینی آینده ندارند. این از نظر ریاضی غیر ممکن است. (منظور نویسنده این است که با ریاضیات محض پیش بینی آینده غیر ممکن است)

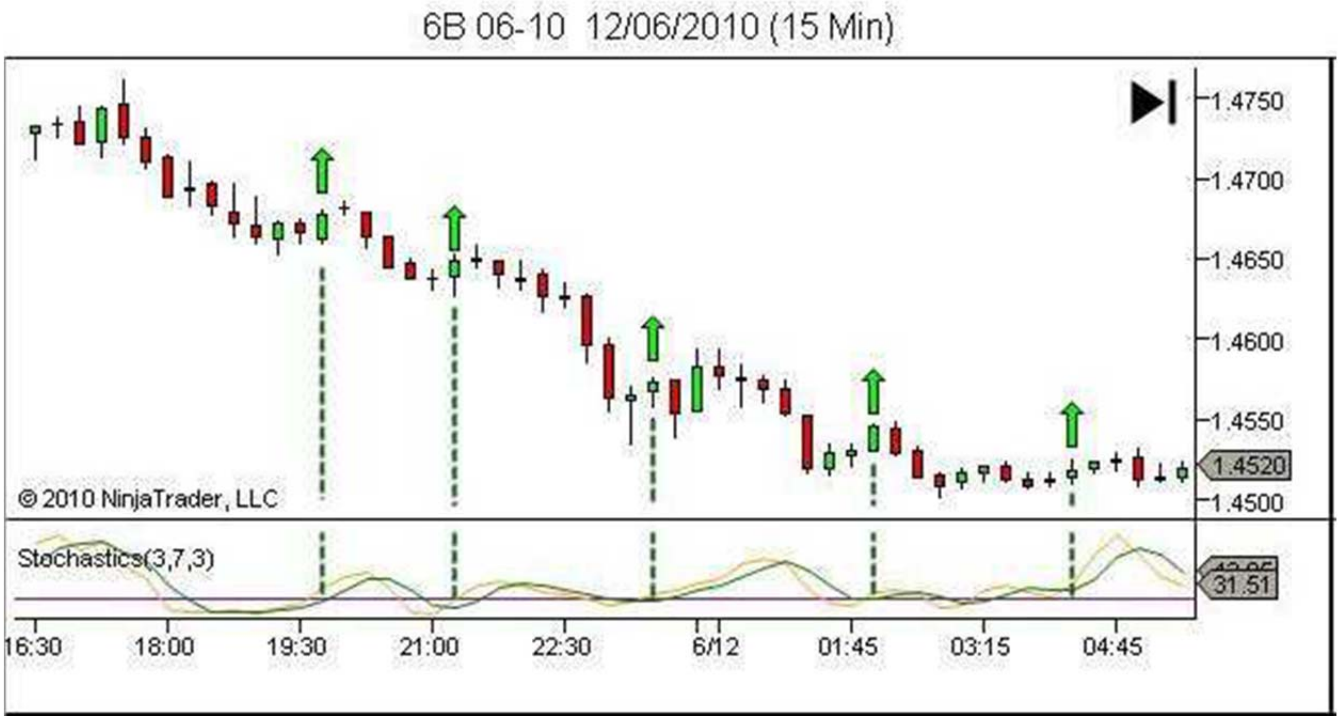
آنها به سادگی این حقیقت را تشخیص می دهند که قیمت به اندازه ای حرکت کرده است، و پس از آن به سادگی وارد معامله می شوند با این امید که در آینده نیز قیمت به حرکت خود ادامه خواهد داد، صرفا به این دلیل که این اتفاق در گذشته رخ داده و بر اساس تاریخچه نمودار این موقعیت سودده خواهد بود. هر چند که همیشه در همه افشای ریسک ها گفته می شود عملکرد گذشته بازار هیچ تضمینی برای تکرار آن عملکرد در آینده نیست.

واقعیت این است که احتمالات در موقعیت های مختلف تغییر می کنند، پس بعید است که موقعیت های آینده با موقعیت های گذشته مطابقت داشته باشند.

اسیلاتورها نیز برای مبنای ورود خیلی بهتر نیستند، بلکه آنها نیز حرکات جاری قیمت را تشخیص می دهند، سیگنال های آنها بر اساس مقدار حرکت قیمت صادر

می شوند. روش آنها این است که تغییرات نوسانی را تا نوسان دیگر محاسبه کنند، اما در اصل آنها برای شناسایی درصد تغییرات قیمت طراحی شده اند.
یک کاربرد مشترک بین اسیلاتورها، ورود بر اساس کراس آنها و یا حرکت در خارج از منطقه اشباع خرید یا اشباع فروش می باشد؛ الگوهای سیگنال دهی اسیلاتورها بر اساس حرکات کند قیمت هستند. معامله بر اساس اسیلاتورها با این انتظار است که با تغییر مومنتم حرکت ادامه پیدا کرده و در نتیجه یک برگشت مسیر (روند جدید) از ابتدای حرکت معامله شود. اما متاسفانه حرکت کند قیمت در یک جهت لزوما نشانه معکوس شدن جهت آن نیست.
مثلا شما در یک روند نزولی یک اندیکاتور را دنبال می کنید، و ممکن است شما با استفاده از قوانین ستاپ و ماشه کمی پیچیده تر از یک سیگنال ساده اسیلاتور تصمیم به ورود بگیرید، اما هنوز اصل همان است. تشخیص یک تغییر در اندیکاتوری که بر اساس مومنتم می باشد لزوما دلیل بر تغییر جهت قیمت نیست.
یک بار دیگر تنظیمات اسیلاتور / اندیکاتور را تغییر می دهید و قوانین ستاپ و ماشه را بهینه می کنید ولی آیا سیگنالی که در تایم فریم بالاتر ایجاد شده را تشخیص می دهید؟ اتفاقی که رخ میدهد این است که در محدوده هایی وارد می شوید که جریان سفارشات مخالف شما شکل می گیرند، با تائیدیه های بیشتر که مقرر کردید نقطه ورود شما نسبت به محدوده شروع حرکت دورتر می شود و در نتیجه ریسک بیشتری را متحمل خواهید شد و از طرفی نقطه ورود شما به هدف نزدیک تر شده و پتانسیل سود کمتر می شود.

ساده ترین مثال برای شکست این ابزارها این است که سیگنال اسیلاتورها در مبارزه با روند قوی هستند که به این منظور شکل زیر نشان داده می شود.



انسان ذاتا در هر زمینه ای به دنبال شناسایی الگو هاست، این گرایش ذاتی انسان است که الگوهایی که کار میکنند را ببیند و سودهای کلان از آنها بسازد و الگوهای شکست خورده را فیلتر کند.

تشخیص حرکت معین قیمت از محل ماشه یک نوع سیگنال آغاز روند (مثلا کراس مووینگ اوریج ها) یک ویژگی برای تمام حرکات بزرگ بازار هاست ولی این پیش گویی برای چنین حرکاتی نیست.

منظور نویسنده این است که سیگنالهای اندیکاتور ها (مثل کراس مووینگ ها) تنها محل و مقدار حرکت قیمت را در لحظه نشان می دهند و توانایی پیش گویی شروع و مقدار حرکات را از قبل ندارند.

به بیان دیگر همه حرکات بزرگ بازار یک کراس مووینگ اوریج دارند، اما همه کراس های مووینگ منجر به حرکات بزرگ قیمت نمی شوند.

به همین ترتیب همه تغییر روندها از یک حرکت آهسته قیمت شروع شده اند اما هر حرکت آهسته قیمت منجر به تغییر روند نمی شود.

اگر می خواهید کورکورانه با اندیکاتورها معامله کنید بسیار مراقب باشید، چون به یقین من در طرف مخالف معامله شما معامله میکنم.

سیگنال های مبتنی بر الگوها معمولا بهتر هستند، این نظر من هست، به وسیله آنها معمولا به طور تمیز بریک اوت هایی را می توان شناسایی کرد که دارای حمایت جریان سفارشات همزمان و در جهت بریک اوت هستند. واقعیت این است که درصدی از این سیگنال ها نیز شکست می خورند. بریک اوت های کاذب یک اتفاق معمول در بازار هستند.

معامله کردن کورکورانه الگوهای بریک اوت باعث می شود در دام بریک اوت های

کاذب بیافتید. تجزیه و تحلیل موثر از نیروهای عرضه و تقاضا و آنچه که به معنای تصمیمات معامله گران است به شما اجازه می دهند تا با آسانی بیشتر بریک اوت های کاذب را شناسایی کنید.
این نیست که بگوییم همه سیگنالهای مبتنی بر اندیکاتورها و الگوها با شکست مواجه می شوند، بدیهی است که اینها نیز به صورت احتمالی هر از گاهی کار میکنند، زمانی که اینها به سادگی صحیح کار میکنند مواقعی است که محدوده صدور سیگنالشان توام با یک جریان سفارشات قوی بر اساس دلیلی منطقی همراه بوده است. تصور می شود سیگنال های اسیلاتورها یا اندیکاتورهای تعقیب کننده روند در جهت روند اتفاقا می افتند در حالی که واقعیت این است که این حرکات کوچک قیمت) یک پولبک در روند اصلی هستند با وقوع جریان)روندها سفارشات کوتاه مدت و ناپایدار. هر چند برخی از سیگنالها هم خردمندانه (منطقی) به نظر برسند ولی مشکل این است که هنوز ماهیت واقعی بازار و حرکت قیمت در آنها وجود ندارد.

آیا بهتر نیست تمرکز خود را در مسیر تفکر برای نیروهای موثر بر عرضه و تقاضا بیشتر کنید و این که چه عواملی بر تصمیم گیری دیگر معامله گران تاثیر گذار هستند؟
در تشخیص اعتبار هر استراتژی معاملاتی دیگر یا توسعه دادن استراتژی معاملاتی خود مطمئن شوید که موارد زیر را رعایت می کنید:
• داشتن توضیحات کامل از چگونگی عملکرد استراتژی.
• آیا استراتزی معاملاتی قادر به تشخیص محدوده هایی که دیگر معامله گران به احتمال زیاد در آنجا تصمیم می گیرند هست؟
• آیا برای ستاپ های ورود به معاملات همه شرایط محتمل در نظر گرفته شده اند؟ به طور دقیق اعم از ساختار تایم فریم بالاتر و فرایند حمایت معامله یا احتمالا شکل گیری جریان سفارشات مخالف و حتی محدودیت و پتانسیل هر سود مد نظر بوده اند؟
اما در تجربه من چنین چیزی بسیار نادر است که یک استراتژی تمام موارد بالا را شامل شود. من استراتژی های بیشماری را سراغ دارم که تنها به دلیل عدم در نظر گرفتن نکات بالا شکست خورده اند.
منبع بی پایانی از سیستم های معاملاتی ارائه شده در انجمن ها و سایتها وجود دارند که همگی به طور واضح غیر موثر اند، زیرا هیچ یک از حقایق بازی معامله گری در آنها در نظر گرفته نشده اند. ما برای معامله گری نیاز به شناسایی محدوده هایی داریم که دیگر معامله گران در آنجا تصمیم گرفته و بعد از ما اقدام می کنند.
سیستم های معاملاتی غیر موثر به طور صحیح حرکات قیمت را شناسایی نمی کنند، ورود پس از وقوع و امید برای ادامه حرکت.

در عوض، دانستن این که حرکات قیمت معلول تصمیمات معامله گران هست و آنها به شناسایی مناطقی روی چارت که دیگر معامله گران تصمیمات خود را می گیرند و به احتمال زیاد جریان سفارشات افزایشی و کاهشی را ایجاد میکنند می پردازند مهم است.
هدف بیشتر دیگر معامله گران این است که معلول حرکات قیمت را پیدا کنند. ولی ما به دنبال علت حرکات قیمت و ورود قبل از آن هستیم. استفاده از جریان سفارشات به هدف اضافه کردن حرکت قیمت و در نتیجه کسب سود بیشتر.
هدف ما ورود با معامله گران حرفه ای قبل از معامله گران خرده پا هست.
و هدف ما نگه داشتن معامله تا زمانی است که از تمام حرکت سود ببریم، یعنی تا جایی که بر روی نمودار بدانیم که دیگر معامله گران تصمیمات مخالف موقعیت ما خواهند گرفت، ایجاد نیرویی مخالف که می تواند حرکت آینده قیمت را محدود کند.

اصول استراتژی موثر من - 2.4.1

اجازه دهید به اصول کلیدی و اعتقادات من بر روی اساس کل استراتژی یک بازنگری داشته باشیم، یک استراتژی معاملاتی موثر بر پایه های زیر استوار است:

- سود هر معامله از شناسایی بالقوه حرکت قیمت قبل از شروع آن و اقدام بر این اساس حاصل می شود، بنابراین سود به حرکت قیمت نیاز دارد.
- حرکت قیمت نشان دهنده تغییر در عرضه و تقاضا است. هر زمان که تقاضا بیشتر از عرضه باشد قیمت افزایش یافته و هر گاه عرضه بیش از تقاضا باشد قیمت کاهش می یابد.
- تغییر در عرضه و تقاضا در اثر تغییرات تمایلات شرکت کنندگان در بازار رخ می دهد.
- بنابراین حرکات قیمت به تمایلات صعودی و نزولی شرکت کنندگان در بازار بستگی دارد.
- رفتار قیمت با تصمیم گیری انسانها شکل می گیرد. با توجه به این که به طور کلی تصمیمات هر معامله گر به صورت مجزا غیر پیش بینی است ما نمی توانیم عوامل و محدودیت هایی که هر فرد با پتانسیل تصمیم گیری خود اعمال می کند را درک کنیم.
- رفتار انسان ها در زمان تنش تا حدودی قابل پیش بینی است (بر اساس یک احتمال نه یقین)، به ویژه زمانی که به آنها ثابت می شود تجزیه و تحلیل شان اشتباه بوده و در یک معامله ضررده قرار دارند. در برخی موارد مجبور به خروج از معامله برای به حداقل رساندن رنج روانی هستند.
- بنابراین با شناسایی مواقعی که تعداد زیادی از معامله گران در تنش هستند، می توانیم محدوده های ستاپ های معاملاتی بالقوه با احتمال بالا را شناسایی کنیم.
- از آنجا که ۱۰۰% معاملات شما برنده نخواهند بود، موفقیت در معامله گری از تعدادی معاملات حاصل میشود که در آنها کل ضررهای وارده از کل سود حاصله کسر و سود خالص شما معین می گردد.

• سود مستمر در تعداد کل معاملات شما زمانی حاصل می شود که استراتژی شما دارای یک لبه باشد. به طوری که:

1 – برای شناسایی مناطقی که دیگر معامله گران در آنها در تنش هستند به اندازه کافی ماهر شده باشید، بنابراین ستاپ های با احتمال بالاتر خواهید داشت.
2 – تمرکز، نظم و انضباط، اعتماد به نفس و روان شناسی شما به اندازه کافی قوی شده باشد تا بتوانید ستاپ هایی را برای ورود شناسایی کنید که نسبت سود به ضرر آن مناسب باشد.
3 – سایز حجم معامله و مدیریت ریسک به طور کامل و واضح از قبل به نحوی برنامه ریزی شده باشند که در صورت وارد شدن ضرر کمترین خسارت در سرمایه شما ایجاد گردد و با یک معامله منفی ضرر زیادی متحمل نشوید (منظور زمان هایی هست که تجزیه و تحلیل برای ورود اشتباه باشد و یا تمایلات در بازار تغییر کنند).
4 – یک معامله گر با تجربه معاملات خود را برای به حداکثر رساندن سود و به حداقل رساندن ضرر مدیریت می کند.

• ممکن است استراتژی را برای شناسایی ستاپ های با احتمال بالاتر توسعه دهید.
• نحوه تعیین سایز مناسب حجم معاملات و مدیریت ریسک را یاد بگیرید.
• در بازار تجربه بیشتری کسب کنید تا با مدیریت معاملات برای خروج از آنها بهره وری خود را بهبود بخشید. اگر چه به دلیل عدم ثبات در بازار هیچ گاه در این کار به طور ۱۰۰% ماهر نخواهید شد.
• احتمال ایجاد نیاز به روانشناس معامله گری برای شما تا بتوانید ترس را در تصمیمات خود به حداقل رسانده و برنامه فرآیند معامله گری خود را به خوبی دنبال کنید.
• به عنوان یک نتیجه گیری، با توجه به موارد بالا ممکن خواهد شد تا در بازار سود کنید.

2.5 – نتیجه

در این فصل یک راه جدید برای نگاه کردن به بازارها و کسب سود از محیط آنها به شما ارائه می شود.
بازار حرکت قیمت نیست، محل تصمیم گیری معامله گران است.
کسب سود بر پایه شناسایی فرصت های با احتمال بالا از موقعیت هایی است که تعداد زیادی از معامله گران در آنها تصمیم می گیرند و در یک مسیر خاص با اقدامات خود جریان سفارشات خالصی را ایجاد می کنند.
ما دیدیم که تصمیمات معامله گران به صورت انفرادی غیر قابل پیش بینی است،

اما با این حال در زمان های تنش تصمیمات آنها تا حد زیادی قابل پیش بینی می شود.
بنابراین رویکرد معامله گری ما به درک اساسی از چگونگی کسب سود از بازار نیاز دارد:

- ما به دنبال شناسایی موقعیت هایی هستیم که معامله گران در آنها تنش زیادی را تجربه می کنند و تصمیمات معاملاتی خود را ناشی از فشار این تنش ها می گیرند و قبل یا حین آن، برای کسب سود از جریان سفارشات اقدام می کنند.

این اصول استراتژی در فصل های آینده ارائه و آموزش داده خواهند شد.
اگر شما در نظر دارید استراتژی معاملاتی خود را بر اساس این اصول توسعه دهید، این اصول بهترین پایه ها خواهند بود. هر چیز دیگری از نظر من حقیر بسیار نا مناسب خواهد بود.
شناسایی مناطقی روی چارت که دیگر معامله گران تصمیمات معاملاتی خود را در آنها می گیرند و شما آنها را به عنوان لبه های ورود خود استفاده کنید.
ورود به معامله قبل از تغییر جریان سفارشات خالص برای شما یک فرصت بزرگ کسب سود را فراهم میکند (در صورتی که شما معامله خود را مدیریت کنید).

فصل سوم – تجزیه و تحلیل بازار

3.1 – معرفی تجزیه و تحلیل بازار

3.1.1 – هدف ما از تجزیه و تحلیل بازار

در این فصل در مورد تجزیه و تحلیل بازار آموزش خواهیم دید، هنوز در مورد معامله گری فکر نکنید. این فصل هیچ ربطی به معامله گری و قوانین ورود و خروج ندارد.
چیزی که ما از طریق تجزیه و تحلیل بازار انجام می دهیم توسعه آگاهی و حفظ تمرکز است.
درک این که قیمت کجا بوده؛ ارزیابی قدرت و ضعف حرکت قیمت و ارزیابی این که اکنون تمایل قیمت به احتمال زیاد چیست و در آینده به کجا خواهد رفت.
یا ساده تر بگوییم:

- قیمت از کجا آمده؟
- تمایل دارد به کجا برود؟



موارد زیر پاسخ این پرسشها را پوشش می دهند:

- چگونگی تجزیه و تحلیل ساختار بازار. شما یاد خواهید گرفت که حرکات قیمت را چگونه در چهارچوب حمایت و مقاوت تجزیه و تحلیل کنید.
- چگونه جهت روند را در ساختار بازار تجزیه و تحلیل کنید.
- چگونگی توسعه شناسایی تمایلات قوی و ضعیف در بازار و شناسایی روند قیمت. در آینده به صورت یک احتمال
- و در پایان نحوه به بهنگام کردن برداشتهای ذهنی خود از طریق اطلاعات جدید بازار. به وسیله دنبال کردن کندل به کندل قیمت

3.1.2 ذهنیت در مقابل عینیت در تجزیه و تحلیل بازار–

بازار. یک موجود عاطفی است
تصمیمات معامله گر نمی تواند به شکل قوانین ثابت تعریف شود، و به همین خاطر حرکت. قیمت را نمی توان با قوانین ثابت تعریف کرد
تلاش برای تعریف کردن بازار با قوانین و قوائد ثابت همیشه به شکست ختم می شود. و این نشان دهنده واقعیت بلاتکلیفی بازار است
ذهن انسان به صورت ناخودآگاه به دنبال به رسمیت شناختن الگوها و توسعه دادن آنها. برای عرضه و تقاضا و مسیر احتمالی آینده قیمت می باشد
نتیجه نهایی تلاش برای تعریف قوانین ثابت برای حرکات قیمت در بازار تنها یک درگیری ذهنی را ایجاد خواهد کرد و تجزیه و تحلیل واقعی به صورت ناخواسته با

.مدل هدف شما متفاوت خواهد بود
تضاد در ذهنیت و عینیت مسبب انجام معاملات ضعیف و مدیریت ضعیف معاملات و .در نتیجه کاهش بهره وری خواهد شد
پاسخ در داشتن هدف بهتر و بیشتر نیست. شما نیازمند سهولت در تفکر و اعتماد .به بینش خود دارید
شما به احتمال زیاد با این ایده مقاومت خواهید کرد. اگر چنین باشد زمانی را برای .تفکر در این باره صرف کنید
از چه می ترسید؟ چرا شما خواهان عینیت در قوانین هستید زمانی که شما می دانید این قوانین تعریفی در حرکت قیمت بازار ندارد؟
ممکن است شما بپذیرید که قوانین عینی نمی توانند حرکات قیمت بازار را تعریف کنند، اما استدلال می کنید که کافی هستند، در این صورت نیاز خواهید داشت که .همه قوانین دارای استثنا باشند و دائما درگیر تغییر استثناهای خود خواهید بود
بهتر است واقعیت را بپذیرید و فعالیت کردن در بازاری که هیچ قطعیتی ندارد را یاد .بگیرید
البته خطر زمانی رخ می دهد که ذهنیت بر پایه چارت خوانی بازار نباشد و بر پایه برخی تعصبات از پیش تعیین شده باشد (منظور نویسنده داشتن پیش زمینه ذهنی و پیش داوری از حرکت قیمت بجای چارت خوانی و دید منعطف و باز می موفقیت نیاز به همگام شدن با جریان بازار و دنبال کردن آن دارد، اگر شما .(باشد هر گاه در مورد حرکت قیمت در یک جهت خاص پیش داوری کنید مطمئنا شکست .پررنجی خواهید داشت
من تضمین می کنم که اگر شما در روش تجزیه و تحلیل خود با تعصب بر روی پیش داوری های خود پافشاری کنید موقعیت های معاملاتی بسیاری را پیدا خواهید کرد و معاملات متعددی را شکست خواهید خورد و پس از تحمل ضررهای بسیار به این .باور خواهید رسید که بازار با شما مخالف و در جنگ است
اگر نتایج شما با انتظاراتتان در میان مدت تطابق ندارد از بازار خارج شوید و به بررسی معاملات خود در چارت بپردازید، می بینید که معاملات شما خلاف روند جاری بازار بوده. حال آیا بازار در جنگ با شما بوده یا شما در حال جنگ با روند .جاری بوده اید
.شما نیاز دارید واقعیت و احساس بازار را بپذیرید
اجازه دهید رفتار بازار به شما بگوید که به کجا خواهد رفت؛ سعی نکنید به آن .بگویید به کجا برود
تجزیه و تحلیل بازار توسط ما یک فرآیند ذهنی است، که در بخش های آینده در این .خصوص آموزش های مربوطه ارائه می شوند

تجزیه و تحلیل گذشته بازار – 3.2
حمایت و مقاومت – 3.2.1

اصول حمایت و مقاومت

برای انجام تجزیه و تحلیل بازار ضروری است که درک و توانایی خوبی برای شناسایی حمایت و مقاومت حاصل کنیم.

حمایت و مقاومت مناطقی بر روی چارت هستند که موانعی برای حرکت قیمت تشکیل می دهند. حمایت به عنوان یک کف عمل می کند و حرکت بیشتر قیمت به سمت پایین را محدود می کند. مقاومت به عنوان یک سقف عمل می کند و حرکت بیشتر قیمت به سمت بالا را محدود می کند.



حمایت و مقاومت از طریق اقدامات معامله گران در بازار شکل می گیرند. شما می توانید از صحبتهای قبلی ما در مورد ماهیت بازار به یاد آورید که حرکات قیمت معلولی از عرضه و تقاضا هستند.

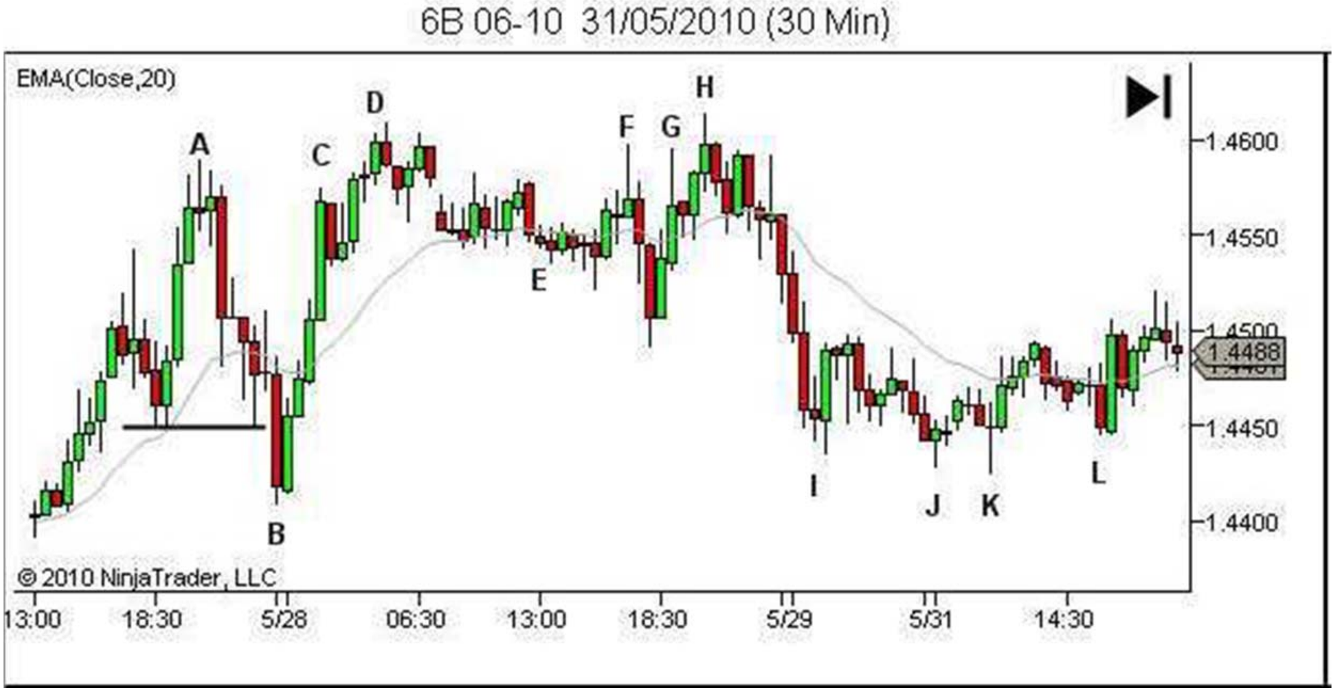
- افزایش قیمت با توجه به تمایلات خالص صعودی و ادامه افزایش تا زمانی که خریداران در بازار حضور داشته باشند، و یا تا زمانی که افزایش عرضه به اندازه کافی برای جذب تمام تقاضاها وجود نداشته باشد اتفاق خواهد افتاد.
- کاهش قیمت با توجه به تمایلات خالص نزولی و ادامه کاهش تا زمانی که فروشندگان در بازار حضور داشته باشند، و یا تا زمانی که افزایش تقاضا به اندازه کافی برای جذب تمام عرضه ها وجود نداشته باشد اتفاق خواهد افتاد.

توجه داشته باشید که در شکل قبل تلاش های متعدد قیمت برای صعود به منطقه

اطراف ۱,٤٦۰۰) به این معنا است که افزایش قیمت در هر بار نشان از)مقاومت تمایلات صعودی و جریان سفارشات صعودی بوده. با این حال در هر بار تلاش قیمت، در این محدوده قیمت متوقف شده و کاهش یافته. دلایل هر بار نزول قیمت موارد زیر است:
1 – معامله گران، علاقه مند به خرید در قیمت های بالاتر نبودند. تقاضاها کمتر میشد و دیگر خریداری در بازار باقی نمی ماند.
2 – قیمت های بالاتر برای فروشندگان حاظر در بازار جذاب بودند. خریداران قبلی اقدام به نقد کردن سود خود می کردند و در نتیجه اینها عرضه نسبت به تقاضا بیشتر می شد.

نتیجه نهایی این دو علت است که، فشار صعودی که معلول رالی قیمت بود نمی توانست به فشار نزولی ایجاد شده غلبه کند. قیمت نزول کرد و یک نوسان بالا (سوئینگ های) جدید در مقاومت ساخت.
توجه داشته باشید که در شکل قبل تلاش های متعدد قیمت برای نزول به منطقه اطراف ۱,٤٤٢۰) به این معنا است که کاهش قیمت در هر بار نشان از) حمایت تمایلات نزولی و جریان سفارشات نزولی بوده. با این حال در هر بار تلاش قیمت، در این محدوده قیمت متوقف شده و افزایش یافته. دلایل هر بار صعود قیمت موارد زیر است:
1 – معامله گران، علاقه مند به فروش در قیمت های پایین تر نبودند. عرضه ها کمتر میشد و دیگر فروشنده ای در بازار باقی نمی ماند.
2 – قیمت های پایین تر برای خریداران حاظر در بازار جذاب بودند. فروشندگان قبلی اقدام به نقد کردن سود خود می کردند و در نتیجه اینها تقاضا نسبت به عرضه بیشتر می شد.

نتیجه نهایی این دو علت است که، فشار نزولی که معلول رالی قیمت بود نمی توانست به فشار صعودی ایجاد شده غلبه کند. قیمت صعود کرد و یک نوسان پایین سوئینگ لو) جدید در حمایت ساخت).
اما علت رخ دادن این نوسانات بالا و پایین در همان سطح ها چیست ؟ و علت تبدیل قطب یک سطح حمایت قدیمی به مقاومت جدید یا بالعکس چیست ؟
تعجب نکنید، اینها حاصل تصمیم گیری های معامله گران است.
اینها تابعی از چگونگی رفتار ما انسانها در بازار است، این که ما ارزش اهداف قیمت را چگونه ارزیابی کنیم و چگونه تصمیم به خرید یا فروش بگیریم.



اجازه دهید این موضوع را با تصویر بالا که همان تصویر قبلی ولی با علامت های متفاوت است بیشتر توضیح دهیم. قیمت به مدت دو روز به صورت آرام در یک روند صعودی به سمت بالا حرکت داشته (در تصویر نمایش داده نشده)؛ قیمت قبل از B یک چرخش کوتاه به سمت پایین (محدوده سوئینگ A حرکت به سمت سوئینگ شتاب گرفته، این یک فرصت دوباره برای خریدارانی A داشته و سپس به سمت (می باشد که فرصت اول را برای خرید در قیمت های پاین تر از دست داده اند.

با در نظر گرفتن اهداف بحثمان، ابتدا به ساکن افکار و ترسهای معامله گرانی را که انجام داده اند در نظر بگیرید A از قبل یک معامله خرید پیش از حرکت تا. طی سه نوسان صورت گرفته در A توجه داشته باشید که حرکت صعودی به سمت تنها با یک حرکت سریع اتفاق افتاده. این کاملا یک B به A حالی که حرکت از ، همراه با یک مقدمه برای احتمال A نوسان نزولی است، برداشت سودها در فروش های جدید، باعث رانده شدن قوی قیمت به عقب شده اند. در سود بوده اند با دیدن چنین حرکت نزولی قوی A برخی خریداران که تا محدوده را از دست داده A به طور طبیعی تاسف خواهند خورد که سود خود در محدوده اند، زمانی که قیمت برای آنها خیلی بهتر از الان بوده. سپس این خریداران دوباره به هدف (A تا B اقدام به خرید می کنند (محل شروع حرکت از B در محدوده

.کسب سود از فرصت دوم
باعث می شود تا برخی معامله گران A افسوس از دست دادن فرصت فروش در تصمیم بگیرند که اگر قیمت دوباره به همان محدوده برسد این بار فرصت را از دست ندهند و در آن زمان فروش انجام دهند. آنها آماده خواهند بود که اگر دوباره قیمت به .برگردد معامله فروش انجام دهند A
اقدام این دسته از فروشندگان و برداشت قسمتی از سود در این محدوده توسط .می شود C برخی خریداران قبلی موجب مکث قیمت به طور موقت در محدوده نیز کاملا صعودی بوده. برخی C تا B توجه داشته باشید که نوسان قیمت از بوده اند عقیده شان C خریداران که در ابتدا مصمم به برداشت سود در محدوده .تغییر کرده و با اعتماد به نفس تصمیم به نگه داشتن محتاطانه معامله دارند انجام شده اند با اعتماد نگه داشته B همچنین برخی معاملات خرید که در محدوده .می شوند
با این حال، این اعتماد به نفس ها به طور جدی باعث رشد قیمت به اندازه قابل .ایجاد شد C نشد و به زحمت محدوده A توجهی بالاتر از محدوده ناتوانی فشار صعودی برای قیمت های بالاتر به این معناست که خریداران جدیدی برای قیمت های بالاتر وجود نداشته اند و معامله گران جدید با انتظار رخ دادن یک .حرکت برگشتی، منتظر موقعیتی مناسب برای فروش در این محدوده بوده اند همچنین به وضوح دیده می شود که بازار تمایلی برای صعود بیشتر در این محدوده به سمت بالا این پتانسیل را دارا بوده که A نداشته، وگرنه شکسته شدن سطح .یک حرکت صعودی قوی دیگری شکل بگیرد
باعث مکث قیمت در این محل شده D برداشت سود خرید های قبلی در محدوده .که این فشار فروش باعث افت قیمت شده است
معامله گرانِ در ضرر به دنبال هر فرصتی E پس از قرار گرفتن قیمت در محدوده هستند تا از این وضعیت رنج و بلاتکلیفی بازار خلاص شوند، چه خریداران و چه فروشندگانِ در ضرر قسم می خورند که اگر قیمت مجددا به سطح ورود آنها برگردد از معامله خارج شوند و از چنین فرصتی تنها برای نجات سرمایه خود استفاده کنند .و به دنبال کسب سود از معامله در ضرر خود نیستند
A - H طبق توضیحات بالا همین سناریو برای فروشندگانی که در محدوده مقاومتی فروش انجام داده اند تکرار خواهد شد.

اکنون بیایید با کمک تصویر بعدی به توضیح مثالی از تغییر قطب سطح حمایت به مقاومت بپردازیم. در این مورد یک سطح حمایت به مقاومت تبدیل شده. در اینجا نیز ما یک بار دیگر به روند فکری و تمایلات معامله گران که بر اقداماتشان تاثیر می .گذارند خواهیم پرداخت



این نشان گر تمام ترس، امید و حسرت معامله گران است.
یک سطح حمایتی وجود داشته که با خط سبز مشخص شده A تا قبل از محدوده
حرکت های نزولی در این منطقه محدود می شده و تقاضاهای افزایشی است.
ایجاد می شدند. حدضرر خریداران (معامله گران هوشمندی که از حدضرر استفاده
در این منطقه زیر این سطح قرار می گرفتند. و در زیر همین سطح (می کنند
معامله گرانی که منتظر بریک اوت قیمت به سمت پایین بودند آماده برای فروش
می شدند.

در ادامه، قیمت این سطح را با موجی نزولی به سمت پایین شکست و تمام
معاملات فروش معامله گران منتظر فعال شد، که این امر موجب ایجاد یک فشار
نزولی قوی و تشکیل یک سوئینگ پایین تر شد.
دسته های مختلف شرکت کنندگان حاظر در این موقعیت را در نظر بگیرید.
توسط معامله گران ناشی، بدون A در مرحله اول، معاملات خریدی را که در محدود
استفاده از حدضرر انجام شده بودند و اکنون در ضرر هستند را در نظر بگیرید، اینها
به خاطر افت سرمایه شدیدی که برایشان ایجاد شده تحت استرس زیادی هستند
و دعا می کنند که قیمت به نزدیکی سطح ورود آنها نزدیک شود تا بتوانند بدون ضرر
از معامله منفی خود خارج شوند. اینها قول داده اند که اگر قیمت به نزدیکی سطح
ورودشان باز گردد از معامله خودشان خارج شوند.
را از دست داده اند شانس A از طرفی معامله گرانی که فرصت فروش در محدوده
نزدیک A خود را لعن می کنند و دعا می کنند که قیمت یک بار دیگر به محدوده
شود، و قول می دهند که اگر قیمت یک بار دیگر به این سطح نزدیک شود از این
فرصت دوباره برای فروش استفاده کنند.

به سمت پایین وارد شده و اکنون A اکنون معامله گران هوشیاری که در بریک اوت در معامله هستند را متصور شوید. آنها طبق برنامه خود مقداری از سود خود را در توقف قیمت در محدوده سوئینگ پایین برداشت کرده اند، و دنبال فرصتی هستند تا دوباره در قیمت های بالاتر از فرصت استفاده کرده و یک بار دیگر اقدام به فروش کنند. بهترین فرصت مطلق در همان نقطه بریک اوت A هست.
می شوند، حدوده ای که قبلا B تمام این تصمیمات منجر به رشد قیمت تا محدوده شده بودند و اکنون بازار A جریان سفارشات نزولی ، باعث نزول قیمت از محدوده به قیمت های بالاتر همان محدوده رشد خواهد کرد.

سپس تصمیمات معاملاتی که قبلا به عنوان حمایت عمل می کردند اکنون به نشانه های وارد شدن B عنوان مقاومت عمل می کنند و با رسیدن قیمت به سطح فشار نزولی متاثر از اقدامات انواع معامله گران را مشاهده می کنیم.
بکار گیری روند معکوس در حمایت قبلی، اکنون به مقاومت تبدیل شده. من شما را به پیدا کردن یک مثال مشابه برای مرور این فرایند فکری تشویق میکنم.
حمایت و مقاومت از طریق تصمیم گیری شرکت کنندگان در بازار ایجاد می شود، تصمیماتی که در یک موقعیت عدم اطمینان گرفته می شوند.
تصمیم برای خرید یا فروش، بر پایه انتظارات فعلی نسبت به محدوده هایی است که قبلا تصمیمات و اقدامات مهمی در آن محدوده ها گرفته شده اند. که به طور خاص آن مناطق منجر به پشیمانی از دادن فرصتی خوب و یا فرصتی برای خروج از ضرر شده اند.
عوامل دیگری وجود دارد که باعث این وضعیت شده اند، ولی پیش بینی آنها از لحاظ روان شناسی بسیار سخت است.
چارتی را با یک محدوده محکم مقاومت فرض کنید، هر بار که قیمت به سمت این محدوده باز می گردد معامله گران انتظار دارند که این مقاومت قیمت را در برابر خود نگه دارد، در نتیجه خریدها کم شده و فروش ها افزایش می یابند. که این امر باعث غلبه فشار نزولی به فشار صعودی شده و منجر به نزول قیمت می شود. انتظارات از مقاومت منجر به ایجاد جریان سفارشات نزولی شده و حرکت به سمت بالا را محدود می کند و در نتیجه مقاومت ایجاد می شود.
همین فرآیند به وضوح در مناطق حمایت نیز قابل شناسایی است. هر بار که قیمت به سمت محدوده حمایت باز می گردد معامله گران انتظار دارند که این حمایت قیمت را در برابر خود نگه دارد، در نتیجه فروش ها کم شده و خرید ها افزایش می یابند. که این امر باعث غلبه فشار صعودی به فشار نزولی شده و منجر به صعود قیمت می شود. انتظارات از حمایت منجر به ایجاد جریان سفارشات صعودی شده و حرکت به سمت پایین را محدود می کند و در نتیجه حمایت ایجاد می شود.
حمایت محدوده ای است که در آن تقاضا بر عرضه غلبه می کند و حرکت قیمت به

سمت پایین محدود می شود.
مقاومت محدوده ای است که در آن عرضه بر تقاضا غلبه می کند و حرکت قیمت به سمت بالا محدود می شود.

شناسایی حمایت و مقاومت

حمایت و مقاومت محدوده هایی هستند که مانع حرکت بیشتر قیمت از یک سطح
در اغلب موارد این ها را به عنوان نقاط چرخش در بازار نشان می دهند .می شوند
(سوئینگ لو و سوئینگ های).
اجازه دهید نگاه کنیم که من چطور این سوئینگ لو و سوئینگ های ها را تعریف می کنم.

سوئینگ های (SH)

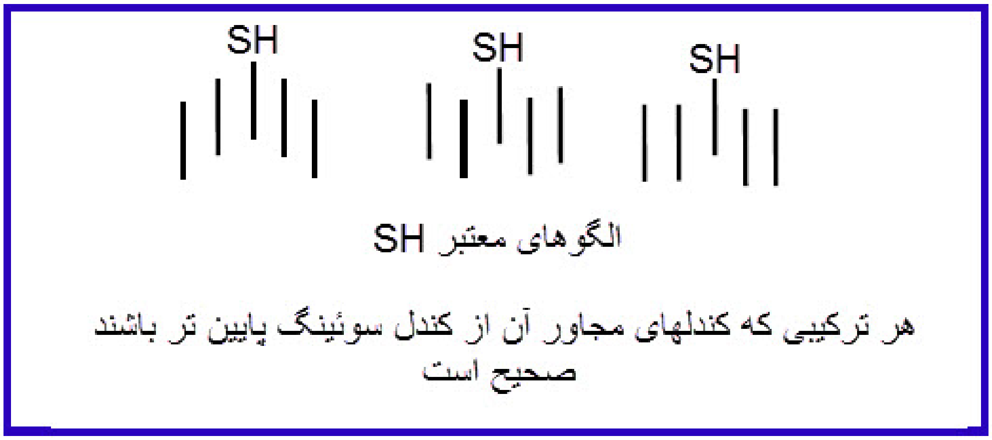
به طور ساده هر نقطه چرخشی می باشد که در آن صعود قیمت به (SH) (یک
را به شکل یک کندل بالا تعریف می کنم، (SH) نزول قیمت تغییر می کند. من یک
وجود داشته (LH) و بعد آن نیز دو کندل (LH) به صورتی که قبل از آن دو کندل
باشند. منظور من را می توانید به طور شفاف در تصویر زیر ببینید:



ایجاد شده که شمع های دیگر به آن اشاره می C در کندل (SH) در شکل بالا کنند.

- قرار گرفته C است که پایین تر از کندل (LH) یک A کندل.
- قرار گرفته C است که پایین تر از کندل (LH) یک B کندل.
- قرار گرفته C است که پایین تر از کندل (LH) یک D کندل.
- قرار گرفته C است که پایین تر از کندل (LH) یک E کندل.

پایین تر است ولی این مهم B از های کندل A توجه داشته باشید که های کندل پایین تر باشند. C نیست، بلکه این مهم است که های ٤ کندل مجاور از های کندل می.توانید نمونه را در شکل پایین مشاهده کنید



حتی اگر در ترکیب کندل ها، دو کندل دارای های بالاترِ مساوی باشند به شرطی (SH) که های کندل های مجاور از آن دو کندل پایینِ تر باشند، باز هم الگوی صحیح است. لطفا به تصویر زیر دقت کنید.



نیز صادق هستند (SL) همین الگوها و شرایط برای.

لو سوئینگ (SL)

به طور ساده هر نقطه چرخشی می باشد که در آن نزول قیمت به (SL)یک را به شکل یک کندل پایین تعریف می (SL) صعود قیمت تغییر می کند. من یک وجود (HL) و بعد آن نیز دو کندل (HL) کنم، به صورتی که قبل از آن دو کندل

داشته باشند. منظور من را می توانید به طور شفاف در تصویر زیر ببینید:



ایجاد شده که شمع های دیگر به آن اشاره می C در کندل (SL) در شکل بالا
کنند.

- قرار گرفته C است که بالا تر از کندل (HL) یک A کندل.
- قرار گرفته C است که بالا تر از کندل (HL) یک B کندل.
- قرار گرفته C است که بالا تر از کندل (HL) یک D کندل.
- قرار گرفته C است که بالا تر از کندل (HL) یک E کندل.

بالا تر است ولی این مهم نیست، B از لو کندل A توجه داشته باشید که لو کندل بالا تر باشند. می توانید C بلکه این مهم است که لو ٤ کندل مجاور از لو کندل نمونه. را در شکل پایین مشاهده کنید



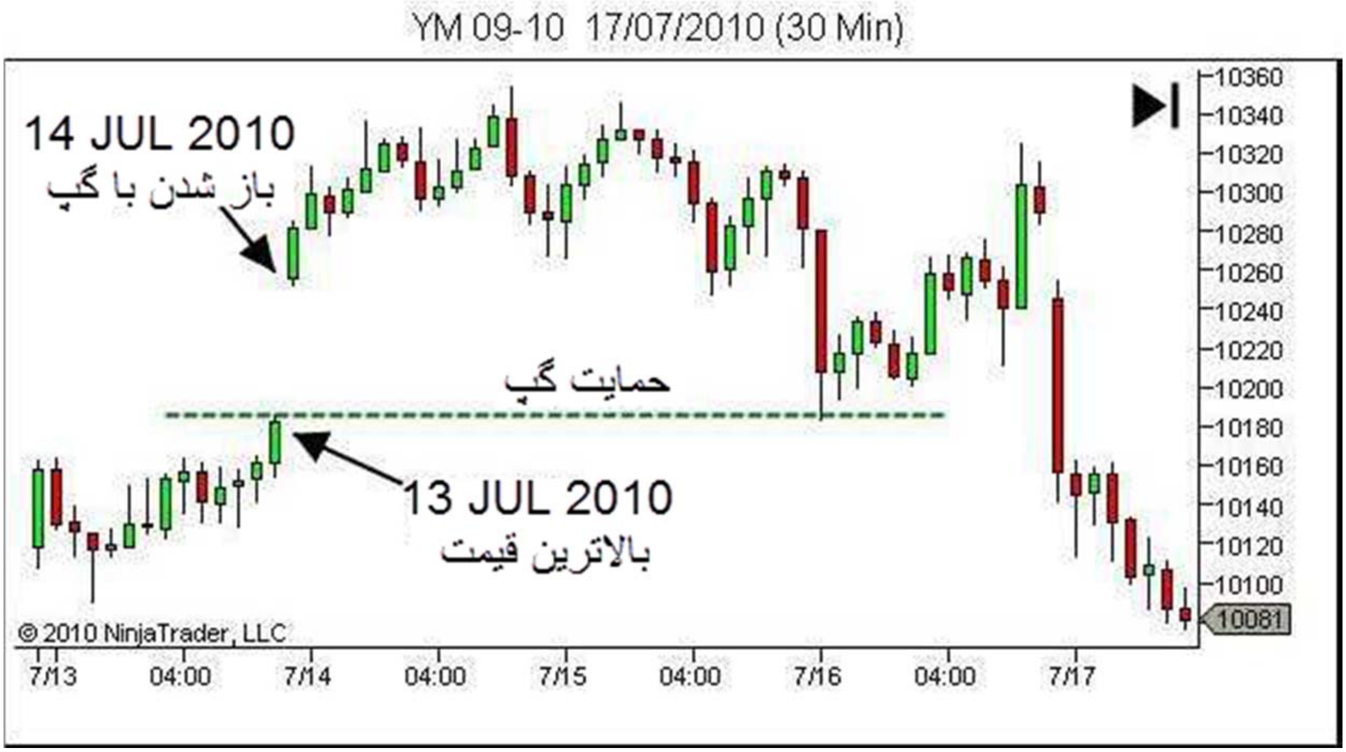
حتی اگر در ترکیب کندل ها، دو کندل دارای لو پایین تر مساوی باشند به شرطی صحیح (SL) که لو کندل های مجاور از آن دو کندل بالا تر باشند، باز هم الگوی

است. لطفا به تصویر زیر دقت کنید



حمایت و مقاومت فرعی

طبق توضیحات قبلی اکثریت قریب به اتفاق حمایت و مقاومت های من به وسیله (SH) و (SL) تعریف می شوند. با این حال راه های کمکی دیگری برای شناسایی حمایت و مقاومت ها وجود دارند که شما می توانید به دلخواه خود با توجه به بازار انتخابی خویش از آنها استفاده کنید.
به عنوان مثال ممکن است بازاری که برای معامله انتخاب کرده اید در ابتدای هفته با گپ باز شود که این گپ یک سطح حمایت یا مقاومت ایجاد می کند، این حالت در بازار تبادلات ارزی و یا جفت ارزهای آتی زیاد شایع نیست، بنابراین اجازه دهید تا به یک مثال از بازار آتی emini-dow (YM) بپردازیم.



رسم حمایت و مقاومت – منطقه نه خط

وقتی که مناطق حمایت و مقاومت را در چارت خود ترسیم می کنم معمولا به وسیله یک خط هستند.

اما شما توجه داشته باشید زمانی که قیمت به این مناطق نزدیک می شود دقیقا در یک قیمت خاص (خط) واکنش نشان نمی دهد، حمایت و مقاومت مناطقی هستند که معامله گران در آنها تصمیم می گیرند و این تصمیم آنها در یک محدوده زمانی و قیمتی می باشد، نه یک زمان خاص و قیمت خاص.

از این رو، ضروری است که شما نیز در طول فرایند تجزیه و تحلیل خود، برای مشخص کردن حمایت و مقاومت از خط استفاده نکنید و آنها را به صورت محدوده مشخص کنید، حتی اگر چارت شما حمایت و مقاومت را دقیقا در یک قیمت نشان دهد. توجه داشته باشید که همیشه ممکن است قیمت قبل از رسیدن به خط واکنش نشان دهد و همین طور هر شکست خط لزوما نقض حمایت و مقاومت نیست.





معمولا خطوط حمایت و مقاومت مانند تصویر سمت چپ در پایین یا بالای کندل های (SL) یا (SH) رسم می شوند، در صورتی که مانند تصویر سمت راست بهترین کار رسم آن به صورت یک محدوده می باشد.

نمونه ای از این مورد زمانی است که (SL) یا (SH) به یک قیمت رند بسیار نزدیک باشند، در نزدیکی قیمت های رند تصمیمات و اقدامات دیگر معامله گران به خاطر ترس و امیدی که دارند بسیار متفاوت است.

ممکن است شما ترجیح دهید که در طول فرایند یادگیری برای رسم حمایت و مقاومت از جعبه بجای خط استفاده کنید.

به طور معمول اگر محدوده حمایتی و مقاومتی دارای سایه (منظور شادو کندل) باشد بهتر است باکس خود را مانند تصویر سمت راست از سر شادو تا نزدیکی بدنه کندل در نظر بگیرید.

من در موقعیت هایی که (SL) یا (SH) دارای شمع های کوچک هستند، یک دامنه رنج از کندلها را برای رسم باکس استفاده می کنم.

و اگر کندل بیش از حد بزرگ باشد هم از تایم فریم ساختار و هم از تایم فریم ترید برای شناسایی و رسم مقاومت و حمایت استفاده میکنم.

می توان گفت که این یک تخمین از منطقه مقاومت و حمایت است و قوانین ثابت در اینجا کارایی ندارند. حمایت و مقاومت یک دیوار آجری با مرز مشخص نیست، بلکه منطقه ای است که در اثر تصمیمات و اقدامات معامله گران تعادل عرضه وتقاضا در آن تغییر می کند.

لازم نیست که برای این کار زیاد نگران و حساس باشید، حمایت و مقاومت محدوده ای است که به راحتی می توانید واکنش های قیمت به آن را مشاهده کنید.

بعد از این که ما در مورد معامله گری صحبت کنیم شما متوجه خواهید شد که ما این مناطق را تنها به عنوان محدوده های توقف قیمت رسم نمی کنیم. بلکه آنها محدوده های مورد علاقه ما هستند که با توقف قیمت در نزدیکی آنها یا شکسته شدنشان، فرصت های معاملاتی خوبی برایمان محیا می شوند.

بنابراین اگر شما آنها را با چند پیپ اختلاف رسم کنید زیاد مهم نخواهد بود.

کمی تمرین نیاز دارد ولی شما به راحتی در زمانی کوتاه یاد خواهید گرفت.

اجازه دهید به دو مثال که ما در آنها به دنبال محدوده های حمایت و مقاومت برای شناسایی جریان سفارشات هستیم نگاهی داشته باشیم.



کندل سوئینگ A در تصویر بالا بیش از حد برای رسم محدوده مقاومت بزرگ است، لذا من محدوده مقاومت را از نوک کندل A تا نوک کندل Bرسم می کنم.

و مقاومت C را در پهنای شادوی بالای آن رسم خواهم کرد.

حمایت D نیز در پهنای شادوی پایین آن رسم می شود.

سوئینگ E دارای شادوی بلندی است که درواقع مجموعه ای از حمایتها در پهنای آن قرار دارند، من در چنین مواردی محدوده حمایت را از نوک کندل F تا نوک کندل E رسم می کنم.



در شکل بالا یک محدوده مقاومت در سوئینگ A وجود دارد و بعد از آن یک تراکم رنج تشکیل شده که من به سادگی شادو بالای کندل A را به عنوان محدوده مقاومت مشخص کرده ام.

حمایت پایینی نیز به وسیله سوئینگ B مشخص شده که من محدوده حمایت را در تراکم کندلهای اطراف آن مشخص نمودم.

۳،۲،۲ – تجزیه و تحلیل همزمان چند تایم فریم

بازار فعال و معاملات جاری هستند، مفهوم "تجزیه و تحلیل همزمان چند تایم فریم" تنها از طریق انتخاب ما برای مشاهده وضعیت گذشته و حال بازار استخراج می شود.

با انتخاب تایم فریم بالاتر، تصویر کلی تری از معامله گران موجود در بازار خواهیم دید.

با انتخاب تایم فریم پایین تر، جزئیات بیشتری از معامله گران موجود در بازار در دست خواهیم داشت.

چالش ما این است که بازار از تعداد فراوانی شرکت کننده با تصمیمات و اقدامات متفاوت در تایم فریم های متفاوت تشکلیل شده است. پس کدام تایم فریم را باید برای تجزیه و تحلیل خود انتخاب کنیم ؟

من معامله گرانی را دیده ام که سعی می کنند با تعداد زیادی از تایم فریم ها به صورت همزمان کار کنند، از هفتگی گرفته تا یک دقیقه. تلاش آنها برای به دست آوردن یک تصویر کامل از بازار قابل توجه است، اما این از نظر من فقط تعداد فراوانی داده به نسبت ظرفیت یک نفر است که برای او ناکارآمد خواهد بود، حداقل تا زمانی که اینها یاد بگیرند چه چیزی را باید فیلتر کنند.

به همین ترتیب معامله گرانی را نیز دیده ام که تنها از یک تایم فریم برای محدود کردن داده ها استفاده می کنند، که من فکر میکنم این بهتر از استفاده هم زمانِ تعداد زیادی تایم فریم است. من قطعا در معامله گری موفق تر هستم زیرا تنها یک تایم فریم بالاتر و پایین تر از تایم فریم اصلی خود را برای بررسی بازار استفاده می کنم.

چیزی که برای خودم ترجیح می دهم و قطعا به همه معامله گران توصیه می کنم این است که معامله گری را با ۳ تایم فریم یاد بگیرند.

قطعا با مرور چارت روزانه در سشن معاملاتی خود، آمادگی بیشتری برای معاملات بهتر خواهم داشت.

تایم فریم معاملاتی من بین یک تایم فریم بالاتر و یک تایم فریم پایین تر قرار دارد.



یک اشتباه متداول معامله گران تازه کار این است که تلاش می کنند با تجزیه و تحلیل در تایم فریم های متعدد روندی یک سو را پیدا کنند. این تلاش ها برای این است که یک روند صعودی را در ۳ تایم فریم (یا یک روند نزولی را در ۳ تایم فریم) به صورت همزمان شناسایی کرده و سپس تنها در جهت همان روند معامله کنند، که این کار فرصت های معاملاتی آنها را بسیار محدود می کند. در حالی که این روش بیهوده است.

در حقیقت این معامله گران به احتمال زیاد همان هایی هستند که بر اساس سیگنال اندیکاتورها با تاخیر وارد روند می شوند، و به سادگی امید دارند که این روند همچنان به اندازه کافی ادامه داشته باشد و بتوانند سود کنند. آنها فکر می کنند که روند تا ابد به مسیر خود ادامه می دهد و به سادگی امید دارند که فشاری که به صورت همزمان در چند تایم فریم بر روند وجود دارد آنها را به سود برساند.

آنها توجه نمی کنند که ممکن است مانعی (حمایت / مقاومت) در پیش رو، از ادامه حرکت این روند جلوگیری کند. همچنین این واقعیت را نمی دانند که بازار مدت زمانی را برای حرکت رنج صرف میکند.

هدف ما بسیار متفاوت است، در جدول زیر ۳ تایم فریم ما تعریف شده اند.

تایم فریم بالاتر	با ارائه یک ساختار از حمایت و مقاومت ها، مناطقی را که در تایم فریم معاملاتی، قیمت به آنها واکنش خواهد داشت را نمایش می دهد	اولویت اول :30 اولویت دوم : 60
تایم فریم معاملاتی	برای تجزیه و تحلیل روند جاری بازار و تعیین مسیر احتمالی قیمت با توجه به مناطق تایم ساختار	اولویت اول : 5 اولویت دوم : 3
تایم فریم پایین تر	برای تجزیه و تحلیل دقیق تر روند جاری و ورود و خروج دقیق تر	اولویت : 1

تایم فریم بالاتر، ساختار قالب کلی بازار را از طریق مناطق حمایت و مقاومت ارائه می کند، ما از این طریق به شناسایی مناطقی که درتایم فریم معاملاتی برایمان مانع محسوب می شوند می پردازیم. ما از این طریق میدان نبرد خود را مشخص می کنیم.

تایم فریم معاملاتی را همان طور که از اسمش مشخص است برای معامله کردن استفاده می کنیم. هدف ما معامله کردن سوئینگها در این تایم فریم است، صرف

نظر از این که روند بازار چیست یا حتی بازار رنج باشد. ما این کار را از طریق درک حرکات گذشته بازار انجام می دهیم، ارزیابی قدرت و ضعف موجود در حرکات قیمت و تعیین مسیر احتمالی برای حرکات آینده قیمت.

تایم فریم پایین تر، اطلاعات بهتری از جزئیات بیشتر، نسبت به تایم فریم معاملاتی به ما ارائه می کند. به ما اجازه میدهد تا با زوم بیشتری به نیروهای داخلی عرضه و تقاضا نگاه کنیم؛ همچنین به ما امکان می دهد تا زمان بهتری را برای ورود و خروج داشته باشیم (در جلد ٤ در خصوص ورود و خروج از معامله مفصل صحبت خواهیم کرد).

ما در تایم فریم معاملاتی معامله می کنیم. اما این کار را با قرار دادن حرکات قیمت در چهارچوب ساختارِ تایم فریم بالاتر انجام می دهیم.

در حالی که در تایم فریم بالاتر بازار ساید وی باشد ممکن است به سادگی در تایم فریم معاملاتیِ ما قیمت یک سوئینگ تشکیل دهد. تجزیه و تحلیل همزمان چند تایم فریم به ما امکان میدهد تا بتوانیم نشانه های بازگشت بالقوه روند را در محدوده های موانع تایم فریم بالاتر شناسایی کنیم.

یک بریک اوت از سطح مقاومت در تایم فریم معاملاتی می تواند تحت تاثیر فشار محدوده مقاومت در تایم فریم بالاتر قرار گیرد، در نتیجه به راحتی میتوانیم با بررسی تمایلات صعودی و نزولی در تایم فریم های مختلف، بریک اوت های نامعتبر (شکست خورده) را شناسایی کرده و از معامله بر روی آنها پرهیز کنیم.

تجزیه و تحلیل همزمان چند تایم فریم به صورت معامله کردن در تایم فریم وسط، با توجه به تصویر بزرگتر حاصله از تایم فریم بالاتر انجام میشود.

تایم فریم هایی که ما در این کتاب برای مثالها از آنها استفاده می کنیم:

- تایم فریم بالاتر : ۳۰ دقیقه
- تایم فریم معاملاتی : ۳ دقیقه
- تایم فریم پایین تر : ۱ دقیقه

این چیزی است که من به صورت استاندارد برای معاملات خود روی 6B و YM استفاده می کنم.

البته این انعطاف پذیر و قابل تغییر است! بعضی اوقلات که من احساس میکنم تایم فریم ها هماهنگی خوبی با حرکات قیمت ندارند، با حفظ همین تناوب بین تایم فریم ها آنها بالاتر یا پایین تر می برم. برای مثال GBP/USD فارکس همیشه با تایم فریم های بالاتر هماهنگ تر است.

در فصل بعدی توضیحات کاملی در خصوص تناوب تایم فریم ها و ارتباطشان با بازارها خواهیم داشت.

اجازه دهید کار را از طریق یک مثال با استفاده از ۳ تایم فریم خود ادامه دهیم. ما بر روی روند تعصب نخواهیم داشت و فقط در تایم فریم بالاتر ساختار حمایت و مقاومت را مشخص کرده و قبول می کنیم که این تجزیه و تحلیل برای زمان جاری است.

کلید این کار این است که ما تنها چگونگی تداخل تایم فریم ها را ببینیم. به بیان دیگر حرکات قیمت در تایم فریم معاملاتی به چه صورت در چهارچوب حمایت و مقاومت تایم فریم بالاتر قرار دارند.

همیشه معاملات در راستای روند احتمال سوددهی بیشتری دارند، من اینجا یک مثالی دارم که می توانید به خوبی مشاهده کنید که این بدون نیاز به هم ترازی یک روند در همه تایم فریم ها چگونه اتفاق می افتد.



در تصویر بالا تایم فریم بالاتر (۳۰ دقیقه) نمایش داده شده است که مناطق مقاومت با خط قرمز و مناطق حمایت با خط سبز مشخص شده اند، همچنین به منطقه ای که رنگ خط از سبز به قرمز تغییر کرده توجه کنید. در نقطه A با شکست حمایت به سمت پایین حمایت قبلی به یک مقاومت بالقوه تبدیل شده. منطقه

مورد علاقه ما که در این مثال به عنوان هدف در نظر گرفته شده منطقه B می باشد که قیمت در آن برای تست محدوده مقاومت به بالا برگشته است.

در تصویر بعدی تایم فریم معاملاتی (۳ دقیقه) نمایش داده میشود، یعنی جایی که ما حرکات قیمت را تجزیه و تحلیل کرده و به دنبال فرصت های معاملاتی هستیم. فرصتهای قبلی را در این تصویر نادیده میگیریم (زیرا هنوز تجزیه و تحلیل و استراتژی را یاد نگرفته ایم) و صرفا روی نقطه B تمرکز می کنیم.

تجزیه و تحلیل ما از تایم فریم معاملاتی (۳ دقیقه) روند صعودی بازار به سمت منطقه مقاومت را نشان می دهد که در واقع این سطح کمی هم توسط قیمت به سمت بالا شکسته شده. ما در اینجا برای وقوع یکی از دو احتمال اولیه منتظر می مانیم. یکی از احتمالات که درصد وقوع آن بیشتر است ریزش قیمت با توجه به بریک اوت شکست خورده می باشد و احتمال دوم بریک اوت مجدد مقاومت به سمت بالا و ادامه حرکت تا سطح بعدی است.

باز هم این تجزیه و تحلیل را فقط برای زمان حال قبول می کنیم.



تایم فریم پایین تر (۱ دقیقه) جزئیات بیشتری نسبت به تصویر بالا را نمایش می دهد و به ما امکان میدهد تا یک حرکت نزولی آهسته را که از نقطه B شروع شده به وضوح مشاهده کنیم.



معامله گرانی را که زمان بریک اوت به سمت بالا در حدود قیمت ۱,٤۵۱۰خرید کرده اند را در نظر بگیرید، حدضرر آنها به احتمال زیاد زیر محدوده مقاومت قرار دارد؛ یعنی همان جایی که ما میخواهیم وارد فروش شویم. همان طور که در تصویر تایم معاملاتی مشخص است حدسود اول ما حدود قیمت ۱,٤٤۷۰ یعنی اولین سوئیگ در پیش رو مسیر نزول می باشد.

معامله ای که ما بر پایه شکست بریک اوت انجام داده به راحتی به سمت سود حرکت کرده و طی ٦ الی ۷ دقیقه به حدسود رسیده.

نکات کلیدی مثال:

- در تایم فریم معاملاتی (۳ دقیقه)، معامله با توجه به ساختار جاری در تایم فریم معاملاتی بالاتر (۳۰ دقیقه) انجام شد.
- با توجه به مانع محدوده مقاومت در تایم فریم بالاتر، در تایم فریم معاملاتی معامله در راستای روند جاری انجام شد.
- تایم فریم پایین تر (۱ دقیقه) برای تجزیه و تحلیل دقیق تر و همچنین برای تصمیمات بهتر ورود و خروج استفاده شد.

حمایت و مقاومت های چند تایم فریم هم زمان

دو نوع حمایت و مقاومت در معاملات من نقش دارند که به توضیح آنها می پردازم و عبارتند از:

- حمایت و مقاومت هایی که در تایم فریم بالاتر شناسایی می شوند و من در چارت نام گذاری می کنم " RES " و " SPT " آنها را با اسامی.
- حمایت و مقاومت هایی که در تایم فریم معاملاتی شناسایی می شوند و در چارت نام گذاری می کنم "SL " و " SH " من آنها را با اسامی.

توجه داشته باشید که حمایت و مقاومت های تایم فریم بالاتر در تایم فریم معاملاتی نیز مشاهده می شوند، هر چند که SH و SL ها در تایم فریم معاملاتی اغلب نوسانات ناچیزی نسبت به تایم فریم بالاتر دارند.

چندین چارت برای مثال در ادامه خواهیم داشت که هر دو نوع (" SPT " و " RES ") و (" SH " و "SL ") را به خوبی نمایش خواهند داد.

نکته :

من مدت هاست از این تایم فریم ها به سادگی استفاده می کنم؛ به نحوی که در تایم فریم بالاتر " SPT " و " RES " را مشخص کرده سپس در تایم فریم معاملاتی که جزئیات بیشتری قابل مشاهده هستند " SH " و "SL " را شناسایی می کنم. در طول این کتاب نیز از همین اسامی برای نمایش بر روی تصاویر استفاده کرده ام.

اختصارات رایج استفاده شده در نمودارهای این کتاب:

S / R – حمایت و مقاومت (از هر نوع)

SPT – حمایت تایم فریم بالاتر

RES – مقاومت تایم فریم بالاتر

Swing H / L – لبه های تایم فریم معاملاتی

SL – حمایت تایم فریم معاملاتی

SH – مقاومت تایم فریم معاملاتی

۳,۲,۳ – ساختار بازار

اصول ساختار بازار

ساختار بازار بر پایه دو اصل استوار است:

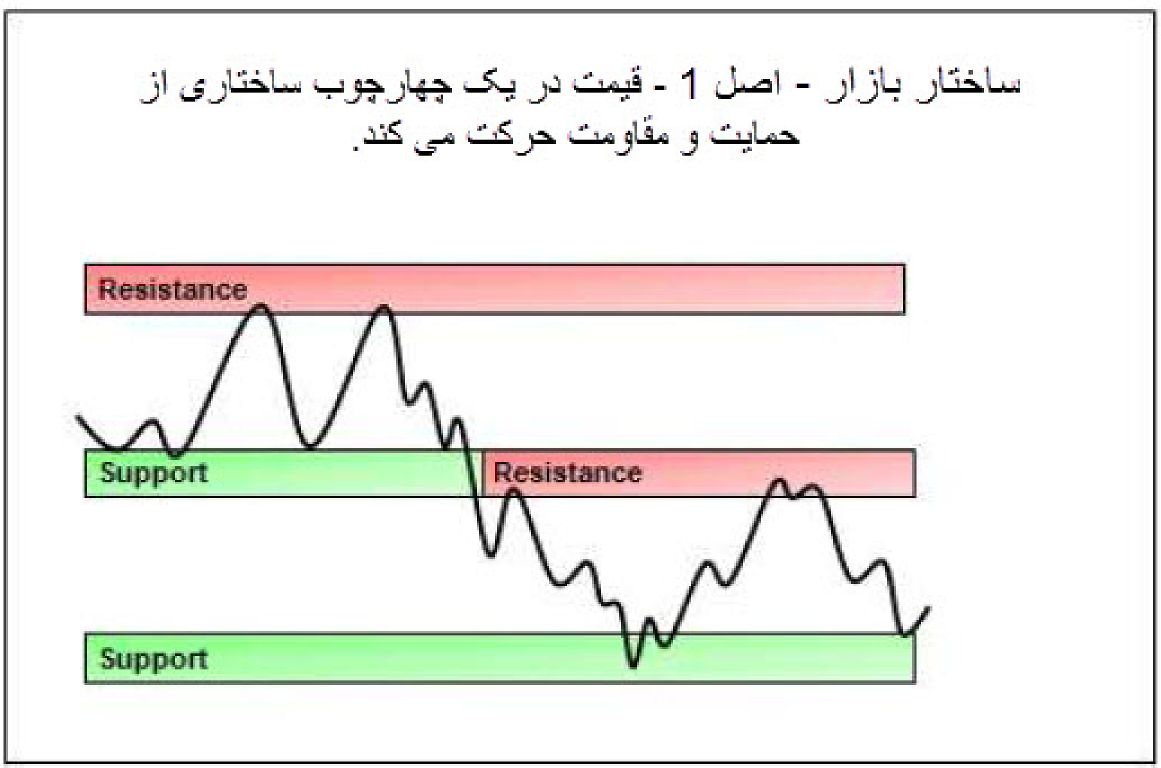
اصل ۱ – قیمت در یک چهارچوب ساختاری از حمایت و مقاومت حرکت می کند.

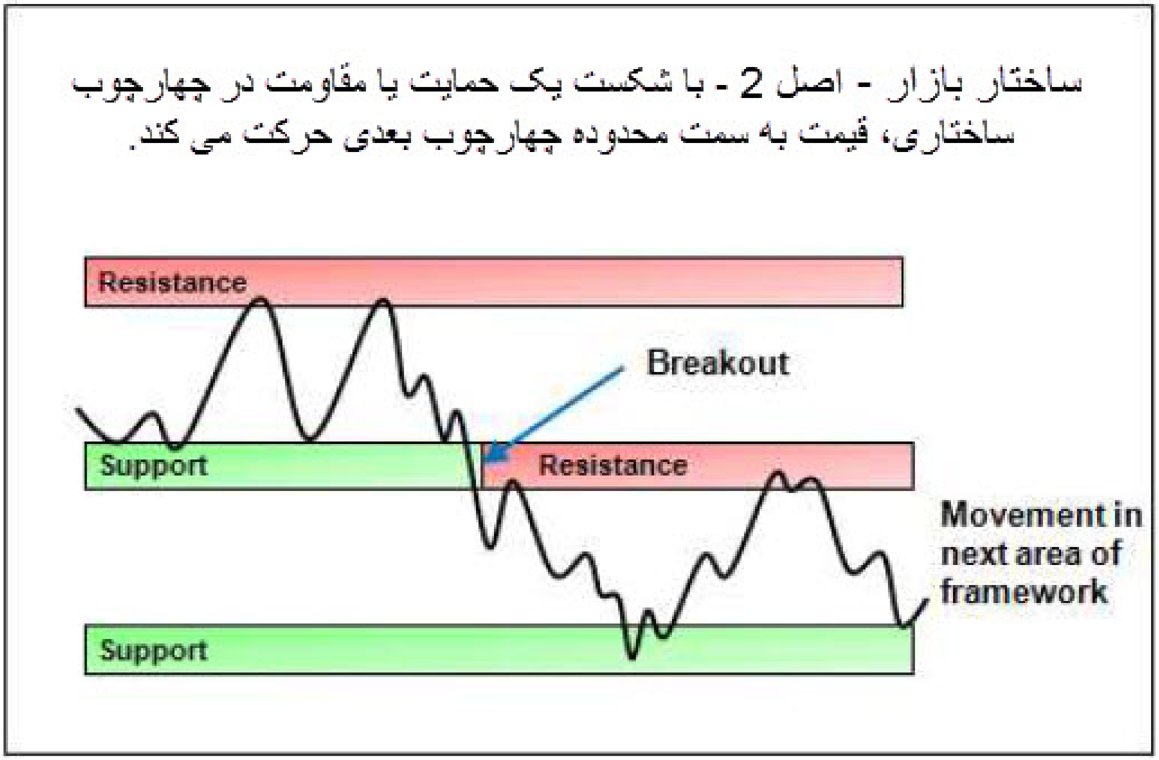
اصل ۲ – با شکست یک حمایت یا مقاومت در چهارچوب ساختاری، قیمت به سمت محدوده چهارچوب بعدی حرکت می کند.

ما از طریق شناسایی محدوده های حمایت و مقاومت در تایم فریم بالاتر، می توانیم محدوده هایی که در تایم فریم معاملاتی ما به عنوان مانعی برای مسیر روند بازار هستند را شناسایی کنیم. ما میدان نبرد خود را مشخص می کنیم.

سپس قیمت در میان سطوح ساختار شناسایی شده حرکت میکند که این حرکت بر اساس تصمیم گیری معامله گران به سمت عقب و جلو در میان سطوح حمایت و مقاومت می باشد.

این حمایت و مقاومت ها موانع غیر قابل نفوذ نیستند، بلکه آنها مناطق تصمیم گیری برای قیمت هستند که بر اساس تمایلات، یا قیمت از برخورد آنها معکوس شده و برمی گردد یا آنها را شکسته و از آنها عبور می کند.





6B 09-10 9/07/2010 (30 Min)



ایجاد ساختار

فرایند ایجاد ساختار تایم فریم بالاتر ساده است.

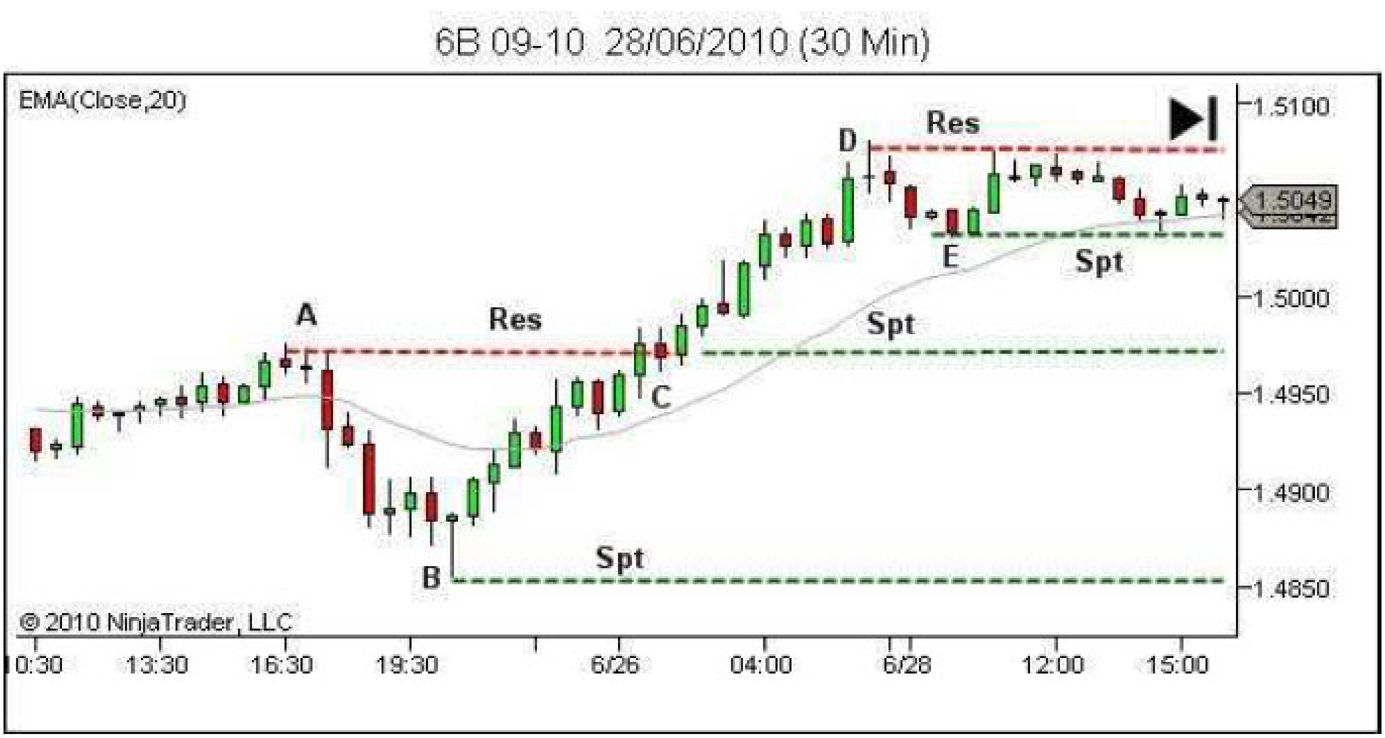
۱ - چارت تایم فریم بالاتر را باز می کنیم.

۲ – مناطق حمایت و مقاومت را شناسایی و علامت گذاری می کنیم.

ذهنیت

با توجه به این که شناسایی حمایت و مقاومت ها کاملا هدفمند هستند ولی همه حمایت و مقاومت ها را در چارت رسم نخواهیم کرد.

اگر قیمت به صورت صاف و منظم حرکت کند، حمایت و مقاومت ها مانند تصویر زیر رسم خواهند شد.



سوئینگ " A " به وضوح یک منطقه مقاومت است که به طور موقت قیمت را در محدوده C متوقف کرده است. همچنین سوئینگ B به وضوح یک منطقه حمایت می باشد.

سوئینگ D یک منطقه جدید از مقاومت است که از افزایش قیمت در ادامه چارت ممانعت کرده. سوئینگ E نیز یک منطقه جدید حمایت است که از کاهش قیمت در ادامه چارت ممانعت کرده است.

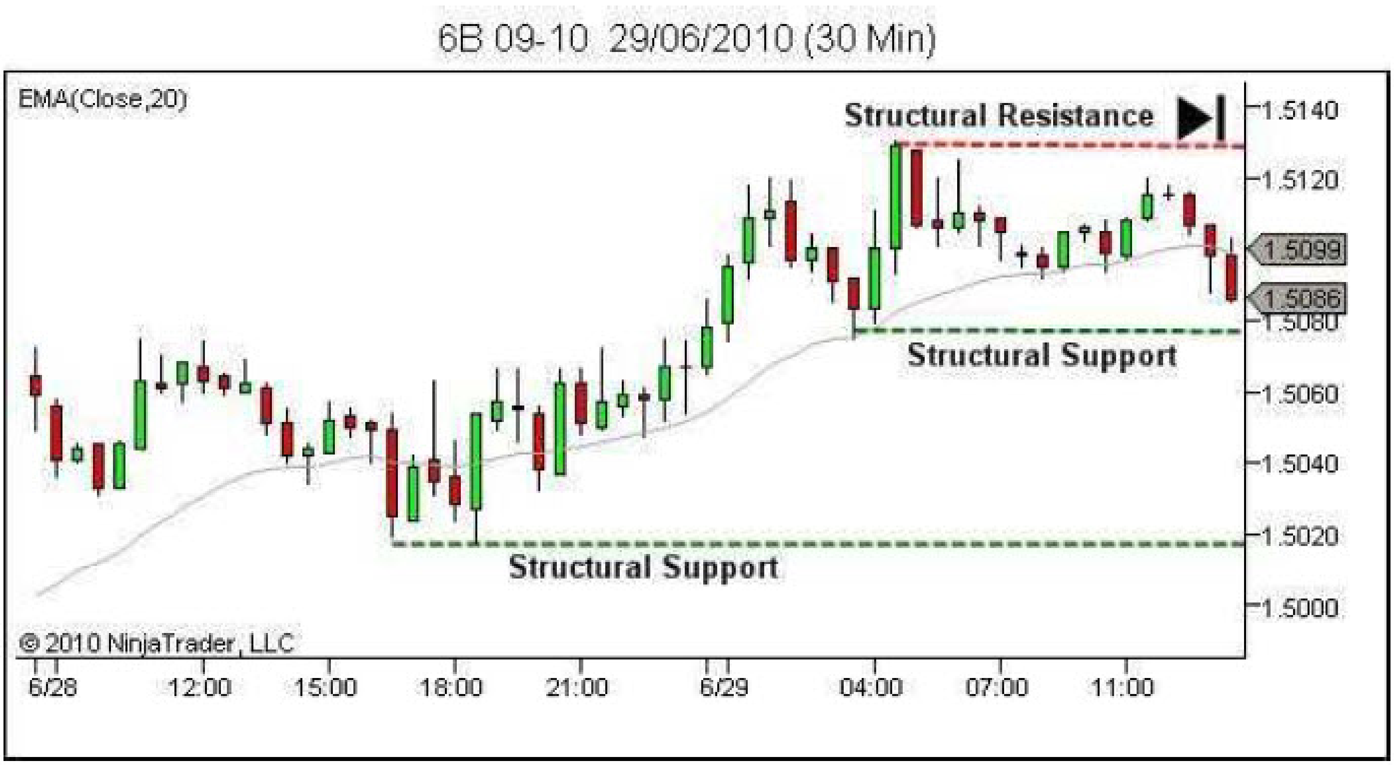
اغلب موارد در چنین شرایطی حرکات قیمت در یک تلاطم کم دامنه با همپوشانی کندلهای دیگر قرار میگیرد. در این شرایط هر تلاشی برای شناسایی SL و SH در ساختار بازار ناکارامد خواهد بود.



در تصویر بالا با توجه به حرکت قیمت به صورت متلاطم کم دامنه، به خوبی می توان مشاهده کرد که قیمت در بین SH و SL های شناسایی شده حدودا بین ۱۰ الی ۲۰ پیپ حرکت میکند.

قصد ما این است که به سادگی نقاط کلیدی واضح را شناسایی کنیم تا بتوانیم موانع بالقوه ای که در آینده در پیش روی مسیر قیمت خواهند بود را مشخص کنیم.

در شکل بعدی که همان موقعیت تصویر بالا می باشد نشان می دهم که من چگونه ساختارحرکات قیمت در تلاطم کم دامنه را مشخص میکنم.



سعی نکنید این کار را خیلی پیچیده انجام دهید، اگر تنها به دنبال سطوح واضح تر باشید این کار واقعا آسان خواهد بود.

بهترین حمایت / مقاومت

بهترین حمایت و مقاومت ها که نباید در ایجاد ساختار بازار توسط شما از قلم بیافتند، سطوحی هستند که به وضوح عدم تعادل عرضه و تقاضای شدید را میتوان حوالی آنها در سمت چپ چارت مشاهده کرد.

منظور نقاطی است که به وضوح قیمت در آنها چرخش داشته و حرکت سریعی را از سر گرفته است.

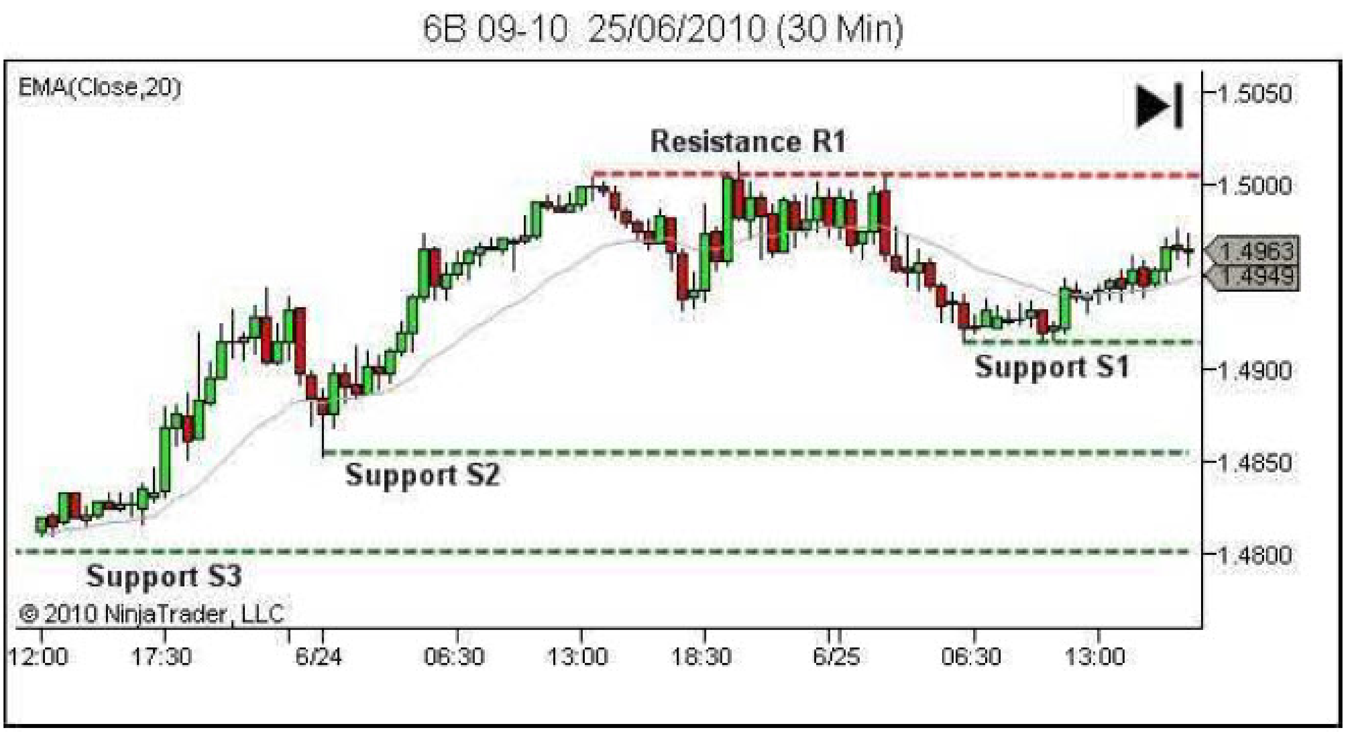
شناسایی SL و SH هایی که آشکاراً برگشت های سریع در آنها اتفاق افتاده ساده است همچنین تشخیص مناطقی از تراکم که با قدرت به صورت ناگهانی شکسته می شوند نیز راحت است.



مطمئن شوید که ساختار بازاری که مشخص کرده اید همه این گونه سطوح را شامل شده و چیزی را از قلم نیانداخته اید.

نمونه هایی از ساختار بازار

اجازه دهید صحبت خود در مورد ساختار بازار را با چند مثال پایان دهیم که در آنها حمایت و مقاومت ها را در چهارچوب ساختار مشخص می کنیم و می بینیم که قیمت در حرکات آینده خود چطور به این سطوح واکنش نشان می دهد.



سطح مقاومت R1 در بالای بازار، در محدوده بین ۱,۵۰۰۰ و ۱,۵۰۱۵ قرار دارد.

سطح حمایت S1 در پایین بازار، در محدوده بین ۱,٤۹۲۰ و ۱,٤۹۳۰ قرار دارد.

سطح حمایت S2 در محدوده قیمت ۱,٤۸۵۰ قرار دارد.

سطح حمایت S3 در محدوده قیمت ۱,٤۸۰۰ و در روزهای گذشته قرار دارد، توجه داشته باشید که این منطقه، حمایت بالقوه ای است که تا محدوده ۱,٤۸٤۰ پهنا دارد و منجر به ایجاد فشار صعودی قوی شده است.

حال اجازه دهید چگونگی حرکت قیمت در آینده مثال بالا را در تصویر زیر ببینیم.



تصویر بالا حرکت قیمت را بعد از محدوده تصویر قبلی نمایش می دهد.

کندل A در بازگشایی سشن معاملاتی لندن تشکیل شده و توجه داشته باشید که نوک شادو پایینی آن نشان از برخی حمایت ها در این محدوده (S1) دارد. زمانی که S1 شکسته شد قیمت به کجا حرکت کرد ؟ مستقیما به منطقه حمایت بعدی (S2) که ما مشخص کرده بودیم حرکت کرد، توسط نوک شادوی پایین کندل C واکنش به سطح (S2) مشهود است.

هدف ما از ایجاد ساختار در تایم فریم بالاتر، شناسایی چهارچوب حرکت قیمت است. اگر ما این کار را به دقت انجام دهیم حرکات آینده قیمت در بین محدوده حمایت و مقاومت ها با اعتبار بالایی قابل انتظار خواهند بود.

مثالی دیگر ....

6B 09-10 17/06/2010 (30 Min)



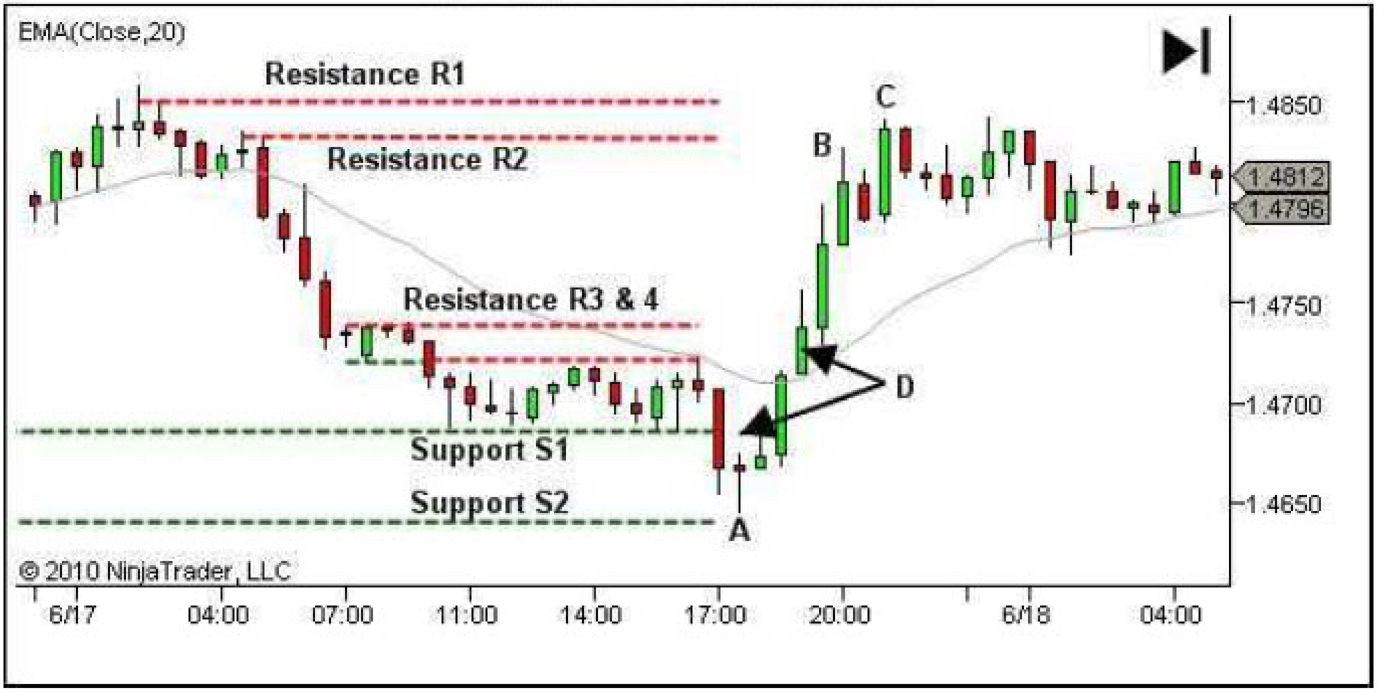
مقاومت R1 در بالاترین قسمت چارت در محدوده ۱,٤٨٤۰ الی ۱,٤٨٦۰ قرار گرفته است و مقاومت R2 پایین تر آز آن و در محدوده ۱,٤٨٢٥ الی ۱,٤٨٣٥در محل اولین SH بعد در آغاز حرکت نزولی دیده می شود. مقاومتهای R3 و R4 در ساعات پایانی سشن آمریکا در محدوده ۱,٤٧٢۰ الی ۱,٤٧٤۰ تثبیت شده اند.

حمایت S1 در محدوده ۱,٤٦٨٥ الی ۱,٤٦٩٥ که پایین ترین سطح از حرکت قیمت در محدوده چارت است قرار دارد.

حمایت S2 در محدوده ۱,٤٦٤٥ الی ۱,٤٦٦٥ که بر اساس نوسان قبلی قیمت در گذشته سمت چپ چارت اتفاق افتاده قرار دارد.

اکنون بیایید به ادامه حرکت قیمت در چارت بالا نگاهی داشته باشیم.....

6B 09-10 18/06/2010 (30 Min)



در ادامه حرکت قیمت شاهد هستیم که محدوده S1 شکسته شده و در ادامه، قیمت خود را به محدوده S2 رسانیده که پس از آن در منطقه A تمایلات برای افزایش بیشتر شده و با شکست موانع در منطقه D یک حرکت صعودی قوی شکل گرفته است.

مقاومت R2 در ابتدا باعث توقف کوتاه مدت قیمت در منطقه B شده و با رسیدن قیمت به R1 که مانع نهایی چارت بوده قیمت از منطقه C به بعد شروع به حرکت متلاطم با دامنه کم و همپوشانی کندل ها کرده.

محدوده های D جاهایی بر روی چارت معاملاتی هستند که ما به آنها علاقه داشته و حرکات قیمت در این نواحی را بدون تعصب بر روندی خاص برای ورود به معاملات سودده با احتمال بالا دنبال می کنیم، تا بر اساس چگونگی واکنش قیمت به آنها، تصمیمات معاملاتی خود را بر پایه انتظارات خویش از حرکات آینده قیمت بگیریم.

این نوع عملکرد ما در خصوص محدوده D همیشه برای سطوح مشابه که به عنوان مانعی بر سر راه قیمت هستند تکرار می شود. این نوع حمایت و مقاومت ها در بازار به وفور دیده می شوند که تعداد زیادی از معامله گران با بریک اوت این سطوح وارد معامله می شوند. ولی یک بار دیگر توجه کنید که ما به صورت کورکورانه و خودکار وارد این بریک اوت ها نمی شویم، بلکه ما این مناطق را برای فرصت های مناسب معاملاتی دنبال می کنیم که ممکن است قیمت از آنها بریک اوت کند و یا

در بریک اوت شکست بخورد. (فعلا ما فقط بر موضوع ساختار بازار تمرکز داریم و متعاقبا در فصل های آینده به دنبال کردن این نواحی برای فرصت های معاملاتی خواهیم پرداخت).

تمرین ساختار بازار

از خواندن استراحت کنید، پلتفرم خود را باز کرده و چارت انتخابی مورد استفاده خود را در تایم فریم بالاتر اجرا کنید. اگر شما مطمئن نیستید که با چه بازاری یا چه تایم فریمی تمرین کنید، فقط در 6B (GBP/USD) تایم فریم ۳۰ دقیقه تمرین کنید.

داده های تاریخچه چارت خود را تا حد امکان به عقب بکشید تا حدی که به اولین زمانی که کندل ها در چارت شما شروع شده اند برسید، سپس موقعیت نمایش چارت را به صورتی تنظیم کنید که در سمت راست صفحه نمایش، شروع اولین سشن معاملاتی را داشته باشید. برای GBP/USD اولین سشن معاملاتی با سشن انگلستان شروع می شود.

حال با استفاده از داده های سمت چپ، محدوده های حمایت و مقاومت را شناسایی و رسم کنید.

حال کندل به کندل چارت را به جلو بکشید و محدوده های جدید حمایت و مقاومت را رسم کنید و حمایت و مقاومت های قبلی که بی ارتباط شده اند را حذف کنید.

این کار را تا زمانی که این روند برایتان راحت شود ادامه دهید.

سوال متداول:

برای پیدا کردن هر حمایت و مقاومت تا چه حد به زمان گذشته برگردیم ؟

تا جایی که لازم است.

ولی توجه کنید که حمایت و مقاومت ها نتیجه تصمیمات و اقدامات معامله گران هستند و هرچه زمان بیشتری از آن سپری شده باشد اعتبار کمتری خواهند داشت.

البته در چارت روزانه و کلا تایم فریم های خیلی بزرگ، سطوح قابل توجهی حتی از ماه ها قبل قابل روئیت هستند و ممکن است برخی از آنها هنوز معتبر باشند.

و مناطقی که اهمیت تاریخی دارند می توانند برای سال ها معتبر بمانند، مانند کف داوجانز و S&P500 در سال ۲۰۰۳.

خلاصه :

ساختارِ تایم فریم بالاتر، از طریق رسم سطوح حمایت و مقاومت روی چارت تایم فریم بالَاتر ایجاد میشود.

این حمایت و مقاومت ها، ساختاری هستند که قیمت در تایم فریم معاملاتی ما در میان چهارچوب آن حرکت خواهد کرد.

در صورت بریک اوت از چهارچوب ساختار (حمایت / مقاومت)، قیمت به سمت چهار چوب بعدی در ساختار حرکت خواهد کرد.

۳,۲,٤ – روندها

پس از مشخص کردن ساختارِ تایم فریم بالاتر خودمان، اجازه دهید اکنون ببینیم قیمت چگونه در داخل این ساختار حرکت می کند. ابتدا با قوانین مبتنی بر روشی که من برای روند تعریف کردم شروع می کنیم و سپس با صحبت کردن در مورد چگونی استفاده از آن ادامه خواهیم داد.

تعریف روند

روند حمایت و مقاومت / SL و SH

اصول حرکات قیمت، در تمام تایم فریم ها یکسان است. حرکات قیمت تابعی از عرضه و تقاضا است، این حرکات در مابین مناطق عدم تعادلِ عرضه و تقاضای گذشته که به عنوان حمایت و مقاومت تعریف شده اند انجام می شوند.

ما در تایم فریم بالاتر خود (۳۰ دقیقه)، یک ساختار مبنی بر حمایت و مقاومت مشخص می کنیم.

در داخل همین ساختار، قیمت مابین حمایت و مقاومت های تایم فریم کوچکتر حرکت می کند که من در تایم فریم معاملاتی (۳ دقیقه) به سادگی این سطوح SL و SH را مشخص کرده ام که می توانید در شکل زیر مشاهده نمایید.



مهم است به یاد داشته باشید که این SL و SH ها در تایم فریم معاملاتی هستند و همان طور که در تصویر زیر نشان داده شده به طور بالقوه می توانند در حرکات آینده قیمت تاثیر گذار باشند. SL و SH ها مناطقی از عدم تعادل عرضه و تقاضا در گذشته هستند که توسط دیگر معامله گران در زمان تصمیم گیری های معاملاتی شان ایجاد شده اند.



من در چارت بالا SL و SH ها را با لیبل و خطوط به منظور نشان دادن اهدافمان مشخص کرده ام. از آنجا که این محدوده ها به سادگی در چارت قابل مشاهده هستند من به طور معمول این لیبل و خطوط را در چارت خود نمایش نمی دهم. تنها زمانی ممکن این کار را انجام دهم که با شکل گیری کندل های جدید این محدوده ها به سمت چپ چارت رفته و در صفحه نمایش من دیده نشوند.

در طی زمان یادگیری معامله گری ممکن است شما ترجیح دهید که این محدوده ها را در چارت خود نشانه گذاری کنید و می توانید این کار را تا زمانی که به تجربه کافی برای مشاهده این محدوده ها بدون نیاز به نشانه های لیبل و خطوط برسید انجام دهید.

زمانی که در حمایت و مقاومت های تایم فریم بالاتر قیمت در یک حرکت متلاطم با دامنه کم نوسان و همپوشانی کندل ها قرار می گیرد ممکن است شما از نظر ذهنی نیاز داشته باشید تا در تایم فریم معاملاتی خود از این حرکات یک مرحله به عقب بروید و فقط واضح ترین سطوح را انتخاب کنید. از این کار نترسید، اگر مانند حمایت و مقاومت های تایم فریم بالاتر به SL و SH های مهم تر در تایم فریم معاملاتی اکتفا کنید اعتبار آنها احتمالا بیشتر خواهند بود.

جهت روند

قیمت به شکل روند در بین SL و SH ها حرکت می کند؛ به عنوان یک روند صعودی، روند نزولی یا خنثی (رنج).

تعریف روند صعودی

یک روند صعودی شامل تکرار موارد زیر به صورت متوالی است:

۱ – یک گام صعودی

۲ – یک SH

۳ – یک پولبک نزولی

٤ – یک SL

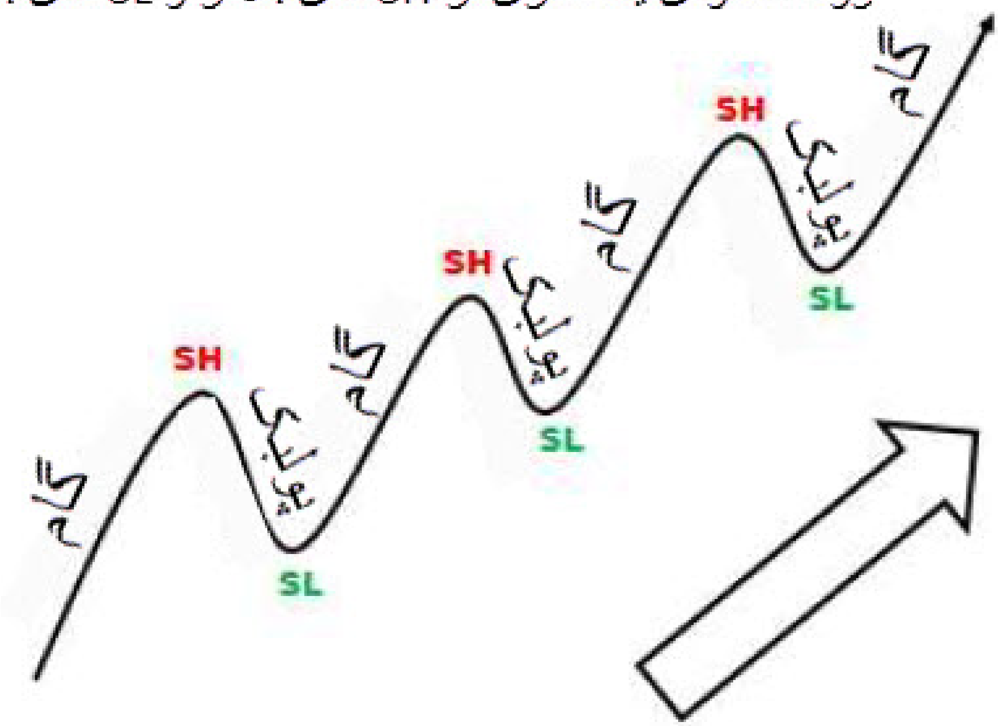
در شکل زیر برخی نکات کلیدی را مشاهده خواهید کرد.

- گام قیمت بزرگتر از پولبک است.
- جدید در قیمت ایجاد SH نفوذ می کند و یک SH گام قیمت به بالای آخرین میکند.
- نفوذ نمی کند SL پولبک به پایین آخرین.

این نتایج در یک سری از SL و SH های بالاتر حاصل می شوند.

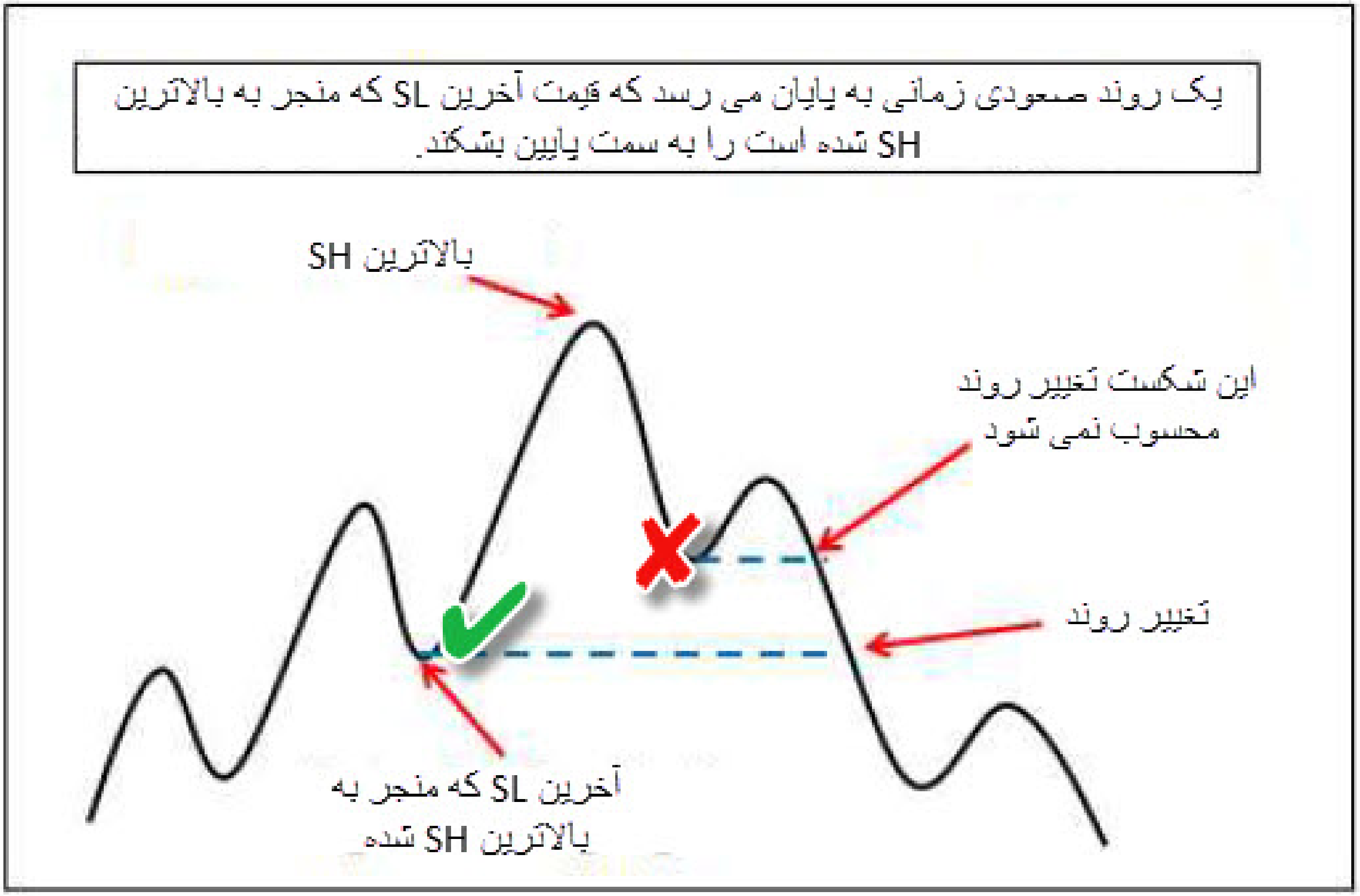
روند صعودی

روند صعودی یک سری از SH های بالاتر و SL های بالاتر هست.

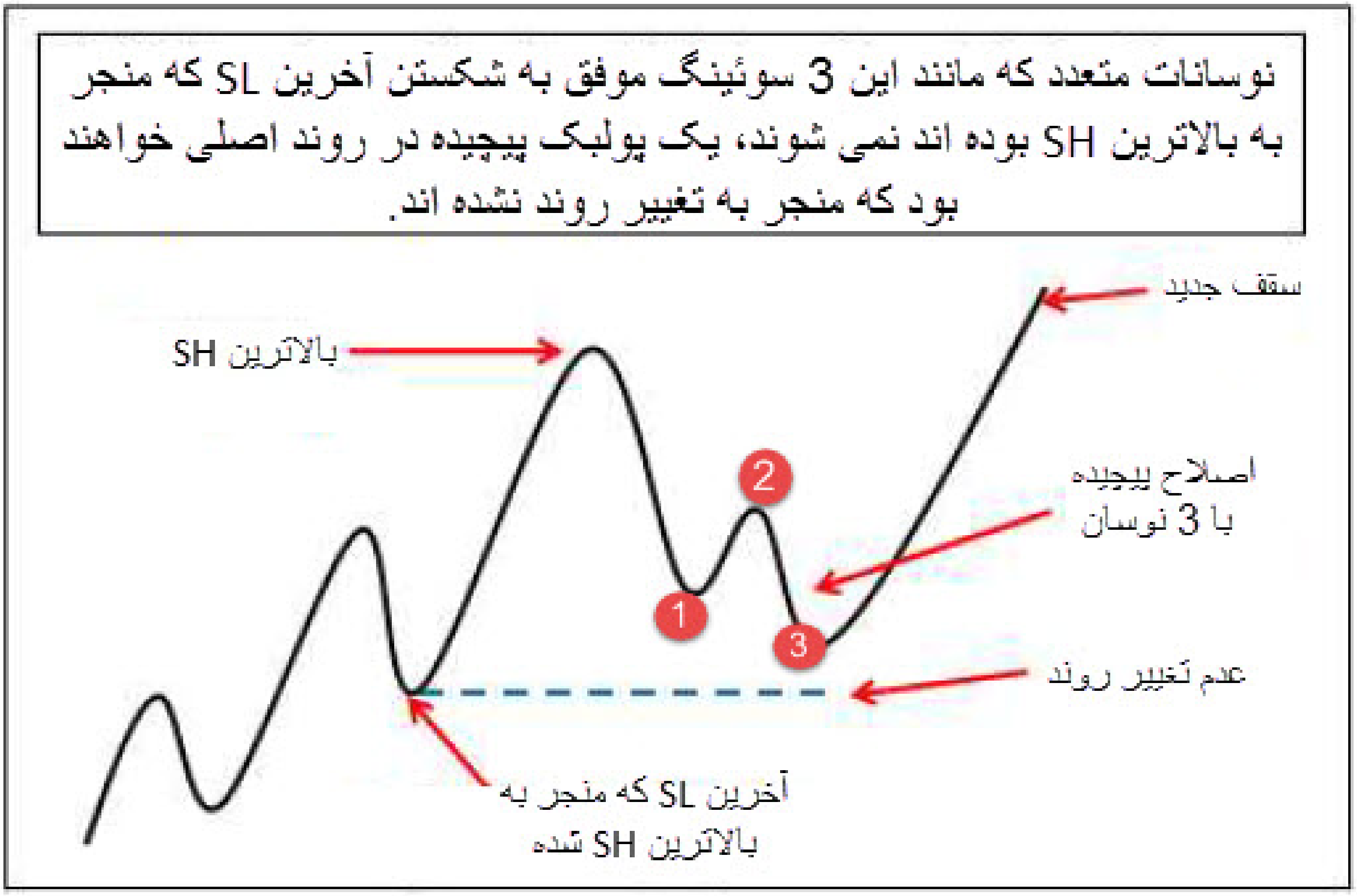




یک روند صعودی زمانی به پایان می رسد که قیمت آخرین SL که منجر به بالاترین SH شده است را طبق تصویر زیر به سمت پایین بشکند.



عدم موفقیت در شکست SL که منجر به بالاترین SH بوده می تواند به سادگی نشان از یک اصلاح پیچیده باشد نه یک برگشت. به تصویر زیر توجه کنید.



روند صعودی از منظر عرضه و تقاضا و تصمیمات معامله گران:

یک محدوده حمایت، از معامله گرانی تشکیل شده که به هر دلیلی تشخیص داده اند آن SL دارای ارزش خوبی است و معاملات جدید خرید و تمایلات افزایشی آنها منجر به افزایش قیمت در آن محدوده می شود.

یک گام صعودی ناشی از غلبه فشار افزایشی بر فشار کاهشی است که معامله گران به تصمیمات خرید خود ادامه می دهند و مایل به ادامه خرید در قیمت های بالاتر هستند که این اقدامات منجر به هل دادن قیمت به سقف های بالاتر می شود.

در برخی موارد، حد سود خریدهای کوتاه مدت و معاملات فروش جدید در بازار توسط قیمت های بالاتر جذب می شوند و این افزایش فشار نزولی که بر فشار صعودی غلبه می کند منجر به تشکیل یک الگو می شود؛ که این محدوده از مقاومتِ روند یک SH تشکیل می دهد.

سقوط قیمت به زیر SH، جریان سفارشات نزولی بیشتری را جذب کرده و خریداران قدیمی بیشتری معاملات خود را به هدف کسب سود می بندند (زیرا یک محدوده مقاومت در SH را به رسمیت شناخته اند) و در نهایت معاملات فروش بیشتری جذب بازار می شوند.

فشار نزولی حاصل ازپولبک به صورت موقتی بر فشار صعودی غلبه کرده ومنجر به رانده شدن قیمت به سمت پایین می شود. در چنین موقعیت هایی معامله گران تصمیم به فروش می گیرند و مایل به ادامه فروش در قیمت های پایین تر هستند.

این الزاما نشانه ای از یک برگشت روند نیست؛ قیمت های پایین تر که در اثر تمایلات نزولی ایجاد شده اند، برای جذب جریان سفارشات نزولیِ کافی، برای شکستن SL قبلی و به دنبال آن بازگشت روند ناتوان هستند، ولیَ درعوض این قیمت های پایین تر خریدهای بیشتری را جذب می کنند که برای غلبه مجدد بر فشار نزولی و در نتیجه پایان پولبک کافی هستند. مجددا تمایلات به سمت صعود تغییر می کنند و خریدهای بیشتری جذب می شوند و معاملات فروش بسته می شوند؛ اینجاست که معامله گران این حرکت نزولی قیمت را به عنوان یک پولبک ساده به رسمیت می شناسند نه یک تغییر روند. حال شاهد یک محدوده حمایت جدید در روند به شکل SL هستیم.

تمایلات صعودی دوباره منجر به شروع یک گام از محدوده SL شده و این پروسه تکرار می شود.

جالب است که فشار صعودی در روند صعودی فقط از تصمیمات خریدهای جدید معامله گران ناشی نمی شود؛ به یاد داشته باشید که هر معامله شامل یک خرید و فروش به صورت همزمان است. حرکت قیمت نتیجه وزن خالص تصمیمات معامله گران و همچنین نیاز شدید آنها به جهتی بیش از جهت دیگر در روند است. فشار افزایشی در روند صعودی، بیشتر از طریق بسته شدن فروش های در ضرر (کسانی که در دام افتاده اند) ایجاد می شود.

روانشناسی و فرآیند تفکرات اکثر معامله گران (آنها که مدام ضرر میکنند) را در نظر بگیرید. عدم موفقیت در گرفتن روند صعودی و اکنون دیدن افزایش قیمت باعث شده این معامله گران تحت تاثیر افکار منفی و احساساتی نظیر پشیمانی- خشم و در نهایت انتقام گرفتن قرار گیرند. با تشخیص یک نوسان قیمت می خواهند یک فروش را با اولین نشانه هایی از توقف یا مقاومت انجام دهند، به امید این که ورود آنها درابتدای یک برگشت روند باشد و سود نجومی کسب کنند. معمولا آنها اشتباه می کنند، ولی حتی اگر تصمیمشان درست باشد و زمان ورود را به خوبی در نزدیکی SH مدیریت کنند، باز هم در یک نوسان موقت که همان پولبک در ادامه

مسیر صعودی می باشد وارد شده اند نه یک برگشت روند کامل. برخی از آنها تحت تاثیر هیجاناتشان، اقدام به نقد کردن معاملات فروش خود می کنند و برخی دیگر که امید به نزول بیشتر داشته و معاملات خود را نگه داشته اند با فعال شدن حدضررهایشان در بالای SH باعث ایجاد بیشتر جریان سفارشات صعودی شده و به صعود بهتر قیمت کمک می کنند.

بخش قابل توجهی از فشار افزایشی در یک روند صعودی، از طریق فعال شدن حدضرر فروشندگان تامین می شود. به بیان دیگر یک روند صعودی با فشار ضررهای معامله گرانی که آن را به عنوان یک حرکت نزولی به اشتباه تشخیص داده بودند قوت می یابد.

تعریف روند نزولی

یک روند نزولی شامل تکرار موارد زیر به صورت متوالی است:

۱ – یک گام نزولی

۲ – یک SL

۳ – یک پولبک صعودی

٤ – یک SH

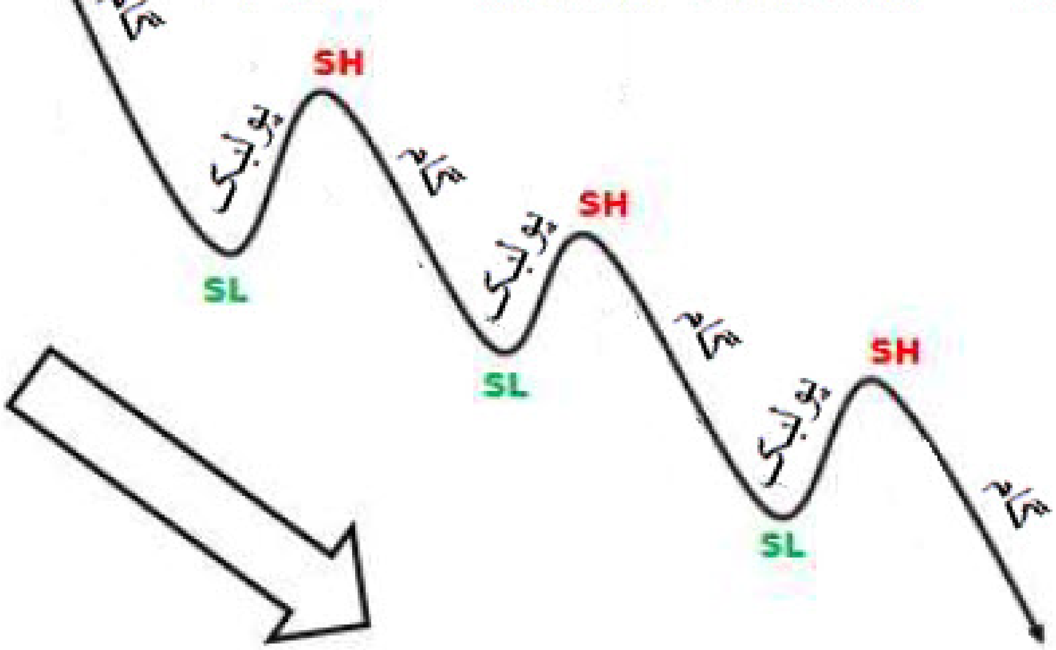
در شکل زیر برخی نکات کلیدی را مشاهده خواهید کرد.

- گام قیمت بزرگتر از پولبک است.
- جدید در قیمت ایجاد SLنفوذ می کند و یک SLگام قیمت به پایین آخرین میکند.
- نفوذ نمی کند SHپولبک به بالای آخرین.

این نتایج در یک سری از SL و SH های پایین تر حاصل می شوند.

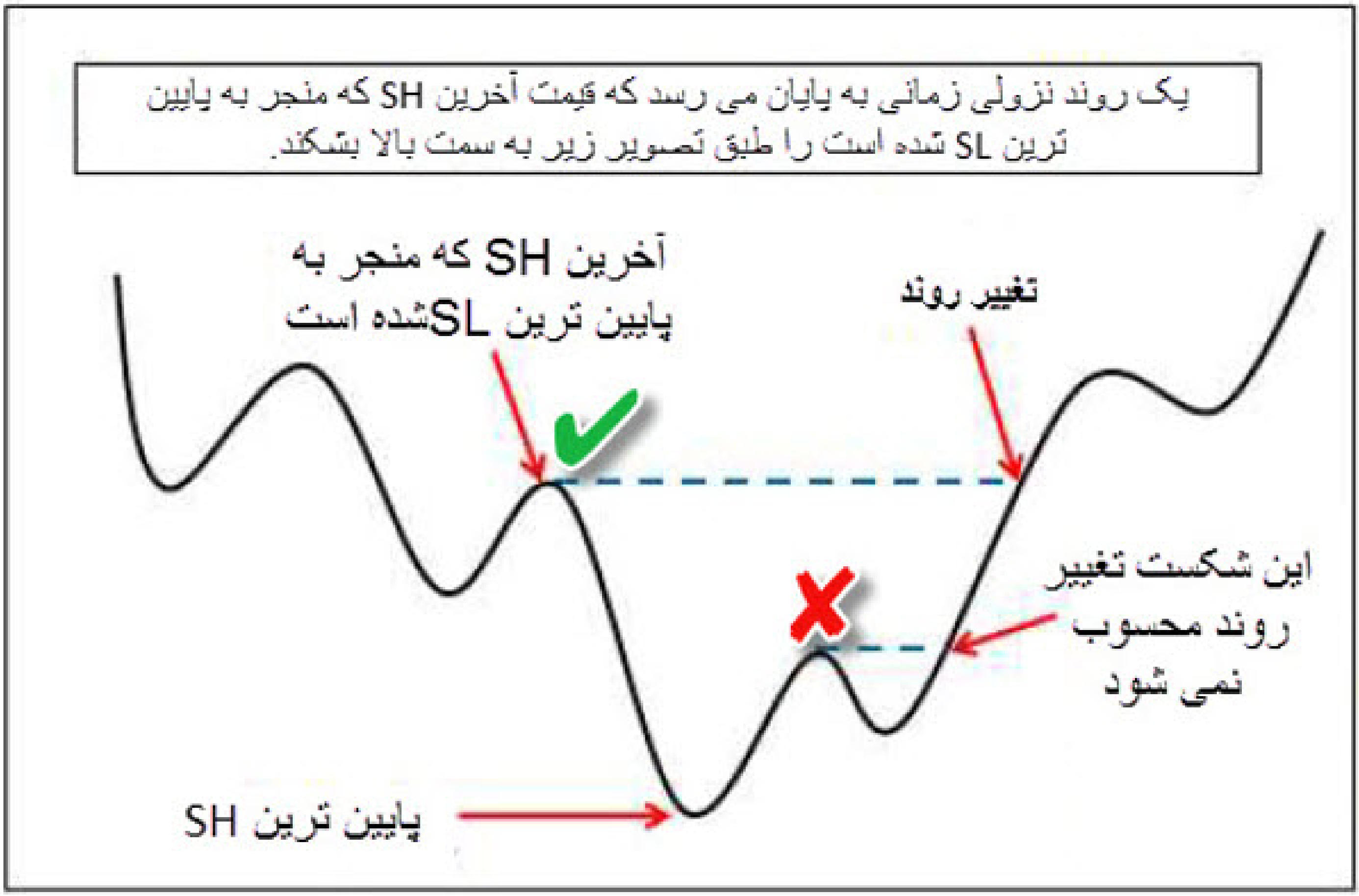
روند نزولی

روند نزولی از یک سری SL و SH های پایین تر حاصل می شوند.

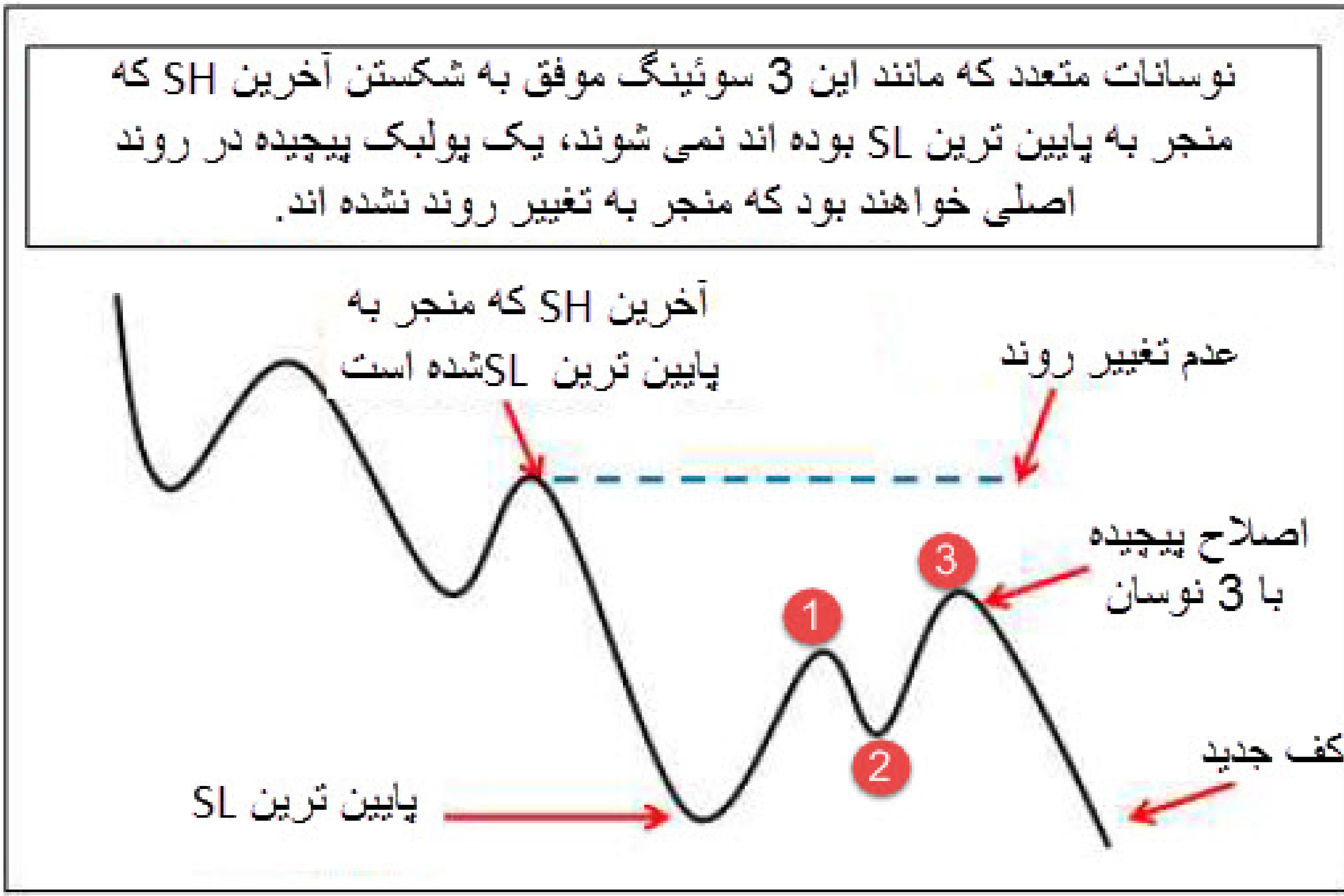




یک روند نزولی زمانی به پایان می رسد که قیمت آخرین SH که منجر به پایین ترین SL شده است را طبق تصویر زیر به سمت بالا بشکند.



عدم موفقیت در شکست SH که منجر به بالاترین SL بوده می تواند به سادگی نشان از یک اصلاح پیچیده باشد نه یک برگشت. به تصویر بعد توجه کنید.



روند نزولی از منظر عرضه و تقاضا و تصمیمات معامله گران:

یک محدوده مقاومت، از معامله گرانی تشکیل شده که به هر دلیلی تشخیص داده اند آن SH دارای ارزش خوبی است و معاملات جدید فروش و تمایلات کاهشی آنها منجر به کاهش قیمت در آن محدوده می شود.

یک گام نزولی ناشی از غلبه فشار کاهشی بر فشار افزایشی است که معامله گران به تصمیمات فروش خود ادامه می دهند و مایل به ادامه فروش در قیمت های پایین تر هستند، که این اقدامات منجر به هل دادن قیمت به کف های پایین تر می شود.

در برخی موارد، حد سود فروش های کوتاه مدت و معاملات خرید جدید در بازار توسط قیمت های پایین تر جذب می شوند و این افزایش فشار صعودی که بر فشار نزولی غلبه می کند منجر به تشکیل یک الگو می شود؛ که این محدوده از حمایت روند یک SL تشکیل می دهد.

صعود قیمت به بالای SL، جریان سفارشات صعودی بیشتری را جذب کرده و فروشندگان قدیمی بیشتری معاملات خود را به هدف کسب سود می بندند (زیرا یک محدوده حمایت در SL را به رسمیت شناخته اند) و در نهایت معاملات خرید بیشتری جذب بازار می شوند.

فشار صعودی حاصل ازپولبک به صورت موقتی بر فشار نزولی غلبه کرده ومنجر به رانده شدن قیمت به سمت بالا می شود. در چنین موقعیت هایی معامله گران تصمیم به خرید می گیرند و مایل به ادامه خرید در قیمت های بالاتر هستند.

این الزاما نشانه ای از یک برگشت روند نیست؛ قیمت های بالاتر که در اثر تمایلات صعودی ایجاد شده اند، برای جذب جریان سفارشات صعودیِ کافی، برای شکستن SH قبلی و به دنبال آن بازگشت روند ناتوان هستند، ولی درعوض این قیمت های بالاتر فروش های بیشتری را جذب می کنند که برای غلبه مجدد بر فشار صعودی و در نتیجه پایان پولبک کافی هستند. مجددا تمایلات به سمت نزول تغییر می کنند و فروش های بیشتری جذب می شوند و معاملات خرید بسته می شوند؛ اینجاست که معامله گران این حرکت صعودی قیمت را به عنوان یک پولبک ساده به رسمیت می شناسند نه یک تغییر روند. حال شاهد یک محدوده مقاومت جدید در روند به شکل SH هستیم.

تمایلات نزولی دوباره منجر به شروع یک گام از محدوده SH شده و این پروسه تکرار می شود.

جالب است که فشار نزولی در روند نزولی فقط از تصمیمات فروش های جدید معامله گران ناشی نمی شود؛ به یاد داشته باشید که هر معامله شامل یک خرید و فروش به صورت همزمان است. حرکت قیمت نتیجه وزن خالص تصمیمات معامله گران و همچنین نیاز شدید آنها به جهتی بیش از جهت دیگر در روند است. فشار کاهشی در روند نزولی، بیشتر از طریق بسته شدن خریدهای در ضرر (کسانی که در دام افتاده اند) ایجاد می شود.

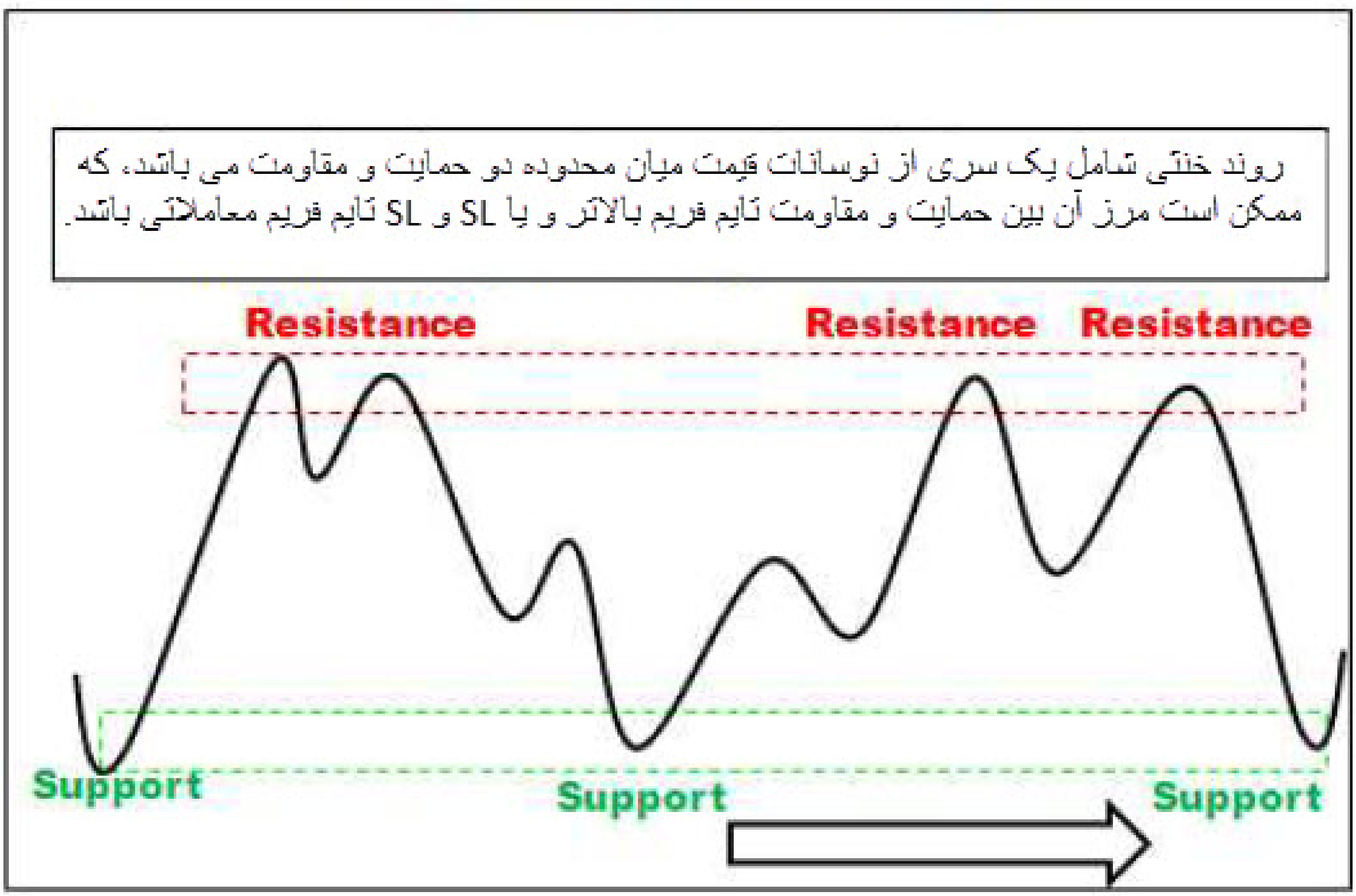
روانشناسی و فرآیند تفکرات اکثر معامله گران (آنها که مدام ضرر میکنند) را در نظر بگیرید. عدم موفقیت در گرفتن روند نزولی و اکنون دیدن کاهش قیمت باعث شده این معامله گران تحت تاثیر افکار منفی و احساساتی نظیر پشیمانی- خشم و در نهایت انتقام گرفتن قرار گیرند. با تشخیص یک نوسان قیمت می خواهند یک خرید را با اولین نشانه هایی از توقف یا حمایت انجام دهند، به امید این که ورود آنها درابتدای یک برگشت روند باشد و سود نجومی کسب کنند. معمولا آنها اشتباه می کنند، ولی حتی اگر تصمیمشان درست باشد و زمان ورود را به خوبی در نزدیکی SL مدیریت کنند، باز هم در یک نوسان موقت که همان پولبک در ادامه مسیر نزولی می باشد وارد شده اند نه یک برگشت روند کامل. برخی از آنها تحت تاثیر هیجاناتشان، اقدام به نقد کردن معاملات خرید خود می کنند و برخی دیگر که

امید به صعود بیشتر داشته و معاملات خود را نگه داشته اند با فعال شدن حدضررهایشان در پایین SL باعث ایجاد بیشتر جریان سفارشات نزولی شده و به نزول بهتر قیمت کمک می کنند.

بخش قابل توجهی از فشار کاهشی در یک روند نزولی، از طریق فعال شدن حدضرر خریداران تامین می شود. به بیان دیگر یک روند نزولی با فشار ضررهای معامله گرانی که آن را به عنوان یک حرکت صعودی به اشتباه تشخیص داده بودند قوت می یابد.

تعریف روند خنثی

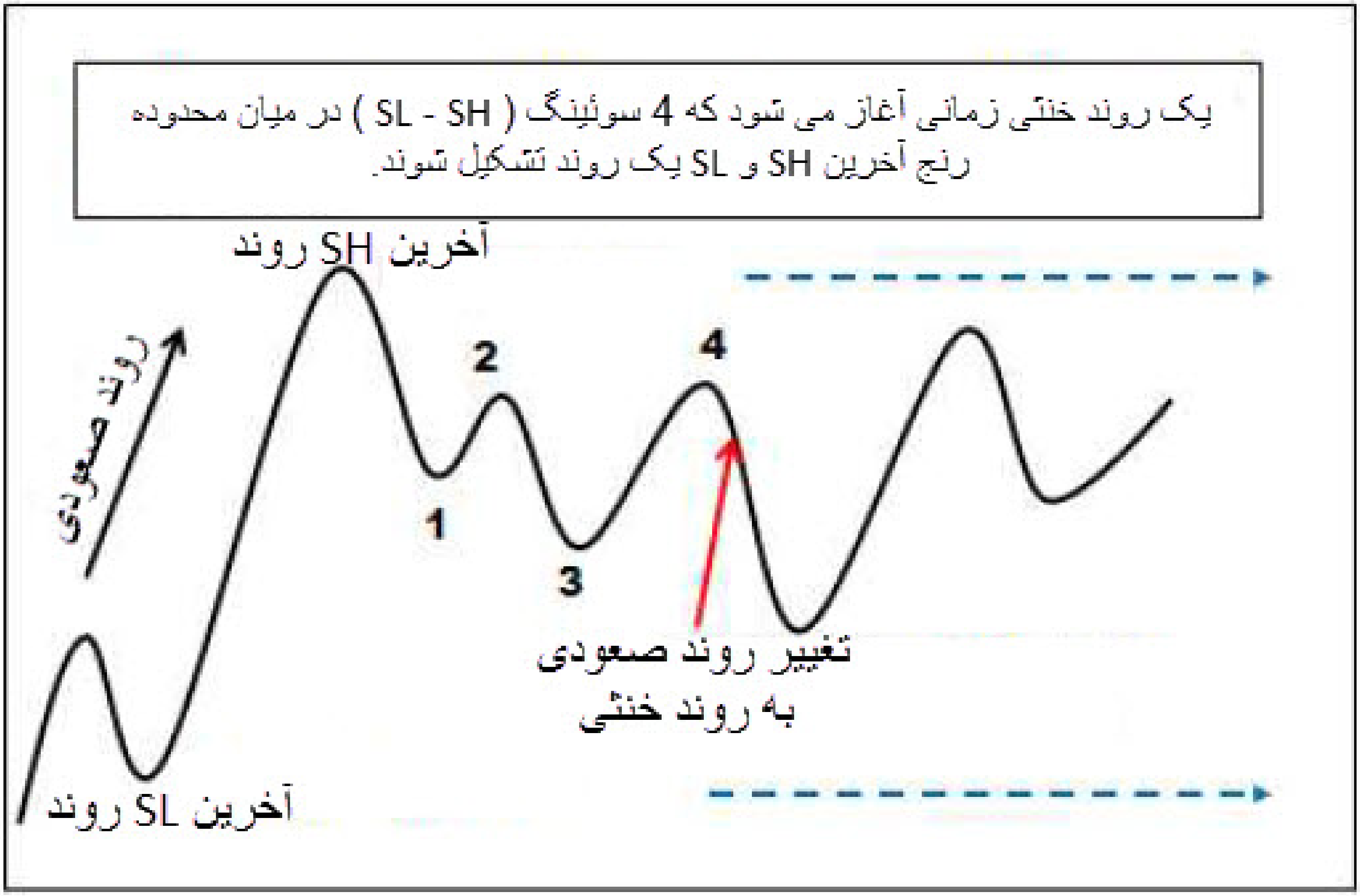
روند خنثی شامل یک سری از نوسانات قیمت میان محدوده رنج بالا و رنج پایین می باشد، که ممکن است مرز رنج بالا و رنج پایین بین مقاومت و حمایت تایم فریم بالاتر و یا SL و SH تایم فریم معاملاتی باشد.



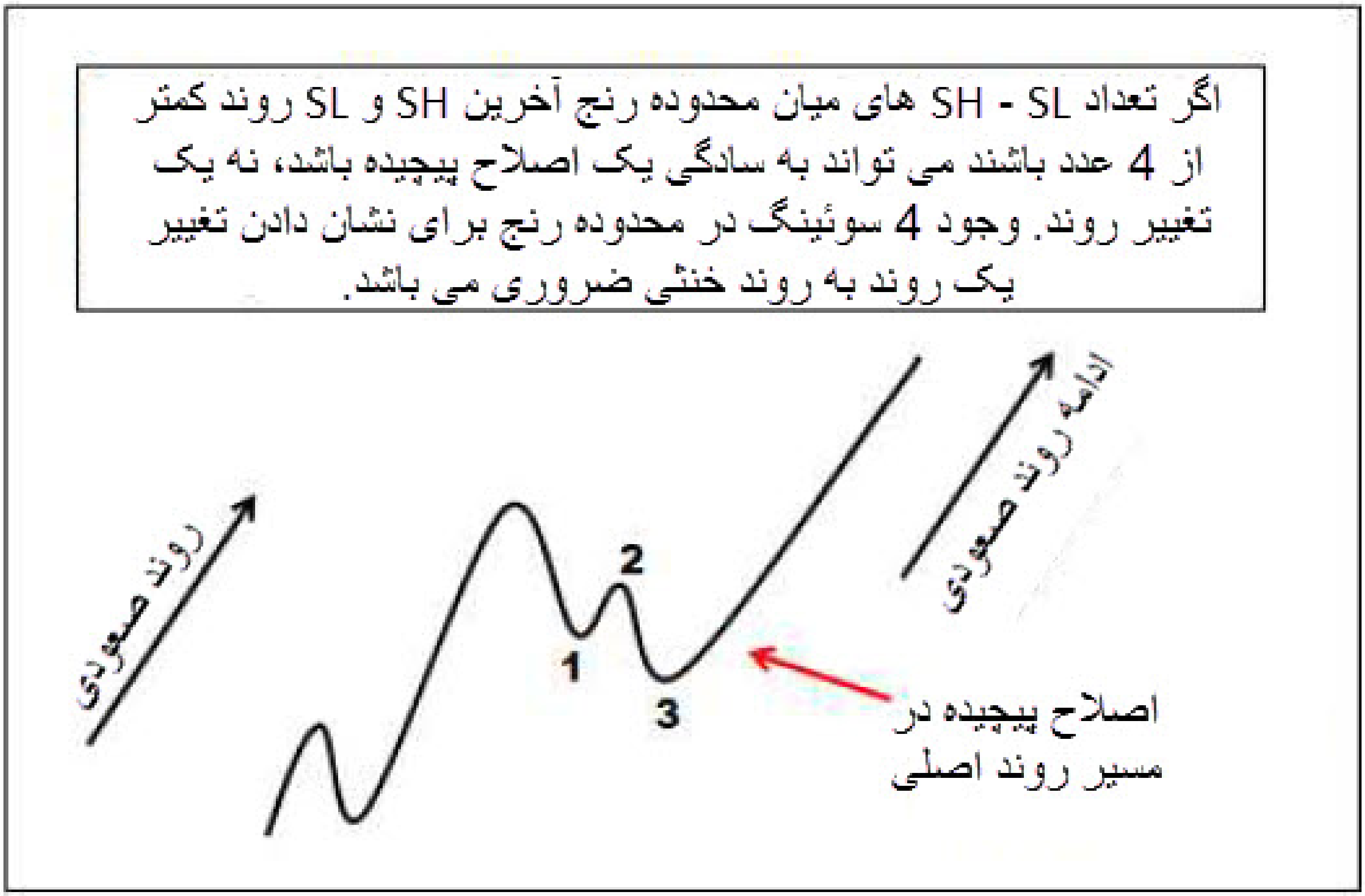


اکنون به تعریف روند خنثی از لحظه آغاز آن می پردازیم....

یک روند خنثی زمانی آغاز می شود که ٤ سوئینگ (SH – SL) در میان محدوده رنج آخرین SH و SL یک روند تشکیل شوند.



اگر تعداد SL – SH های میان محدوده رنج آخرین SH و SL روند کمتر از ٤ عدد باشند می تواند به سادگی یک اصلاح پیچیده باشد، نه یک تغییر روند. وجود ٤ سوئینگ در محدوده رنج برای نشان دادن تغییر یک روند به روند خنثی ضروری می باشد.



زمانی یک روند خنثی به طور رسمی پایان می یابد که قیمت یکی از SL یا SH هایی که برای دامنه رنج تعریف شده بودند را بشکنند.

روند خنثی از منظر عرضه و تقاضا و تصمیمات معامله گران:

تعریف نوسان قیمت در روند خنثی به این نحو است که یک محدوده از قیمت های پایین تر، یک سطح حمایتی را تشکیل می دهند که معامله گران آن را سطح با ارزشی تشخیص داده و برای معاملات خرید مناسب می دانند؛ همین تعریف برای سطوح مقاومت نیز صادق است و این امر باعث می شود قیمت در یک دامنه تکراری و ثابت از سمتی به سمت دیگر تا زمانی که تمایلات در بازار تغییر کنند حرکت کند.

اصول تعیین روند

مردم در چارت من غالبا کراس یکی از مووینگ های EMA (20) یا EMA (8/19) را می بینند و فکر می کنند من از اینها برای تعیین روند استفاده میکنم، این چنین نیست.

جهت روند به عدم تعادل بین عرضه و تقاضا بستگی دارد واین وابسته به تصمیمات معامله گران حاظر در بازار است و تصمیمات معامله گران تا حد زیادی به مناطقی بستگی دارد که قبلا در آنها عدم تعادل بین عرضه و تقاضا رخ داده است.

محدوده هایی روی چارت برای تعیین ادامه روند یا تغییر روند مهم هستند که همان محدوده ها قبلا محل تغییر تعادل بین عرضه و تقاضا بوه اند. به بیان دیگر این SL و SH ها هستند که روند را تعریف می کنند، نه خطوط مووینگ ها روی چارت.

با این حال ما چه مووینگی را با چه دوره ای باید استفاده کنیم ؟ چرا EMA (20) یا EMA (9/18)؟ چرا مثلا به جای آنها از EMA (19) یا EMA (8/21)را استفاده نمی کینم ؟ یا اصلا چرا WMA یا SMAاستفاده نمی کنیم ؟

کراس قیمت با مووینگ تنها نشان می دهد که قیمت به اندازه کافی در جهتی حرکت داشته که توانسته مووینگ را کراس کند و هیچ چیز با ارزشی را برای ما روشن نمی کند. تعریف اصولی تغییر روند این است که بازار یک محدوده کلیدی یا یک SL / SH را کراس کرده و منطقه جدید برای حرکت قیمت از طرف معامله گران پذیرفته شده است.

عبور قیمت از محدوده های کلیدی تغییر تعادل عرضه و تقاضای قبلی (SH / SL) و ورود قیمت به محدوده جدید و پذیرش قیمت در محدوده جدید توسط معامله گران نمایانگر تغییر روند است، نه هیچ چیز دیگر.

پس چرا این مووینگ ها در چارت من دیده می شوند؟

اولا که اینها برای استراتژی ما ضروری نیستند؛ شما معمولا آنها را با خط خیلی کمرنگ در پس زمینه چارت من می بینید که فقط به عنوان اطلاعاتی در بک گراند من است.

دوما اینها بخشی باقی مانده از استراتژی قبلی من هستند که به عادت آنها را روی چارت خود نگه داشته ام.

سوما اینها به عنوان یک راهنمای تصویری سریع برای تجزیه و تحلیل روند برای من هستند، به آسانی با یک نگاه روند را تخمین میزنم. در بیشتر مواقع EMA جهت روند را کاملا دقیق نمایش می دهد.

EMA ها در چارت من تنها یک راهنما هستند. یک ابزار پشتیبانی! شما هم اگر مایلید می توانید از آن استفاده کنید یا اگر ترجیح می دهید می توانید از آن استفاده نکنید، در هر صورت این تاثیری در استراتژی ما ندارد.

یک سیستم EMA نمی تواند به شما بگوید که چه زمانی روند تغییر می کند یا چه زمانی بازار در یک روند خنثی قرار دارد. اما می تواند یک اندیکاتور برای نمایش روند به صورت تقریبی باشد البته به شرطی که یک روند واضح وجود داشته باشد.

اگر شما از یک EMA در چارت خود استفاده می کنید حتما به یاد داشته باشید که این تنها یک راهنما هست نه یک ابزار معتبر برای تشخیص روند واقعی.

تعریف روند – با استفاده از ذهنیت و به صورت منعطف نه قوانین خشک ریاضی

همان طور که قبلا نیز توضیح دادیم بازار را نمی توان بوسیله قوانین یا مدل های ثابت ریاضی تعریف کرد زیرا بازار یک موجود عاطفی است.

هر تلاشی برای تعریف روند به وسیله قوانین یا مدل های ثابت ریاضی محکوم به شکست است. صرف نظر از این که شما روند را چگونه تعریف می کنید، برخی مواقع هست که پولبکی برخلاف جهت ولی در مسیر اصلی روند شکل می گیرد که به اندازه کافی برای به اشتباه انداختن معامله گران مبتدی که پیرو قوانین و مدل های ریاضی هستند گمراه کننده خواهد بود و قبل از این که قیمت به حد سود آنها برسد مجددا چرخیده و به جهت اصلی روند ادامه میدهد.

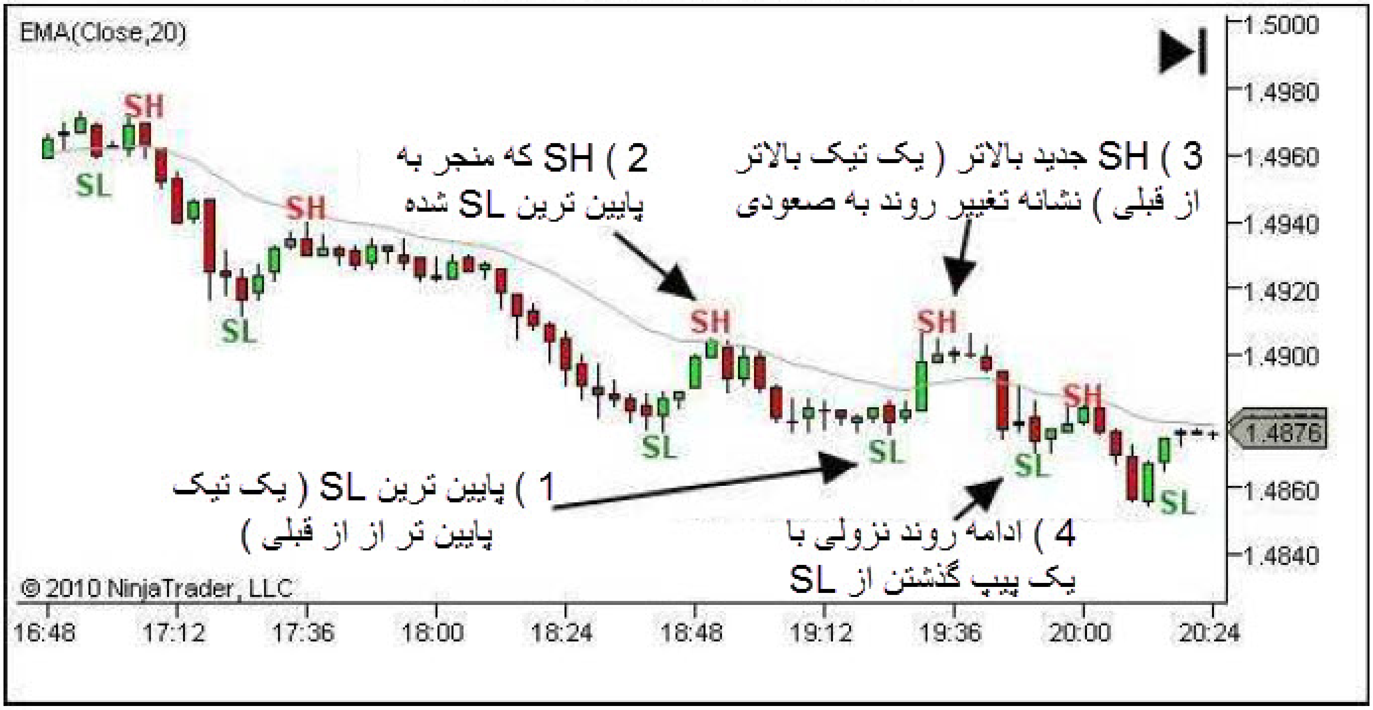
از این رو تعریف روند به صورت ذهنی و منعطف بسیار برتر و موفق تر است، هرچند که پذیرفتن این برای معامله گران مبتدی مشکل است.

از آنجا که پولبک همیشه بر خلاف جهت روند اصلی شکل می گیرد، با تعاریف روند به وسیله قوانین یا مدل های ثابت ریاضی همیشه یک تغییر روند محسوب می شود، اما این اشتباه است.

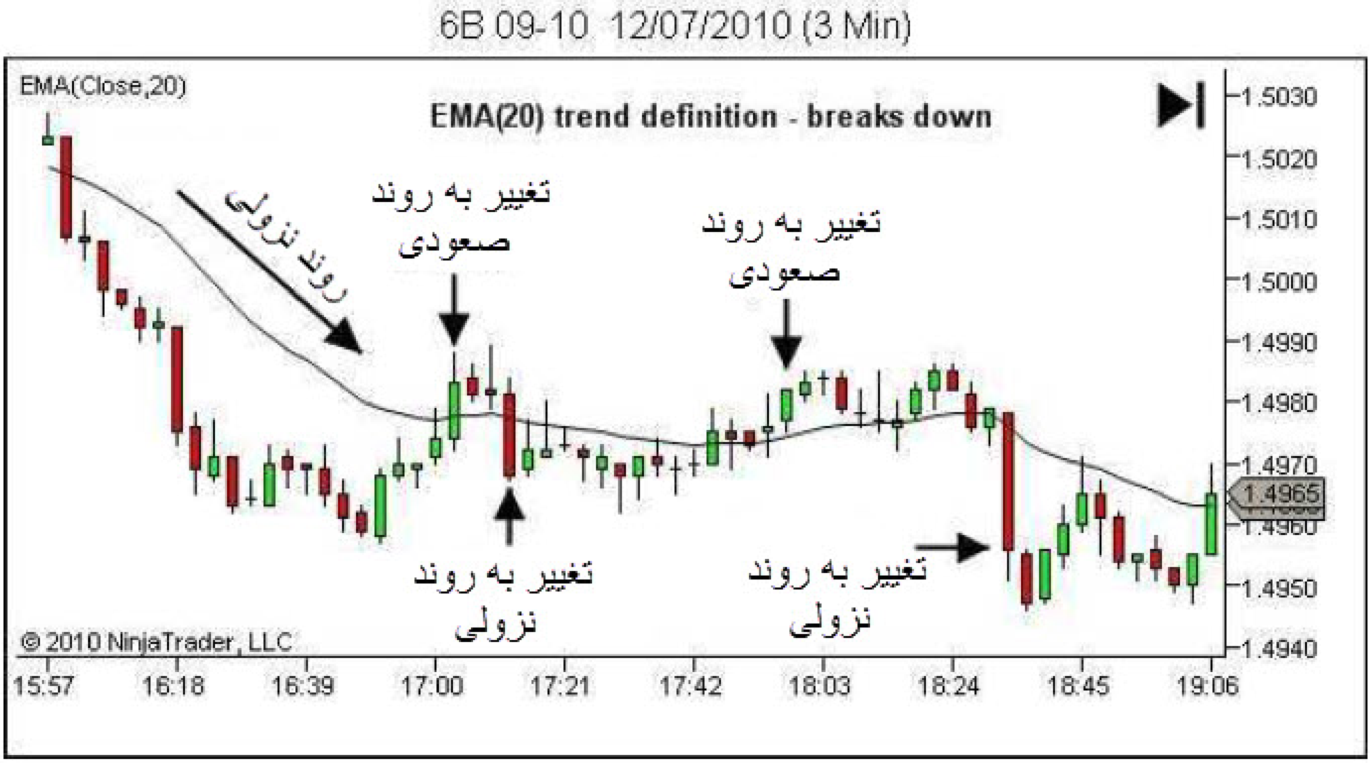
اجازه دهید به یک مثال نگاه کنیم......

چیزی که ما در تصویر زیر به راحتی تشخیص می دهیم این است که قیمت با توجه به تعریف روند بر اساس SL و SH در یک روند نزولی قرار دارد و می بینیم که قیمت در یک کندل تنها با ۳ پیپ از روند نزولی به روند صعودی تغییر یافته و قبل از آن که روند معکوس شود مجددا نزول کرده و به روند نزولی خود ادامه داده.

6B 09-10 25/06/2010 (3 Min)



تعاریف EMA برای روند نیز در بسیاری از مواقع ناموفق هستند که منجر به اشتباه در تصمیم گیری های مبتدیان و در نتیجه معاملات منفی برای آنها می شوند. این ادعا در تصویر زیر که روند به وسیله شیب EMA 20 نشان داده شده است قابل مشاهده است و نشان میدهد که این تعاریف در تشخیص روند واقعی ناتوان بوده و در یک روند خنثی دائما سیگنال های اشتباه صادر می کنند.



ناتوانی سیستم های EMA در تشخیص روند خنثی از بزرگترین مشکلات آنهاست. به نظر من تعریف روند بر اساس SL/SH بسیار برتر و موفق تر است؛ اما اجازه دهید ببینیم می توانیم آن را بهبود ببخشیم .....

باز تکرار می کنم که هر تعریف روند به صورت قوانین یا مدل های ثابت ریاضی در بسیاری از مواقع محکوم به شکست هستند.

مشکل در تکیه به قوانین یا مدل های ریاضی این است که اینها در محیطی که با قائده و ریتم متغیری حرکت می کند ناکارآمد هستند.

راه حل استفاده از تعاریف ذهنی ومنعطف است، ما اجازه می دهیم قیمت سطوح بالقوه تغییر روند را تست کند، ما حتی اجازه می دهیم قیمت از آنها تجاوز کند. هرچند که روند هم تغییر کند ولی صرفا یک تجاوز از سطح ماشه ای برای تغییر روند نیست، بلکه این تازه نتیجه پذیرش قیمت در محدوده جدید است.

پس از تجاوز از یک سطح بالقوه، قیمت سریعا در محدوده جدید نفوذ کرده و پس از آن یا مجدد به سمت روند اصلی باز می گردد، یا قیمت کمی در حوالی شکست مکث کرده ودوباره به حرکت خود ادامه می دهد.

اجازه دهید به تصویر زیر نگاهی داشته باشیم.



در این نمونه همان طور که ما هیچ شواهدی از پذیرش قیمت در محدوده جدید نداشتیم، روند نزولی دست نخورده باقی ماند. تا زمانی که شواهدی مبنی بر تایید تغییر روند نبینیم، از نظر ما روند تغییر نکرده است.

آیا قیمت فراتر از سطح می رود (پذیرش قیمت در محدوده جدید) یا شکست می خود (عدم پذیرش قیمت در محدوده جدید و بازگشت به محدوده قبلی) ؟

مناطق حساس تغییر روند منابع ارزشمندی از اطلاعات در مورد روند آینده هستند. منظور از مناطق حساس SL/SH ها می باشند.

ارزیابی ذهنی و منعطف از پذیرش قیمت در محدوده جدید پس از نفوذ به یک سطح، به این معناست که روند به سادگی توسط نشانه های بصری قابل تشخیص است.

البته به این معنی نیست که ما روند را حدس می زنیم، بلکه ما از SL/SH های تعریف شده در روند آگاه هستیم و سپس با یک ذهنیت روشن تر به دنبال شواهد تغییر روند می گردیم.

اساسا اگر حرکات قیمت شبیه به یک روند صعودی دیده شود (قیمت از SL ها به سمت بالا حرکت کند) قطعا یک روند صعودی خواهد بود. و همچنین اگر حرکات قیمت شبیه به یک روند نزولی دیده شود (قیمت از SH ها به سمت پایین حرکت

کند) قطعا یک روند نزولی خواهد بود و هر چیز دیگری غیر از این دو یک روند خنثی خواهد بود.

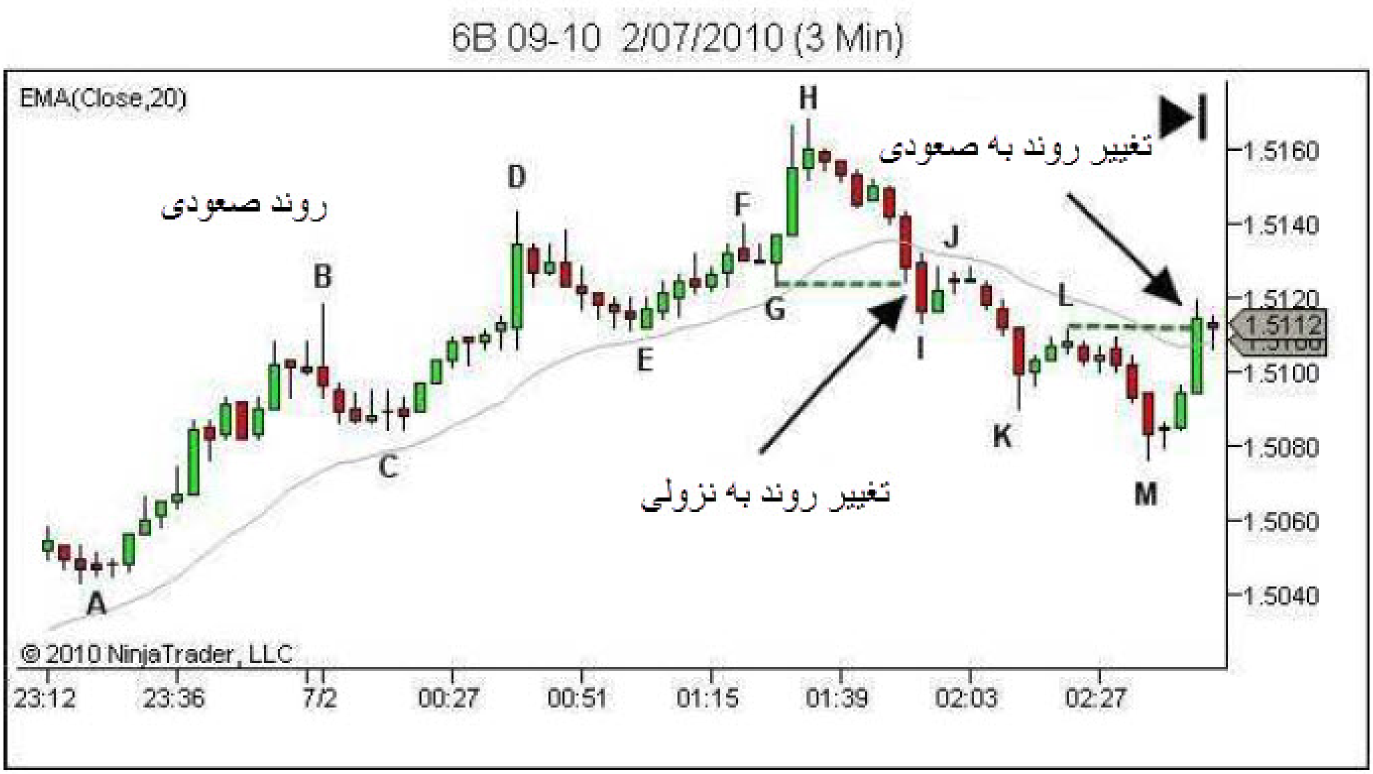
تمام قوانین دیگر فرعیاتی از قائده بالا هستند.

از طریق تمرین شما می توانید به راحتی به ارزیابی روند و همچنین ارزیابی SL/SH ها به صورت ذهنی و منعطف دست یابید. تشخیص قوت و ضعف روند تا حد زیادی به توانایی شما در ارزیابی ذهنی و منعطف تشخیص جهت روند در مناطق حساس بستگی دارد.

این کار را پیچیده تر از حدی که به آن نیاز دارید نکنید.

یک روند اصولا ناشی از تمایل حرکت قیمت در یک جهت می باشد. ذهن شما نسبت به هر قانون یا مدل ثابت ریاضی توانایی بسیار بالاتری در شناسایی روند دارد و اگر شما در انجام آن اشتباه کنید رفتار قیمت خیلی سریع به شما از حقیقت واقعی هشدار میدهد (قبل از این که ضرر زیادی متحمل شوید).

مثال هایی از روند



در مثال بالا ما یک روند صعودی را بوسیله سوئینگ های SL (A) – SH (B) – SL (C) – SH (D) – SL (E) – SH (F) – SL (G) – SH (H) شناسایی میکنیم.

من F و G را با توجه به اهمیت G علامت گذاری کردم، به این دلیل که ابتدا در محل F یک کندل به سمت پایین ایجاد شده و سپس از محل G قیمت برای تست D با سرعت به سمت بالا و در جهت اصلی روند حرکت کرده. سرعت این حرکت برخی فروشندگان را در معاملات منفی به دام انداخته است. G یک محدوده قابل توجه و مناسب برای انتخاب یک SL است. نفوذ قیمت به زیر سطح علامت گذاری شده نشان دهنده تغییر در تعادل عرضه و تقاضا در بازار می باشد.

SL (G) آخرین سوئینگ لو قبل از بالاترین سوئینگ یعنی SH (H) است، و طبق تعریف تغییر روند که پیشتر به توضیح آن پرداختیم، تغییر روند صعودی به روند نزولی زمانی رخ میدهد که قیمت به پایین SL (G) نفوذ کند.

اینجاست که استفاده از ذهنیت و انعطاف در شناسایی روندها اهمیت خود را نشان می دهد، ما می خواهیم شواهدی از پذیرش قیمت در این تغییر را مشاهده کنیم. در ابتدا یک کندل به صورت نزولی و قوی زیر سطح تغییر روند بسته شده و به دنبال آن ۳ کندل صعودی ضعیف شکل گرفته اند که این نشان دهنده عدم تقاضا می باشد (اگر تقاضا به اندازه قابل توجهی وجود داشت می توانست نفوذ به سمت پایین را منجر به شکست کرده و صعود به سطوح بالاتر شروع می شد). که در نهایت کندلهای نزولیِ بعدی تغییر روند را برای ما تایید می کنند.

همچنین در ادامه شاهد هستیم که قیمت در محدوده J یک پولبک ضعیف ایجاد کرده که این باعث می شود نزول قیمت با قدرت بیشتری انجام شود.

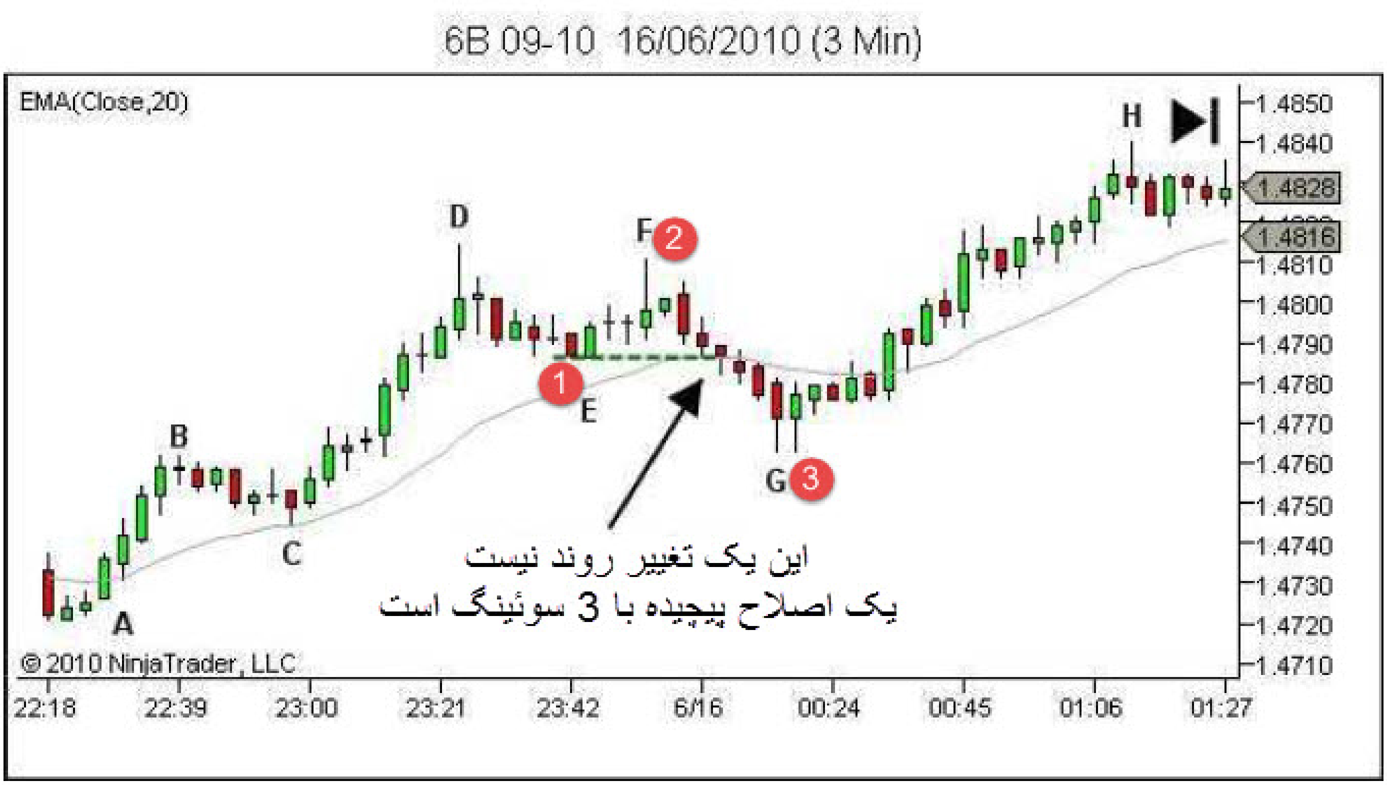
روند نزولی از SH (H) آغاز شده و تا SL (I) - SH (J) - SL (K) - SH (L) - SL (M) ادامه یافته.

در روند نزولی، SH (L) آخرین سوئینگ، قبل از پایین ترین سوئینگ یعنی SL (M) می باشد که طبق تعریف تغییر روند که قبلا به اشاره کردیم، در صورتی که قیمت SH (L) را به سمت بالا بشکنند یک روند صعودی آغاز خواهد شد.

پس از نفوذ قیمت به سطح SH (L) شاهد هستیم که یک کندل در آنجا توقف کرده. بر اساس قوانین ذهنی و منعطف انتظار داریم که تغییر روند به صعودی زمانی رخ دهد که شاهد یک حرکت سریع باشیم ولی با شرایط جاری در این مثال منتظر کسب اطلاعات بیشتر از طریق یک یا دو کندل بعدی می مانیم، که آیا تغییر روند به

صعودی را بپذیریم و یا آن را رد کنیم و به دنبال فرصت های فروش در ادامه نزول باشیم.

در مثال بعدی ما یک روند صعودی را از طریق سوئینگ های SL (A) – SH (B) – SL (C) – SH (D) – SL (E) – SH (F) شناسایی کرده ایم. توجه داشته باشید که SL (E) منجر به صعود قیمت برای ایجاد یک سوئینگ بالاترِ جدید نشده است و SH (F) موفق به تجاوز به بالای SH (D) نشده در نتیجه طبقِ تعریف تغییر روند، شکسته شدن SL (E) به سمت پایین دلیلی بر تغییر روند به نزولی نیست، بلکه می تواند به یک اصلاح پیچیده منجر شود. در این مثال برای تغییر روند به نزولی نیاز هست که قیمت SL (C) را به سمت پایین بشکند، که چنین اتفاقی نیافتاده.

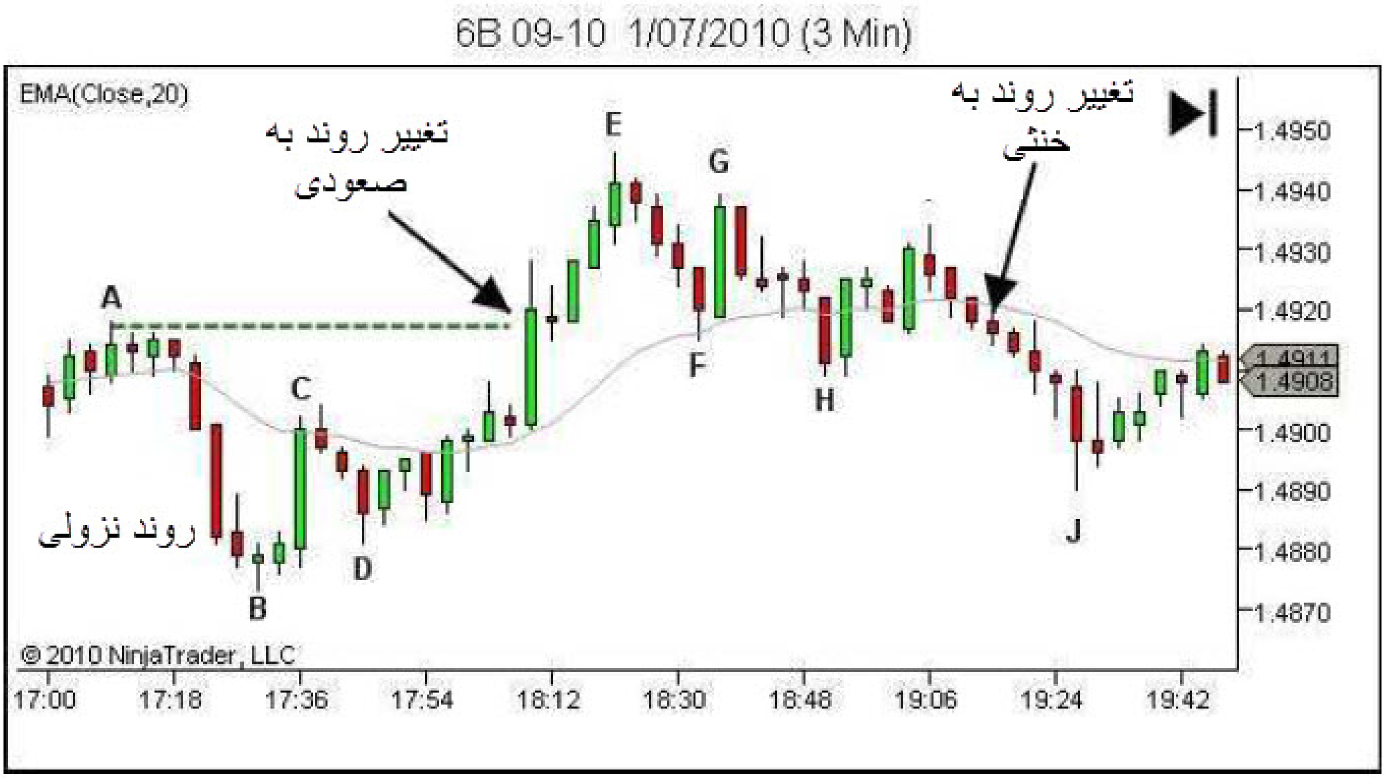


همانگونه که مشاهده می شود پس از ۳ سوئینگ E,F و G قیمت به روند صعودی خود ادامه داد و یک سوئینگ بالاتر در محدوده H ایجاد شد.

اغلب مواردی که در محدوده های نظیر C تا D یک اصلاح پیچیده با ۳ سوئینگ یا مدل های دیگری از اصلاح پیچیده رخ می دهد، به دنبال آن یک گام بلند تقریبا به اندازه گام C تا D را در ادامه همان روند شاهد خواهیم بود. (توجه داشته باشید که هر بار قیمت از EMA فاصله گرفته دوباره به سمت آن جذب شده و پس از آن

یک گام در مسیر روند حرکت کرده است – این یکی دیگر از مزایای بصری EMA هست که می تواند به عنوان یک ابزار پشتیبان مورد استفاده قرار گیرد)

در مثال زیر ابتدا یک روند نزولی در آغاز سشن انگلستان مشاهده می گردد که ادامه حرکات قیمت از روز قبل می باشد، این روند نزولی از طریق سوئینگ های SH (A) – SL (B) – SH (C) وSL (D) قابل شناسایی است. طبق تعریف روند شکستن SH (C) به سمت بالا، یک تغییر روند محسوب نمی شود زیرا این سوئینگ به پایین ترین سوئینگ در روند نزولی منجر نشده است. پس تغییر روند به صعودی زمانی تایید می شود که قیمت SH (A) را به سمت بالا بشکند، چون همین سوئینگ بوده که منجر به SL (B) یعنی پایین ترین سوئینگ در روند نزولی شده.



قیمت بریک اوت به سمت بالا از سطح SH (A) را پذیرفته و روند به صعودی تغییر میکند. پس از آن روند صعودی به سمت SH (E) و SL (F) حرکت می کند.

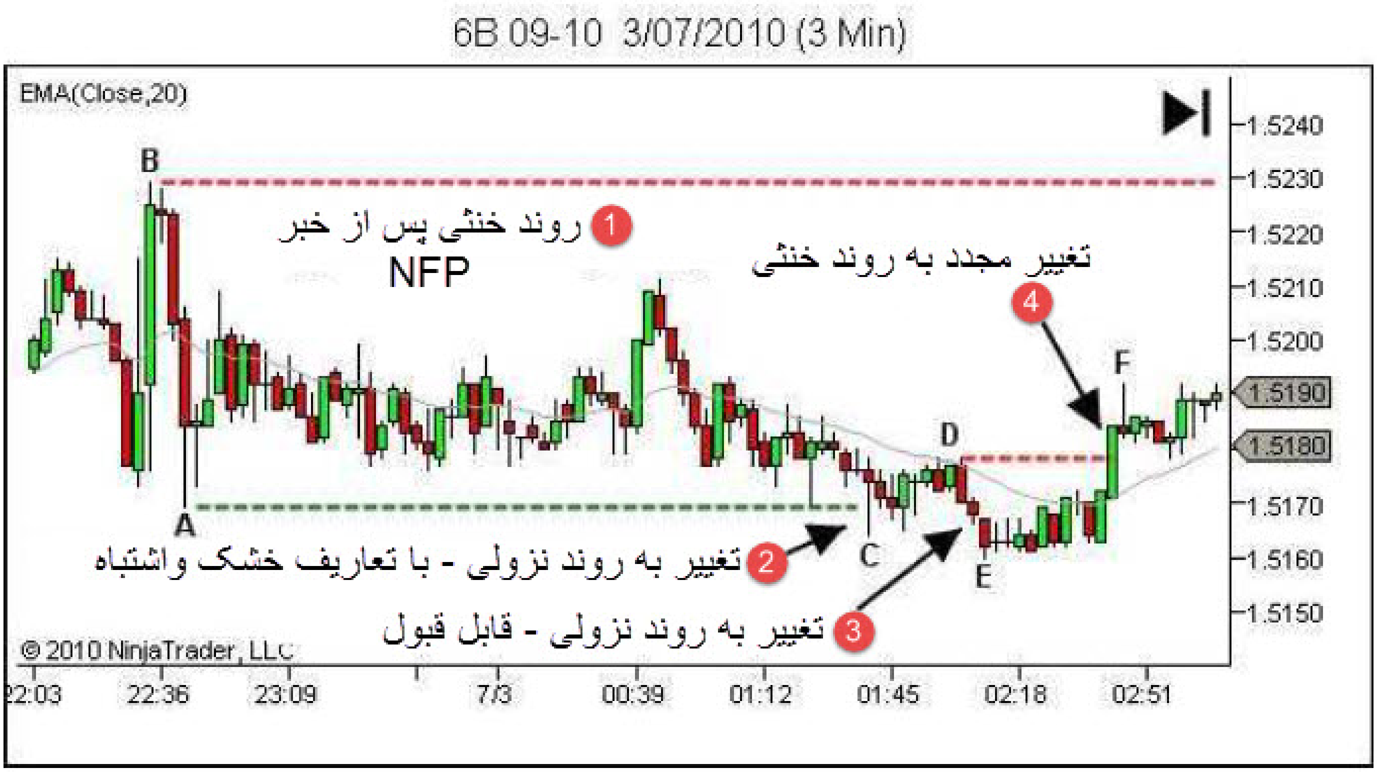
در ادامه شاهد هستیم که پس از سوئینگ F، سوئینگ G منجر به سوئینگ پایین تر H شده ولی دقت کنید که در این مرحله روند تغییر نکرده است و این به سادگی می تواند یک اصلاح پیچیده در روند صعودی باشد، این زمانی تحقق می یابد که قیمت در بالای SH (E) تثبیت شود.

در این مورد قیمت قادر به نفوذ به سطح SH (E) نبوده و یک سوئینگ بالاتر در محدوده (I) ایجاد کرده است، در این مرحله ما ٤ سوئینگ F,G,H,I را در این محدوده شاهد هستیم که این به معنای تغییر روند صعودی به روند خنثی می باشد.

محدوده مقاومت در این روند خنثی SH (E) و محدوده حمایت SL (D) می باشد، طبق تعاریف هر چند که در مجاورت SL (D) حمایت B نیز وجود دارد واین می بایست به عنوان محدوده حمایت در نظر گرفته شود ولی من شخصا مقاوت B را تنها به عنوان ماشه ای برای تبدیل روند به نزولی (اگر قیمت به آن نفوذ کند) در نظر می گیرم. این یک نمونه از بکارگیری ذهنیت در تجزیه و تحلیل می باشد که هر کس می تواند برای خود اعمال کند.

شخصا از دیدگاه ذهنی بصری این تعریف را برای روند خنثی می پسندم که در ابتدا تقاضا به صورت واضح ضعیف شده و قیمت قادر به ثبت سوئینگ بالاتر جدید نبوده و به صورت مشابه نیز نتوانسته است قدرتی در حرکات نزولی خود داشته باشد و تا زمانی که این رفتار در قیمت دیده شود و قیمت نتواند از یک سمت از این محدوده خارج شود من به عنوان یک روند خنثی به آن نگاه می کنم.

در تصویر زیر سطوح A و B به عنوان محدوده های حمایت پایین و مقاومت بالا که پس از انتشار خبر NFP در تاریخ ۲ جولای ۲۰۱۰ ایجاد شده اند مشخص گردیده. قیمت حرکت خود را پس از انتشار خبر به وضوح در میان محدوده رنج حفظ کرده و نوسان اندکی در این محدوده دارد. این روند خنثی تا زمانی ادامه خواهد داشت که قیمت قدرت کافی برای شکستن یکی از سطوح A یا B را کسب کند.



در محدوده C قیمت دو بار به پایین سطح حمایت نفوذ کرد ولی قیمت در آنجا پذیرفته نشد و نتوانست در زیر محدوده شکسته شده باقی بماند. البته این بر اساس قوانین ثابت بوده و بیشتر فروشندگانی که این گونه به چارت نگاه می کردند متحمل ضرر شده اند.

در اولین نفوذ، قیمت به بالا و در محدوده رنج برگشته و سوئینگ D را ایجاد کرده، البته توجه داشته باشید هر چند که حرکت به سمت D بسیار ضعیف بوده ولی منجر به ایجاد سوئینگ بالاتر شده. و پس از سوئینگ D قیمت مجددا ریزش و به سطح A نفوذ کرده که از نظر تعاریف ذهنی و منعطف برای من این بار شکست به اندازه کافی قابل قبول می باشد.

از آنجا که سوئینگ جدید E به زحمت در مجاورت محدوده رنج شکل گرفته نشان میدهد که هنوز جریان سفارشات قابل توجهی وارد بازار نشده و هیچ یک از طرفین خریدار و فروشنده هنوز قدرت کافی برای غلبه بر دیگری را ندارند. روند نزولی برای ادامه حرکت در زیر این سطح تراکم، نیاز به جریان سفارشات نزولی بیشتری داشته و شکسته شدن سطح D به سمت بالا به معنای بازگشت قیمت به روند خنثی می باشد.

SH (D) آخرین سوئینگ بالا قبل از پایین ترین سوئینگ یعنی E می باشد. حرکت قوی از E تا F منجر به شکسته شدن SH (D) شده و روند نزولی را بی اعتبار می

کند. اینجاست که روند خنثی با تثبیت شدن قیمت بالای SH (D) دوباره برقرار می شود.

با توجه به حرکات اخیر قیمت، مقاومت بالای روند خنثی در سطح B باقی می ماند ولی حمایت پایین به سطح E تغییر می کند.

تمرین روند

برای تمرین و مرور مباحث، پلتفرم معاملاتی خود را باز کرده و تایم فریم منتخب خود برای معامله گری را اجرا کنید. همان طور که قبلا گفته شد، اگر نمی دانید در چه بازار و تایم فریمی تمرین کنید من پیشنهاد می کنم بازار 6B که همان GBP/USD فارکس است را انتخاب و برای تایم فریم بالاتر ۳۰ دقیقه و برای تایم فریم معاملاتی ۳ دقیقه را استفاده کنید.

داده های تاریخچه چارت خود را تا حد امکان به عقب بکشید تا حدی که به اولین زمانی که کندل ها در چارت شما شروع شده اند برسید، سپس موقعیت نمایش چارت را به صورتی تنظیم کنید که در سمت راست صفحه نمایش، شروع اولین سشن معاملاتی را داشته باشید. برای GBP/USD اولین سشن معاملاتی با سشن انگلستان شروع می شود.

حال با استفاده از داده های سمت چپ، محدوده های حمایت و مقاومت و روند را شناسایی و رسم کنید.

حال کندل به کندل چارت را به جلو بکشید و روندها را شناسایی و دنبال کنید، به محدوده های SH و SL ها توجه داشته باشید و مناطق تغییر روند را پیدا کنید.

این کار را تا زمانی که این روند برایتان راحت شود ادامه دهید.

۳,۳ – روند آینده

۳,۳,۱ – قوت و ضعف در روند

در این بخش هدف ما از تجزیه و تحلیل، تخمین قدرت و ضعف روند، و در نتیجه تخمین چگونگی حرکت قیمت در آینده می باشد.

یا ساده تر بگویم :

- قیمت از کجا آمده ؟
- قیمت به احتمال زیاد به کجا خواهد رفت ؟

تعیین ساختار بازار و تجزیه و تحلیل کردن روند به ما امکان شناسایی جایی که قیمت درگذشته بوده را می دهد.

و اکنون زمان آن است که شناسایی کنیم قیمت در آینده احتمالا به کجا خواهد رفت.



من به این روند آینده می گویم.

مفهوم تعیین روند آینده به شرح زیر است :

۱) حرکت قیمت به عنوان سرنخی از قدرت و ضعف از دو نیروی متضاد یعنی فشار صعودی و نزولی می باشد؛ و به ما اجازه میدهد تا ببینیم کدام طرف موفق به کنترل جریان قیمت خواهند بود.

۲) حرکت آینده قیمت احتمالا در جهتی خواهد بود که نیروی حرکت قیمت در آن جهت قدرت بیشتری را نمایش دهد، یا قیمت آینده بر خلاف جهتی حرکت خواهد کرد که قیمت در آن جهت از خودش ضعف نشان دهد.

ما قدرت یا ضعف بازار را از طریق رقابت بین فشار صعودی و فشار نزولی سنجیده و سپس مسیری را که به احتمال بیشتر در حرکت آینده قیمت رخ خواهد داد را طرح ریزی می کنیم.

نکته کلیدی: بازار در جهت قدرت و بر خلاف جهت ضعف حرکت می کند.

ما در مثال زیر فرآیند شناسایی قدرت و ضعف را دنبال خواهیم کرد. همچنین ما این کار را از طریق این مثال برای نیاز شما به پذیرش این نوع تجزیه و تحلیل انجام می دهیم. ما نکته موجود در این مثال را که چگونگی شناسایی حرکت آینده در جهت قدرت و برخلاف ضعف را مطرح خواهیم کرد.



تصویر بالا قدرت را در روند نزولیِ موج a و ضعف را در پولبک b نشان می دهد.

در ادامه نیز روند نزولی در جهت قدرت (a) و خلاف ضعف (b) حرکت کرده.

گام e نشان دهنده ادامه روند در جهت قدرت نزول است در حالی که پولبک f دوباره ضعیف است. حرکت های رو به پایین تا زمانی که قدرت در جهت نزولی باشد هر بار تکرار می شوند.

گام g در ابتدا با قدرت ظاهر شد ولی پس از آن در محدوده h به طور قابل توجهی ضعیف شد. فشار نزولی در این محدوده نشانه هایی از ضعیف شدن را از طریق گامهای g و h نمایش می دهد؛ این ضعف به وضوح نسبت به گام قبلی یعنی e قابل مشاهده و تشخیص است.

حرکت بعدی در جهت آخرین قدرت یعنی f و بر خلاف ضعف h بوده و موج صعودی قوی i را ایجاد کرده است.

اما این همیشه مانند مثال ما به سادگی ظاهر نمی شود و اقلب نشانه های واضحی در دسترس نیست.

خیلی اوقات نوسانات صعودی و نزولی قیمت، قدرت های مشابهی را نمایش می دهند.

با این حال اغلب اوقات تغییرات ناگهانیِ قدرت یا ضعف در هر جهت که باشند در نمودار به صورت آشکار اتفاق می افتند؛ همان طور که در این مثال تغییر قدرت بین g تا h به صورت آشکار اتفاق افتاد.

تغییرات قدرت یا ضعف اغلب اوقات به آسانی شناسایی می شوند و این تغییرات ناگهانی سرنخ های بزرگی از راه آینده را به ما می دهند.

حال به اینجا می رسیم که ما چگونه قوت و ضعف را شناسایی می کنیم ؟

۲-۳-۳ شناسایی قدرت و ضعف

ما با تحلیل ویژگی های گوناگون متغیر قیمت به شناسایی قدرت و ضعف در روند می پردازیم، به زبان ساده ما با تحلیل میزان شتاب و عمق/مسافت این کار را انجام می دهیم.

این تحلیل در گام اول در تایم فریم معاملاتی ما (۳ دقیقه) انجام می شود ولی نهایتا لازم هست که در تایم فریم پایین تر (۱ دقیقه) این کار را به صورت دقیق تر انجام دهیم. در ادامه چند مثال خواهیم داشت.

شتاب

شتاب چیست؟

در مکانیک: مقداری است که بیانگر جنبش حرکت یک جسم یا یک سیستم می باشد؛ که برای یک جسم از حاصل ضرب جرم وسرعت آن به دست می آید، و در یک سیستم از جمع برداری جرم وسرعت هر ذره از سیستم حاصل می شود.

به موضوع اصلی بازگردیم!

در بحث ما این واژه چه معنایی دارد؟

- در بحث ما به معنای آهنگ تغییرات سرعت و تندی سرعتِ حرکت قیمت می باشد؛ و این از طریق تشخیص تغییرات با توجه به پتانسیل جریان سفارشات آینده و پتانسیل جهت روند آینده انجام می شود.



به نظر من شتاب یک نام ضعیف است. ولی با توجه به اینکه این نام عموما برای این ویژگیِ حرکات قیمت زیاد استفاده می شود من نیز به سادگی از همین نام استفاده میکنم.

واقعا شتاب را باید دارای دو ویژگی جداگانه دانست؛ سرعت (نسبت تغییر قیمت) و تندی سرعت (نسبت تغییر سرعت).

لطفا دقت کنید که ما در مورد هیچ اندیکاتور (یا اسیلاتور) رایج شتاب مانند Stochastics، MACD، RSI، ROC، ویلیامز و حتی همین اصطلاح شتاب حرف نمی زنیم.

مومنتوم یک اندیکاتور نیست بلکه ویژگی تغییرقیمت می باشد.

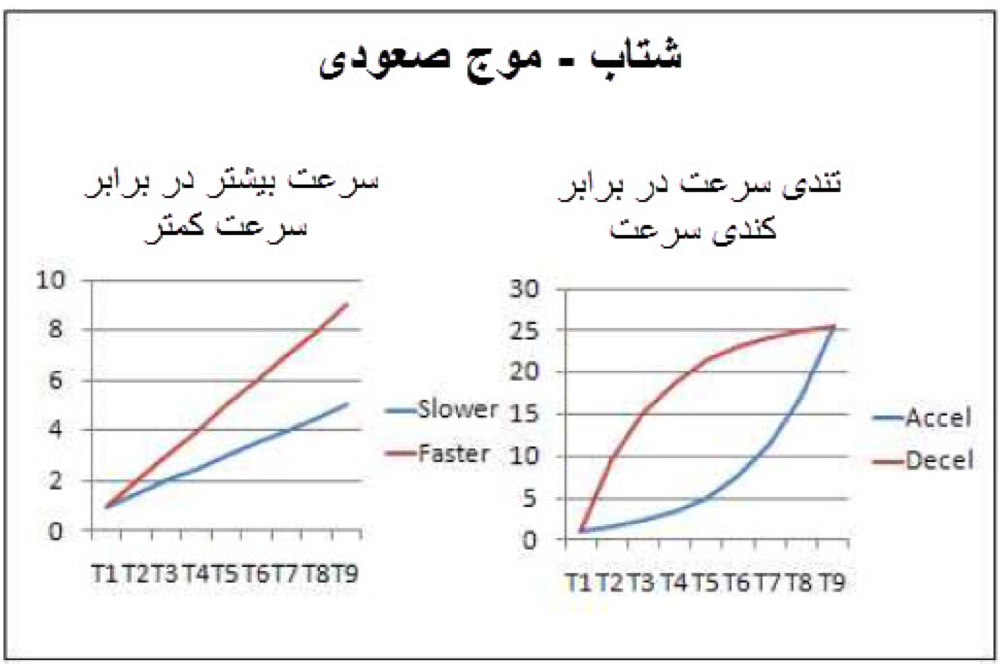
ما به سادگی حرکات قیمت را به منظور مقایسه سرعت و تندی سرعت آن در حرکت جاری، با سرعت وتندی سرعت در حرکات گذشته دنبال می کنیم.

شتاب از طریق دنبال کردن شیب (زاویه) حرکت قیمت در چارت قابل مشاهده است.

در تصویر زیر می بینید که در محور عمودی، قیمت و در محور افقی نمودار زمان نمایش داده شده است (درست مانند نمودار قیمت معمولی). هردو تصویر سمت چپ و راست نمایش دهنده نوسان افزایش قیمت هستند.

شیب خط مستقیم نشانگر سرعت قیمت و میزان تغییر قیمت در واحد زمان است.

خطِ با شیب کمتر (رنگ آبی) نشان دهنده افزایش کمترِ قیمت نسبت به مدت زمان مشابه، با خط با شیب بیشتر (رنگ قرمز) می باشد. بنابراین خط آبی نشان دهنده سرعت کمتر نسبت به خط قرمز می باشد و خط آبی حرکت کمتر قیمت را نسبت به خط قرمز نشان می دهد. خط آبی گویای ضعف صعود در مقایسه با خط قرمز است که خط قرمز قدرت صعود بیشتری را نشان می دهد.



شیب یک خط منحنی نشان دهنده تندی سرعت یا کندی سرعت وبه بیان دیگر همان نرخ تغییر سرعت می باشد.

افزایش شیب (خط آبی) نشان دهنده افزایش تندی سرعت بوده و تندی سرعت این نوسانِ قیمت در حال افزایش است، که نشان دهنده افزایش قدرت صعودی می باشد.

کاهش شیب (خط قرمز) نشان دهنده کاهش تندی سرعت بوده و تندی سرعت این نوسانِ قیمت در حال کاهش است، که نشان دهنده کاهش قدرت صعودی می باشد.



در ابتدا به خطوط مستقیم در سمت چپ تصویر توجه کنید.

خطِ با شیب کمتر (رنگ آبی) نشان دهنده کاهش کمترِ قیمت نسبت به مدت زمان مشابه برای خط با شیب بیشتر (رنگ قرمز) می باشد. بنابراین خط آبی نشان دهنده سرعت کمتر نسبت به خط قرمز می باشد و خط آبی حرکت کمتر قیمت را نسبت به خط قرمز نشان می دهد. خط آبی گویای ضعف نزول در مقایسه با خط قرمز است که خط قرمز قدرت نزول بیشتری را نشان می دهد.

شیب یک خط منحنی نشان دهنده تندی سرعت یا کندی سرعت وبه بیان دیگر همان نرخ تغییر سرعت می باشد.

افزایش شیب (خط آبی) نشان دهنده افزایش تندی سرعت بوده و تندی سرعت این نوسانِ قیمت در حال افزایش است، که نشان دهنده افزایش قدرت نزولی می باشد.

کاهش شیب (خط قرمز) نشان دهنده کاهش تندی سرعت بوده و تندی سرعت این نوسانِ قیمت در حال کاهش است، که نشان دهنده کاهش قدرت نزولی می باشد.

همین مفهوم برای حرکات قیمت در چارت نیز به کار می رود. تغییر در تندی سرعت از طریق تغییر در شیب (زاویه) حرکت قیمت شناسایی می شود، که در ادامه از طریق چند مثال تصویری نشان خواهیم داد.

همین طور که نمودارها و نمونه ها را مشاهده می کنید لطفا از نکات مهم یادداشت برداری کنید.

تحلیل شتاب در مورد اندازه گیری مقدار دقیق آن نیست، بلکه از طریق مقایسه شتاب جاری قیمت با شتاب قبلی قیمت است.

- مقایسه شتاب نوسان جاری قیمت با شتاب نوسان قبلی قیمت در همان جهت؟ قیمت سریع تر یا کندتر از قبل است؟ معنی آن چیست ؟
- مقایسه شتاب نوسان جاری قیمت با شتاب نوسان قبلی قیمت در جهت مخالف؟ قیمت سریع تر یا کندتر از قبل است؟ معنی آن چیست ؟
- قیمت جاری سرعت تند دارد یا سرعت کند؟ معنی آن چیست ؟

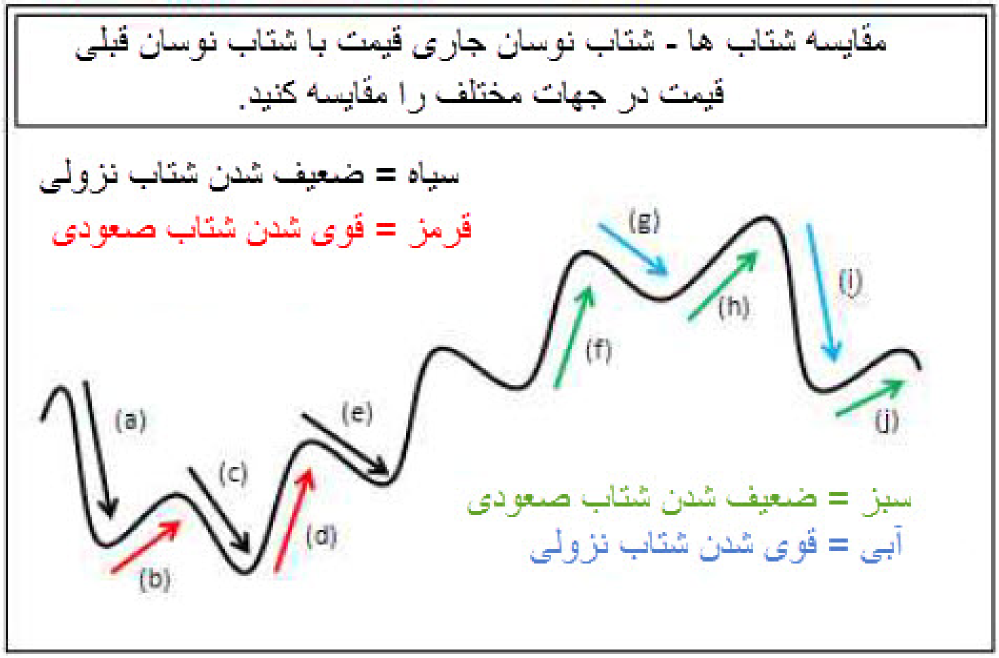
۱) مقایسه شتاب نوسان جاری قیمت با شتاب نوسان قبلی قیمت در همان جهت؟ قیمت سریع تر یا کندتر از قبل است؟ معنی آن چیست ؟

نگاهی به تصویر زیر می اندازیم. جایی که ما می بینیم یک روند نزولی ضعیف شده و برگشتن جهت به یک روند صعودی اتفاق افتاده.

شیب نوسانات نزولی (a)، (c) و (e) را با هم مقایسه کنید. توجه داشته باشید که کم شدن شیب هر یک از این پایه ها نشان دهنده کاهش شتاب نزولی است. ضعف در جهت نزولی ظاهر شده.

شیب نوسان صعودی (b) و (d) را با هم مقایسه کنید. توجه داشته باشید که افزایش سرعت در هر یک از پایه ها نشان دهنده افزایش شتاب صعودی است. نوسانات صعودی قیمت نشانه هایی از قدرت دارند.

تغییر قیمت به احتمال زیاد همسو با جهت قدرت و خلاف جهت ضعف ادامه می یابد. چنانچه حرکات صعودی تقویت شوند به طوری که بر حرکات ضیف نزولی چیره شوند، روند بازار برمیگردد.



حال به سمت راست توجه کنید، جایی که ما ضعف در روند صعودی می بینیم و بازار به یک روند نزولی برگشته.

نوسانات صعودی (f)، (h) و (j) را با هم مقایسه کنید. توجه داشته باشید که کم شدن شیب هر یک از این پایه ها نشان دهنده کاهش شتاب صعودی است. ضعف در جهت صعودی ظاهر شده.

نوسانات نزولی (g) و (i) را با هم مقایسه کنید. توجه داشته باشید که افزایش شیب هر یک از این پایه ها نشان دهنده افزایش شتاب نزولی است. قدرت در جهت نزولی ظاهر شده.

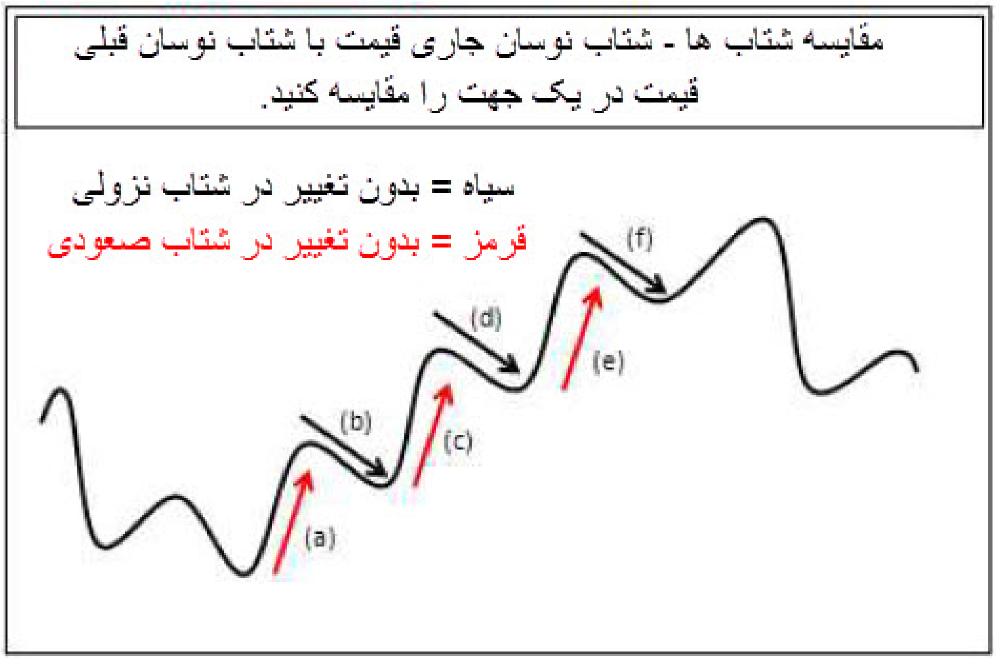
جهت آینده قیمت به احتمال زیاد در جهت نزول ادامه خواهد یافت، همسو با قدرت نزول و خلاف ضعف صعود.

البته همه نوسانات قیمت چنین نشانه های واضح و کاملی برای توصیف روند مانند این مثال ارائه نمی کنند.

غالبا آنها تفاوت قابل توجهی میان سرعت نوسانات قیمت ندارند، و تغییری در قدرت یا ضعف از حرکت جاری قیمت نشان نمی دهند.

در ادامه با اشاره به تصویر زیر ، یک مقایسه از شیب نوسانات قیمت (a)، (c) و (e) که قابل قیاس برای شتاب هستند خواهید دید. بدون تغییر قابل توجه در قدرت صعود.

به همین ترتیب، هیچ تغییری در شتاب نزولی از طریق نوسانات نزولی (b)، (d) و (f) مشاهده نمی شود.



ما در صورت عدم وجود هر گونه تغییر قابل مشاهده در شتاب، انتظار داریم روند به حالت فعلی خودش ادامه دهد.

این تا وقتی ادامه خواهد داشت که حرکات قیمت مدرکی دال بر تغییر شتاب نشان دهد؛ به عنوان مثال قدرت یا ضعف.

۲) شتاب نوسان قیمت جاری را با شتاب نوسان قیمت پیشین در جهت معکوس مقایسه کنید. آیا (نوسان) قیمت کندتر شده یا سریع تر؟ معنی آن چیست؟

مقایسه قدرت يك نوسان قیمت با نوسان قیمت پیشین در مسیر معکوس، ابزار دیگری جهت تشخیص ضعف یا قدرت است.

بدان معنا که نوسان صعودی جاری با نوسان صعودي قبلي يا نوسان نزولی جاری با نوسان صعودي پیشین با هم مقایسه شوند.

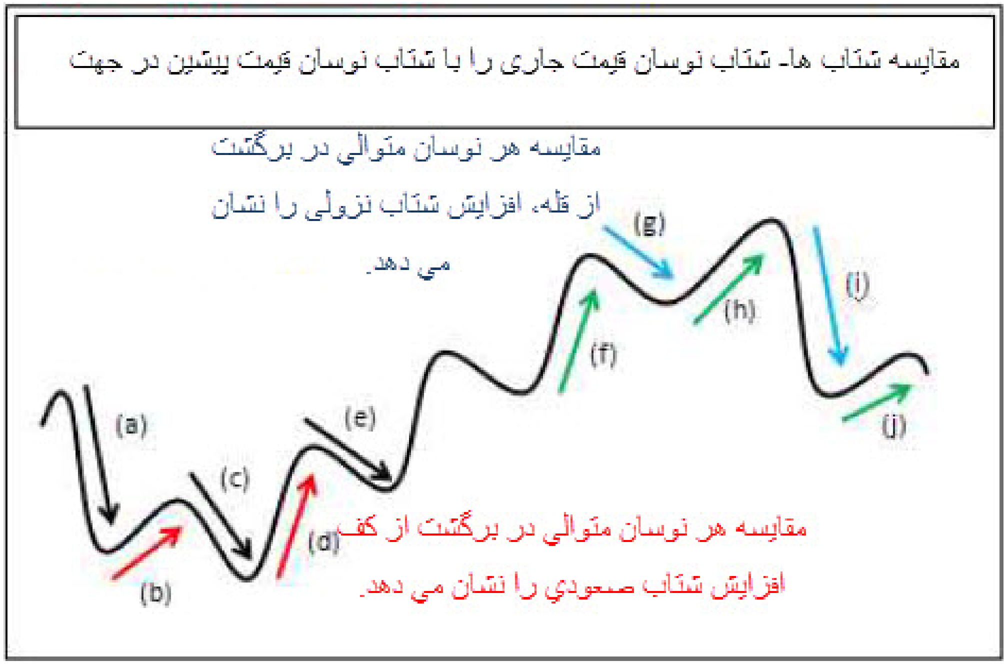
به تصویر ذیل توجه کنید و به یاد داشته باشید که شیب خط (a) کاملا تند است (تقریبا عمودی) و این شیب با شیب خط (b) که در زاویه بیش از ٤٥ درصدی است مقایسه می شود. آخرین نوسان صعودی (b) در مقایسه با نوسان نزولي (a) قبلي نشان دهنده ضعف است. قوت همچنان در جهت نزولی قرار دارد.

نوسان نزولی (c) سرعت نزول قابل مقایسه اي با سرعت نوسان صعودی(b) پیشین را نشان مي دهد؛ در صورتیکه ممکن است این نوسان در حرکت نزولی کمي قوی تر باشد. در حالیکه قوت نوسان همچنان به سمت نزول است، تفاوت چشمگیری میان نزول ها و صعودها وجود ندارد. برای تشخیص تغییر در تمایلات نیاز به اطلاعات بیشتري می باشد.

نوسان صعودی (d) نشان دهنده افزایش خفیف سرعت در مقایسه با آخرین نوسان نزولی (c) است.

در حالیکه قدرت در جهت صعود است، بار دیگر تفاوت های بسیار کوچکی به چشم می خورد. هرچند نوسان نزولی (e) شتاب کاملا کاهش یافته اي را در مقایسه با نوسان صعودی (d) نشان می دهد. به زاویه کم عمق (e) در مقایسه با شیب تند (d) توجه داشته باشید. اکنون قدرت مشخصا در سمت صعود قرار دارد.

انتظار حرکت قیمت در مسیر قوت و برخلاف جهت ضعف می رود.



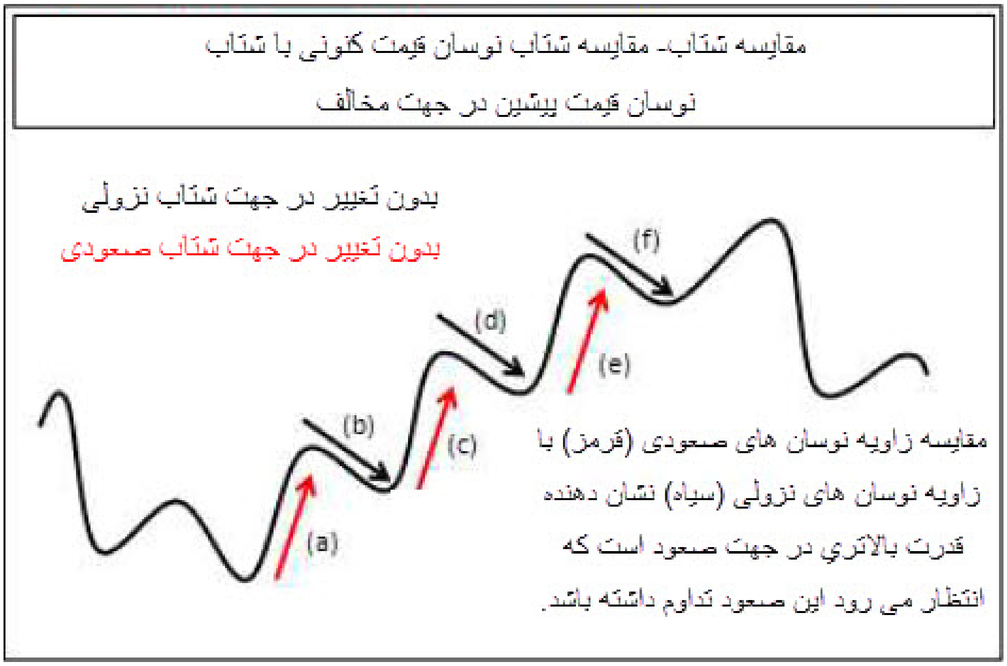
روند به صعودي تغيير يافته است، و انتظار حركت بيشتر قيمت در جهت روند جديد مي رود.

تكنيک تحليل مشابهي در برگشت از قله نيز به كار مى رود. مقایسه (f) و (g) شتاب صعودی بیشتری را نسبت به شتاب نزولی نشان می دهد. قوت هنوز در جهت روند جدید به چشم میخورد.

نوسان های (g) و (h) شتاب قابل مقایسه ای را نشان می دهند و در این مورد به اطلاعات بیشتری نیاز است. نوسان های (h) و (i) تغییر موقعیت را نشان می دهند. شتاب در جهت نزول قوت گرفته است.

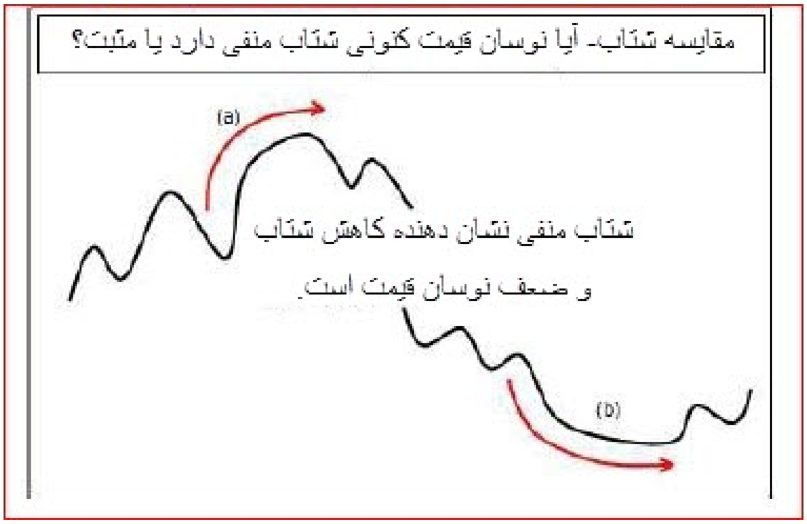
اکنون تایید شده است که چه زمانی شتاب (i) و (j) مقایسه شود. شتاب نوسان صعودی (j) زمانیکه با شتاب نوسان نزولی (i) مقایسه می شود، کاملا ضعیف است. انتظار حرکت بیشتر قیمت در جهت روند نزولی مي رود.

تصوير زير نشان می دهد که چرا مقايسه نوسان در مسير مخالف گاهی مي تواند اطلاعاتی را در اختيار ما بگذارد که از طريق مقايسه با نوسان قبلي در جهت مشابه در دسترس نيست.



در زمان مقايسه سرعت نوسان های نزولی (b)، (d) و (f) درمی يابيم که تغييری در شتاب نزولی به وجود نيامده است مدرکي هم برای ضعف يا قوت در جهت نزول در دست نيست. به همين روال، در زمان مقايسه سرعت نوسان هاي نزولی (a)، (c) و(e) درمی يابيم که تغييری در شتاب صعودی به وجود نيامده است و مدرکي هم برای ضعف يا قوت در جهت صعود در دست نيست. هرچند مقايسه نوسان های جهات مخالف قطعا اطلاعات مفيدی را در اختيار ما قرار می دهد.

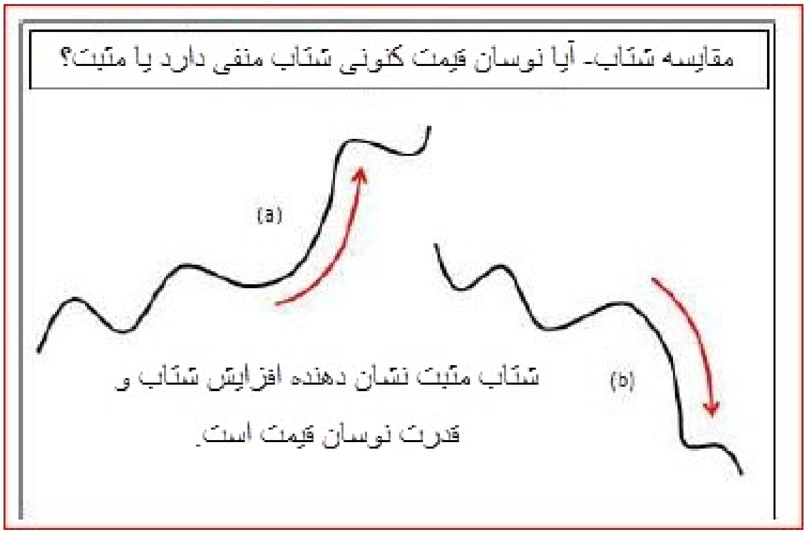
با مقايسه (a) و (b) نوسان صعودی تندتري نسبت به نوسان نزولی را شاهد هستيم. قدرت در جهت صعود است. همين روند در مورد ساير نوسان ها هم درست است (b/c, c/d, d/e, e/f) که همچنين قوت رو به بالا را نشان می دهند.



۳) آیا قیمت فعلی شتاب مثبت دارد یا منفی؟ این به چه معني است؟

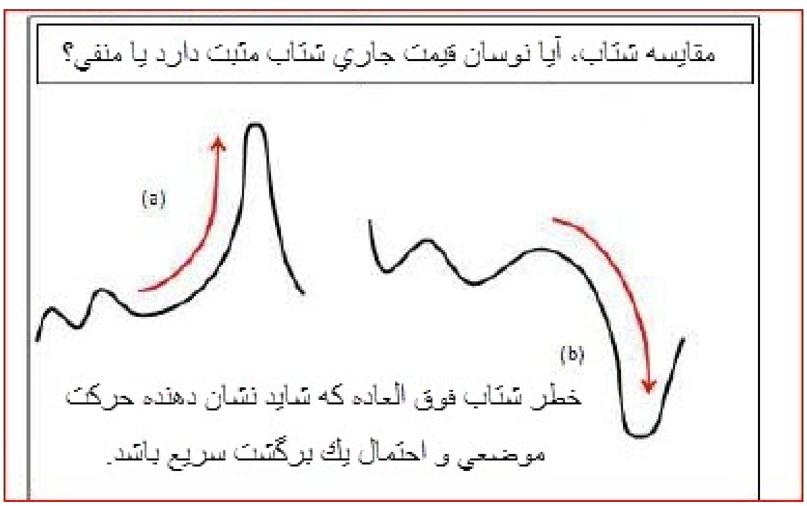
تصویر بالا، (a) شتاب منفی را روی يك نوسان صعودی نشان می دهد. شتاب در حال ضعیف شدن است. توجه داشته باشید که این نمودار لزوما نشان دهنده یک برگشت احتمالي (پیش رو) نیست. این نمودار مشخصا نشان می دهد که نوسان قیمت فعلی در حال تضعیف است و احتمال يك حركت نزولي اصلاحي مي رود. چه بخواهیم چه نه، این وضعیت منجر به برگشت روند کامل می شود که به حرکت قیمت بعدی بستگی خواهد داشت.

به همین صورت، نوسان قیمت (b) شتاب منفی حرکت نزولي را نشان مي دهد. شتاب دوباره در جهت روند در حال ضعیف شدن است. احتمالا حرکت بعدی يك حرکت اصلاحي به سمت بالا باشد. به عبارت دیگر شتاب مثبت برای تحلیل بسیار دشوارتر خواهد بود.



همانطور که در تصویر بالا نشان داده شده است، قدرت شتاب در مسیر نوسان قیمت فعلی را نشان می دهد که به احتمال بیشتر تداوم قیمت در همین مسیر خواهد بود.

هرچند سطوح بالای شتاب مثبت می تواند نشان دهنده ضعف از نظر خستگي در شتاب مثبت باشد که در تصویر بعدی می بینید. این حرکات موضعي اغلب به تندی به پایان می رسند و دست کم ناحیه اي قدرتمند از حمایت یا مقاومت و گاهی يك برگشت سریع را شکل می دهند.



این نوسان های قیمت معمولا با طول کندل های قیمتي که به شدت افزایش یافته، گسترش مناسب قیمت به بالا یا پایین هر يك از خطوط میانگین و حجم بالاي معاملات در مقایسه با حرکت قبلي در ارتباط هستند.

موجهایی مانند نوسان صعودی (a) نشانگر آخرین احساسات و تصمیمات تأثیر گذاشته بر روی قیمت هستند که در حالیکه هر لحظه قیمت را به سمت بالاتر و بالاتر هدایت می کند خرید در بازار با هر قیمتی را سخت تر می کنند. وقتی هیچ خریداری در بازار باقی نماند و رالی صعود قیمت متوقف شود، فروش در بازار، جهت قیمت را معکوس کرده و آخرین خریدها دچار مشکل می شوند. این سیر برگشت قیمت ممکن است کاملا سریع باشد، و خریدهای آخر از پوزیشن های خودشان stop out شده (و تبدیل به درخواست فروش می شوند) و معاملات فروش بیشتری جذب بازار می شوند.

موج (b) نشانگر همان روند معکوس در جهت پایین است. معاملات فروش آخر موج صعودی قبلی، همزمان با خریدهای قبلی اخیر که در زیان شدیدی قرار داشته و دیگر بیشتر از این تحمل زیان را ندارند، به شدت قیمت را پایین و پایین تر می برند. آنجا که فروشندگان دیگر از ادامه فروش بیشتر ناامید شده اند، حرفه ای ها خرید خود را انجام خواهند داد که باعث بالاتر رفتن قیمت و به دام انداختن معاملات فروش در زیان خواهند شد. هرگونه حرکت برگشتی ممکن است دوباره کاملا سریع باشد، از آنجایی که معاملات فروش در دام زیان افتاده از پوزیشن های خود stop out شده (تبدیل به سفارش خرید می شوند) و موقعیت های خرید بیشتری جذب بازار می شوند.

با این اوصاف، افزایش شتاب قیمت خبر از قوت می دهد. ولی شتاب بیش از حد، ناپایداراست و به احتمال زیاد به ضعف و حرکت برگشتی می انجامد. قرار دادن

درجه ای از شتاب در متن حرکت بازار معمولا مشخص می کند که کدامیک از این سناریوها جواب خواهد داد.

به چند نمودار توجه کنید...



در تصویر بالا شاهد تغییر مومنتوم در نوسان های متوالی قیمت در مسیر مشابهی هستید. وضعیت اکستنشن هر دو نوسان A و C را با هم مقایسه کنید. توجه کنید که شیب نوسان C کمتر از شیب نوسان A است که نشان دهنده کاهش شتاب صعودی است. سرعت اکستنشن های قیمت از نوسان A به سمت نوسان C کم می شود. شتاب صعودی رو به ضعیف شدن دارد. پولبک های هردو نوسان B و D را با هم مقایسه کنید. به یاد داشته باشید که شیب نوسان D تندتر از شیب نوسان B است که این نشان دهنده افزایش شتاب نزولی است شتاب نزولی رو به قوت گرفتن است. هر دوی مشاهدات مدارکی از ضعف را در روند نشان می دهند.

توجه داشته باشید که روند هنوز تغییری نکرده است. روند نزولی شروع نمی شود مگر اینکه نوسان قیمت به سمت پایین ادامه داشته و کف نوسان E شکسته شود

(سقف مقاومت نوسان پیشین و نقطه شکست حالا تبدیل به حمایت شده است). روند هنوز رو به بالا است، هرچند تحلیل مومنتوم می گوید که روند، ضعف قابل توجهی داشته است. روند آتی با فرآیندهایی که به فاصله کوتاهی در موردش بحث خواهیم کرد تعیین می شود. فعلا، ضعف در روند صعودی شناسایی شده است و با توجه به پتانسیل موجود در نوسان E از این نقطه به بعد احتمال زیادی برای حرکت رنج وجود دارد.

اجازه دهید در این **آموزش پرایس اکشن** مثالی را از دیدگاه تصمیم گیری یک معامله گر مرور کنیم. اکستنشن سریع نوسان A باعث می شود تا معامله گران زیادی که کاملا از احتمال صعود تا قیمت های بالاتر امید دارند سوار بر این روند صعودی شوند. پولبک B کمی بیشتر و تقریبا ۵۰ درصد از اکستنشن قبلی عمق خواهد داشت ولی این، با توجه به سرعت اکستنشن دور از انتظار نیست. این پولبک به دیگر خریداران فرصت ورود را می دهد.

هرچند، بسیاری از معامله گران تازه کار با ورود در پایان هر حرکتی معمولا دیر به این قسمت از بزم می رسند، بسیاری در اکستنشن A در فضایی که متعاقبا نوسان بالا را شکل می دهد، دیر خرید می کنند. این دسته از معامله گران در طول پولبک طولانی فشار زیادی را تحمل می کنند و احتمالا در جست و جوی هر فرصتی هستند تا در موقعیت سر به سر یا نزدیک به آن قرار گرفته و از معامله خارج شوند. با توجه به سرعت کند صعود در C، بعید به نظر می رسد علاقه مندیه قبلی تا اندازه موج B بازیابی شود، و این معامله گران همانطور که به سقف نوسان C می رسند (اگر خوش شانس باشند) احتمالا به جریان سفارش نزولی اضافه می کنند و یا به احتمال بالاتر در حالیکه که در طول پولبک دوم D شتاب نزولی می گیرد، به جریان سفارش نزولی اضافه می شود.

علاوه بر این، هر کسی که حرکت اصلی در اکستنشن A را از دست داده و وارد اکستنشن Cپس از پولبک شده است احتمالا در مرحله سر به سر شدن سود و یا برخورد قیمت به حد زیان های آنها نجات پیدا می کنند، که این خود به فشار نزولی افزوده و احتمال جریان سفارشات صعودی آینده را تضعیف می کند.

این روند به همان نقطه ای که اکنون قیمت ایستاده است می رسد. از این نقطه، همچنان که قیمت به شکست سوئینگ پایین B-C ادامه دهد حد زیان های بیشتری فعال می شوند که ما انتظار فشار نزولی را در کندل بعدی داریم.

هرچند انتظار می رود که هر حرکت نزولی مدت کوتاهی دوام بیاورد، معاملات فروش با نزدیک شدن به E به حد سود خود برخورد می کنند. معاملات خرید هم وارد این ناحیه می شوند، که آخرین ساعت نمایش داده شده گویای بیشترین فشار صعودی است (فرصت را بار دیگر از دست نخواهند داد). جریان سفارشات صعودی بر جریان سفارشات نزولی غالب می شود و محدوده حمایتی را ایجاد می کند.

یک نمونه دیگر...



در تصویر بالا همچنانکه که قیمت، محدوده قوس دار در کف نمودار را شکل می دهد و فضای حمایتی جدیدی در ۱,٤٥١٠ ایجاد می کند؛ به کاهش شتاب در هر اکستنشن نزولی توجه کنید.

همانگونه که نوسان سوم (C) به سمت نوسان پایین قبلی به پایین حرکت می کند، کاهش شتاب باید به شما بابت تغییر گرایش هشدار داده باشد. عرضه دیگر تا آن درجه ای که توسط دو افت اولیه نمایش داده شده است بر تقاضا غلبه نمی کند. یا نبود فروش باعث این شده است، یا اینکه معاملات فروش بواسطه افزایش در خرید جذب می شود.

در هر دو صورت، تعادل قدرت تغییر کرده است و فروشندگان که زمانی نیروی غالب بازار بودند، دیگر قدرت ندارند.

روند نزولی تضعیف شده است و به احتمال زیاد حرکت آینده قیمت بیشتر برخلاف مسیر ضعف (در جهت خرید) خواهد بود. همانطور که پیش از این توضیح داده شده، نکته مهم در مورد ارزش مطلق مومنتوم نیست بلکه در مورد مقایسه یک نوسان

قیمت با دیگری است. در این مورد، کاهش سرعت در هریک از نوسان قیمت مدرکی است از ضعف روند نزولی.



تصویر بالا کاهش شتاب را نشان می دهد. توجه داشته باشید که چطور قیمت در آغاز با شتاب تند سقوط می کند ولی نرخ سقوط در پایان کند می شود.

این نمودار نمونه ای است از قدرت ابتدایی فشار نزولی - همچنانکه معامله گران از (موقعیت های) خریدهایشان خارج و فروش ها در شکست کندل بلند وارد می شوند (الگوی ستاره صبح گاهی)، عرضه بر تقاضا غلبه می کند. این فشار نزولی اولیه قادر به حفظ پایداری نبوده و هرچه قیمت بیشتر سقوط کند، معامله گران کمتری به فروش علاقه پیدا می کنند. و هرچه قیمت به محدوده حمایتی نزدیک تر شود، معامله گران بیشتری به جست و جو برای خرید علاقه مند می شوند.

حرکت سریع قیمت از محدوده حمایت/مقاومت این محدوده را با آزمایش دوباره، دارای کیفیت بالاتری می کند. انتظار داریم که این وضعیت را حفظ کند. معامله

گرانی که در این حرکت نزولی فروش دیرهنگام دارند در واقع معامله ای با شانس بسیار پایین را انجام می دهند.

نتیجه نهایی اینکه، حرکت قیمت در این مورد (کاهش) مؤید ضعف در نوسان قیمت به سمت پایین است؛ و احتمال حفظ محدوده حمایتی را افزایش می دهد.

تصویر زیر هم همین مفهوم را به تصویر می کشد، اگرچه این بار دربردارنده کاهش یک نوسان قیمت به سمت بالا در یک محدوده مقاومت است.

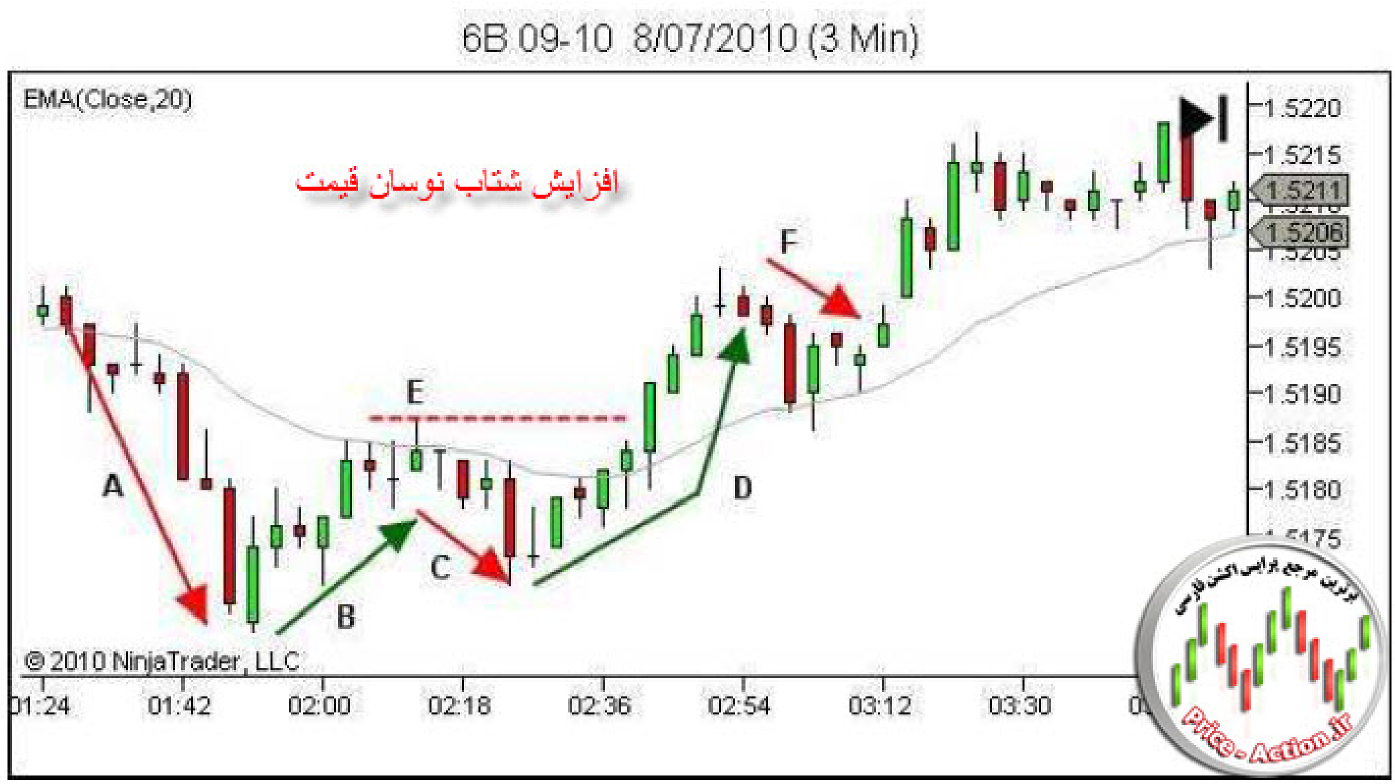
کاهش در این نمونه دلیلی است بر شتاب صعودی که به تدریج و با غلبه فشار نزولی بر هرگونه فشار صعودی، ضعیف می شود.



معامله گرانی که دوباره در آخر این حرکت خرید می کنند معامله ای با احتمال بسیار پایین را انجام می دهند. معامله گر باهوش تر ضعف در محدوده مقاومت را شناسایی کرده است و در نتیجه در جست و جوی فرصتی برای فروش خواهد بود

تا از این راه سودی از جریان سفارشات بازندگان به دست آورد. البته ما هنوز به معامله نمی پردازیم و فقط به شناسایی نشانه های قدرت و ضعف توجه می کنیم.

در این دو نمونه آخر، ما مفهومی را به تصویر کشیدیم که کاهش شتاب قیمت در محدوده حمایتی یا مقاومتی گویای ضعف است ، در نزدیکی سطحی که به احتمال زیاد قیمت را نگه می دارد.



تصویر بالا نشان دهنده افزایش شتاب در نوسان D است که این، نشانه قدرت می باشد. اما نخست اجازه دهید به حرکت قبلی قیمت نگاهی بیاندازیم.

با مقایسه نوسان های A و C می بینیم که شتاب نزولی به دلیل کم شدن شیب، ضعیف می شود. نوسان D در ابتدا شتاب قابل قیاسی را نسبت به نوسان B نشان نمی دهد ولی سپس درست پس از شکست سوئینگ بالایی E شتاب می گیرد.

این افزایش شتاب نشان از قدرت در جهت صعود دارد. پولبک بعدی در نوسان F، در قیاس با افزایش شتاب نوسان D، ضعیف می باشد. قوت مشخصا در جهت صعود است و ضعف بطور واضحی در جهت نزول. حرکت آینده قیمت احتمالا در مسیر قدرت و خلاف مسیر ضعف خواهد بود.

ولی در مورد افزایش شدید شتاب موج چطور؟



همانگونه که در تصویر بالا آمده است، شتاب گرفتن نوسان قیمت نشان دهنده مقدار بالایی از احساسات است. فشار صعودی به طور گسترده ای از فشار نزولی پیشی می گیرد، همچنانکه همه خواهان قیمت بالاتر و بالاتر هستند و پیش از آنکه آنها از آنچه درباره درک سودهای تضمین شده از دست بدهند، برای ورود به این حرکت سرسختانه اقدام می کنند. این نوع از حرکات اغلب با افزایش رنج طول کندل های قیمتی و افزایش حجم معاملات مرتبط است.

در حالیکه این حرکت مشخصا نشان دهنده قدرت در طول دوره افزایش شتاب است، طبیعت این نوع حرکات چنان است که تا نقطه خستگی، افزایش شتاب خواهند داشت که در آن نقطه دیگر هیچ کسی برای خرید سرسختی نشان نداده و تمایلی برای پرداخت قیمت بالاتر ندارند.

سپس سوینگ بالایی محدوده ای از مقاومت را شکل می دهد. اگر کسی تمایلی به پرداخت قیمتی بالاتر را از خود نشان ندهد، پس قیمت نمی تواند رالی کند. مسیر با کمترین مقاومت رو به پایین است. بازار پس از نقطه خستگی خبر از ضعف می دهد.

گاهی این موج ها به سرعت حرکت برگشتی می انجامد. سقوط قیمت باعث فعال شدن حد ضررهای جابجا شده می شود که این منجر به سقوط بیشتر قیمت و ادامه این چرخه می شود. در مواقع دیگر، آزمایش دوباره نقطه خستگی از حرکت برگشتی پیشی می گیرد (همین امر به ایجاد فرصت عالی معامله در طی این فرآیند می انجامد).

هرچند، دستکم باید انتظار داشت قیمت حمایت/مقاومتی شکل دهد که دستکم برای آینده ای قابل پیش بینی موقعیت خود را حفظ کند، همانگونه که در این نمونه اتفاق افتاده است.

نمودار تایم فریم پایین تر دقیقا از همان داده مورد استفاده در نمودار تایم فریم معامله گری برگرفته شده است و این نمودار به شما اجازه می دهد تا روی حرکت قیمت نگاه دقیق تری داشته باشید و درست مثل یک میکروسکوپ برای بررسی حرکت قیمت در تایم فریم معامله گری است.

نمودار تایم فریم پایین تر در تمام تحلیل های شما حضور دارد ولی بعضی از زمان های مهم هستند که تمرکز فوق العاده بر روی نمودار را می طلبند. مانند:

1. وقتی نشانه هایی آشکار در متن تایم فریم معاملاتی در دسترس نیستند (سه دقیقه) مانند محدوده هایی از تراکم حرکت رنج.
2. وقتی که قیمت در یک نقطه حساس قرار دارد – مانند شکست سوینگ بالایی یا پایینی
3. وقتی قیمت در یک ناحیه تشکیل ستاپ معاملاتی قرار دارد.



نمودار بالا نشانگر نمودار تایم فریم معاملاتی ما (۳ دقیقه) است همچنانکه بازار به سمت محدوده ای از حرکت رنج قیمت کاهش شتاب دارد (به مستطیل آبی دقت کنید). آیا این حرکت خنثی نشانه ای از برگشت احتمالی می تواند باشد؟ و یا توقفی ساده پیش از ادامه؟

رفتن به تایم فریم پایین تر (یک دقیقه) این اجازه را به ما می دهد که شاهد تغییراتی در مومنتوم در طول نوسان های قیمت باشیم.



در تایم فریم پایین تر (یک دقیقه) ما به وضوح می بینیم که شتاب صعودی در طول هر نوسان صعودی ضعیف تر می شود که این را میتوان از کاهش شیب نوسان های A تا Cو تا E دریافت. همچنین شاهد نوسان های نزولی B وD، افزایش شتاب تا کف ها و نوسان D که نمایشگر قوت نزولی بیشتر از B می باشد هستیم. شتاب نزولی از یک نوسان تا نوسان دیگر افزایش پیدا می کند.

اگرچه، داده ها غلبه یک طرف به طرف دیگر را نشان نمی دهد؛ همچنانکه که شتاب صعودی ضعیف شده و شتاب نزولی قدرت می گیرد، تعادل قدرت به کندی از گاوها به خرس های بازار تغییر می کند.

در نوسان F، همچنانکه فشارهای نزولی نهایتا بر هرگونه فشار صعودی باقیمانده غلبه می کنند، تایم فریم معامله (سه دقیقه) به سمت روند نزولی ادامه مسیر می دهد.

از چشم انداز عرضه و تقاضا، هر نوسان قیمتی نمایشگر کاهش تقاضا و روبرو شدن با عرضه بیشتر و بهتر است. در نبود هر عامل بیرونی که معرف تقاضای تازه باشد، احتمال این وجود دارد که عرضه، هرگونه تقاضایی را ضعیف کرده و قیمت را به پایین تر براند.

از نگاه معامله گران و فرایند تصمیم گیری آنها...

این کاهش شتاب بازار در واقع پیشنهادهای وسوسه انگیزی برای ورود به خرید را ارائه می کنند، که بسیاری از معامله گران را که در امید به دست آوردن ورود زودهنگام هستند جذب خود می کند. فرصت های ورود فراوانی وجود دارد ولی اجازه دهید برای ساده تر شدن موضوع، تنها یک گروه را بررسی کنیم. آنها که رالی قیمت در A را از دست می دهند از این حقیقت رنج بسیار می برند که چنین ورودی واضحی را از دست داده اند، پس اگر یک فرصت دیگر در C ببینند به وجد می آیند و این مرتبه هرگز آن را از دست نخواهند داد. این افراد با ورود در C و با توقف قیمت به مدت حدود ده دقیقه یا بیشتر و پیش از کاهش شتاب، حالشان گرفته می شود. برخی همچنانکه کف های سوینگ C شکسته می شود، در نوسان D، از بازار بیرون انداخته می شوند. برخی دیگر که زیر فشار ترس زیادی قرار گرفته اند موقعیت خود را حفظ می کنند، ولی بعد از آن همچنانکه نوسان E آنها را به ناحیه سود باز می گرداند خیالشان راحت است (و احتمالا حس رضایت هم می کنند که چقدر باهوش اند که در مسیر نزول در معامله خود باقی مانده اند).

این معامله گران نشانه های ضعف را که دلیلی برای تحلیل ساده مومنتوم هستند را درک نمی کنند. همچنانکه که قدرت نزولی بر فشار صعودی ضعیف تر غلبه می کند، امید آنها از هم می پاشد و نتیجه آن فعال شدن حد ضرر معاملات خریدشان است. ما، با عنوان معامله گران پرایس اکشن YTC هدفمان کسب سود از همین معامله گران بازنده می باشد. شناسایی اینکه قدرت به جهت نزولی تغییر می کند

به ما این فرصت را می دهد تا در جهت قدرت روی یک معامله کار کنیم، که به ما اجازه می دهد تا از جریان سفارش بازندگانی که تلاش می کردند در مسیر ضعف معامله کنند کسب سود کنیم.

بیایید درباره مومنتوم نتیجه گیری کنیم...

همه نوسان های قیمت اطلاعات مفیدی در خلال تحلیل مومنتوم در اختیارمان قرار نمی دهند. هرچند ما در حالیکه قیمت حرکت می کند، مومنتوم را زیر نظر می گیریم تا مراقب هرگونه تغییر قابل توجهی باشیم. این تغییرات ممکن است از طریق تغییر در سرعت از یک نوسان به دیگری (تغییر شیب) و یا تغییر سرعت در خلال یک نوسان قیمت (کاهش یا افزایش شتاب) باشد.

مومنتوم نوسان قیمت جاری را با مومنتوم نوسان قبلی قیمت در همان جهت مقایسه کنید. آیا نوسان سریع تر از قبل بوده یا کندتر؟ معنی آن چیست؟ نوسان قیمت جاری را با نوسان قبلی قیمت در مسیر مخالف مقایسه کنید. آیا نوسان سریعتر از قبل است یا کندتر؟ معنی آن چیست؟

آیا قیمت جاری در حال افزایش شتاب است یا کاهش آن؟ معنی آن چیست؟

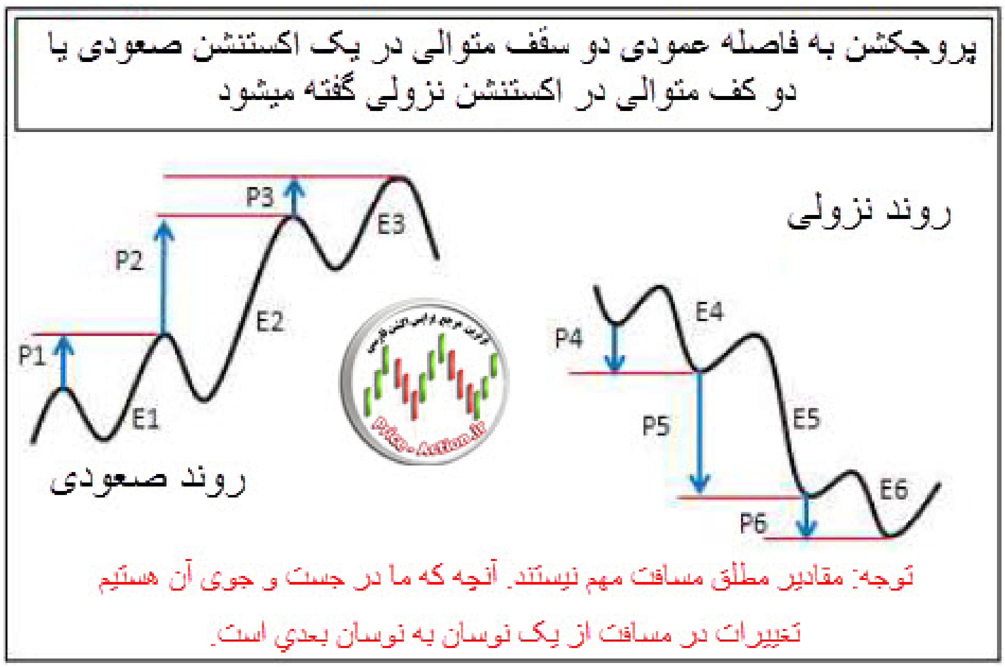
با در نظر گرفتن این تغییرات، ما به بررسی این معنی از چشم انداز عرضه و تقاضا و نیز از دیدگاه معامله گرانی که تصمیمات معاملاتی می گیرند، می پردازیم.

تحلیل مومنتوم به ما این فرصت را می دهد تا تغییرات به وجود آمده در قدرت و ضعف نوسانات قیمت درخلال یک روند را بررسی کنیم؛ بنابراین این اجازه را داریم تا قدرت و ضعف همین روند را ارزیابی کنیم. حرکت قیمت به احتمال زیاد در مسیر قدرت و خلاف جهت ضعف پیش می رود.

این توانایی ارزیابی قدرت یا ضعف یک روند به ما این قدرت و برتری را در برابر آن دسته از معامله گرانی که با وجود آنکه این اطلاعات درست جلوی چشم آنها قرار داشت، موفق به دیدن این اطلاعات نشده اند را می دهد.

عمق و مسافت

قدرت و ضعف یک روند را در خلال تحلیل مسافت و عمق هم می توان مشاهده کرد.



پروجکشن به فاصله عمودی دو سقف متوالی در یک اکستنشن صعودی یا دو کف متوالی در اکستنشن نزولی گفته میشود.

با توجه به روند صعودی در تصویر بالا میبینیم که حرکت قیمت سه

اکستنشن E1، E2 و E3 را نشان می دهد. پروجکشن هر یک از اینها به صورت P2,P1 و P3 نمایش داده می شود. مقدار P1 برابر با مسافتي است کهE1 فراتر از نوسان سوئینگ بالایی قبلي حرکت مي کند (طي مي کند). P2 فاصله اش برابر با مسافتي است که E2 به بالاتر از نوسان سوئینگ بالاي قبلي حرکت مي کند و P3

فاصله اش برابر با مسافتي است كه E3 به بالاتر از نوسان سوئينگ بالاي قبلي طي مي كند. مقدار فاصله ها خيلي مهم نيستند، بلكه تغييرات مقادير در مقايسه يك پروجكشن با بعدي اهميت پيدا مي كنند.

به مسافت رو به رشد E2 (P2) هنگام مقایسه با E1(P1) توجه داشته باشید. اکستنشن E2 بسیار بیشتر از E1 به جلو حرکت کرده که در خلال روند، قدرت بیشتر روند را نشان می دهد. P3 هم کوتاه تر از P2 هست که ضعف رو به گسترش را در خلال روند نشان می دهد.

روند نزولی هم داده های مشابهی را نشان می دهد. پروجکشن P4 فاصله اکستنشن E4 با نوسان سوئينگ پايين قبلي است كه در مورد P5 و P6 هم همینطور است.P5 با نمایش قدرت روند نزولی رو به رشد، فاصله بیشتری را نسبت به P4 نشان می دهد. P6 با کاهش در پروجکشن در مقایسه با P5 ضعف احتمالی روند نزولی را نشان می دهد.

پروجکشن افزایش یافته نشانه ای از قدرت بالقوه روند و پروجکشن کاهش یافته نشانه ای از ضعف بالقوه روند است.

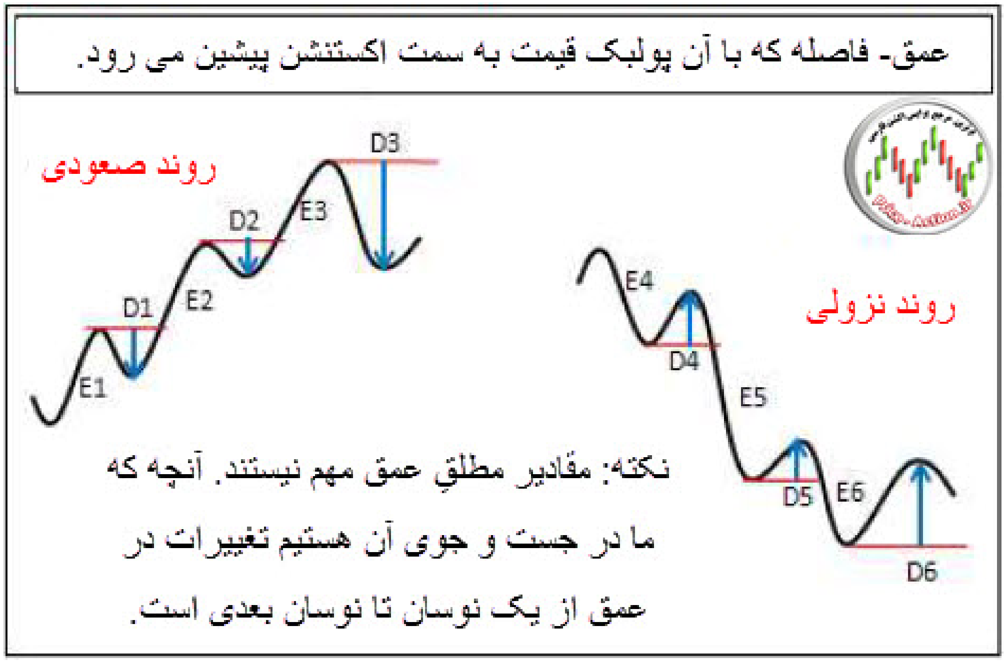
به نمودار نمونه توجه کنید:



پروجکشن A فاصله اي است که با آن اکستنشن A از سوئینگ بالایی قبلی عبور می کند. در این مورد پروجکشن برابر است با ٤٥% کل محدوده حرکت اکستنشن A. پروجکشن B فاصله ای است که با آن اکستنشن B از نوسان بالایی قبلی عبور مي کند. در این مورد پروجکشن برابر است با ٥٢% از کل محدوده حرکت اکستنشن B. پروجکشن C فاصله ای است که با آن اکستنشن C از نوسان بالایی قبلی عبور می کند. در این مورد پروجکشن برابر است با ٥٢% از کل محدوده حرکت اکستنشن C. در اجرای تحلیل ها مجبور نیستید با درصدها کار کنید. مقادیر مطلق پروجکشن به ما ارتباطی ندارد، ساده بگوییم، در جست و جوی تغییراتی هستیم که از نظر بصری مشخص هستند.

در این نمونه، دو اکستنشن A وB به راحتی می توانند شکست ایجاد کرده و به سمت سقف های تازه پیش بروند. با توجه به این که اکستنشن Cقادر به طی همین فاصله نیست، چیزی در تعادل عرضه و تقاضا تغییر کرده است. درصورتیکه تغییری در تمایلات قبلی وجود نداشته باشد اکستنشن باید تقریبا به همان اندازه ای که قبلا طی کرده حرکت میکرد. این حقیقت که بازار قادر به انجام اینکار نبود،

نشان می دهد که یك کاهش در فشار صعودی و یا افزایش در فشار نزولی اتفاق افتاده است. روند صعودی نشانه هایی از ضعف را نشان می دهد. عمق به فاصله ای اشاره می کند که قیمت از اکستنشن قبلی عقب نشینی می کند.



با نگاهی به روند نزولی در نمودار بالا سه اکستنشن E1, E2 وE3 را مشاهده می کنیم. عمق D1 فاصله ای است که E1 برگشت می کند (برحسب درصد، نه مقدار قیمت). D2 عمقی است که E2 برگشت می کند و D3 عمقی است که اکستنشن E3 برگشت می کند. ما در عمق مثل مسافت، چندان به مقادیر مطلق آن نمی پردازیم، درحالیکه به تغیرات برجسته عمق از یک نوسان قیمت به دیگری توجه می کنیم.

توجه داشته باشید که D2، در مقایسه با D1 (تقریبا ۴۰%)، درصد بسیار کمتری از اکستنشن خود یعنی E2 است (تقریبا ۲۰%). D2 عمق کمتری نسبت به D1 دارد که نشان دهنده ضعف بالقوه خرسهای بازار و بنابراین قوت در روند قیمت می باشد. توجه کنید که D3 بطور قابل توجهی بزرگ تر از D2 است، که نشان دهنده

قدرت بالقوه و در نتیجه ضعف بالقوه در روند قیمت را نشان می دهد. همین مفهوم برای روند نزولی هم به کار می رود. D5 کاهش عمق به شدت بالاتری را در مقایسه با D4 را نشان می دهد (به یاد داشته باشید که ما D5 را به عنوان درصدی از E5 (تقریبا ۲۰%) با D4 به عنوان درصدی از E4 (تقریبا ٦۰%) مقایسه می کنیم). عمق کاهش یافته در روند نزولی نشانه ای از ضعف بالقوه در گاوها و بنابراین قدرت بالقوه در روند نزولی است.

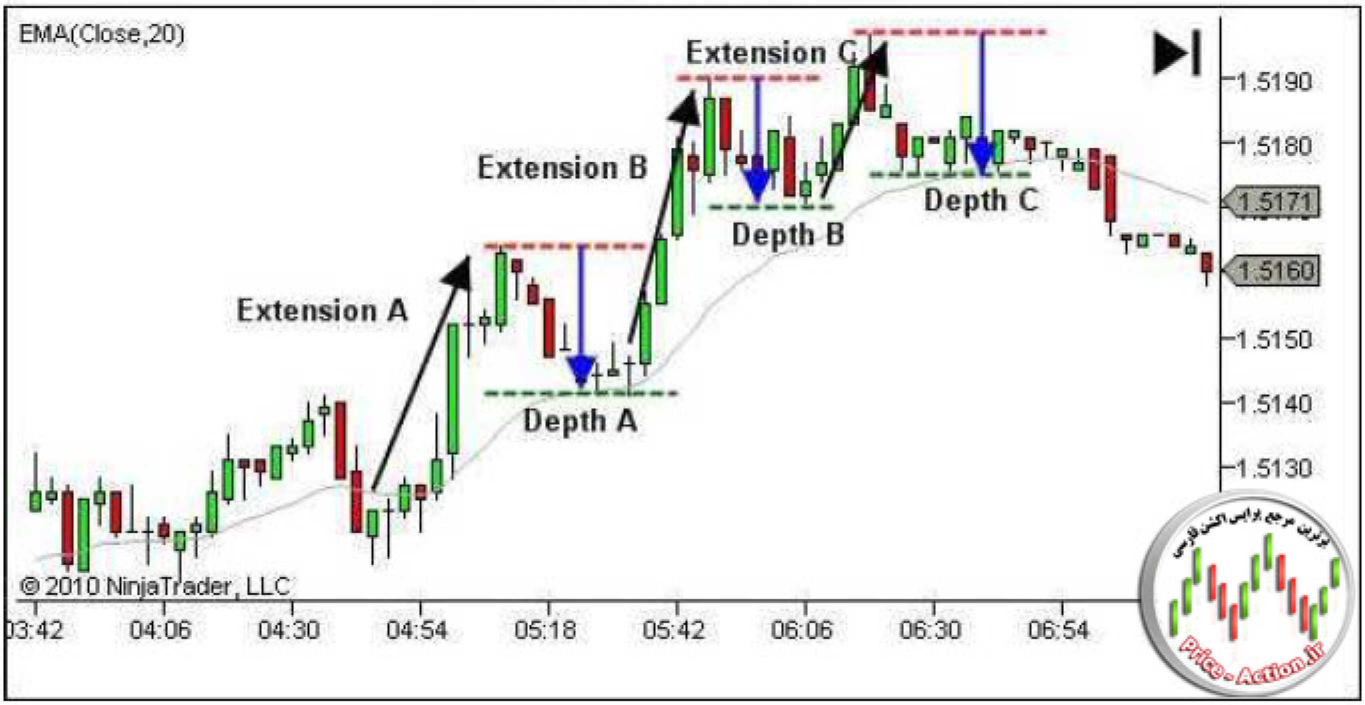
D6 درصد عمق بسیار بزرگتری را نسبت به D5 نشان می دهد که این نمایشگر قدرت بالقوه در گاوها و در نتیجه ضعف بالقوه در روند است. عمق افزایش یافته نشانه ای از ضعف بالقوه روند است. عمق کاهش یافته نشانه ای از قدرت بالقوه روند است. اکنون عمق را در همان نمودار استفاده شده برای مسافت آزمایش می کنیم که در نمودار قبلی نشان داده شده است.

عمق A درصدی است که اکستنشن Aبه عقب بر می گردد. در این مورد، عمق A برابر با ٤٥% اکستنشن محدوده A می باشد.

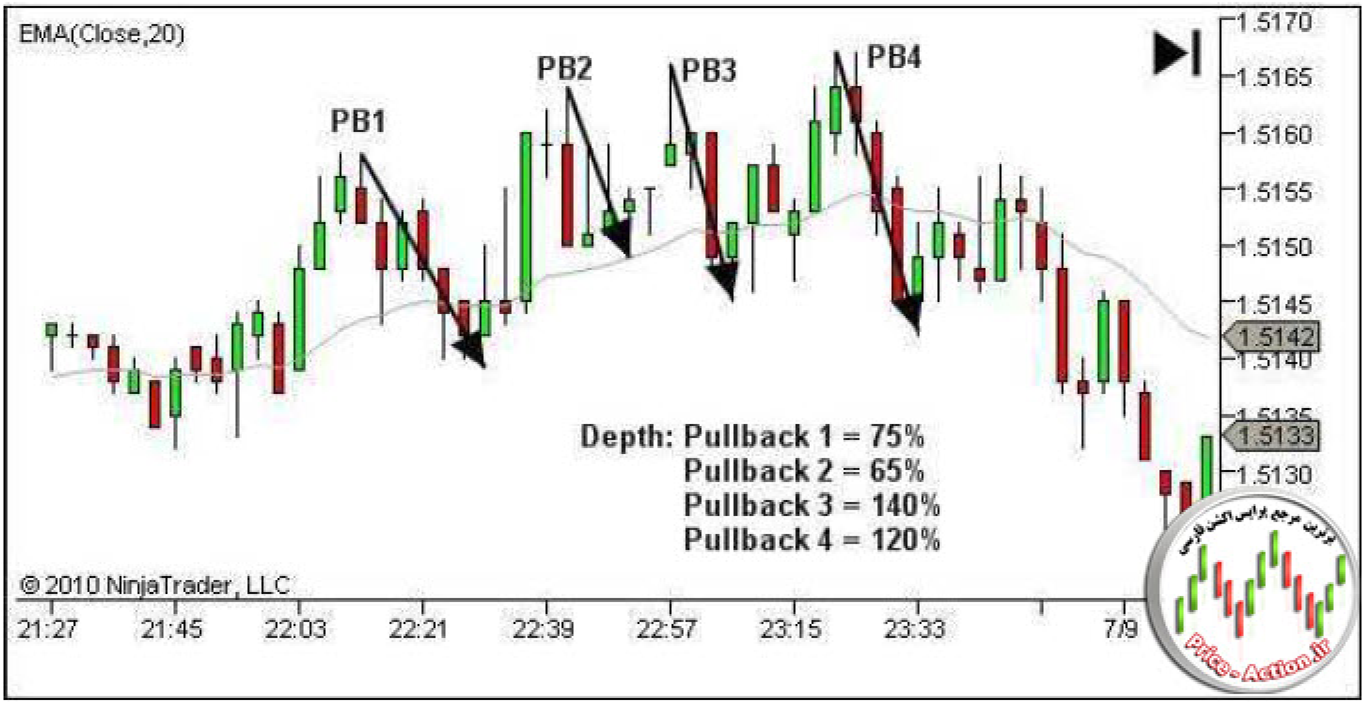
عمق B درصدی است که اکستنشن Bبه عقب بر می گردد. در این مورد، عمق B برابر با ٤۰% اکستنشن محدوده B می باشد.

عمق C درصدی است که اکستنشن C به عقب بر می گردد. در این مورد، عمق C برابر با ۸٥% اکستنشن محدوده C می باشد.

همانطور که در تحلیل مسافت می بینید، ما به دنبال مقادیر مطلق نیستیم بلکه در پی مشاهده تغییرات در داخل عمق در هنگام مقایسه نوسان کنونی با نوسان های پیشین هستیم.



عمق افزایش یافته C نشان دهنده افزایش فشار نزولی و ضعف بالقوه روند است. اینکه فرض کنیم ۳۸% عقب نشینی سطحی، ۵۰% عادی و ٦٢% بسیار زیاد است درست نیست. عمق پولبک که باید عادی در نظر گرفته شود به محیط کنونی بازار بستگی دارد. همانطور که در نمودار بالا به تصویر کشیده شده است، در یک محیط روند پرنوسان، شاید پولبک ها عادی باشند.



عمق پولبک در این روند ٦٥-٧٥% است که نرمال در نظر گرفته شده است. ضعف روند تنها زمانی مشاهده شد که ما پولبک های عمیق تر PB3 و PB4 را داشتیم که از طول اکستنشن خودشان پیشی گرفتند. این نشانه آشکاری از تغییر تعادل قدرت در جهت نزولی است. روند علایم آشکاری از پایان را نشان می دهد.

برای خلاصه کردن مسافت و عمق...

آنچه که ما در خلال تحلیل در جست و جویش هستیم شواهدی است بر اینکه چیزی تغییر کرده، یک پول بک یا اکستنشن سطحی یا عمیق تر. اگر تمایلات مانند قبل باقی مانده بود بنابراین پولبک یا اکستنشن با پولبک ها و اکستنش های پیشین هم راستا خواهند بود. این حقیقت که چیزی که در بازار تغییر کرده است نشان دهنده تغییر تمایلات است. تغییر را تحلیل کنید، از چشم انداز عرضه و تقاضا معنای آن چیست؟

از چشم انداز سایر معامله گران و تصمیمات، افکار و احساسات آنها معنای آن چیست؟

درحالیکه این تغییرات اغلب شاهدی بر تحلیل شما از مومنتوم هستند، همیشه موضوع این نیست و در بسیاری از موارد تحلیل مسافت و عمق ساده ترین روش برای تمرکز کردن روی تغییر تمایلات در پرایس اکشن است.

ناتوانی در ادامه دادن

ارتباط نزدیک مومنتوم و مسافت/عمق، مفهومی است که من آن را ناتوانی در ادامه دادن می نامم. شما اغلب الگوهایی را در نمودار می بینید که انتظار مشخصی را (در خلال جمعیتی از افراد ناآگاه) برای حرکت آینده قیمت به وجود می آورند. وقتی این حرکت پیش روی از رودررویی با انتظارات درمی ماند، بازار سرنخ هایی را به عنوان ضعف یا قدرت روند قیمت زمینه به ما عرضه می کند. برای نمونه به تصویر بعدی توجه کنید.



در حرکت ایمپالس قدرمند رو به پایین که متاثر از اخبار بنیادی می باشد، و یک پولبک ضعیف تر- انتظار واضح برای ادامه حرکت رو به پایین تا شکست و تشکیل

کف های جدید تر است. ناتوانی در رسیدن به این خواسته ضعف در جهت نزولی را نشان می دهد. این ضعف ممکن است به سادگی از طریق تحلیل مومنتوم نوسان قیمتی، و یا تحلیل مسافت و عمق مشاهده شود. هرچند، اغلب ساده ترین راه برای مشاهده این ضعف از طریق یک شکست ساده برای رسیدن به خواسته ها و یا درماندن از ادامه است . همانطور که در نمونه فوق مشخص است، ناتوانی از ادامه دادن تنها دربردارنده عدم موفقیت در شکست سقف یا کف نیست (نمونه بالا). این ممکن است شکست آن سطح که به سرعت دچار ناتوانی می شود را نمایش دهد. بازار، هر زمانی که به طور واضح موفق به ادامه نشود، سرنخ قدرتمندی به عنوان جهت روند پیش رو، به شما داده است.

سایر موارد

مومنتوم، مسافت/ عمق و ناتوانی از ادامه تنها روش های تحلیل در دسترس برای تشخیص تغییر تمایلات (قدرت یا ضعف) در یک بازار نیستند. ابزارهای تحلیلی اضافی همچون حجم یا موارد داخلی بازار هم ممکن است در نظر گرفته شوند که این هم به سطوح تجربه و بازار انتخابی شما بستگی دارد.

آنچه که ما در تحلیل پرایس اکشن در جست و جوی آن هستیم مدرکی است دال بر تغییر تمایلات، واین نمادی از قدرت گرفتن یا ضعیف شدن روند است.

با پیشینه ای که در درجه نخست در بازار ارز دارم، این تغییرات همانگونه که قبلا نشان دادیم باید به تنهایی در خلال حرکات قیمت مشخص شوند. حجم و اندیکاتورهای داخلی بازار در دسترس نبودند.

اکنون که معاملات من در درجه نخست در بازارهای فیوچرز می باشند، ابزارهای جدید تحلیل در دسترس قرار دارند. از آنجاییکه بخش مهمی از استراتژی در نظر گرفته نمی شوند، در این کتاب به جزئیات کاربرد آنها نمی پردازم تغییر در تمایلات،

شاهدی است بر حرکت قیمت - و هر ابزار تحلیل دیگری، تنها، نشانه های ثانوی را فراهم می کنند.

می توان گفت که اگر شما این ابزار را داشته باشید دلتان می خواست کارآیی آنها را در نظر بگیرید. برای تحلیل حجم من به شما مطالعه Volume Spread Analysis را پیشنهاد میکنم. شاید شروع مطالعه با کتاب Master the Markets اثر تام ویلیامز هم مناسب باشد.

برای تحلیل موارد داخلی بازار، مطالعه کتاب تکمیلی YTC Scalper را پیشنهاد میکنم. بعد از آن هم کتاب "Read the Greed – Take the Money" اثر Mike Reed را بخوانید تا متوجه شوید تا استفاده او از اندیکاتور NYSE Tick را ببینید.

نکته کلیدی برای به خاطر سپردن کاربرد این ابزارها این است که ما از اینها به تنهایی استفاده می کنیم تا تغییرات در تمایلات بازار را بیابیم، چیزی که متفاوت است، مثل یک NYSE Tick که طی دو ساعت قبل برای شکست به بالاتر از سطح صفر تقلا کرده است، بطور ناگهانی تا به عدد ۱۰۰۰ رسید.

3.3.3- اصول جهت روند آینده

با تحلیل مسیر روند گذشته و شناسایی هرگونه نشانه قوت یا ضعف در آن روند، اکنون شاید مسیر روند آینده را بتوانیم تعیین کنیم.

بسیاری از معامله گران خیلی ساده روی این فرضیه کار می کنند که روند موجود بازار ، به حرکت کنونی خود ادامه خواهد داد، تا اینکه وقفه ای در تعریف روند مورد نظرشان پیش بیاد « روند دوست شماست ». در حالیکه این جمله توصیه خوبی است، همانطور که احتمال بیشتری برای ادامه روند است، من حس میکنم عاقلانه این است که ذات واقعی این دوستی هم شناسایی شود. اگر روند دوست شماست پس قطعا بهترین دوستی که دارید نیست و بیشتر شبیه یکی از آن رفقایی است که در نخستین فرصتی که حواستان نباشد، به شما از پشت خنجر می زند.

نشانه های قوت و ضعف در روند از جمله هشدارها به ما برای زمانی است که روند، دوست ما نیست و معاملات با احتمالات بالاتر در خلال حرکات اصلاحی خلاف

.روند یا برگشت ها در دسترس هستند
ما جهت احتمالی روند آینده را بنابر اصولی که در ادامه می گوئیم ارزیابی می کنیم:

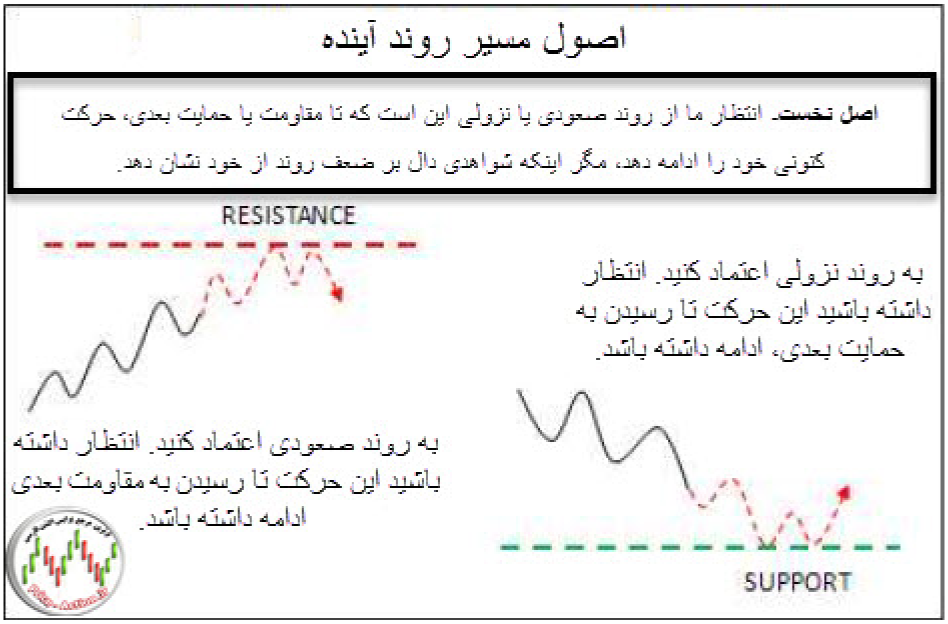
: داخل چارچوب حمایت و مقاومت

اصل نخست- انتظار ما از روند صعودی یا نزولی این است که تا مقاومت یا حمایت بعدی موقعیت کنونی خود را ادامه دهد، مگر اینکه شواهدی دال بر ضعف روند از خود نشان دهد.
اصل دوم- زمانیکه یک روند صعودی یا نزولی نشانه هایی از ضعف دارد، انتظار با احتمال بالاتری برای یک اصلاح پیچیده داریم ، تا تصور یک برگشت روند. این تصور از حرکت اصلاحی پیچیده تا زمانیکه بازار پتانسیل تقویت و پذیرش در جهت روند جدید را نشان دهد ، ادامه دارد. (یک اصلاح پیچیده شامل نوسان های اصلاحی چند (موجی یا از نظر زمانی ، امتداد یافته و طولانی می باشد.
اصل سوم- انتظار این است که روند خنثی در چارچوب و در موقعیت کنونی خود پیش برود مگراینکه شواهدی دال بر قوت در مرزهای بین دو سطح حمایت و مقاومتی از خود نشان دهد.
اصل چهارم- وقتی یک روند خنثی شواهدی مبنی بر قوت به سمت مرزهای بین دو سطح دو سطح حمایت و مقاومتی را نشان می دهد انتظار شکست آن مرز را داریم. ما رفتار قیمت بعد از شکست را برای یافتن مدارکی برای جهت روند آینده زیر نظر می گیریم:
ضعف بعد از شکست - انتظار عدم موفقیت شکست و برگشت قیمت به داخل محدوده معاملاتی.
ضعف در برگشت - انتظار پولبک بعد از شکست و ادامه حرکت.

: در مرزها و لبه های چهارچوب حمایت و مقاومت

اصل پنجم- انتظار حفظ سطوح حمایت یا مقاومت در زمان برخورد داشتن با آنها را داریم، مگر این که در زمان نزدیک شدن قیمت به مرز حمایت یا مقاومت، بازار از خود قدرت نشان دهد.
اصل ششم- درصورتیکه قدرت در نزدیک شدن به سطوح حمایت یا مقاومت ظاهر شود، انتظار شکست داریم و رفتار قیمت پس از شکست را به دنبال یافتن نشانه هایی از جهت روند آینده زیر نظرمی گیریم:
ضعف بعد از شکست – انتظار شکستی ناموفق و برگشت قیمت به داخل منطقه حمایت/مقاومت را داریم.
ضعف در پولبک- انتظار پولبک بعد از شکست و ادامه حرکت قیمت را داریم.
این اصول را در نمودارهای (به ترتیب) ۳-۷۹ تا ۳-۹۰ نشان میدهم.
این شش اصل ارزیابی اولیه ای از جهت روند آتی را به شما عرضه می کند.

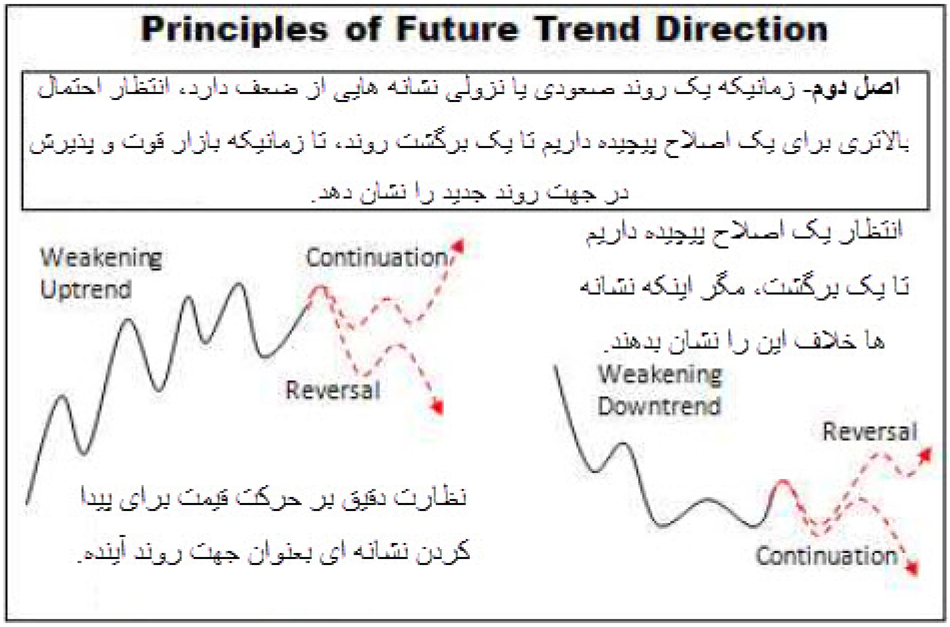
.با اینحال بخاطر داشته باشید که این تنها یک ارزیابی اولیه است کار را آسان بگیرید؛ و زیاد بخاطر اشتباه کردن نگران نشوید. بزودی در سمت راست نمودارهایتان ارزیابی کندل به کندل خودمان را همچنانکه حرکت قیمت ادامه می یابد بروزرسانی خواهیم کرد.



نمودار ۷۹-۳ اصول جهت روند آینده، اصل نخست



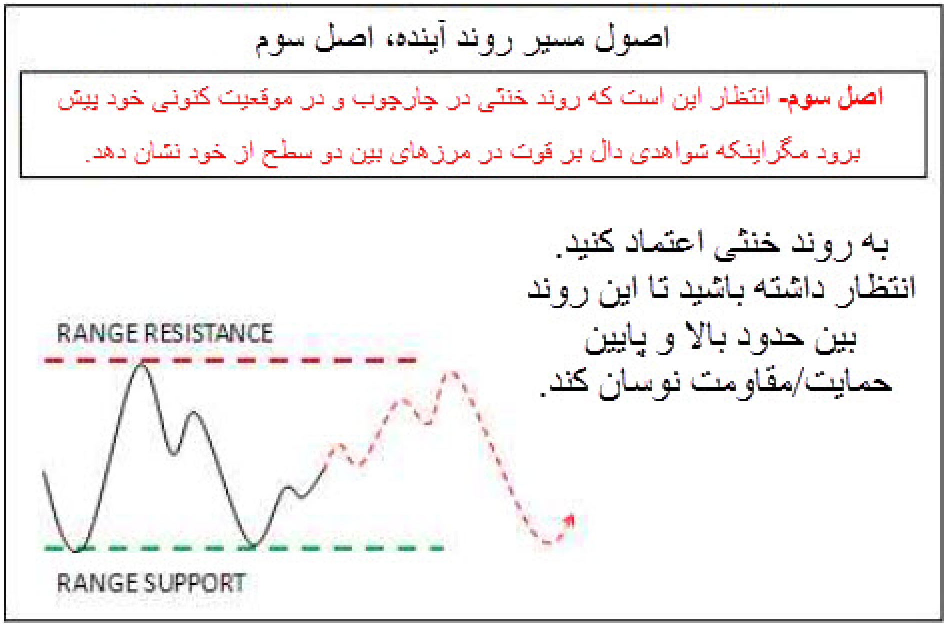
نمودار ۳-۸۰ اصول مسیر روند آینده، نمودار نمونه



نمودار ۳-۸۱ اصول مسیر روند آینده، اصل دوم



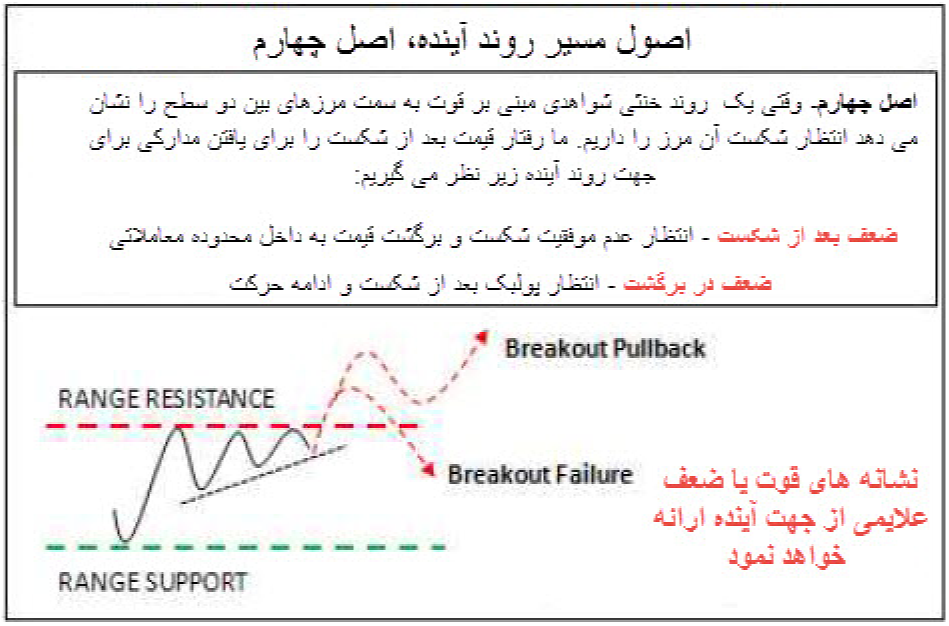
نمودار ۳-۸۲ اصول مسیر روند آینده، اصل دوم، نمودار نمونه



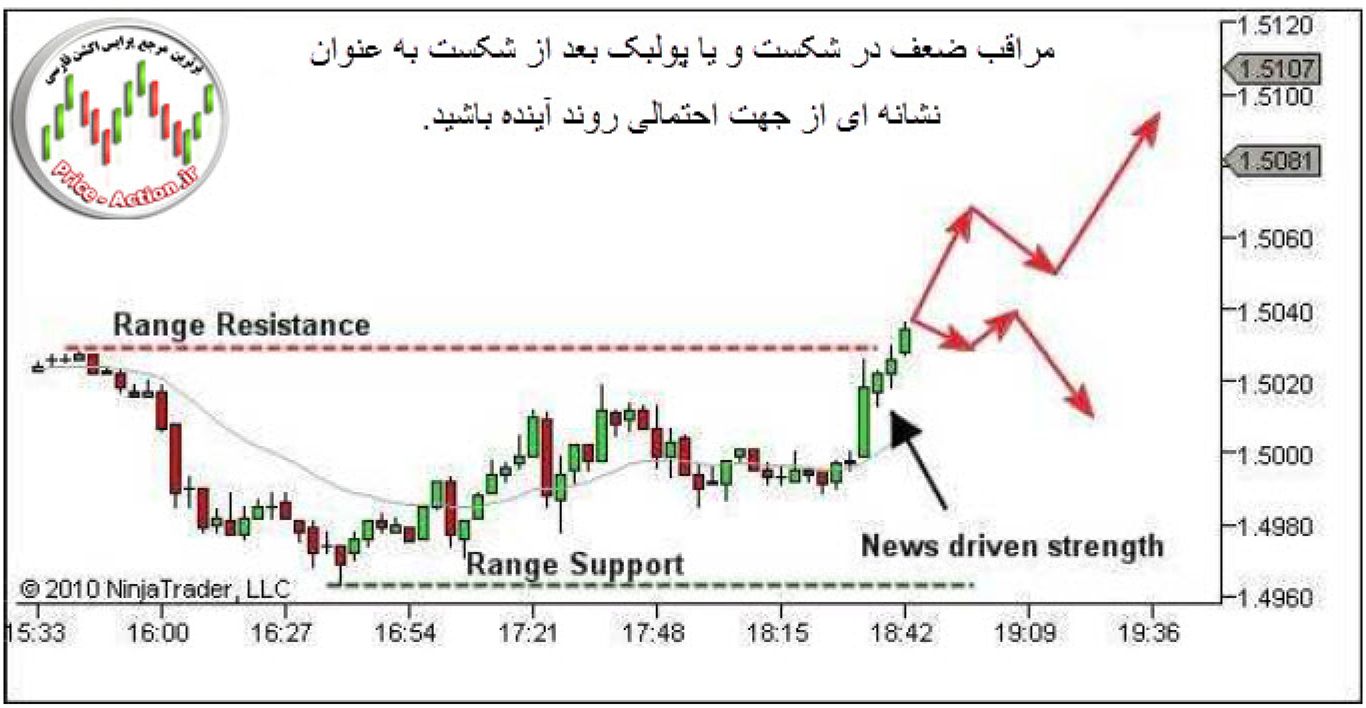
نمودار ۳-۸۳ اصول مسیر روند آینده، اصل سوم



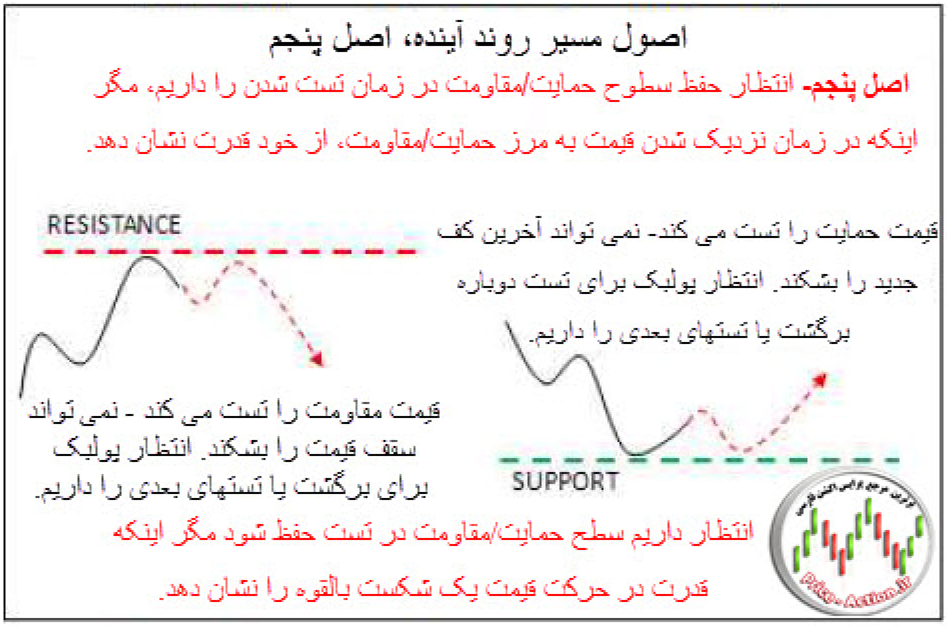
نمودار ۳-۸۴ اصول مسیر روند آینده، اصل سوم، نمودار نمونه



نمودار ۸۵-۳ اصول مسیر روند آینده، اصل چهارم



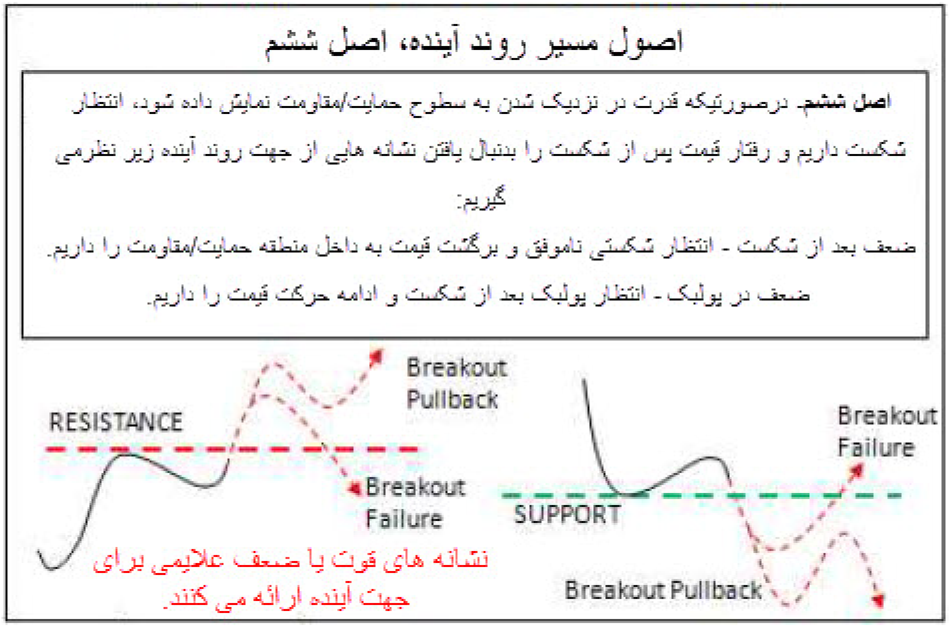
نمودار ۸۶-۳ اصولی مسیر روند آینده، اصل چهارم، نمودار نمونه



نمودار ۳-۸۷ اصول مسیر روند آینده، اصل پنجم



نمودار ۳-۸۸ اصول مسیر روند آینده، اصل پنجم، نمودار نمونه



نمودار ۸۹-۳ اصول مسیر روند آینده، اصل ششم



نمودار ۹۰-۳ اصول مسیر روند آینده، اصل ششم، نمودار نمونه

درصورتیکه اشتباه کرده باشید، همینکه نشانه های جدید ضعف یا قوت، ارزیابی پیشین شما را رد یا تأیید کنند، خیلی زود متوجه می شوید و فرصت به روزکردن ارزیابی روند آینده برای شما فراهم می شود. ساده گرفتن موضوع، کمک میکند تا بهتر آینده را درنظر داشته باشید.

3.3.4- تجسم آینده

با مشخص کردن تجسم مان برای جهت روند آینده، در مدت زمان کوتاهی همچنانکه بازار کندل های جدید را ایجاد می کند این تجسم را دوباره ارزیابی می کنیم که آیا داده های جدید، از تجسم های ما حمایت و آنها را دست نخورده نگاه خواهد داشت، و یا اطلاعات جدیدی را ارائه میکند که به ما درباره تغییرات بالقوه در رابطه با عرضه/تقاضا هشدار می دهد؟

برای اینکه این ارزیابی ساده تر انجام شود، بهتر است از جریان سفارش های آینده انتظاراتی داشته باشیم.

انتظار دارید حرکت آینده قیمت چگونه رفتار کند؟

روند بررسی به همین سادگی است که در ادامه می خوانید:

چه حرکت قیمتی ارزیابی شما از روند آینده را معتبر میکند؟

چه حرکت قیمتی ارزیابی شما از روند آینده را بی ارزش می کند؟

اجازه بدهید این را با پرسیدن سوالهای زیر از روی نمودارهایی که قبلا ارایه شده است مطرح کنیم.

در نمودار ۳-۹۱ انتظار داریم روند خنثی ادامه داشته باشد.



نمودار ۳-۹۱ در نظر داشتن آینده، نمونه نخست

چه حرکت قیمتی ارزیابی من از جهت روند آینده را معتبر می کند؟
شمع صعودی سبز رنگ با بدنه ای بلند که دور از محدوده حمایتی قرار دارد باید به آغاز برگشت به سمت بالا به سوی مقاومت حرکت کند . انتظار دارم این حرکت با مومنتوم کندی که به مقاومت منجر می شود همچنان به سمت بالا ادامه داشته باشد؛ همانگونه که در نوسان صعودی قبلی که در سمت چپ نمودار می بینید ، به طرف بالا اتفاق افتاد. خریدارن، دور از سطح حمایت، مقاومت بالاتر را هدف خود قرار می دهند. سفارش های فروش آنها در راستای فروش هایی که در آن منطقه وارد بازار می شود باید به اندازه ای باشد که قیمت را نگه داشته و از افزایش بیشتر قیمت جلوگیری کند.

چه حرکت قیمتی ارزیابی من از جهت روند آینده را بی ارزش می کند؟
اگر حرکت قیمت موفق به ادامه صعود نشده و به زیر آخرین کندل صعودی سبز رنگ سقوط کند، لازم است تا بررسی را دوباره ارزیابی کنم. به احتمال بالاتر فشار نزولی قوی تر از آن چیزی است که پیش بینی شده است و حالا وقت آن رسیده که احتمال شکست به سمت پایین را بررسی کنیم. این پیشامد هرکسی را در موقعیت خرید غافلگیر می کند و اگر بعد از کف های قیمتی شکسته شده ، به فشار نزولی افزوده و به شکست کمک کند منتظر یک موقعیت برای خروجی سریع خواهند بود.

اکنون برای حرکت قیمت آینده آماده ام. با آگاهی از این که اگر ارزیابی من از روند آینده درست باشد، این حرکت شبیه چه خواهد بود و بدانم که اگر تحلیل من اشتباه باشد چطور خواهد شد.



نمودار ۹۲-۳ در نظر داشتن آینده، نمونه دوم

در نمودار ۹۲-۳ قیمت برای دومین بار سطح مقاومت را شکسته است. گرچه این شکست دوم، در ابتدا ضعیف بود ولی حالا قوت گرفته است. این احتمالا نشان دهنده پذیرش قیمت از منطقه شکست است و انتظار دارم این شکست ، موقعیت خود را حفظ کرده و به سمت بالاتر پیش برود.

چه حرکت قیمتی ارزیابی من از جهت روند آینده را ارزشمند می کند؟ سایه کندل بالاتر شواهدی دال بر عرضه را نشان می دهد. انتظار یک پولبک برای شروع، طی کندل اول یا دوم بعدی را دارم. هرچند این پولبک هم یا از طریق یک شیب سطحی (مومنتوم نزولی ضعیف) و یا کاهش عمق موج ، باید نشان دهنده ضعف باشد.

چه حرکت قیمتی ارزیابی من از جهت روند آینده را بی ارزش می کند؟ قدرت در پولبک نشان می دهد که عرضه در این قیمت های بالاتر وارد بازار خواهد شد. اگر این اتفاق بیفتد احتمالا قوت نمایش داده شده در شکست دوم به سادگی متوقف شده، و بازار به اندازه کافی خریدهای جدیدی را برای پشتیبانی از ادامه روند (حرکت قیمت) جذب نکرده است. یک پولبک قوی مرا وا می دارد تا انتظاراتم را با یک شکست ناموفق و تایید آن با شکست به زیر کندل سبز رنگ با

بدنه بلند دوباره مورد بازنگری قرار دهم.
همانگونه که می بینید تجسم آینده تنها یک روند ساده از پرسش در مورد آنچه می باشد - که انتظار دارید در آینده ای نه چندان دور ببینید. این دیدگاه ثابت نیست در واقع ما حتی آنچه که حرکت قیمت را در طرح ما بی ارزش می کند هم بررسی می کنیم و حاضریم تا در اولین نگاه و بدون آنکه شرح بیشتری برای بازار فعلی دهیم، آن را از مسیر خارج کنیم.
این روند به زبان ساده تر نتیجه تجربه است. نمونه های بیشتری هم آماده شده اند که کل فرآیند را پوشش می دهند. یادگیری واقعی در زمان کارتان با تمرین بیشتر و صرف وقت با انواع نمودارها اتفاق می افتد.
هرچه زمان بیشتر و بیشتری به کار با نمودارها اختصاص دهید، توانایی شما در خواندن بازار و ارزیابی دقیق جریان سفارش آینده (و به روز کردن این ارزیابی در زمان واقعی) بهبود خواهد یافت.

3.3.5- اگر حمایت/مقاومت شکسته نشود چه اتفاقی می افتد؟

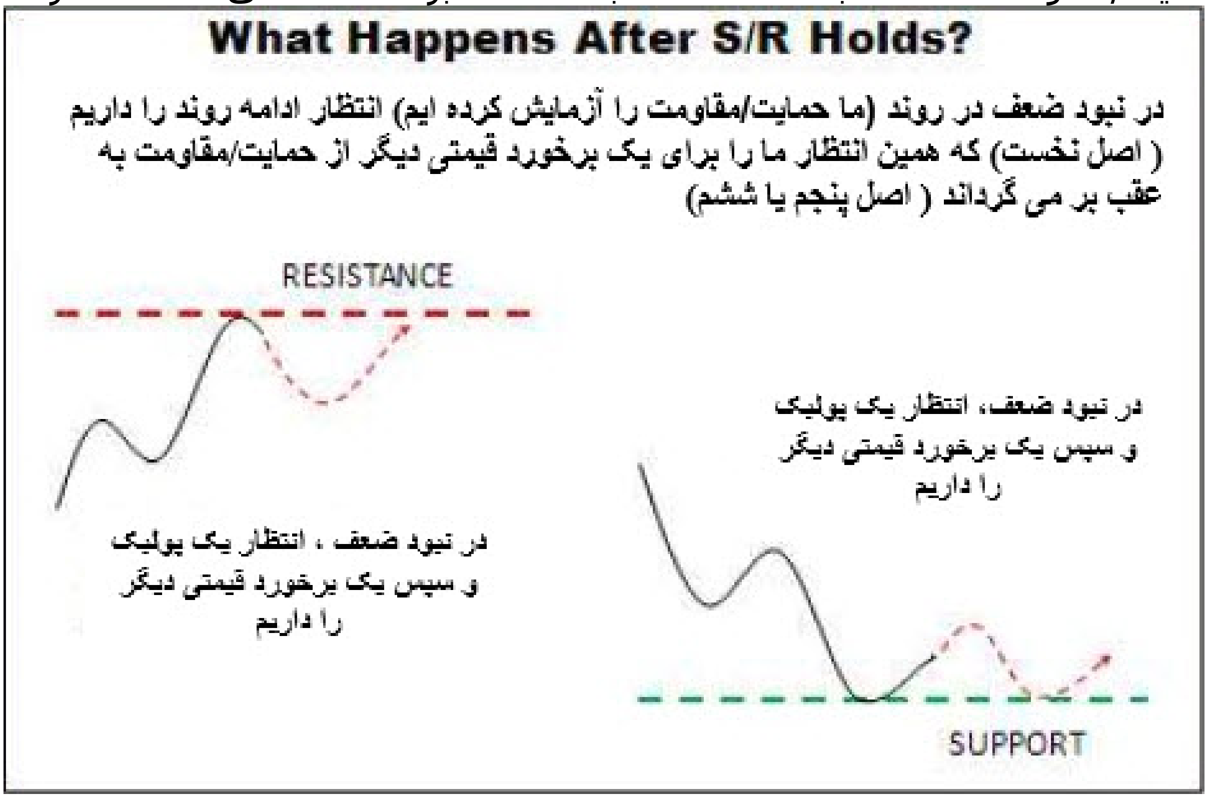
با در اختیار داشتن شش اصلی که در تعریف حرکت قیمت آینده ارائه دادم، یک منطقه در نمودارها هست که اغلب افراد را دچار مشکل می کند. اجازه دهید پیش از آنکه به تحلیل روند نمودارها و ارایه مثالها بپردازم، در مورد آن صحبت کنیم.
پس از یک برخورد قیمتی موفقیت آمیز (اصل پنجم) یا یک شکست ناموفق (اصل ششم) چه اتفاقی می افتد؟
آیا انتظار می رود که قیمت یک برگشت و تغییر روند فوری را شکل بدهد؟
و یا انتظار داریم که روند بدون تغییر باقی مانده و یک آزمون حمایت/مقاومت دیگر را مهیا کند؟



نمودار۹۳-۳ پس از آنکه سطح حمایت/مقاومت خود را حفظ می کند چه اتفاقی می افتد؟

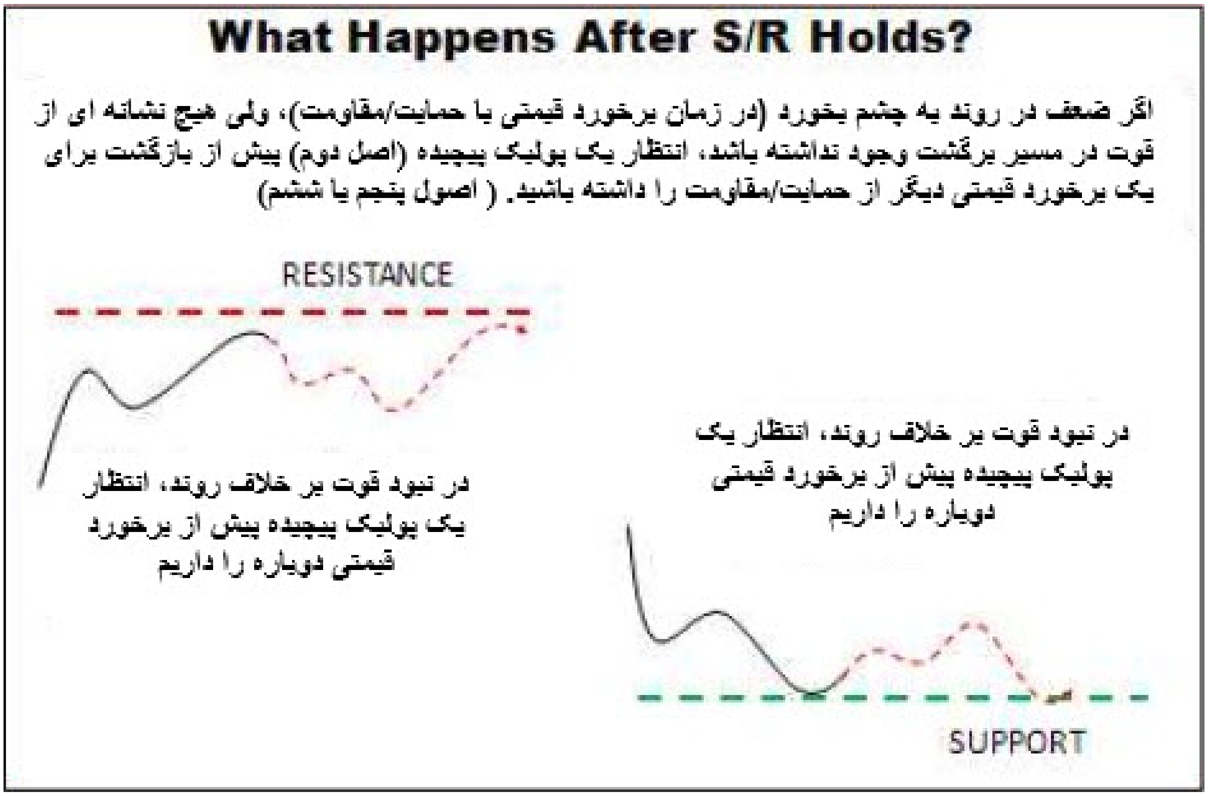
من حمایت/مقاومت را بعنوان موانعی برای حرکت قیمت در نظر می گیرم. این سطوح یک سری جریان های سفارش خلاف روند را ایجاد می کند ولی بطورخودکار فرض می شود که روند را تا زمانیکه ما شواهدی دال بر احتمال (یا تأیید) برگشت ببینیم برگردانند.
شواهد برگشت روند بطور واضحی نیازمند پذیرش قیمت پیش از نقطه تغییر روند، که نشانه ای از قدرت در جهت روند جدید است می باشد.
نشانه های برگشت احتمالی زمانی در دست خواهد بود که ببینیم نوسان های قیمت، قدرت واضحی را در جهت برگشت و ضعف را در جهت اصلی روند نشان می دهند. اگرچه قیمت هنوز از نقطه تغییر روند گذر نکرده است
تا زمانیکه که این نشانه ها را می بینیم، فرض می کنیم که روند غالب شده و یا برای یک تست دیگر باز گشته یا برای یک شکست تلاش خواهد نمود.
بنابراین پیرو یک برخورد قیمتی موفق و یا یک پولبک بعد از شکست ، ما مراقب حرکت قیمت هستیم تا نشانه هایی از این که کدام سمت قوت بیشتری را نشان می دهد ببینیم. گاوها قوت بیشتری دارند یا خرس ها. نشانه های قوت و یا ضعف به ما در مورد جهت احتمالی روند آینده خبر می دهند.
و اگر برای مدتی ما کمی تردید داشته باشیم طوری نیست. هرچند در این مورد پیشنهاد من این است که همیشه به روند اعتماد کنیم.
اجازه دهید از یک چشم انداز دیگر به این نکته برسیم و سعی میکنم ساده تر آن را بیان کنم.

در نبود ضعف در روند (ما حمایت/مقاومت را آزمایش کرده ایم) انتظار ادامه روند را داریم (اصل نخست) که همین انتظار ما را برای یک برخورد قیمتی دیگر از حمایت/مقاومت به عقب بر می گرداند.



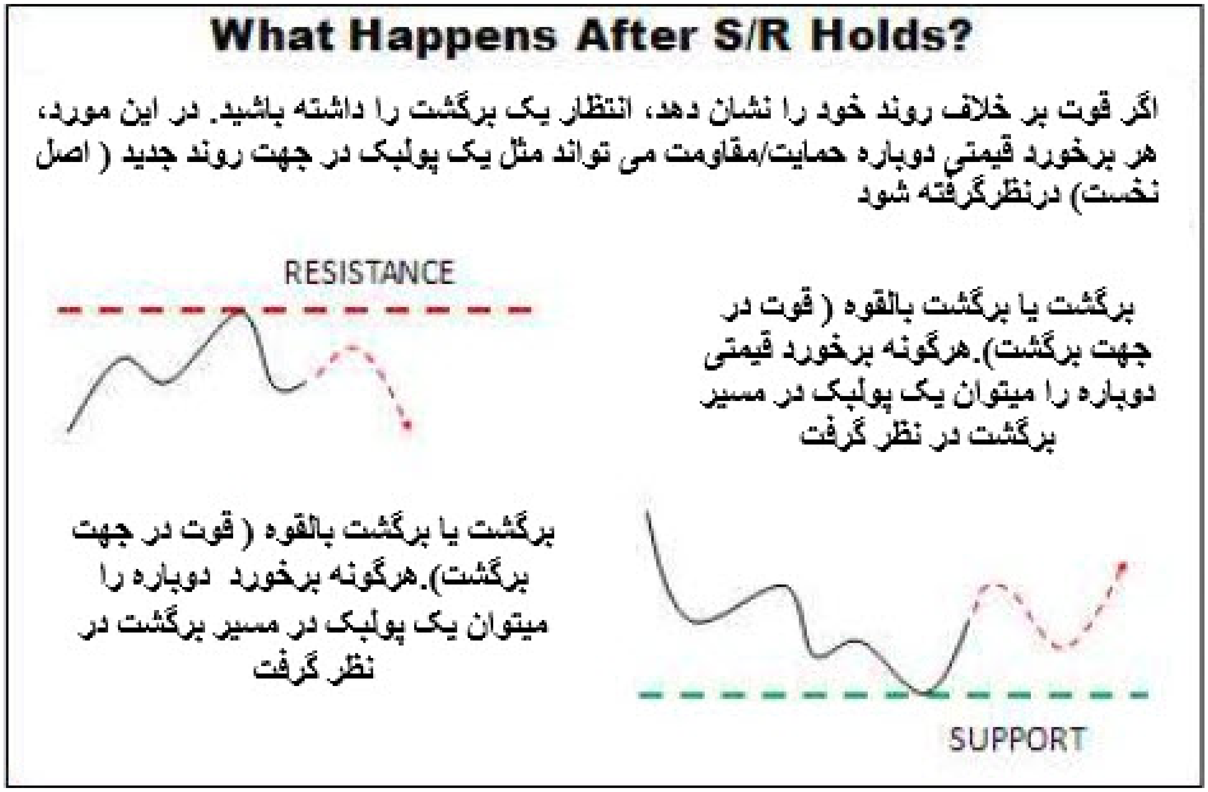
نمودار۹٤-۳ پس از حفظ حمایت/مقاومت چه اتفاقی می افتد؟ در نبود ضعف

اگر ضعف در روند به چشم بخورد (در زمان برخورد قیمتی با حمایت/مقاومت)، ولی هیچ نشانه ای از قوت در مسیر برگشت وجود نداشته باشد، انتظار یک پولبک پیچیده (اصل دوم) پیش از بازگشت برای یک برخورد قیمتی دیگر از حمایت/مقاومت را داشته باشید. (اصول پنجم یا ششم).



نمودار۹۵-۳ پس از نگه داشتن حمایت/مقاومت چه اتفاقی می افتد؟ در نبود قوت و خلاف روند.

اگر قوت بر خلاف روند خود را نشان دهد، انتظار یک برگشت را داشته باشید. در این مورد، هر برخورد قیمتی دوباره حمایت/مقاومت می تواند مثل یک پولبک در جهت روند جدید (اصل نخست) درنظرگرفته شود.
این منطقه حمایت/مقاومت پیشین میتواند کمی گیج کننده باشد. گاهی به اندازه کل نوسان قیمت و یا دو (نوسان) بطول می انجامد تا جواب بدهد. با اینحال بیاد داشته باشید، شما ارزیابی خودتان را کندل به کندل بروز خواهید نمود. با علم به اینکه اگر اشتباه کنید خیلی سریع متوجه شده و قادر به تنظیم کردن دیدگاه و انتظار خود خواهید شد ، بهترین ارزیابی خود را انجام دهید.



نمودار ۹۶-۳ پس از حفظ حمایت/مقاومت چه اتفاقی می افتد؟ در حضور قوت خلاف روند

و اگر نهایتا دچار تردید شدید، همیشه به روند تا زمان شکسته شدنش اعتماد کنید.
مطمئناً در فصل پنجم (بخش نمونه های معاملاتی) نمونه ای را بعنوان مثال برایتان خواهم آورد.

۳,٤- فرایند تحلیل اولیه بازار

با نگاهی به پشت پرده فرایند تحلیل اولیه ما، اجازه دهید همه فرایندها را در یک پروسه تحلیل اولیه بازار با هم ترکیب کنیم.

۳,٤,۱- خلاصه ای از فرایند تحلیل اولیه بازار



نمودار ۹۷-۳ فرایند تحلیل اولیه بازار

تحلیل اولیه بازار همانگونه که در نمودار ۳,۹۷ می بینید، دربردارنده یک فرایند شش مرحله ای است.

چک لیست زیر، شما را با حرکت هایی آشنا می کند که در هر گام لازم است.

۳,٤,۲ چک لیست تحلیل اولیه بازار

گام نخست- تعریف ساختار

تعریف یک چارچوب ساختاری که در آن حرکات قیمتی تایم فریم معاملاتی مان انجام می شود.

فعالیت ها:

شناسایی نواحی حمایت و مقاومت روی نمودار تایم فریم بالاتر (۳۰ دقیقه)

سقف ها و کف های نوسان

گام دوم- تعریف روند

ارزیابی حرکت قیمت پیشین در چارچوب ساختاری بازار.

فعالیت ها:

شناسایی سقف ها و کف های مهم نوسان در نمودار تایم فریم معامله (سه دقیقه)

شناسایی جهت روند

صعودی، نزولی یا خنثی

گام سوم- شناسایی قوت و ضعف

تحلیل حرکت قیمت در روند برای شناسایی نشانه های قوت یا ضعف.

فعالیت ها:

- تحلیل مومنتوم نوسان های قیمت اخیر.

مقایسه مومنتوم نوسان جاری قیمت با مومنتوم نوسان قبلی قیمت در همان جهت ! قیمت سریع تر یا کندتر از پیش است؟ معنی آن چیست؟

مقایسه مومنتوم نوسان جاری قیمت با مومنتوم نوسان قبلی قیمت در جهت خلاف یکدیگر ! آیا قیمت سریع تر یا کندتر از پیش است؟ معنی آن چیست؟

قیمت کنونی افزایش شتاب دارد یا کاهش شتاب؟ معنی آن چیست؟

- عمق و پروجکشن نوسان های اخیر را با هم مقایسه کنید.

افزایش مسافت پروجکشن ها، نشانه ای از پتانسیل قوت روند است و کاهش مسافت پروجکشن ها نشانه ای از پتانسیل ضعف روند است.

افزایش عمق ، نشانه ای از پتانسیل ضعف روند و کاهش عمق ، نشانه ای از پتانسیل قوت روند است.

- شناسایی نشانه های عدم تداوم حرکت قیمت (برای مثال عدم رضایت به انتظارات).

نا توانی قیمت به ادامه مسیر، نشانه ای از ضعف است.

- شناسایی نشانه های قوت یا ضعف با هر روش دیگر.

مثل : تحلیل حجم - اندیکاتورهای درونی بازار

گام چهارم- شناسایی جهت روند آینده

مسیر احتمالی حرکت آینده قیمت کجاست؟

فعالیت ها:

- تعیین مسیر احتمالی حرکت آینده قیمت مطابق با شش اصل زیر:

درون چارچوب حمایت و مقاومت ها :

اصل نخست- انتظار ما از روند صعودی یا نزولی این است که تا مقاومت/حمایت بعدی موقعیت کنونی خود را ادامه دهد، مگر اینکه شواهدی دال بر ضعف روند از خود نشان دهد.

اصل دوم- وقتی روند صعودی یا نزولی، نشانه هایی از ضعف را به دنبال دارد، بیشتر انتظار یک اصلاح پیچیده را خواهیم داشت تا یک برگشت روند. مگر اینکه بازار در جهت جدید، هم در بُعد قیمت و هم در بُعد قدرت، حرکت قابل قبولی داشته باشد.

اصل سوم- انتظار این است که روند خنثی و رنج در چارچوب و در موقعیت کنونی خود پیش برود مگر اینکه شواهدی دال بر قوت در یکی از مرزهای بین دو سطح چارچوب و کانال از خود نشان دهد.

اصل چهارم- وقتی یک روند خنثی شواهدی مبنی بر قوت به سمت یکی از مرزهای دو سطح چارچوب را نشان می دهد انتظار شکست آن مرز را داریم. ما رفتار قیمت بعد از شکست را برای یافتن شواهدی برای جهت روند آینده زیر نظر می گیریم:

ضعف بعد از شکست - انتظار عدم موفقیت در شکست و برگشت قیمت به داخل محدوده رنج.

ضعف در برگشت - انتظار پولبک بعد از شکست و ادامه حرکت.

- **در لبه های چارچوب حمایت و مقاومت ها·**

اصل پنجم- انتظار حفظ سطوح حمایت/مقاومت در زمان برخورد های قیمتی را داریم، مگر در زمان نزدیک شدن قیمت به مرز حمایت/مقاومت از خود قدرت نشان دهد.

اصل ششم- درصورتیکه قدرت در نزدیک شدن به سطوح حمایت/مقاومت نمایش داده شود، انتظار شکست داریم و رفتار قیمت پس از شکست را به دنبال یافتن نشانه هایی از جهت روند آینده زیر نظر می گیریم:

ضعف بعد از شکست – انتظار شکستی ناموفق و برگشت قیمت به داخل منطقه حمایت/مقاومت را داریم.

ضعف در پولبک- انتظار پولبک بعد از شکست و ادامه حرکت قیمت را داریم.

گام پنجم- در نظر گرفتن حرکت آینده قیمت

از قیمت انتظار چه رفتاری را دارید؟ حرکت آینده قیمت را براساس انتظارات خود برای جهت روند آینده و تعاملش با سطوح حمایت و مقاومت ساختار بازار متصور شوید.

فعالیت ها:

- چه حرکت قیمتی، ارزیابی شما از جهت روند آینده را معتبر میکند؟
- چه حرکت قیمتی، ارزیابی شما از جهت روند آینده را بی ارزش می کند؟

گام ششم- شناسایی مناطق فرصت معاملاتی

- به زودی.

شاید اینجا من کمی شتاب زده برخورد کرده باشم، درحالیکه هنوز درمورد اینکه چگونه این کار را انجام دهیم حرف نزده ایم. ولی تصمیم گرفته ام اکنون به این عنوان بپردازم چرا که بخشی از فرایند تحلیل اولیه شماست. مثل دانستن اینکه چگونه این کار را انجام دهید. خب...این بحث برای بخش چهارم است.

فعلا، ما صرفا داریم یاد می گیریم که چطور قیمت را همانگونه که در روبروی شما حرکت میکند، بخوانیم.

گام بعدی فرایند چیست؟

این قدم تحلیل اولیه ما را خاتمه می دهد.

از این نقطه به بعد ما فرایند تحلیل همزمان خود را اجرا می کنیم، یک فرایند رو به جلو از به روز رسانی ارزیابی ما درمورد روند احتمالی آینده و نواحی از فرصت های معاملاتی براساس اطلاعات جدیدی که هریک از کندل ها در اختیار ما قرار می دهند.

و همین، موضوع بخش ۳,۵ (نظریه تحلیل همزمان) و بخش ۳,٦ (فرایند تحلیل همزمان بازار) است.

پیش از اینکه نگاهی بیندازیم، اجازه دهید نگاهی به یک نمونه از فرایند کامل تحلیل اولیه بازار بیندازیم- تعریف ساختار، شناسایی روند، و تعیین جهت روند آینده مورد نظر.

ساده بگیرید

از آنجاییکه سعی کردم به شیوه ای کامل این کار را در یک کتاب الکترونیک انجام دهم، فرایند تحلیل اولیه صفحات بسیاری را به خود اختصاص داده است. همانطور که در نمونه زیر خواهید دید، خود روند کاملا ساده است و بهتر است بیش از یک دقیقه یا این حدود برای باز کردن اولیه نمودارهای خود وقت نگذارید.

مراقب باشید تا گرفتار پیچیدگی نشوید. این فرایند باید ساده باشد. اگر اینطور نیست احتمالا به سختی دارید سعی می کنید تا موقعیت دقیق حرکت قیمت را پیش بینی کنید که این، پیش بینی نیست. ما به سادگی در حال ارزیابی مسیر احتمالی آینده هستیم پس مراقب حرکت قیمت رو به جلو برای تأیید آن مسیر و یا اصلاح آن هستیم.

از اینکه اشتباه پیش بیاد نترسید. تحلیل همزمان، خودش را تصحیح می کند.

اگر خیلی سخت شد فقط به گام های چک لیست ساده ما رجوع کنید...

اینها ، همه آن چیزی هستند که وجود دارد.

۳,٤,۳- نمونه ای از تحلیل اولیه بازار



نمودار ۹۸-۳ نمونه تحلیل اولیه، تعریف ساختار

تصویر ۹۸-۳ نشان دهنده نمودار تایم فریم بالاتر(۳۰ دقیقه) برای بازار در تاریخ ۲۸ جولای ۲۰۱۰ است؛ درست در زمان باز شدن بازار انگلستان (۰۸:۰۰ صبح بوقت گرینویچ و به وقت تهران ساعت ۱۱:۳۰).

گام نخست- تعریف ساختار

من نواحی حمایت و مقاومت را در نمودار بالا قرار دادم تا ساختار بازار را تعریف کنم.

توجه کنید که این نواحی با عناوین Spt A ، Spt Bو Spt Cو Res A نامگذاری شده اند. لطفا توجه داشته باشید که در زمان اجرای تحلیل و معامله شخصی خودم، معمولا سطوح S/R را نامگذاری نمی کنم. این کار را اینجا انجام داده ام چون ارجاع به سطوح حمایت و مقاومت در این نمونه ساده تر باشد.

ما زیر قیمت در حدود ۱,۵۵٦۰ خط حمایت (Spt A) داریم که پایین ترین قیمت بازار آسیا آن را شکل داده است.

حمایت بعدی که از کف های بازار قبلی یعنی بازار آمریکا گرفته شده است پایین تر در Spt B (۱,۵۵۰۵) قرار دارد، و Spt C (۱,٥٤٤۰) که کف قیمت بازار انگلستان را تعریف کرده است.

من Res A را در ۱,٥٦٢٥ قرار داده ام. اگرچه این کار تعریف ساخت swing high (سوئینگ – های) را ارضا نکرده است (با توجه به قرار داشتن تنها یک کندل پایینتر از آخرین کندل قبلش که سقف قیمتی را تشکیل داده)، این سقف بازار آسیا می باشد و بنابراین به صورت بالقوه یک سطح قابل توجه خواهد بود.

بازار در یک روند صعودی تایم فریم بلند مدت تر قرار گرفته است (برای مدت دو ماه) بنابراین نمودار ۳۰ دقیقه ای نسبت به نمودار مقاومت روزانه که تا نرخ ۱,۵۸۲۰ مقاومتی وجود ندارد، مقاومت بالاتری را نشان نمی دهد.

گام دوم- تعریف روند

از آنجایی که سوئینگ- لو Bزیر سوئینگ- لو A شکل گرفته است (آخرین سوئینگ- لو پیش از بالاترین سقف در Res A)، تایم فریم معاملاتی(سه دقیقه) (تصویر ۹۹-۳ در زیر) تغییر اخیر را از روند صعودی به سمت روند نزولی نشان می دهد.

سقف پایین تر C در پی سوئینگ- لو B آمده است. و قیمت اکنون به زیر B شکست انجام داده است. یعنی سقف های پایین تر و کف های پایین تر کلاسیک تشکیل داده است!

بازار در وضعیت روند نزولی است.



نمودار ۹۹-۳ نمونه تحلیل اولیه، شناسایی روند

گام سوم- شناسایی قوت و ضعف

تحلیل مومنتوم در تایم فریم معاملاتی (۳ دقیقه) (تصویر ۱۰۰-۳) نشان دهنده قوت اولیه در سمت صعودی از طریق مومنتوم قوی تر در نوسان (a) و مومنتوم ضعیف تر در نوسان (b) است.

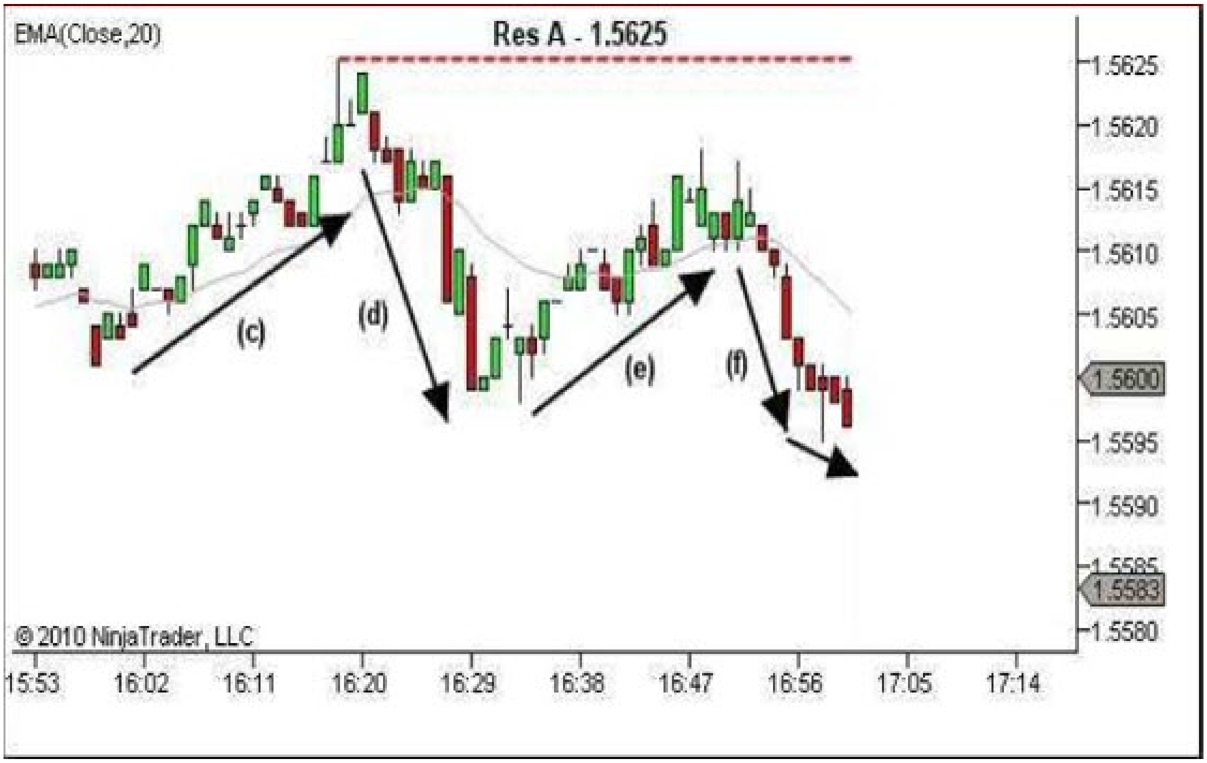
هرچند تمایلات از آن موقع به بعد تغییر کرده است. مقایسه نوسان (a) با (c) و (e) کاهش در مومنتوم صعودی را نشان می دهد. مقایسه (b) با نوسان های (d) و(f) افزایش واضح مومنتوم نزولی را نشان می دهد.



نمودار ۱۰۰-۳ نمونه تحلیل اولیه، شناسایی ضعف و قدرت، تایم فریم معاملاتی

و این در نمودار تایم فریم پایین تر (یک دقیقه) در نمودار ۱۰۱-۳ نمایش داده شده است که در آن نوسان های نزولی (d) و (f) هردو نشان دهنده قوت بیشتر نسبت به نوسان های صعودی (c) و (e) هستند.

این، قوت را در سمت نزولی و ضعف را در سمت صعودی قرار می دهد.



نمودار ۱۰۱-۳ نمونه تحلیل اولیه،شناسایی قوت و ضعف، تایم فریم پایین تر

توجه داشته باشید که ضعف پروجکشن p1 و p2 با عمق بیشتر D1 که روی تایم فریم معاملاتی (۳ دقیقه) نمودار ۱۰۲-۳ نشان داده شده قابل قیاس است.



نمودار ۲۰۱-۳ نمونه تحلیل اولیه، شناسایی ضعف و قوت، مسافت و عمق

با اینکه ظاهرا تناقض دارد ولی تا پیش از گشایش بازار اصلی معاملاتی روز؛ این وضعیت غیرعادی نیست. قوت در سمت نزولی قرار دارد ولی تفاوت خیلی زیادی ندارد.

گام چهارم- شناسایی جهت روند آینده

حرکت قیمت در حال حاضر به هیچ یک از سطوح حمایت و مقاومت نزدیک نیست.

روند، نزولی است. قوت هنوز در سمت نزولی است البته چندان هم زیاد نیست. انتظار من مطابق با نخستین اصل از جهت روند آینده این است:

اصل نخست- انتظار ما از روند صعودی یا نزولی این است که تا مقاومت/حمایت بعدی موقعیت کنونی خود را ادامه دهد، مگر اینکه شواهدی دال بر ضعف روند از خود نشان دهد.

انتظار دارم قیمت موقعیت روند کنونی اش را ادامه بدهد تا به محدوده Spt A یا حدود ۱,۵۵٦۰ برسد؛ همانگونه که در نمودار زیر نمایش داده شده است.



نمودار ۳-۱۰۳ نمونه تحلیل اولیه، شناسایی روند آینده

گام پنجم- تجسم حرکت آینده قیمت

انتظار دارم حرکت آینده قیمت چگونه باشد؟ چه حرکت قیمتی به این تحلیل ارزش می دهد؟

نیاز است تا شاهد تداوم قوت در نوسان های نزولی و ضعف روی نوسان های صعودی باشیم.

گشایش بازار انگلستان از اهمیتی حیاتی برخوردار است که ممکن است موجب نوسانات کوتاه مدت گردد. هر فشاری به سمت بالا در زمان گشایش بازار باید به سرعت و قدرت رد شده و بهتر است Res A را رو به بالا نشکند.

چه حرکت قیمتی این تحلیل را بی ارزش می کند؟

تحلیلِ بیشتر در صورتی که بازار قوت صعودی را در زمان باز شدن بازار انگلستان نشان دهد لازم است؛ یا به زبان ساده تر، در صورتیکه آخرین نوسان صعودی " Res A " را به سمت بالا بشکند.

نکته مهمی که اینجا باید به آن توجه داشت این است که زمان باز شدن بازارهای مالی اغلب زمان سختی برای اجرای تحلیل است (مثل هر زمان باز شدن دیگری، مانند زمان باز شدن فیوچرز emini).

برخی از معامله گران در پنج دقیقه نخست و یا مقدار بیشتری از ساعات کاری آن بازار را فقط نظاره گر بازار هستند تا به قیمت اجازه دهند جهت درست خود را مشخص کند. به هر حال من ترجیح می دهم تحلیل خود را اجرا کنم که این تحلیل به من اجازه می دهد تا برای هرفرصتی که باید در طول چند دقیقه اولیه باز شدن بازار توسعه پیدا کند، آماده شوم . هرچند من همیشه احتیاط بیشتری می کنم.

با اینحال در این مثال نمودار تقریبا ساده بود. همچنانکه حد ضررهای حاصل از خریدهای پیش از باز شدن بازار فعال شده و به جریان سفارشات نزولی می افزایند، هر فشار به قیمت های پایین تر باید سطح خود را به سادگی نگه دارد. هر گونه فشار به قیمت های بالاتر، جریان سفارشات صعودی بیشتری از نوع stop فروشندگان را فعال نخواهد کرد غیر از اینکه به سمت سقف های جدید و بالاتر از Res. A برود. بنابراین فشار رو به بالا باید سریعا به شکست بیانجامد یا اینکه شواهدی دال بر خرید جدید بالقوه (قوت گرفتن حرکت صعودی) فراهم کند و در این صورت نیازمند ارزیابی دوباره درمورد تحلیلم هستم.

تحلیل باید پیش از باز شدن بازار (در بازار فیوچرز و سهام) با انتظار نوسانات کوتاه مدت احتمالی انجام شود، و همراه با در نظر گرفتن اینکه اگر آن نوسان به نتیجه برسد چه کسی به دام افتاده و یا از بازار به بیرون رانده خواهد شد، باشد.

گام ششم- شناسایی نواحی فرصت های معاملاتی

متاسفم، الان وقت پرداختن به این موضوع نیست و در بخش چهارم توضیح می دهم.

اکنون به تحلیل حال حاضر می پردازیم.

بخاطر داشته باشید، تحلیلی که تا بدین جا انجام داده ایم تنها ارزیابی اولیه من از جهت احتمالی روند آینده است. به محض در دسترس قرار گرفتن داده های جدید، من هم ارزیابی خود را به روز خواهم کرد. اگر حق با من نباشد به موقع متوجه می شوم و همین به من اجازه می دهد تا یک بار دیگر انتظاراتم را ارزیابی و تنظیم کنم. اگر هم حق با من باشد، در حالیکه قیمت همانطور که خواست من است پیش می رود، برای هر فرصت معاملاتی که ارائه می شود آماده خواهم بود.

۳-۵- تحلیل همزمان بازار

تحلیل اولیه ما در گرو ارزیابی اولیه ی جهت روند آینده است. همچنان که حرکت قیمتِ بیشتری در سمت راست نمودار ما ظاهر می شود، تحلیل همزمان ، به یک ارزیابی کندل به کندل از تحلیل قبلی ما نیاز دارد.

اطلاعات جدید در راه است، هر نوبت یک کندل. هر کندل جدید منبع اطلاعاتی می باشد که بسیاری از آنها چیز نو یا مرتبطی پیش روی ما نمی گذارند، اما بعضا تحلیل های ما را تغییر خواهند داد و ارزیابی ما را از تمایلات بازار و جهت آینده قیمت تقویت یا تضعیف می کنند.

هر کندل جدید به طور بالقوه قابل توجه است.

عدم موفقیت در نظارت قیمت با هر کندل جدید، بدین معنی است که مجبور خواهیم شد از تحرکات قیمت و تعقیب ستاپ ها و ورودها، پس از آنکه برای همگان واضح و روشن شد بالاجبار بصورت واکنشی، غافلگیر شویم.

نظارت مستمر این اطمینان را به ما می دهد که تمرکز و آگاهی موضعی مان را حفظ کرده و یک قدم جلوتر از حرکت قیمت جاری بمانیم - در حالیکه احتمال اینکه به کجا حرکت خواهد کرد را ارزیابی می کنیم، و اینکه چطور این حرکت بر روی بر تصمیم گیری سایر معامله گران اثر گذاشته و کجا فرصت های معاملاتی ایجاد می کند.



نمودار ٤-١٠٣ مزایای نظارت بازار به صورت کندل به کندل

تحلیل همزمان حرکت قیمت را روی تمام تایم فریم ها می توان به اجرا گذاشت، هرچند که توجه اصلی ما به تایم فریم معاملاتی است. ما هر کندل را زیر سوال

می بریم تا تعیین کنیم که تغییر در تمایلات بین گاوها و خرس ها، چی معنی می دهد و اینکه آیا انتظارات ما را برای آینده تغییر خواهد داد یا خیر.

این فرایندی گام به گام است که بخش نخست آن ارزیابی تمایلات الگوی کندلی حال حاضر است.

۱-۵-۳- تعیین تمایلات الگوی کندل

ما هر کندل را به عنوان یکی از ۹ نوع کندل تعریف می کنیم و همانطور که در نمودار ۳-۱۱۰ نشان داده می شود، طبقه بندی کندل با این روش سریعا یک حس فوری از تمایلات الگوی کندلی در اختیار ما قرار می دهد.

تمام کندل های سبز رنگ (رو به بالا) صعودی هستند، اما تمایلات وابسته به محل بسته شدن آن (بالا، میانه یا پایین) کمی تغییر می کند.



نمودار ۱۰۵-۳ طبقه بندی تمایلات کندل

تمام کندل های رنج خنثی هستند، اما تمایلات وابسته به محل بسته شدن آن (بالا، میانه یا پایین) کمی تغییر می کند.

همین ترتیب برای کندل های رو به پایین، که نزولی هستند اعمال می شود، اگرچه تمایلات وابسته به محل بسته شدن آن (بالا، میانه یا پایین) کمی تغییر می کند.

این طبقه بندی با مشاهده شاخصه های آخرین کندل، طبق موارد ذیل به دست آمده است:

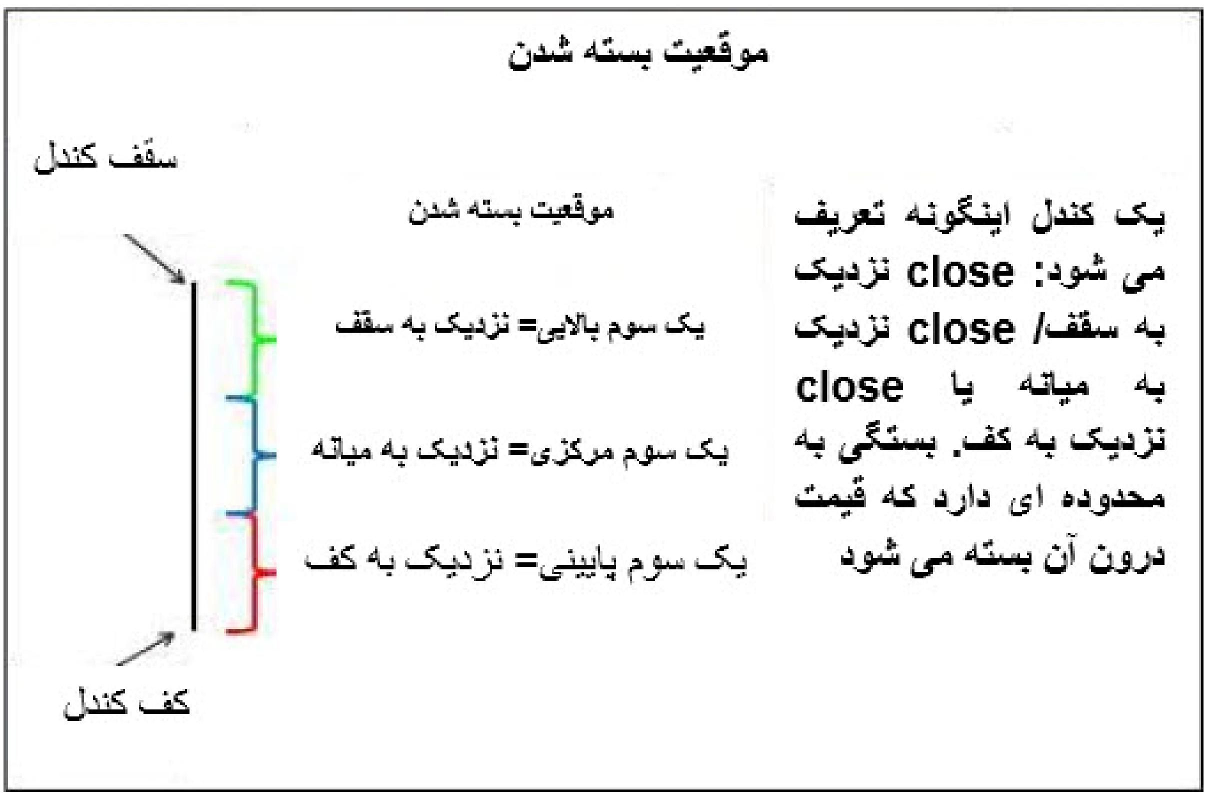
- مقایسه موقعیت بسته شدن دو کندل
- موقعیت بسته شدن

اجازه دهید ببینیم چگونه کندل ها را به روشی که من نسبت به تحلیل کندلی استاندارد برتر می دانم می توان بررسی کرد ...

موقعیت بسته شدن

موقعیت بسته شدن به ما اجازه می دهد تا تمایلات یک تک کندل را تعیین کنیم.

پایین تعریف closeمیانی یا با closeبالا ، با closeیک کندل را به عنوان یک کندل با می کنیم که به این بستگی دارد که قیمت در کجای محدوده، بین بالاترین تا پایین ترین قیمت کندل بسته می شود.



نمودار ۳-۱۰٦ موقعیت بسته شدن

یک کندل با close بالا کندلی است که در آن قیمت بسته شدن در محدوده یک سوم بالایی کندل قرار دارد. نمونه های کندل با close بالا با کندل های (a) تا (f) در نمودار ۳-۱۰۷ نشان داده شده اند. توجه داشته باشید که همه کندل ها در یک سوم بالایی بسته می شوند.

یک کندل با close بالا تمایلات صعودی را در دوره آن کندل نشان می دهد. هرچند، شما متوجه درجات متفاوت صعودی بودن در هر کندل خواهید شد. برای نمونه، با مقایسه (a) و (b) متوجه می شویم که (b) قادر بود قیمت ها را از قیمت باز شدن خود بالاتر ببرد ضمن اینکه مقاومت کمی از سوی خرسهای بازار را نشان می دهد درحالیکه (a) پیش از آنکه بتواند دوباره صعود کند، از زمان باز شدن ابتدا به ساکن سقوط کرد.

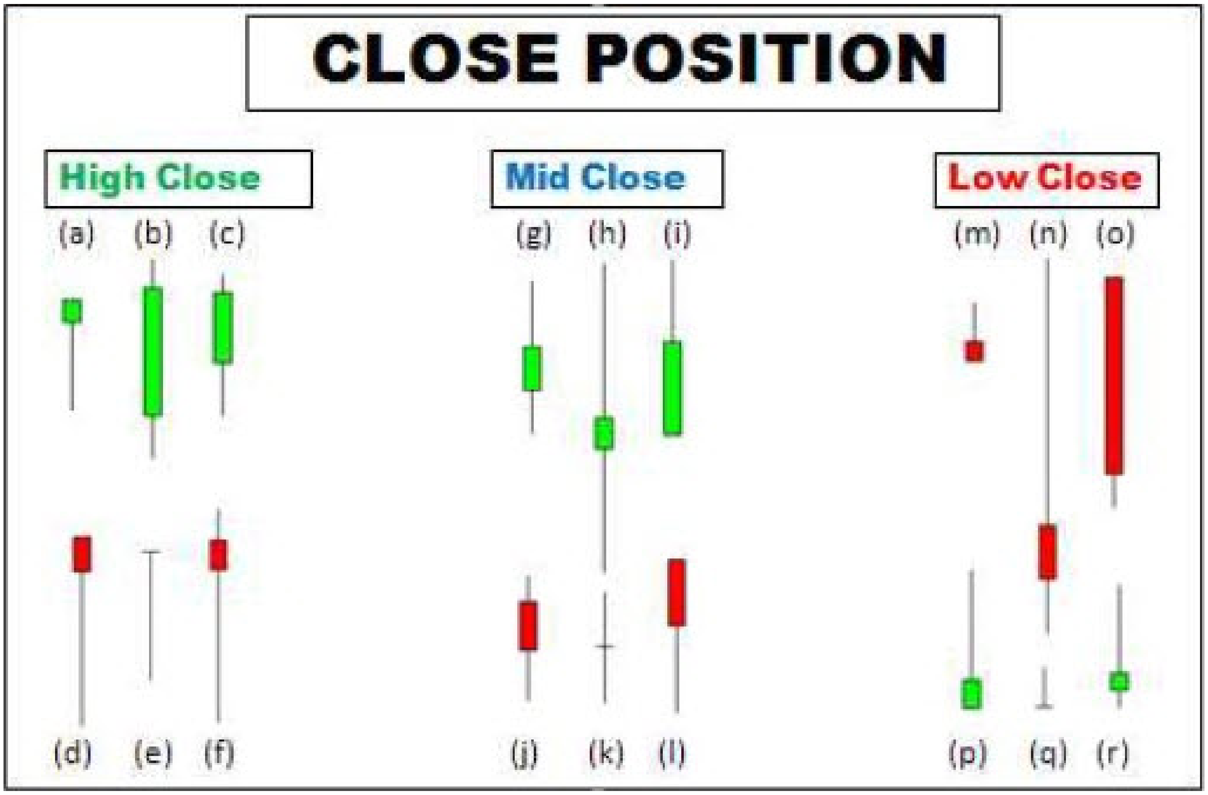
کندل (a) به طور بالقوه ، کمی کمتر از کندل (b) صعودی است.

همه این کندل ها از (a) تا (f) صعودی هستند که تفاوت های کوچکی در میزان صعودی بودنشان دارند.

یک کندل با close وسط، کندلی است که در آن قیمت بسته شدن در محدوده یک سوم میانی کندل قرار دارد. نمونه های کندل های با close وسط در نمودار ۳-۱۰۷ با کندل های (g) تا (l) نشان داده شده اند.

از آنجاییکه قیمت پیش از بسته شدن در جایی در محدوده میانی کندل ، نوسان داشته است، تمایلات یک کندل با close وسط خنثی تر است .

باز هم به تفاوت جزئی در تمایلات میان کندل ها توجه داشته باشید. اگرچه همه کندل ها خنثی هستند، تمایلات کندل (i) برای نمونه، در مقایسه با کندل (l) که در سمت نزولی حرکت خنثی است، بیشتر در سمت صعودی تمایلات خنثی قرار دارد.



نمودار ۱۰۷-۳ موقعیت بسته شدن ، نمونه ها

یک کندل با close پایین، کندلی است که در آن قیمت بسته شدن نزدیک به محدوده یک سوم پایینی کندل قرار دارد. نمونه ها از کندل با close پایین با حروف (m) تا (r) در نمودار ۱۰۷-۳ نشان داده شده اند.

تمایلات این کندل ها نزولی است. بار دیگر به تفاوت جزئی در تمایلات توجه کنید. درحالیکه همه حالت نزولی را نشان می دهند؛ برای نمونه، کندل (m) تنها توانست محدوده باریکی را تشکیل دهد، در حالیکه کندل (o) فشار نزولی قابل توجهی را نشان می دهد که قیمت را تا فاصله زیادی به پایین می کشد.

مشاهده و طبقه بندی کندل مطابق با موقعیت بسته شدن، این موقعیت را برای ما فراهم می کند تا ارزیابی سریعی از تمایلات آن کندل به تنهایی داشته باشیم- صعودی، خنثی یا نزولی.

و مسیری که قیمت در درون این کندل پیش گرفته است، متغیرهایی جزئی در درجاتی از تمایلات صعود/خنثی/ نزول ایجاد می کند.

حال ما این طبقه بندی تمایلات را با بررسی رابطه میان دو کندل آخر، بهبود می بخشیم.

مقایسه قیمت بسته شدن

ما یک کندل را به عنوان کندل صعودی، خنثی و یا نزولی تعریف می کنیم که این بستگی به این دارد که قیمت با توجه به رنج قبلی کندل، کجا بسته می شود.

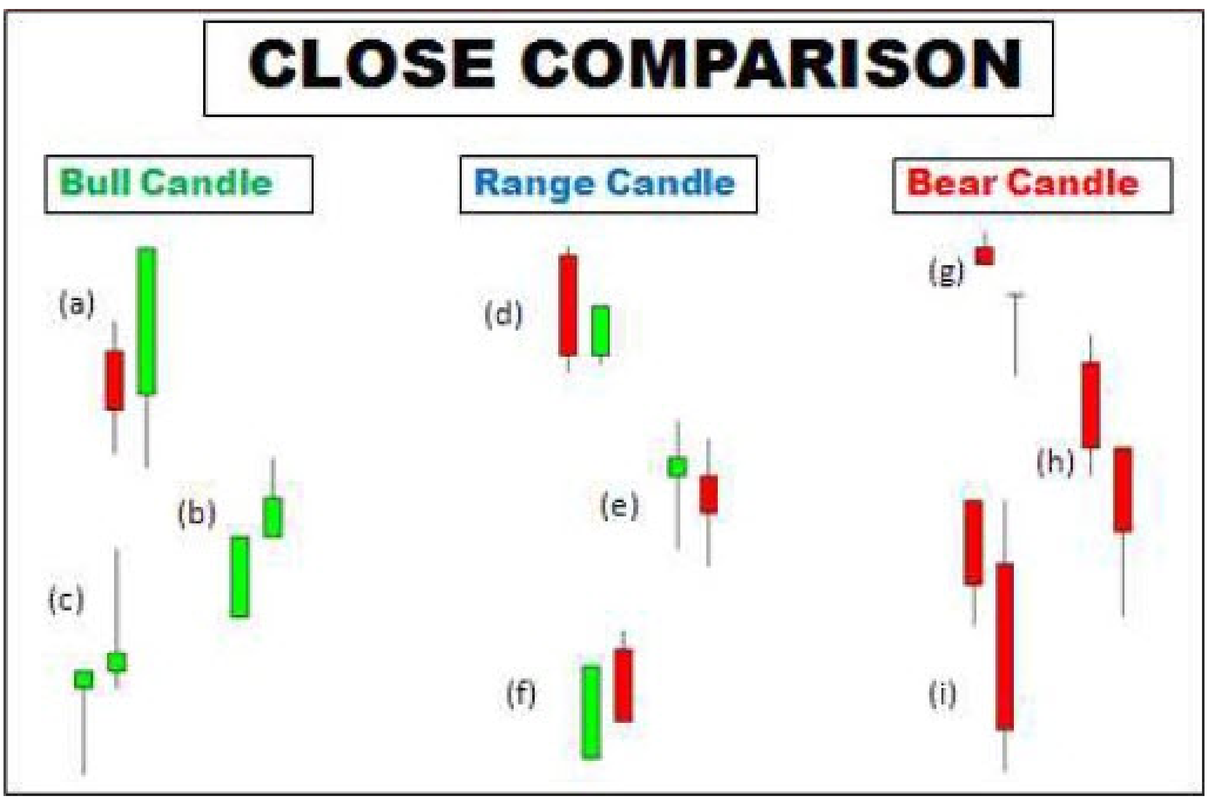
یک کندل صعودی کندلی است که بالاتر ازمحدوده سقف کندل های قبلی بسته می شود. این نمونه ها از (a) تا (c) در نمودار ۱۰۹-۳ به تصویر کشیده شده است. توجه داشته باشید که هر سه کندل بالاتر از سقف کندل قبلی بسته می شوند. یک کندل صعودی برای نشان دادن تمایلات صعودی در نظر گرفته می شود.

یک کندل خنثی کندلی است که درون محدوده کندل قبلی بسته می شود. این کندل در مثال های زیر با (d) تا (f) به تصویر کشیده شده است. توجه داشته باشید که هر سه کندل داخل محدوده کندل قبلی بسته می شوند. یک کندل خنثی برای نمایش تمایلات خنثی در نظر گرفته می شود.

یک کندل نزولی کندلی است که پایین تر از کف محدوده کندل های قبلی بسته می شود. این کندل در مثال های زیر با (g) تا (i) به تصویر کشیده شده است. توجه داشته باشید که هر سه کندل پایین تر از کف کندل قبلی بسته می شوند. یک کندل نزولی برای نمایش تمایلات نزولی در نظر گرفته می شود.



نمودار ۱۰۸-۳ مقایسه بسته شدن ، تعریف



نمودار ۱۰۹-۳ مقایسه بسته شدن ، نمونه ها

تعیین طبقه بندی الگو و تمایلات

بیایید تمایلات الگوی دو کندل اخیر را تعیین کنیم. شروع کار آسان است. نگاهی به مقایسه نقطه بسته شدن می اندازیم:

- کندل صعودی= تمایلات صعودی الگوی ۲ کندلی
- کندل خنثی= تمایلات خنثی الگوی ۲ کندلی
- کندل نزولی= تمایلات نزولی الگوی ۲ کندلی

موقعیت بسته شدن (الگوی تک کندلی) برای تعیین درجات مختلف صعودی یا نزولی بودن لحاظ می شود.

نگاهی به نمونه های نمودار ۱۰۹-۳ در صفحه قبل می اندازیم.

درحالیکه (a) تا (c)، همگی، یک کندل صعودی و سپس تمایلات الگوی صعودی را نشان می دهند، درجات مختلفی از صعودی بودن در هریک وجود دارد، که هنگام افزودن موقعیت بسته شدن قیمت به تعریف الگو مشخص و واضح می شود.

کندل (a) چیزی است که به عنوان کندل صعودی با close بالا از آن نام می برم. اجزای هر دو کندل نشان دهنده تمایلات صعودی هستند. ترکیب این دو نشان از تمایلات قوی صعودی دارد.

این کندل را با (b) که یک کندل صعودی با close میانی را نشان می دهد مقایسه کنید. قیمت یک بار دیگر بالاتر از کندل قبلی بسته شده است، اما این مرتبه با یک close خنثی در میانه کندل. اگرچه همچنان صعودی است اما تمایلات نسبت به مثال (a) کمتر صعودی است.

در کندل (c) ما شاهد یک کندل صعودی با close پایین هستیم. بله، این کندل بالاتر از سقف کندل قبلی بسته شده است ولی قیمت های بالاتر مشخصا حرکت قیمت را رد کرده است که این باعث بسته شدن در نزدیکی کف آخرین کندل شده است. ما تمایلات صعودی (کندل صعودی) را با تمایلات نزولی (کندل با close پایین) ترکیب کردیم. این یک حرکت صعودی ضعیف است.

ترکیب تحلیل ما از موقعیت بسته شدن بهمراه کندل صعودی، درجات متغیری از تمایلات صعودی را در اختیار ما قرار می دهد.

همین مفهوم در مورد کندل های خنثی هم به کار می رود که در نمونه های فوق از (d) تا (f) نمایش داده شده اند. یک کندل خنثی به خودی خود حاکی از تمایلات خنثی را است، ولی همچنین با در نظر گرفتن موقعیت بسته شدن ما درک بهتری از طبیعت در حال تغییر آن تمایلات خنثی به دست می آوریم.

با نگاهی به (d) برای مثال، برای نمونه، کندل خنثی با قیمت close بالاتر از قبلی را می بینیم. آخرین کندل یک کندل با close بالاتر است که درست در سقف کندل قبلی بسته می شود. این امر به طور مستقل نمایشگر صعود است ولی در مقایسه با کندل قبلی ما شاهد این حقیقت هستیم که کندل با close بالاتر به سادگی تقریبا ۵۰% از کندل با close پایین که تمایلات نزولی قدرتمندی دارد را برگشته است. ترکیب این دو، احتمالا تعادل عرضه و تقاضا را به سمت نزول و شرایط خنثی سوق می دهد.

همچنین در مورد مثال (f)، کندل خنثی با close پایین؛ فشار در این ترکیب بیشتر در سمت صعودی شرایط خنثی قرار دارد.

درحالیکه مثال (e) یک کندل خنثی با close میانی، مشخصا پیش از نزدیک شدن به رنج میانی هردو کندل، با دو نوبت نوسان و آزمایش اکنون تمایلات خنثی دارد. هیچ سمتی نشانی از غالب بودن به همراه خود ندارد.

یک کندل نزولی کندلی است که زیر کف های کندل قبلی بسته می شود. ظاهرا نزولی به نظر می رسد، ولی درجه تمایلات نزولی هنگام لحاظ کردن تحلیل موقعیت بسته شدن قیمت نیز تغییر خواهد نمود.

از آنجایی که موقعیت بسته شدن قیمت و اجزای تشکیل دهنده مقایسه قیمت بسته شدن حاکی از تمایلات نزولی است، مثال (i) یک کندل نزولی با close پایین است که تمایلات به شدت نزولی را به تصویر می کشد.

بر خلاف مثال قبلی در مثال (g)، یک کندل نزولی با close بالا وجود دارد، که مشخصا قیمت های پایین تر را پس زده و در سقف های قیمتی خود بسته شده است. هنوز هم نزولی است، اما نشانه هایی از جریان سفارشات صعودی بر خلاف تمایلات نزولی را نشان می دهد. این الگوی دو کندلی تمایلات ضعیف نزولی را نشان می دهد.

درحالیکه نمونه (h) در نقطه ای بینابین است، نشان دهنده یک کندل نزولی با close میانی می باشد. یک بار دیگر ما مقداری جریان سفارش صعودی داریم که قیمت را از کف فاصله می دهد و بر خلاف تمایلات نزولی ما است، ولی درجه کمتری از مثال (g) را به همراه دارد.

گام بعدی... بررسی تمایلات الگوی ۲ کندلی در متن حرکت قیمت فعلی بازار است.

اما درباره کندل و الگوهای برگشتی چطور؟

اگر طرفدار الگوهای کندلی برگشتی، یا برگشت های قیمتی پین بارهای برگشتی هستید، به مطالب ذیل نیز توجه کنید.

این الگوها روشی عالی برای تعیین تمایلات هستند. منظور من، با تعریف هر کندل مبتنی بر موقعیت بسته شدن آن و مقایسه موقعیت بسته شدن قیمت دو کندل، این است که شما تمایلات را پس از هر کندل ارزیابی کنید.

الگوهای برگشتی به شما این اجازه را نمی دهند و به همین دلیل معتقدم این شکل از تحلیل بر تحلیل ساده کندل استیک برتری دارد.

هرچند، اگر منحصرا با این الگوهای برگشتی بر مبنای کندل ارتباط برقرار کنید، به تمام معنی از آن استفاده کنید.

سایر موارد

همچنین در لحاظ کردن هر ابزار تحلیلی اضافه که ممکن است از آن استفاده کنید راحت باشید؛ ابزاری همچون حجم یا ورودی های بازار. این ابزارها در مورد تمایلات یک کندل خاص یا الگو کندلی چه می گویند؟

جمع بندی تمایلات الگوی کندلی

فرایند تحلیل همزمان حرکت قیمت با تعیین تمایلات الگوی کندل کنونی آغاز می شود. ما این کار را از طریق فرآیند تحلیل موقعیت بسته شدن قیمت و مقایسه موقعیت بسته شدن قیمت مناسب با آن الگو انجام می دهیم.

همانگونه که در مثال های قبلی نشان دادیم، این یک فرایند سریع است که نباید بیشتر از چند ثانیه وقت شما را بگیرد. این فرایند یک احساس درباره تمایلات کوتاه مدت الگوی کندل پیش روی ما قرار می دهد. چه کسی قیمت را کنترل می کند، گاوها یا خرس ها؟ با چه قدرتی این کنترل را انجام می دهند؟

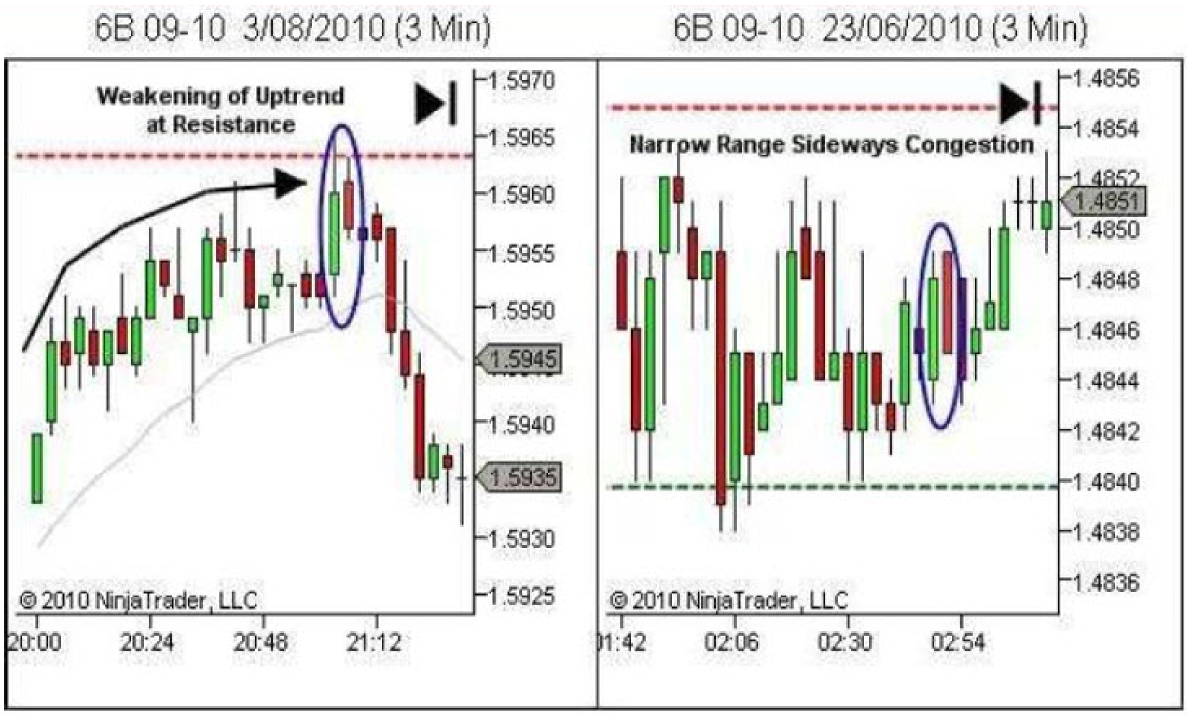
۲,۵,۳- بررسی متن بازار

"در نظر گرفتن متن بازار" بدین معنی است که ما نقطه ای که الگوی قیمت ظاهر می شود را با توجه به پس زمینه محیط بازار (تایم فریم بالاتر) و حرکت قیمت (تایم فریم معاملاتی) در نظر بگیریم و اینکه معنی این حرکات چیست.

موقعیت های مشابه می توانند معانی متفاوتی داشته باشند که بستگی به این دارد که الگوی مورد نظر کجای بازار واقع شده.

با مراجعه به نمودار ۱۱۰-۳ می بینیم که یک کندل خنثی با close پایین در سمت چپ پس از ضعف روند صعودی درست در داخل محدوده مقاومت واقع می شود. نخستین کندل صعودی به بالای آخرین سوئینگ شکست انجام داده و چند پیپ به داخل محدوده مقاومت نفوذ کرده است. خریداران در دام افتاده با هر شکست زیر این کندل از معاملات خود خارج می شوند. اگرچه یک کندل خنثی با close پایین زمانی که ما مشغول بررسی موقعیت الگویی هستیم، به طور منطقی دلالت هایی بر نزول دارد، اما به طور کلی برای نمایش تمایلات به عنوان خنثی لحاظ می شود.

این الگو را با یک کندل خنثی با close پایین در سمت راست مقایسه کنید، که در میانه دوره ای از تراکم خنثی در محدوده ای باریک واقع شده. وقوع این الگو در این موقعیت دقیقا هیچ نشانه ای از تغییر بالقوه در تمایلات بازار را نشان نمی دهد. این به طور واضح تمایلات خنثی است.



نمودار ۱۱۰-۳ لحاظ کردن الگوی موجود در تصویر با ساختار پس زمینه (تایم فریم بالاتر)بازار و حرکت قیمت (تایم فریم معاملاتی)

در لحاظ کردن متن ساختار پیش زمینه بازار (تایم فریم بالاتر) و حرکت قیمت (تایم فریم معاملاتی)، در درجه نخست نگاه می کنم که قیمت کجا در ارتباط با سه محدوده اصلی است - موقعیت در ساختار حمایت و مقاومت ، موقعیت در روند و یا جایی که ما در اشاره به نوسانات بالا و پایین قرار داریم (موقعیت رنج).

توجه داشته باشید همچنانکه در مورد تأثیر این نواحی بحث می کنیم، این نواحی پرسش های بسیاری را در ذهنتان ایجاد می کنند تا اینکه پاسخی برای آنها در اختیار شما قرار بدهند. قوانین خشک و ثابت اینجا به کار نمی آیند. هیچ قانونی وجود ندارد که بگوید « اگر یک الگوی صعودی در موقعیت xyz روی نمودار واقع شود، بدان معنی است که...» هر پیشامدی از هر الگویی منحصر بفرد است.

با جای دادن الگو در مفهوم ساختار پس زمینه بازار (تایم فریم بالاتر) و حرکت قیمت (تایم فریم معاملاتی)، در نهایت سعی می کنیم به این شناخت برسیم که چطور این الگو بر قوت و ضعف روند تأثیر می گذارد و اینکه چطور ممکن است روی روند آینده که انتظارش را داریم اثر بگذارد.

مادامی که بسیاری از عناصر الگوی قیمت روی نمودار به صورت عینی قابل مشاهده هستند، تعیین تأثیری که الگو روی جهت روند آینده خواهد داشت یک فرایند صرفا ذهنی است. شما آن حس ذهنی را با پرسیدن آنچه روی نمودار مشاهده می کنید بدست می آورید.

قیمت در کدام نقطه با حمایت و مقاومت ارتباط دارد؟ کجای روند قرار دارد؟ جای آن در ارتباط با سوئینگ های بالا و پایین اصلی کجاست؟ و این چه معنی دارد؟

حمایت و مقاومت

الگو با توجه به حمایت و مقاومت تایم فریم بالاتر در کجا قرار دارد؟

آیا بازار در محدوده حمایت و مقاومت، قوت یا ضعفی از خود نشان داده است؟ آیا قوت یا ضعف تمایلات الگوی کندل کنونی ادامه پیدا می کند یا چیزی تغییر کرده است؟

آیا الگو نشانه هایی از جریان سفارش برخلاف حرکت خود به سمت حمایت و مقاومت، مثل سایه هایی که نشان از رد شدن و پذیرفته نشدن قیمت در یا نزدیک به سطح حمایت و مقاومت هستند را از خود نشان می دهد؟

آیا الگو به داخل ناحیه حمایت و مقاومت نفوذ می کند؟ اگر اینطور است، آیا اکنون نشانه هایی از پذیرش یا منع این ناحیه جدید را نشان می دهد؟

روند

الگو در کدام نقطه از روند کنونی واقع شده؟

آیا در یک اکستنشن قرار دارد؟ آیا در اوایل حرکت قرار دارد، یا در اواخر حرکت و بیش از حد ادامه یافته است؟ آیا از سوئینگ بالا/پایین قبلی عبور کرده است؟

آیا در پولبک قرار دارد؟ آیا در اوایل حرکت قرار دارد، یا اینکه عمیق تر از میزان پیش‌بینی شده حرکت خود را ادامه داده است؟ یک سوینگ پولبک منفرد است، یا این الگو بخشی از نوسانات اصلاحی متعدد است؟ یا آیا این الگو درون رنج معاملاتی خنثی یا شکل دیگری از الگوی تراکمی قرار دارد؟

سوییتگ های بالایی و پایینی

آیا قیمت هیچ یک از نواحی سوییتگ های بالا و پایین را آزمایش می کند؟ بخش بسیار مهم، آنهایی هستند که منجر به تغییر تعریف روند می شوند؛ چگونه قیمت به این سوییتگ های بالا و پایین واکنش نشان می دهد؟

برای یک روند صعودی:

پولبک های به نواحی قبلی در حمایت تشکیل شده از سوینگ (نوسان) پایین، باید با دقت زیر نظر گرفته شوند. انتظار داریم که این نواحی قدرت خود را حفظ کنند. آیا حرکت قیمت نشانه هایی از نگه داشتن سطح را نشان می دهد و یا تهدیدی برای شکست وجود دارد؟ درصورت شکست آیا قیمت نشانه هایی از نپذیرفتن را نمایش می دهد (مخالفت با جریان سفارش/ دشواری در ادامه حرکت) و یا قیمت این ناحیه جدید را می پذیرد؟

پولبک ها تا سقف سوینگ های بالا (در روند صعودی) چندان حیاتی نیست ولی همچنان باید واکنش آنها زیر نظر گرفته شود.

انتظار این است که اکستنشن ها، سوینگهای بالای قبلی را بشکنند. آیا حرکت قیمت از این فرض پشتیبانی می کند؟ یا آیا الگوی کندلی از خود ضعف نشان می دهد؟ اگر این الگو نتواند از سوینگ بالای قبلی فراتر برود، نیاز است تا مراقب نشانه های بیشتری از ضعف باشیم که ممکن است یک پیش بینی باشد برای یک اصلاح پیچیده یا یک برگشت.

برای روند نزولی:

پولبک ها تا نواحی مقاومت ایجاد شده توسط نوسان بالای قبلی باید با دقت زیر نظر قرار بگیرند. انتظار داریم که مقاومت خود را در برابر قیمت حفظ کنند. آیا حرکت قیمت نشانه هایی از نگه داشتن سطح داشته، یا خطر شکست وجود دارد؟ اگر شکسته شود، آیا قیمت نشانه هایی از عدم پذیرش قیمت (مخالفت با جریان سفارش/ دشواری در ادامه مسیر) را نشان می دهد و یا قیمت این محدوده جدید را می پذیرد؟

پولبک ها تا نوسان پایین قبلی (در روند نزولی) چندان مهم نیستند ولی هنوز باید واکنش آنها زیر نظر گرفته شود.

انتظار می رود پیشروی حرکت قیمت سوئینگ پایین قبلی را بشکند. آیا حرکت قیمت از این پیش بینی حمایت می کند؟ یا آیا الگوی کندلی نشان از ضعف دارد؟ اگر این حرکت نتواند کف نوسان (سوینگ) پایین قبلی را بشکند نیاز است تا از نشانه های بیشتر ضعف آگاه باشیم که ممکن است مجموعه ای یک اصلاح پیچیده یا برگشت را پیش بینی کند.

برای روند خنثی:

آیا قیمت مرزهای محدوده رنج را آزمایش می کند؟

آیا بازار قوت یا ضعف خود را در نزدیکی به مرزهای این محدوده نشان داده است؟ آیا تمایلات الگوی کندل کنونی این قوت یا ضعف را ادامه می دهد یا چیزی تغییر کرده است؟

آیا الگو در مرزهای این محدوده نشانه هایی از جریان سفارش بر خلاف حرکت از خود نشان می دهد؟ مثل سایه هایی که در یا نزدیک به این ناحیه جدید قیمت را رد می کند؟

آیا الگو به خارج از محدوده رنج حمایت و مقاومت نفوذ کرده است؟ اگر اینگونه است، آیا اکنون نشانه هایی از پذیرش یا رد کردن این محدوده جدید را نشان می دهد؟

3.5.3– آیا حرکت قیمت از فرضیه ما حمایت می کند؟

با بررسی تمایلات الگو و اینکه با توجه به ساختار بازارمان کجا واقع می شود، اکنون این پرسش مطرح می شود که آیا این الگو از فرضیه ما حمایت می کند یا خیر؟

با این فرض، من به انتظارمان از روند آینده و حرکت قیمت که از آن روند پشتیبانی می کند مراجعه می کنم.

آیا این الگو موافق انتظارات ما برای حرکت آینده قیمت است؟

- بله...منتظر کندل بعدی می مانیم
- خیر...تصمیم بگیرید که آیا منتظر کندل بعدی بمانید یا از ابتدای تحلیل اولیه بازار، یک بررسی دوباره انجام دهید.
- مطمئن نیستم...صبرکنید...به فاصله کوتاهی یک کندل جدید تشکیل خواهد شد.

وقتی چیزی درست نباشد،متوجه آن خواهید شد، حرکت قیمت غافلگیرتان نخواهد کرد.

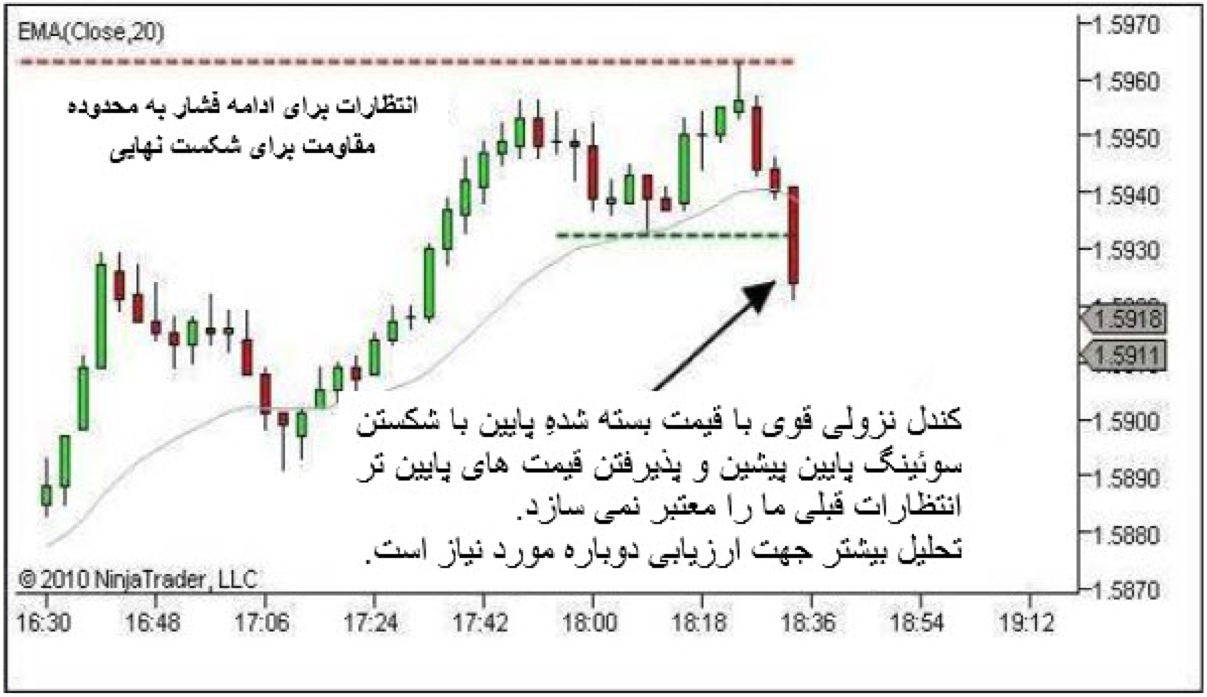
وقتی منتظر هستید تا الگو (روند) با آهستگی وارد محدوده مقاومت شود، ناگهان شاهد ضربه ای شدید درست به داخل محدوده با بسته شدن قیمت در بالاترین سطح آن خواهید بود.

وقتی انتظار شکست یک سطح را دارید، شاهد عدم موفقیت دوباره جهت فشار آوردن برای عبور از آن سطح خواهید بود.

ضعف غیرمنتظره!

وقتی انتظار تداوم یک روند صعودی را دارید، اکستنشن بعدی قیمت، در سوئینگ بالای قبلی متوقف می شود که این نشان از جریان سفارش نزولی غیر منتظره ای دارد.

شواهدی دال بر موارد غیر منتظره، ضرورتا برنامه های شما برای روند آینده قیمت را بی ارزش نمی کند، ولی با این وضع باید حواستان را جمع کرده و با دقت بیشتری ادامه حرکت قیمت را زیر نظر بگیرید.



نمودار ۱۱۱-۳ انتظارات بی اعتبار

در نمودار ۱۱۱-۳ فرض کنید ما انتظاراتی در مورد روند آینده برای ادامه فشار به سطح مقاومت و در نهایت شکست تا قیمت های بالاتر را داشتیم.

آنگاه، در نهایت شگفتی، کندل بعدی یک کندل نزولی با close پایین تر است که تمایلات نزولی قوی را نشان می دهد. در این مورد با شکل گیری آخرین الگو در چارچوب ساختار بازار و حرکات پیشین قیمت ، شاهد هستیم که قیمت فشار زیادی به محدوده مقاومت وارد می کند ولی با شکست و حفظ موقعیت خود زیر سوئینگ پایینی اخیر به طور چشمگیری تغییراتی در روند را ایجاد می کند.

به زبان واضح، این روند از برنامه اصلی ما حمایت نمی کند.

نمی توانیم با حرکت کنونی قیمت هماهنگ شویم. اکنون وقت آن رسیده که در انتظاراتمان تجدید نظر کنیم.

۳,۶- فرایند تحلیل مستمر بازار

همانگونه که در تحلیل اولیه بازار پیش رفتیم، اکنون فرایند تحلیل را خلاصه کرده و یک لیست نهایی آماده می کنیم.

۳,٦,۱- خلاصه فرایند تحلیل مستمر بازار

تحلیل مستمر بازار (کندل به کندل)، باتوجه به نمودار ۱۱۲-۳، دربردارنده یک فرایند چهار مرحله ای است.

چک لیستی که در ادامه می آید شما را از طریق حرکت هایی که مورد نیاز هر گام است همراهی خواهد نمود.



نمودار۱۱۲-۳ فرایند تحلیل بازار

۳,٦,۲- چک لیست تحلیل مستمر بازار

گام نخست - تعیین تمایلات الگوی کندلی

الگوی کندلی را طبقه بندی و تمایلات کوتاه مدت قیمت را تعیین کنید.

فعالیت ها:

- طبقه بندی الگوی کندلی

قیمت بسته شده در: بالا/ میانه/ پایین

کندل: صعودی/خنثی/ نزولی

- تعیین تمایلات الگو

گام دوم - بررسی چارچوب

هرالگویی منحصربفرد است و باید در ساختار محیط بازاری که در آن واقع می شود، لحاظ شود.

فعالیت ها:

- حرکت کنونی قیمت در ارتباط با ویژگی های کلیدی ساختار بازار در کجا قرار دارد:

حمایت یا مقاومت

روند

سوئینگ بالایی یا پایینی

- با توجه به تمایلات الگو و حرکت بالقوه آینده قیمت ، معنی آن چیست؟

گام سوم - از فرضیه من حمایت می کند؟

حرکت بازار طبق انتظار پیش می رود؟ یا چیزی را نشان می دهد که هماهنگ با انتظار من از جریان بازار نیست؟

فعالیت ها:

- آیا تمایلات و حرکت کنونی قیمت از انتظارات پیشین ما نسبت به حرکت آینده قیمت حمایت می کند؟

بله:

منتظر اطلاعات بیشتری از قیمت می مانم.

خیر:

تصمیم بگیرید که آیا منتظر کندل بعدی می مانید یا تحلیل اولیه بازار را دوباره تکرار می کنید.

مطمئن نیستم:

منتظر اطلاعات بیشتری از قیمت می مانم.

گام چهارم - تکرار

فعالیت ها:

- با ظاهر شدن اطلاعات جدید روی نمودار، این فرایند را تکرار کنید.

ساده بگیرید

همچون فرایند تحلیل اولیه، تحلیل مستمر نیز نیاز به توضیح بسیار دارد. هرچند که ممکن است فرآیندی کاملا پیچیده به نظر بیاید ولی درواقع در عمل کاملا ساده است.

تحلیل من، سالهای سال است که به عنوان یک فرایند ذهنی و بصری توسعه پیدا کرده است. این پیچیدگی به عنوان نتیجه ای برای تلاش، جهت رسیدن به اصل مطلب درباره فرایند و تبدیل آن به نوشته به درست ترین شکل ممکن می باشد.

یک بار دیگر می گویم، تحلیل مستمر نباید بیش از شاید نهایتا ۱۰-۱۵ ثانیه وقت بگیرد. بیش از این یعنی دارید بیش از حد تلاش می کنید تا به اطمینان برسید که هیچ نتیجه ای ندارد.

تجربه، به سرعت توانایی شما را برای خواندن جریان بازار بهبود می بخشد و شما بدون چک لیست و به موقع این کار را انجام خواهید داد. درعین حال به عنوان یک انگیزه از چک لیست ها استفاده کنید.

- شما انتظاراتی از اینکه قیمت به کجا می رود دارید.
- آیا آخرین حرکت قیمت از آن فرضیه حمایت می کند، یا نیاز به بررسی دوباره هست؟

این دو جمله نسخه خلاصه شده « تحلیل کندل به کندل بازار» است.

سخت نگیرید. و مثل قبل، از اینکه اشتباهی رخ دهد نترسید. تحلیل مستمر خودش را تصحیح می کند.

۳,٦,۳- نمونه های تحلیل بازار

اجازه دهید با نمونه های استفاده شده در بخش 3.4.3 ، نمونه تحلیل اولیه بازار را ادامه بدهیم.

نمودار زیر برآورنده انتظارات ما برای جهت روند آینده است.



نمودار ۳-۱۱۳ نمونه تحلیل های ثابت، انتظارات از روند آینده

انتظار من از قیمت این است که موقعیت روند کنونی اش را ادامه دهد تا به محدوده SptA در یا حدود ۱,۵۵۶۰ برسد.

کدام حرکت قیمت این تحلیل را ارزشمند می کند؟

- لازم است تا شاهد ادامه قوت نوسان های نزولی و ضعف نوسان های صعودی باشیم.
- گشایش ساعات کاری بازار انگلیس از اهمیت زیادی برخوردار است و ممکن است منجر به نوسان های کوتاه مدت باشد. هر فشاری به بالاتر در مرحله باز شدن باید باقدرت و سرعت رد شود و نباید بالای آخرین سوئینگ بالایی شکست انجام دهد.

چه حرکت قیمتی این تحلیل را بی ارزش می کند؟

- در صورتی که بازار هرگونه قدرت پایداری را در گشایش بازار نشان دهد نیاز به تحلیل بیشتر خواهد بود، به زبان ساده تر، درصورتی که آخرین سوئینگ بالایی را بشکند نیاز به تحلیل بیشتر خواهد بود.

اکنون اجازه دهید تا نگاهی به حرکت قیمت زیر بیندازیم.



نمودار ۳-۱۱٤ نمونه تحلیل های ثابت، تحلیل های کندل به کندل (۱ از ۳)

ما ضمن بررسی سه گام نخست از فرایند تحلیل مستمر بازار، کندل به کندل در نمودار پیش می رویم:

1. تعیین تمایلات الگوی کندل
2. بررسی چارچوب
3. از فرضیه من حمایت می کند؟

جایی که کندل اطلاعات قابل توجهی را نشان می دهد، از طریق فرایند این سه گام پیش می روم. وقتی یک کندل اطلاعات جدید اندکی عرضه می کند، یا اطلاعات مشابهی را برای کندل های در برگیرنده عرضه می کند و میتوان همه را یکجا جمع کرد، من تنها افکار خود را برای ذخیره زمان خلاصه بندی می کنم.

همانگونه که در این متن پیش می روید، لطفا توجه داشته باشید که این فرایند، یک فرایند مکانیکی نیست که من در تکمیل هر کندل با چک لیست پیش بروم. نوشته های اینجا تخمینی از فرایندهای فکری در زمان پیگیری چک لیست می

باشد. واقعیت این است که با وجود تجربه، همچنانکه که کندل ها شکل می گیرند تحلیل در زمان واقعی رخ می دهد- نه در پایان هر کندل.

درهرصورت با وجود آنکه (این خلاصه نویسی) طولانی است امیدوارم کمک کند تا متوجه شوید چطور فرایند، فرضیه شما را کندل به کندل تغییر می دهد و کمک می کند تا متمرکز بمانید.

کندل A

- کندل صعودی با قیمت بسته شدن شده بالاتر با گشایشی بسیار صعودی.
- در نزدیکی محدوده حمایت/مقاومت نیست. تغییری در تعریف روند پیش نمی آورد. توجه داشته باشید، کندل از ادامه حرکت در زیر کف کندل قبلی باز مانده و فاصله کافی را برای برگشت به اندازه دو کندل نزولی با قیمت بسته شدن پایین تر رالی می کند. کندل، از سقف سوئینگ بالایی اخیر بالاتر نمی رود.
- درحالیکه انتظار صعودی بیشتر از آنچه شاهد هستم را دارم، نوسانات بالقوه در گشایش بازار پیش‌بینی شده بود. فرضیه بی اعتبار نشده است مگر اینکه سوئینگ بالایی شکسته شود. هرچند من کاملا مراقبم و باید این توقفِ کاملا سریع رالی قیمت را زیر نظر بگیرم.

کندل B

- کندل رنج با قیمت بسته شدن شده میانی- تمایلات خنثی؛ سمت صعودی و سایه Aتمایلات خنثی باتوجه به موقعیت بالا بسته شدن قیمت کندل زیرین کندلB.
- تغییری در تعریف روند وجود ندارد. از ادامه حرکت به بالاتر بازمانده است. پولبک نشان از مقداری فروش دارد و به صورت بالقوه متوقف شده است.
- این تحلیل از فرضیه من حمایت می کند. بازماندن از ادامه به سمت بالاتر نشان از نبود قدرت از سوی خریداران در باز شدن بازار دارد. در تمایلات ایده آل، این ضعف ادامه داشته و قیمت از این نقطه سقوط خواهد نمود. هرچند، حرکت قیمت ممکن است برای دومین نوبت فشار به بالاتر را ادامه دهد. این فرضیه همچنان درست می ماند مگر اینکه سوئینگ بالایی شکسته شود. جهت آینده روند نزولی می ماند.

کندل های C و D

- هر دو کندل خنثی با قیمت بسته شده میانی- نشان دهنده تمایلات خنثی و ضعف مداوم در جهت صعودی هستند.
- را آزموده و مقداری خرید جذب می Bپولبک متوقف شده است. قیمت زیر کند، ولی تا بدان اندازه که به قیمت بسته شده میانی برسد.
- فرضیه بر جای خود باقی می ماند.همچنان انتظار دارم که روند نزولی ادامه یابد.

کندل E

- کندل نزولی با قیمت بسته شدن پایین تر- تمایلات نزولی قوی.
- روند نزولی با وارد کردن فشار تا کف های جدیدتری ادامه می یابد. سوئینگ پایینی پیشین طبق انتظار، شکسته است. این کندل خریدهای در دام افتاده ای داشته است که موفق به خروج از معاملات خرید خود پس از شکست به نشده اند. این موقعیت ، مقاومت کوتاه Aزیر قیمت باز شدن بازار در کندل مدتی را در محدوده سطح ۱,۵۵۹۰ فراهم می کند.
- این از فرضیه من به خوبی حمایت می کند. انتظار دارم که روند نزولی تا حمایت پایین ادامه داشته باشد.



نمودار ۱۱۵-۳ نمونه تحلیل های مستمر، تحلیل های کندل به کندل (۲ از ۳)

کندل F (خلاصه)

از کندل E به بعد تغییری صورت نگرفته است.

کندل G

- کندل خنثی با قیمت بسته شدن بالاتر - تمایلات خنثی، کمی نزولی.
- روند نزولی همچنان بدون تغییر باقی مانده است. رنج باریک هیچ نشانی از قدرت به صعود از سوی خریداران ندارد و بجای آن نشان دهنده برداشت سود از سوی فروشندگان کوتاه مدت می باشد.
- این کندل از فرضیه من حمایت می کند. قوت در جهت نزولی ادامه دارد. هرگونه شکل گیری پولبک از کندل G با نمایشی از ضعف همراه خواهد بود. انتظار A با توجه به خریدارهای در دام افتاده، از کف های تشکیل شده مقاومت دارم. قیمت نباید از ۱٫۵۵۹۰/۶۰۰ فراتر رود.

کندل های H و I (خلاصه)

از کندل G به بعد هیچ تغییری در فرضیه صورت نگرفته است. پولبک، ضعف در جهت صعود را تأیید کرده است.

کندل J

- کندل نزولی با قیمت بسته شدن شده پایین تر- تمایلات نزولی مطابق با E و F ادامه دارد.
- روند نزولی با شکست کف های جدیدتر ادامه دارد.
- حرکت قیمت هنوز از فرضیه من حمایت می کند. قوت همچنان در سمت نزول وجود دارد. پولبک ها همچنان ضعیف اند. انتظارِ کندی حرکت به سمت حمایت را دارم. اگر پولبک دیگری داشته باشیم، باید حرکت به سمت حمایت باز هم ضعیف می شود.

کندل K

- کندل صعودی با قیمت بسته شدن بالاتر. خب! این یکی غافلگیرکننده بود! تمایلات صعودی.
- ، که قابل Iبرگشت کامل کندل نزولی با قیمت بسته شدن پایین تر. سقف باعث تغییر Aتوجه خواهد بود، را نشکست، گرچه تا قبل از شکست کندل در روند نخواهد شد. فروشندگان اکنون به دام افتاده اند که هرگونه آزمایش را کند خواهد نمود Jمجدد کف های کندل.
- فرضیه من برای قوت در سمت نزول با پولبک های ضعیف بود. این پولبک قوی باید سریعا رد شود تا انتظارات من حفظ شوند. باید کاملا دقت کنم. ادامه بیشتر به سمت بالا نیاز به ارزیابی مجدد جهت روند آینده مورد انتظار من دارد.

قیمت های برگشتی فوری به سمت پایین تر برای تأیید برنامه کنونی من مورد نیاز هستند.

کندل های L تا Q (خلاصه)

کندل های L تا Q موفق به بالاتر رفتن نمی شوند. کندل صعودی K نتوانست بر جریان سفارشات روند نزولی غلبه کند. سقوط به سمت Q ضعیف بود که این، با توجه به فروشندگان به دام افتاده از کندل های برگشتی J/K چندان عجیب نیست.

قوت K که با ضعف L تا Q همراه شده است کاری میکند تا به طور آزمایشی شاهد برگشت در نزدیکی Qباشم (آزمایش مجدد کف های J). با وجود برگشت هایی که در این نقطه صورت گرفته بود من انتظاراتم را به یک اصلاح پیچیده تغییر می دادم که احتمالا در نزدیکی A از انتظارات من پشتیبانی می کند (مطابق اصل دوم جهت روند آینده).

کندل R

- کندل نزولی با قیمت بسته شدن پایین تر - تمایلات نزولی.
- مسیر خود بسوی حمایت را ادامه می دهد. اگرچه کمی شتاب در Rکندل آن وجود دارد، به احتمالا خیلی زیاد با توجه به حد ضررهای موجود و سفارش های ورودی در زیر کندل Jاست.

• همچنان که به محدوده مقاومت/حمایتی نزدیک می شویم، فرضیه اصلی تا آخر ایستادگی کرد و وقت آن رسیده که مسیر آینده را بیابیم. وقت آن رسیده که تحلیل خود از اصول نخست را دوباره بررسی کنیم. نزدیک شدن مقاومت/حمایت چندان قوی نیست و من در جست و جوی آزمونی هستم که موقعیت خود را حفظ کند (مطابق با اصل پنجم جهت روند آینده). اگر من اشتباه کنم و قیمت در سطح حمایتی شکاف ایجاد کند، انتظار دارم که شکست ناموفق باشد، اگرچه من مراقب نشانه های بیشتری در شکست حرکت قیمت خواهم بود.



نمودار ۱۱٦-۳ نمونه تحلیل های مستمر بازار، تحلیل های کندل به کندل (۳ از ۳)

کندل های S تا U (خلاصه)

• را آزمایش می کند. فرضیه برای آزمودنی بود که Tبازار تا نزدیکی کندل موقعیت خود را حفظ نماید که اتفاق افتاد. حرکت قیمت اینجا باید با دقت بیشتری زیر نظر گرفته شود، مثل همیشه که در محدوده مقاومت/حمایت زیر نظر گرفته می شد.هرگونه شکست کندل های پایین یک فرضیه جدید ایجاد می کند، انتظار اصلاحی به بالاتر می رود که یا شامل یک اصلاح پیچیده پیش از ترتیب دادن آزمون مجدد حمایت می شود، یا در صورت بروز

نشانه هایی از قدرت صعود، سپس یک برگشت احتمالی می رود که از روند آینده انتظار می رود قیمت را تا سطح مقاومت بالایی Res A بالا ببرد.

کندل V

- کندل صعودی با قیمت بسته شدن بالاتر - تمایلات صعودی.
- فشار صعودی قیمت را با شکست به بالای تراکم سه کندلی اخیر در کف می برد. توجه داشته باشید که تعریف روند تغییر نکرده است، و تا شکست R نیز تغییر نخواهد کرد. یک سایه کوچک در بالای کندل L قیمت به بالای کندل نشان دهنده کمی فروش است، نه آنقدر غیرمنتظره که ما در نزدیکی شکست R زیر برگشت J/K قرار داریم.
- آیا از فرضیه من حمایت می کند؟ همانگونه که در بالاتر اشاره کردم، شکست به بالای کف ها در مورد روند آینده انتظار جدیدی در من ایجاد کرده است- انتظار ادامه روند برای یک پولبک پیچیده بالاتر و یا صعود بالقوه تا Res A فشار مقاومتی کمی را وارد کرده V می رود. باتوجه به این حقیقت که انتظار دارم که پیش از ادامه، توقف کوتاهی (J/K است (سوئینگ پایین داشته باشد. هر پولبکی به منظور تأیید فرضیه من باید ضعیف باشد. شکست به زیر T فرضیه را بی ارزش کرده و نیاز به ارزیابی مجدد خواهد داشت.

کندل های W تا a (خلاصه)

کندل های W تا (a) آزمون دوباره ضعیف تری را شکل می دهند. این نوسان قیمت نزولی، مومنتوم پایین و توان کم در برگشت دادن تمام بدنه کندل V دارد. سطح حمایتی در کف ها به چشم می خورد. اکنون ما در بالا رفتن قیمت از T به V شاهد قوت و از W تا (a) شاهد ضعیف هستیم. قوت در سمت صعود و ضعف در سمت نزول است. فرضیه من حمایت می شود و انتظار دارم قیمت به زودی به رشد خود ادامه دهد.

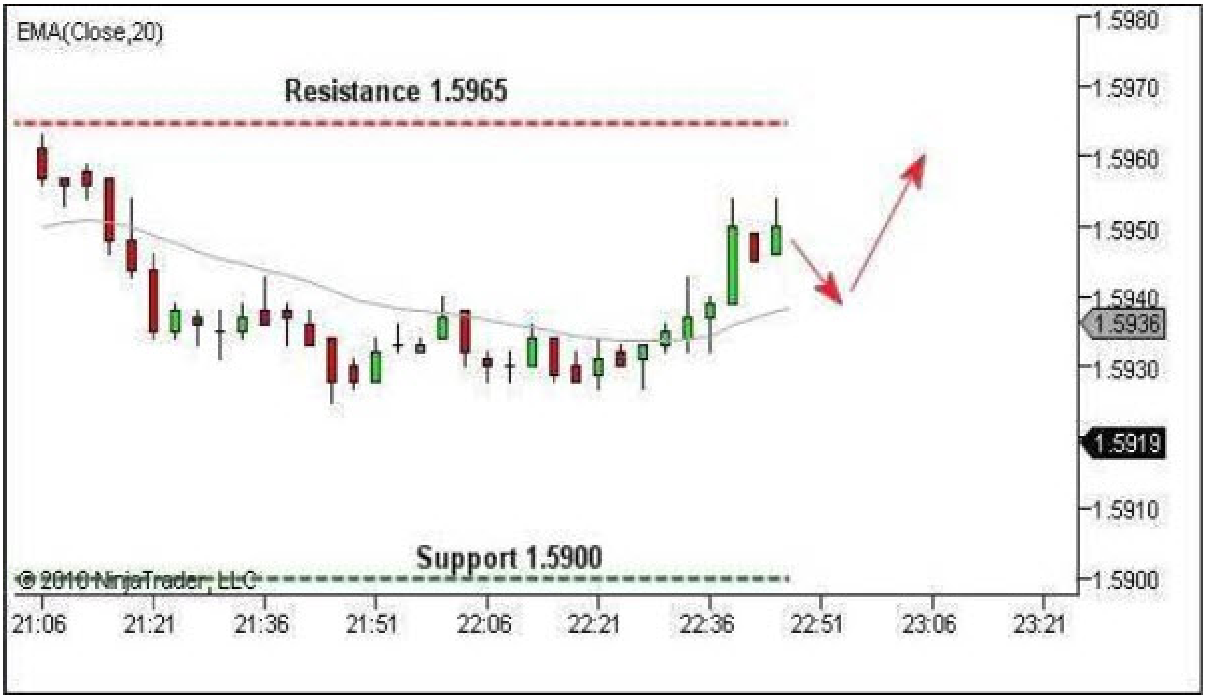
کندل b

- کندل صعودی با قیمت بسته شدن بالاتر - بسیار صعودی.
- فعال شدند که این، به جلو راندن قیمت بازار به سمت X حد ضررهای بالای بالاتر کمک می کند.
- این وضعیت بیشترین حمایت را از فرضیه برای برگشت روند و حرکت به سمت Res A می کند.

کندل های c تا e (خلاصه)

قدرت وارد بازار شده است. تغییراتی در تعریف روند به سمت بالا تأیید شده است. اگرچه احتمال یک وقفه یا پولبک پیش از سطح مقاومتی وجود دارد، اما فرضیه من ادامه حرکت به سمت سطح مقاومت است. اگر قدرت تا سطح مقاومت ادامه یابد، من یک شکست را پیش‌بینی می کنم. قیمت پس از شکست باید با دقت زیر نظر گرفته شده تا نشانه های ضعف هم درمورد شکست یا پولبک پس از شکست مشاهده شود.

این نمونه یکی از نمونه هایی بوده است که در آن فرضیه درست ثابت شده است (انتظار ما از جهت روند آینده). اجازه دهید یک بازنگری سریع از موقعیتی داشته باشیم که فرضیه نادرست شده و نیاز به اصلاح دارد.



نمودار ۱۱۷-۳ نمونه تحلیل های ثابت . مثال ۲، تحلیل های اولیه بازار

نمودار ۱۱۷-۳ بازار سوم آگوست ۲۰۱۰ را نشان می دهد. سطح حمایت زیر خط قیمت در ۱٫۵۹۰۰ وجود دارد. مقاومت بالای ۱٫۵۶۹۵ است.

تلاش اولیه در ایجاد نفوذ به سطح مقاومتی، به دنبال یک دوره ضعف در زمانی که قیمت، پولبک طولانی را ادامه داده است در سطح مقاومت ناکام ماند (درست در کناره چپ نمودار). قوت صعودی اخیر وارد بازار شده است و زمینه دومین آزمایش محدوده مقاومت را برقرار کرده است.

فرضیه ما برای جهت روند آینده ادامه روند به سمت محدوده مقاومت است.

باتوجه به ضعفی که در دو کندل آخر گسترش می یابد (کندل خنثی با قیمت بسته شدن پایین تر و کندل صعودی با قیمت بسته شدن شدن میانی)، انتظار یک پولبک پیش از آزمون را دارم. حرکت قیمت در قالب پولبک باید نشان دهنده ضعف

باشد، و به طور ایده آل بالاتر از سطح بالایی تراکم پیشین موقعیت خود را حفظ کند (نزدیک به ۱,۵۹۳۵) تا فرضیه درست باقی بماند.

اجازه دهید نگاهی به حرکت قیمت بعد بیندازیم و از طریق کندل های قابل توجه صحبت کنیم.



نمودار ۱۱۸-۳ نمونه تحلیل های ثابت . مثال (۲)، کندل به کندل

کندل A

- کندل نزولی با قیمت بسته شده پایین تر- تمایلات نزولی، اگرچه سایه پایینی کندل یک نشانه مثبت است، که نشان از فشار خرید در پولبک دارد.
- این کندل پولبک ما را اجرا کرده است. توجه داشته باشید که این کندل همچنین در حال آزمایش نقطه حرکت سریع اولیه به سمت بالا است (کف در این نقطه همانگونه که دنباله پایین تر نشان می دهد، می توان انتظار حمایت داشت.(کندل بزرگ سبز رنگ

- این حرکت قیمت از فرضیه من حمایت می کند. در ادامه مسیر به سمت سطح مقاومت، من در اکستنشن صعودی انتظار قوت و در پولبک های نزولی انتظار ضعف دارم.

کندل های B تا D (خلاصه)

این کندل ها نشان دهنده تمایلات خنثی هستند و ضعف پولبک را تأیید می کنند. حرکت قیمت باید از این نقطه به بالا برود تا از فرضیه فشار صعودی دوم ما تا محدوده مقاومت حمایت کند.

کندل های E تا G (خلاصه)

این پولبک طولانی تر از آنچه من دوست دارم، در کف های قیمتی موقعیت خود را حفظ کرده است، هرچند این کندل ها نشان از افزایش تمایلات صعودی، از صعودی/خنثی برای E و F (هر دو کندل خنثی با قیمت بسته شدن بالاتر) تا صعودی برای G (کندل صعودی با قیمت بسته شدن بالاتر) دارند. ویژگی اصلی این سه کندل، سایه و دنباله آنهاست که در آن قیمت های پایین تر آزموده و رد شدند. اگر قیمت نتواند پایین تر برود، پس در حال صعود است! تحلیل اولیه قوت صعودی پیرو یک پولبک ضعیف تا G می آید، که از نظر مسافت هم طولانی تر است، به نظر می رسد اکنون به پایان رسیده و با کمی قوت به بازار ، باز می گردد. از همین نقطه تا محدوده مقاومت انتظار تداوم حرکت را داریم.

کندل H

- کندل صعودی با قیمت بسته شدن بالاتر- صعودی، ولی ضعیف.
- نشکست Aسوئینگ بالایی را در.
- تغییری در فرضیه ایجاد نشده، اگرچه ترجیح می دادم شاهد فشاری قوی تر در این کندل یا کندل بعدی باشم. تداوم اکستنشن Aو شکست سقف کندل باید قوتی بیشتر از این داشته باشد.

کندل I

- کندل نزولی با قیمت بسته شدن پایین تر- تمایلات نزولی.
- Aبرگشت. سوئینگ بالایی Hقیمت با شکستن و بسته شدن زیر کف کندل هنوز آزمایش نشده اند. ما شکل گیری یک الگوی ۱۲۳ Gو سوئینگ پایینی که سقف پایین تر را فراهم می کند مگر اینکه Hبالقوه را داریم، همراه با قیمت با قدرت در کندل بعدی بالا برود.
- این کندل که آخرین کندل است از خواسته های من پشتیبانی نمی کند. Hتا Gصعود قیمت باید با قوت گرفتن حرکت قیمت اتفاق می افتاد. مومنتوم است. شاهد Aسطحی تر از جریان سریع کندل بزرگ سبزرنگ پیش از ضعف در صعود (رالی) قیمت هستم. انتظارمن اکنون یک پولبک پیچیده است (اصل دوم)؛ دومین موج نزولی که پیش از ادامه دوباره فشار خود به سمت ، موقعیت خود راحفظ می کند. برای حمایت Gمقاومت، بالای کف های کندل Gاز فرضیه من باید قیمت کاهش قوت خود را به سمت کف های پایین تر نشان داده، سپس برگشت نماید. قیمت برای بی اعتبار کردن فرضیه من را بشکند Gباید کف های کندل.

کندل J

- کندل نزولی با قیمت بسته شدن شده پایین تر - تمایلات نزولی.
- را شکسته است (با یک پیپ نفوذ). توجه Gقیمت به تازگی کف های کندل داشته باشید که تا زمان شکست کف های پولبک/تراکمِ طولانی شده ابتدایی، روند هنوز تغییری نکرده است.
- در این مرحله من فرضیه ای واقعی ندارم. به اطلاعات بیشتری نیاز دارم. منتظر می مانم تا آزمایش این کف ها را ببینم که اگر قیمت موقعیت خود را حفظ کند آیا یک محدوده رنج را برپا می کند و یا اگر شکسته شود یک روند نزولی را شکل می دهد.

کندل K

- کندل نزولی با قیمت بسته شدن پایین تر- تمایلات نزولی.
- کف ها با شکست مواجه شده و روند نزولی شده است.
- نشان از ضعف داشته است. حرکت نزولی (G-H) آخرین حرکت صعودی کنونی نشان دهنده قوت است. جهت روند آینده با انتظار تداوم روند نزولی تا سطح حمایتی ۱,۵۹۰۰، نزولی است.

این فرایند حقیقتا به نسبت ساده است. همانگونه که پیش از این اشاره کردم، اگر حس می کنید زیاد از حد درگیر پیچیدگی ها شده اید، به اصول اساسی توجه کنید.

- شما از ابتدا هم انتظاری نسبت به جایی که قیمت می رود دارید.
- آیا آخرین حرکت قیمت از این فرضیه حمایت می کند یا باید دوباره بررسی کنید؟

این فرایند با تجربه ساده تر می شود. جلد پنجم کتاب- « پیشرفت معامله گر» در مورد روش های حداکثرسازی یادگیری شما بحث می کند. ولی مجبور نیستید برای یادگرفتن آن تا جلد پنجم صبر کنید. تا جایی که می توانید اکنون تمرین کنید.

۳,۷ تمرین

تحلیل بازار را باید تا جایی که ممکن است تمرین کرد. از آنجایی که همیشه چیزی برای بیشتر یادگرفتن هست، تمرین هرگز پایانی ندارد. از آنجایی که ما طی سالها و سالها تجربه بیشتری در خواندن جریان بازار به دست می آوریم این یک فرآیند رشد ثابت و ارتقای شخصی است.

- تجربه منجر به خواندن بهتر و ارزیابی دقیق تر از جهت احتمالی آینده قیمت می شود.
- ارزیابی دقیق ترِجهت احتمالی آینده قیمت منجر به شناسایی بهتر فرصت معاملاتی می شود.
- شناسایی بهتر منجر به سودآوری بیشتر می شود.

معاملات حقیقی، این فرصت را برایمان فراهم می کنند تا پیوسته به تمرین تحلیل هایمان بپردازیم و بررسی های ما در ساعات کاری بازار و اجرای دوباره حرکات ضبط شده بازار این فرصت را فراهم می کنند تا عملکرد خود را با کمال حقیقت مقایسه کنیم. اجرای حرکات ضبط شده الگوهای رفتار بازار توانایی حسی ما را در خواندن و پیگیری جریان قیمت تقویت می کند.

هرچند الزامی به معامله حقیقی برای سود مالی بردن در این مرحله از یادگیری نیست، تمرین را می توان اکنون با اجرای تحلیل زنده بازار انجام داد (بدون انتظار

سود مالی از معامله ها). فقط حرکت قیمت را دنبال کنید. تعیین کنید قیمت بعد از اینکه فرآیند تحلیل اولیه بازارتان را اجرا می کنید به کجا قرار است برود.

سپس انتظارات خود را از حرکت کندل به کندل قیمت آینده در حالی که کندل های جدید در سمت راست نمودارهای شما ظاهر می شوند تنظیم کنید.

وقتی هم برای تمرین در نظر بگیرید. پیگیر حرکت قیمت باشید. تصمیم بگیرید انتظار دارید این قیمت از اینجا به کجا برود و این را در تحلیل های کندل به کندل مستمر تنظیم کنید.

بار دیگر بگویم، می خواهم بر اهمیت سادگی تأکید کنم. خیلی این کار را پیچیده نکنید. صرفا هر کندل را زیر سوال ببرید- آیا از ارزیابی اولیه شما حمایت می کند یا خیر.

اگر اینطور است پس چه عالی! هرچند اگر چیز غیرمنتظره ای دیدید تصمیم بگیرید که آیا انتظارات خود را نسبت به جهت آینده قیمت تغییر دهید یا برای کسب اطلاعات بیشتر صبر کنید. اگر تردید دارید پس فقط منتظر بمانید. کندل دیگری به زودی خواهد آمد.

و خودتان را درگیر ست آپ ها یا معاملات نکنید. فقط پیگیر حرکت قیمت باشید.

۳,۷,۱ ژورنال ساختار بازار

یک جزوه الکترونیک رایگان در وبسایت YourTradingCoach موجود است با عنوان « بهترین کتاب معامله گری، تاکنون!» از لینک زیر این جزوه را دانلود کنید، بخوانید و ژورنال ساختار بازار خودتان را ایجاد کنید.

http://www.yourtradingcoach.com/products/ebooks/the-greatest-trading-book-ever.pdf

یک ژورنال ساختار بازار، پوشه ای است شامل تصاویر نمودارها که در آن مشاهدات ساختار بازار حاشیه نویسی شده اند. این ژورنال بخش کلیدی تمرین شما خواهد بود.

مراقب باشید نمودارها هر مشاهده کلیدی در مورد چگونگی واکنش بازارتان در نقاط مشخص را نمایش دهند.

- بازار چه نشانه هایی را ارایه می دهد که نشان دهد یک روند به حرکتش ادامه خواهد داد؟
- بازار درمورد آزمایش دوباره برگشت های موجی چه رفتاری دارد؟
- بازار در ساعت های مهم روز چه واکنشی دارد، مانند زمان باز شدن بازار ارزی هر کشور؟
- بازار در آزمایش سقف ها و کف های روزانه چگونه واکنش نشان می دهد؟
- چه واکنشی NFPیا پیش از خبر FOMCیک محدوده روزانه معمولا پیش از خبر نشان می دهد؟ آیا آزمایش محدوده های بالا و پایین یک رنج به طور معمول با یکبار تست به طور واضح رد می شوند، یا اینکه آیا با چندین نوبت آزمایش محدوده مقاومت/حمایت پیش از برگشت تشدید می شوند؟

و نظایر اینها!

هرگونه مشاهده در نمودارها را ثبت کنید.

همچنین پیشنهاد می دهم هرگونه مشاهده مهم و کلیدی را در یک جدول با عنوان « درس های آموخته» اضافه کنید.

این کار یک وسیله عالی برای بازنگری و بررسی است تا خواندن خود از حرکت بازار را تقویت کنید.

همین حالا یک ژورنال برای ساختار بازار پیاده کنید. خودتان را دانش آموز تحلیل های بازار کرده و مطالعه نمایید و این کار را جزئی از تمرین منظم خودتان کنید.

تکرار و تقویت، توانایی شما را به خوبی برای درک الگوهای رفتار بازار بهبود می بخشد. همچنان که این رفتارِ الگوهای رفتاری در بازار اتفاق می افتند، به صورت گسترده کیفیت تحلیل های شما و ارزیابی تان از حرکت احتمالی آینده قیمت را ارتقا می دهد.

۸-۳ نتیجه گیری

در این فصل ما آموختیم که چگونه حرکت بازار را تحلیل کنیم. انتظاری از چگونگی یا مکان معامله وجود نداشت، بعدا به این موضوع نیز می پردازیم، این فصل فقط درمورد همراه شدن با حرکت قیمت بود؛ اینکه ببینید کجا بوده و حس کنید که قرار است کجا برود. ما با قرار دادن حرکت قیمت در چهارچوبی از حمایت/مقاومت شاهد آن بودیم که قیمت کجا بوده است و روند را در آن چارچوب شناسایی کردیم- روند نزولی، صعودی و یا خنثی.

ما آموختیم که چگونه قوت و ضعف روند را از طریق تحلیل مومنتوم، مسافت و عمق و عدم موفقیت در ادامه مسیر ارزیابی کنیم.

ما آموختیم که چگونه جهت احتمالی قیمت را براساس شش اصل شناسایی جهت روند آینده تعیین کنیم.

آموختیم که چگونه تحلیل کندل به کندل، خود را با تحلیل تمایلات کندل های منفرد یا الگوهای کندلی، برای تعیین اینکه آیا از ارزیابی اولیه ما حمایت می کنند یا نه، به روز کنیم.

زمانیکه با این فرایند راحت باشید، وقت معامله است.

۳,۹ پیوست بخش سوم- پرسش های مختلف در فرایند تحلیل پرایس اکشن

در طول سالهایی که سایر روش های تحلیلی احتیاطی را دنبال کرده ام، بهترین روش تا کنون، روش ارزیابی کندل به کندل حرکت قیمت بوده به این دلیل که (۱) تمرکز و (۲) ارزیابی شما از جهت احتمالی حرکت آینده قیمت را حفظ می کند.

فرایند تشریح شده در فصل سوم فرایندی است که من در مقیاس روزانه استفاده می کنم. هرچند، راه های دیگری هم برای ارزیابی کندل به کندل وجود دارد.

ممکن است بخواهید سایر روش هایی را که در حال حاضر از آنها استفاده می کنید را با هم ترکیب کنید (ترجیحا روش های مبتنی بر اندیکاتورهای با تاخیر). یا ممکن است بخواهید برخی از موارد فهرست زیر را بررسی کنید.

از آنجاکه این موارد جزئی از فرایند رسمی (کاری) من نیستند، از این پرسشها همیشه استفاده می کنم، مخصوصا بیشتر وقتی که حس میکنم با حرکت کنونی بازار همراه نیستم.

پرسش های جایگزین در مواقعی که شناخت متفاوتی از حرکت قیمت را در شما آغاز می کنند مفید هستند و این اجازه را به شما می دهند تا بازار را در یک مسیر تازه و بهتر ببینید.

موارد مشترکی در پرسش ها وجود دارند ولی هرکدام به روشی نسبتا متفاوت مطرح شده اند.

هرکدام را که دوست دارید استفاده کنید و در غیر اینصورت، همان فرآیند معمول را پیش بگیرید.

پرسش ها و روش های مختلف درمورد تحلیل حرکت قیمت:

1) برندگان و بازندگان در بازار

a. خرس ها یا گاوها، کدامیک در نوسان کنونی غالب هستند؟
b. آیا حق با آنهاست؟
c. اگر اینطور نیست:
d. این حرکت احتمالا کجا متوقف می شود؟ جریان سفارش مخالف احتمالا درکدام نقطه وارد بازار می شود؟
e. این معامله گران حد ضررهای خود را کجا قرار می دهند؟
f. اگر حق با آنهاست:
g. هدف این معامله گران کجاست؟ حد سودشان کجاست یا کجا موقعیت خود را مشخص می کنند؟
h. اگر در جهت درست هستند ولی دیر شده است:
i. بدترین مکان برای ورود با تأخیر در این حرکت کجاست؟ معامله گرانِ دیر از راه رسیده کجا از بازار بیرون انداخته می شوند (حد ضررشان فعال می شود)؟

2) معامله گران در تله افتاده

a. آخرین گروه از معامله گران در دام افتاده کجا هستند؟
b. امیدوارند که کجا از معامله خود خارج شوند؟
c. این تله چطور روی قیمت اثر می گذارد؟
d. کجا تسلیم شده و از معامله خارج می شوند؟
e. این کار آنها چه تاثیری بر روی قیمت می گذارد؟

3) انتظارات- محتمل ترین حرکت قیمت

a. از بازار در این نقطه چه انتظاری دارید؟
b. چرا این انتظار را دارید؟
c. پیش از اینکه حرکتی اتفاق بیفتد، قیمت چطور باید رفتار نماید؟
d. آیا قیمت همین رفتار را می کند؟

e. اگر آن چیزی که بیشترین احتمال را دارد حاصل نشود، بازار چه کار دیگری می تواند انجام دهد؟
f. قیمت پیش از اتفاق افتادن این حرکت چطور باید رفتار کند؟
g. آیا قیمت همین رفتار را می کند؟
h. آیا احتمال سومی هم برای حرکت بالقوه بازار وجود دارد؟
i. قیمت پیش از این حرکت چطور باید رفتار کند؟
j. آیا قیمت همین رفتار را می کند؟

4) انتظارات- صعودی، نزولی، خنثی

a. بازار صعودی در این نقطه چه می کند؟
b. قیمت پیش از این حرکت چطور باید رفتار کند؟
c. آیا قیمت همین رفتار را می کند؟
d. بازار نزولی در این نقطه چه می کند؟
e. قیمت پیش از این حرکت چطور باید رفتار کند؟
f. آیا قیمت همین رفتار را می کند؟
g. بازار خنثی در این نقطه چه می کند؟
h. قیمت پیش از این حرکت چطور باید رفتار کند؟
i. آیا قیمت همین کار رفتار را می کند؟

۵) گاوها در برابر خرس ها

a. کنترل بازار دست کیست- گاوها، خرس ها یا هیچکدام؟
b. چرا؟
c. چطور بازار را در دست گرفته اند؟
d. چه مزایا یا منافعی منجر به این حرکت کنونی بازار شده است؟
e. آیا این کنترل در حال تغییر است؟
f. چه اتفاقی باید رخ دهد تا تغییر در کنترل میان گاوها و خرس ها را نشان دهد؟
g. چه چیزی باعث بیشترین ترس در قدرت غالب کنونی می شود؟

٦) حرفه ای ها در برابر تازه کارها

- حرفه ای ها کجا وارد شدند؟

i. حدضرر آنها کجاست؟

ii. اگر قیمت به حدضرر آنها برخورد نماید چه پیش می آید؟

i. هدف آنها کدام قیمت است؟
ii. اگر قیمت به حد سود آنها برخورد نماید چه پیش می آید؟

- تازه کارها کجا وارد شدند؟

i. حدضرر آنها کجاست؟

ii. اگر قیمت به حدضرر آنها برخورد نماید چه پیش می آید؟

i. حد سود آنها کجاست؟
ii. اگر قیمت به حد سود آنها برخورد نماید چه پیش می آید؟

- حرفه ای ها کجا وارد می شوند؟

i. اگر قیمت به این ناحیه برسد معنی آن چیست؟
ii. اگر قیمت به این ناحیه نرسد چطور؟
iii. حدضررشان را کجا قرار می دهند؟
iv. اگر قیمت به حدضرر آنها برخورد نماید چه پیش می آید؟
v. حد سود خود را کجا قرار می دهند؟
vi. اگر قیمت به حد سود آنها برخورد نماید چه پیش می آید؟
g. تازه واردها کجا وارد می شوند؟
viii. اگر قیمت به این ناحیه برسد چه معنی می دهد؟
ix. اگر قیمت به این ناحیه نرسد چطور؟
x. حدضررشان را کجا قرار می دهند؟
xi. اگر قیمت به حدضرر آنها برخورد نماید چه پیش می آید؟
xii. حد سود خود را کجا قرار می دهند؟
xiii. اگر قیمت به حد سود آنها برخورد نماید چه پیش می آید؟

۷) بهترین در برابر بدترین

a. بهترین نقطه برای ورود یا اضافه کردن به حجم یک معامله کجاست؟

b. بدترین نقطه چطور؟

۸) ساختار بازار

a. نسبت به قیمت بسته شده کف و سقف دیروز، امروز کجا معامله می کنیم؟ این چه معنی می دهد؟
b. نسبت به قیمت بسته شدن سقف و کف دیروز ما کجا معامله می کنیم؟ این چه معنی می دهد؟
c. نسبت به قیمت باز شدن و محدوده قیمت باز شدن امروز، ما کجا معامله می کنیم؟ این چه معنی می دهد؟

جلد سوم

جلد سوم معامله گری پرایس اکشن

7181اسفند ۱۳۹۵ 17 -لنس بگز
4.8461538461538 1 1 1 1 1 Rating 4.85 (13 Votes)

مطالعه جلد دوم

٤,١- استراتژی- معامله گری پرایس اکشن YTC

میدان نبرد را آماده کرده ایم. تحلیل های بازار را اجرا کرده ایم. چارچوب ساختاری و چارچوبی که روند در آن حرکت می کند را تعریف کرده ایم. گرایش جهت احتمالی روند آینده و حرکت کندل به کندل قیمت برای به روزرسانی این گرایش، با شناسایی اطلاعات جدید، زیر نظر گرفته می شود.

حالا زمان آن رسیده که در حرکت بازار فرصت معاملاتی بر اساس پرایس اکشن، شناسایی و مدیریت شود؛ فرصت های با احتمال بالا و ریسک پایین.

در این بخش، ما استراتژی معامله گری پرایس اکشن YTC را آزمایش می کنیم. و در خلال نمونه ها نشان می دهیم که چگونه این فرصت های معاملاتی شناسایی، اجرا و مدیریت شوند.

٤,٢ - مفهوم ست آپ

٤,٢,١ - فرمول احتمال

همه معامله گران باید با این فرمول آشنایی داشته باشند:

امید ریاضی = (درصد معاملات برنده * میانگین معاملات برنده)- (درصد معاملات بازنده * میانگین معاملات بازنده)

فرمول امید ریاضی ابزاری برای تعیین میزان موفقیت شما در یک سری از معاملات را فراهم می کند. یک استراتژی معامله گری که طی یک سری از معاملات به ایجاد پول (سرمایه) منجر می شود دارای امید ریاضی بزرگتر از صفر خواهد بود. موفقیت مستمر نیاز به امید ریاضی مثبت دارد.

امید ریاضی مثبت نیاز به استراتژی معامله گری موثر شما و اجرای آن استراتژی برای حداکثرسازی دو نسبت زیر دارد:

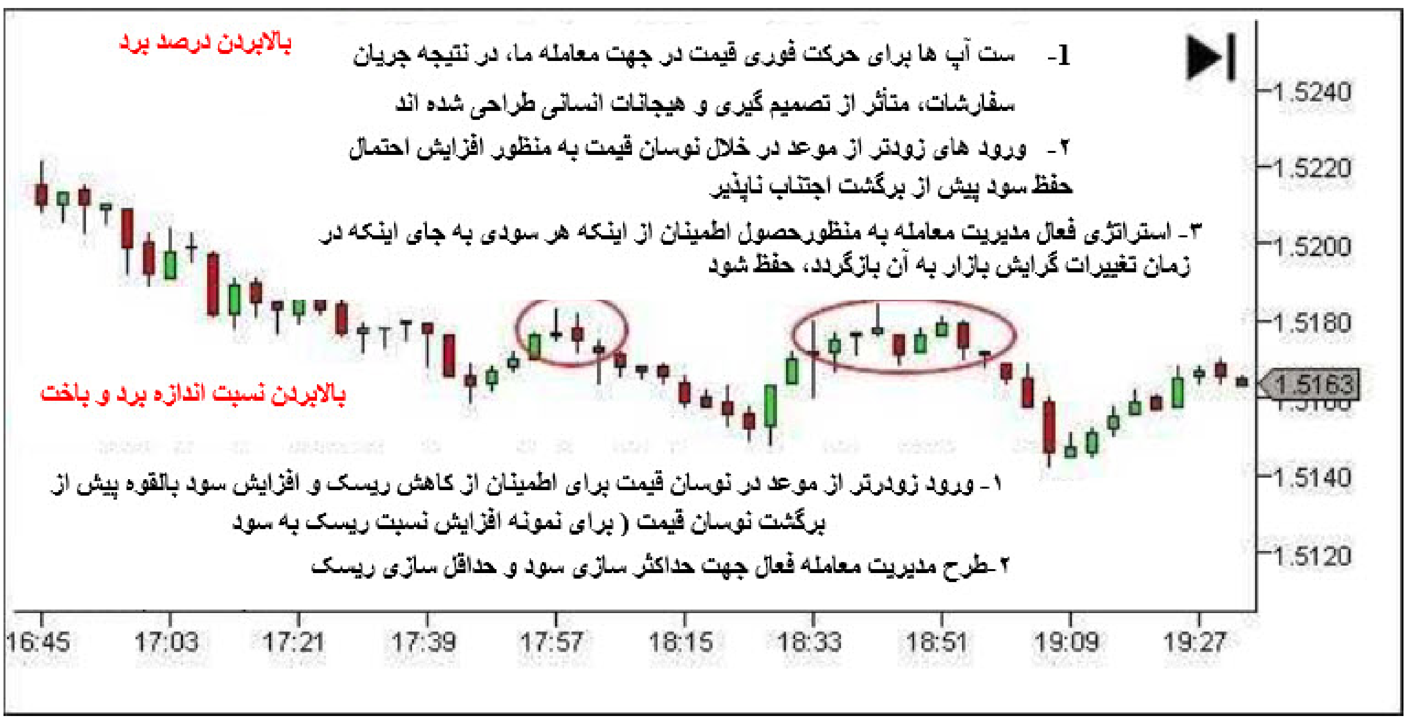
- درصد برد
- درصد برد = تعداد معاملات برنده تقسیم بر تعداد کل معاملات در دوره مورد نظر.
- هدف ما این است که تا آنجا که ممکن است درصد بردهایمان را بالا ببریم.
- توجه کنید که حداکثرسازی این نسبت درصد باخت را هم به حداقل می رساند.

- نسبت اندازه برد/باخت (WLSR)
- WLSR= میانگین معاملات برنده تقسیم بر میانگین معاملات بازنده.
- هدف ما بزرگتر کردن میانگین معاملات برنده نسبت به میانگین معاملات بازنده است.

بسیاری از معامله گران تمام انرژی خود را روی حداکثرسازی درصد معاملات برنده (Win%) صرف می کنند و تلاش ناچیزی صرف حداکثرسازی WLSR می شود.

ما به عنوان معامله گران حرفه ای باید آگاه باشیم که همیشه لازم است تا هر دو نسبت را حداکثر نماییم . معامله گری پرایس اکشن YTC این را با ابزارهای زیر مدیریت می کند:

- درصد برد:
- ست آپ ها برای حرکت فوری قیمت در جهت منطقه سود معامله ما و در راستای جریان سفارشات قدرتمند و متأثر از تصمیم گیری و هیجانات انسانی طراحی شده اند.
- ورود های زودتر از موعد در خلال نوسان قیمت به منظور افزایش احتمال حفظ سود، پیش از برگشت اجتناب ناپذیر.
- استراتژی فعال مدیریت معامله به منظورحصول اطمینان از اینکه هر سودی به جای اینکه در زمان تغییرات گرایش بازار به آن بازگردد، حفظ شود.



نمودار ۱-٤ بالابردن نسبت های فرمول احتمال

- WLSR – نسبت اندازه برد و باخت:

- تشخیص این که هر نوسان قیمت تنها یک سری حرکت محدود در دسترس دارد، یک ورود زودتر از موعد، ریسک را حداکثر و سود بالقوه را حداقل می نماید (برای نمونه نسبت ریسک به سود افزایش یافته).
- استراتژی مدیریت فعال معامله به منظور حداکثرسازی هرگونه سود و حداقل سازی هرگونه ریسک.

٤,٢,٢ - اصول پشت موقعیت های ست آپ معامله گری پرایس اکشن YTC

جهت یادآوری، نکات ذکر شده در فصل دوم:

بازارها، حرکت قیمت نیستند. اینها معامله گرانی هستند که تصمیم های معاملاتی می گیرند.

راه سودگیری مبتنی بر گرایش ثابت، از طریق یافتن فرصت هایی است که درآنها احتمال بیشتری از تعداد کافی معامله گرانی که تصمیم های معاملاتی می گیرند وجود دارد؛ که منجر به جریان خالصی از سفارشات در یک جهت مشخص خواهند شد و سپس با همین جریان سفارشات، اقدام به معامله می کنند.

ما دیدیم که تصمیمات انفرادی معامله گر معمولا قابل پیش بینی نیست و منجر به تاثیر در بازار نمی شود. هرچند در زمان های بحران این تصمیم ها قابل پیش بینی تر می شوند. بنابراین رویکرد معامله گری ما نیاز به این دارد که مبتنی بر این آگاهی اساسی باشد که چگونه از بازار سود گیری کنیم:

- ما محدوده های (بحرانی) را شناسایی می کنیم که تعداد کافی از معامله گران در آن فشار روانی را تجربه می کنند و برای کاهش آن فشارهای روانی تصمیم هایی می گیرند و سپس پیش از آنها یا با آنها برای سودگیری از جریان سفارش حاصله وارد می شویم.

این گرایشِ پشت استراتژی معامله گری پرایس اکشن و ست آپ ها است.

روی نمودار محدوده هایی را بیابید که سایر معامله گران تصمیم های معاملاتی خود را آنجا می گیرند و همانجاست که برتری خود را می یابید.

هم زمان با پیش از تغییر جریان خالص سفارشات وارد شوید و فرصتی عالی برای سودگیری به دست می آورید (کمک می کند تا معامله را به خوبی مدیریت کنید).

مزیت دیگر این عملکرد این است که ما بر خلاف آنهایی که با گرایش بازار می جنگند حرکت می کنیم. فصل سوم روش شناسایی گرایش بازار را به ما یاد داد، یعنی (مسیر کمترین موانع) جهت احتمالی روند آینده.

حالا هدف ما یافتن مکان هایی روی نمودار است که سایر معامله گران با این گرایش می جنگند. محدوده هایی را شناسایی می کنیم که این معامله گران متوجه شده اند در اشتباه بوده و مجبور به خروج شوند.

دو مفهوم اولیه در پس همه ست آپ های من نهفته است، حرکت بر خلاف ضعف و حرکت بر خلاف معامله گران در دام افتاده .

حرکت بر خلاف ضعف

روند آینده در جهت قوت و خلاف جهت ضعف پیش می رود. پس هدف ما همیشه معامله در این جهت است، در جهت قدرت و خلاف ضعف.

این کار را با شناسایی قدرت جدید و خروج از مسیر خودمان به مسیر جدید انجام نمی دهیم، چون معمولا این کار به صورت یک ورود با تأخیر زیاد خواهد بود. بلکه ترجیح ما این است که ضعف را شناسایی و بر خلاف آن پیش از نقطه ای که ضعف در برابر قدرت، بیشتر تسلیم شود وارد شویم.

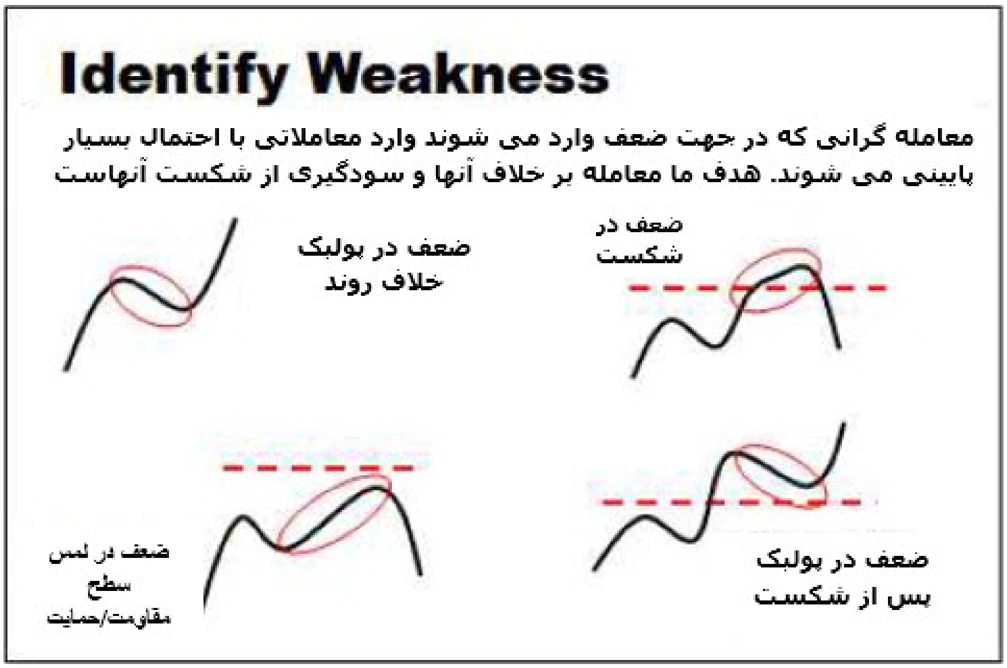
این نقطه ای است که آنهایی که عملکرد ضعیفی در معامله دارند درمی یابند در اشتباه اند و مجبور به ترک بازار می شوند حال چه با تصمیم بر خروج احتیاطی یا با فعال شدن حد ضرر هایشان.

فصل سوم پیش از این هم به ما نشان داد که چطور ضعف را شناسایی کنیم. اکنون از همان تحلیل برای شناسایی محدوده های فرصت معاملاتی خود استفاده می کنیم. ما به دنبال ضعف در چندین محدوده کلیدی اطراف مقاومت/ حمایت (مقاومت/حمایت تایم فریم بالاتر، مقاومت/حمایت محدوده رنج، سوئینگ کلیدی بالا/پایین) و پولبک ها در یک روند هستیم.

- معامله گرانی که در جهت ضعف بازار و درست در محدوده مقاومت/حمایت وارد می شوند معاملاتی با احتمال بسیار پایین دارند. ورود قیمت به این محدوده با احتمال بالای شکست همراه است.
- معامله گرانی که وارد شکستی می شوند که نشان از ضعف دارد، وارد معاملاتی با احتمال بسیار کمی می شوند. احتمال ناموفق بودن شکست وجود دارد.

- معامله گرانی که در جهت ضعف یک شکست که در اولین پولبک خود ضعف نشان داده، معامله می کنند وارد معامله ای با احتمال بسیار پایین می شوند. احتمال ناموفق بودن شکست پولبک وجود دارد که این منجر به ادامه در جهت شکست می شود.
- معامله گرانی که در تلاش برای شکار برگشت، وارد معامله خلاف روند روی یک پولبک ضعیف می شوند وارد معاملاتی با احتمال بسیار کم می شوند. احتمال ناموفق بودن پولبک زیاد است که این منجر به ادامه روند می شود.

متوجه خواهید شد که چطور شناخت ما از جهت روند آینده، محدوده های فرصت معاملاتی را برایمان فراهم می کند.



نمودار۲-٤ شناسایی ضعف

استراتژی معامله گری پرایس اکشن یک رویکرد مخالف معامله گری است.

احتمالا اصطلاح "مخالف" به گوشتان خورده است، این واژه زمانی به کار می رود که در ارتباط با سرمایه گذاری یا معامله گری باشد. بدین معنی است که خلاف

جهت اجتماع حرکت کنیم و اغلب به عنوان گرایش بسیاری از رویکردهای معامله گری موفق از آن یاد می شود. افراد تازه کار فرض می کنند که راه موفقیت به زبان ساده، معامله خلاف حرکت بازار است. این از خلال رویکرد مخالف شدنی نیست. این روش عملکرد نادانی است. راه موفقیت از خلال روش رویکرد مخالف معامله گری، گزیده کار بودن یا برگزیده عمل نمودن است. چشم بسته خلاف حرکت بازار کاری نکنید فقط بر خلاف آنهایی حرکت کنید که وارد معاملات با احتمال بسیار پایین می شوند. ما به صورت گزیده با هدف ورود در زمان غلبه نیروی قوی تر بر ضعف، موقعیت هایی را شناسایی می کنیم که حرکت ضعیف است.

ورود بر خلاف معامله گران گرفتار

راه دیگر برای بررسی مفهوم نهفته در ستاپ های ما این است که درحال شناسایی و معامله بر خلاف معامله گران گرفتار می باشیم.

هدف ما یافتن مکان هایی روی نمودار است که سایر معامله گران در آن نقاط با گرایش روند آینده می جنگند. محدوده هایی که این معامله گران در آن و در ضرر گرفتار شده اند (یا خواهند شد) را شناسایی می کنیم و متوجه می شویم که اشتباه کرده اند و مجبور هستند از معاملات خود خارج شوند. این افراد از نظر من معامله گران گرفتار هستند.

مفهوم معامله گر گرفتار در این استراتژی مهم است، و باید در تمام زمان معامله گری تان به آن توجه داشته باشید. مراقب معامله گرانی که گرفتار موقعیت باخت می شوند باشید. می دانید که چه حسی دارد. ما همه از این معاملات داشته ایم.

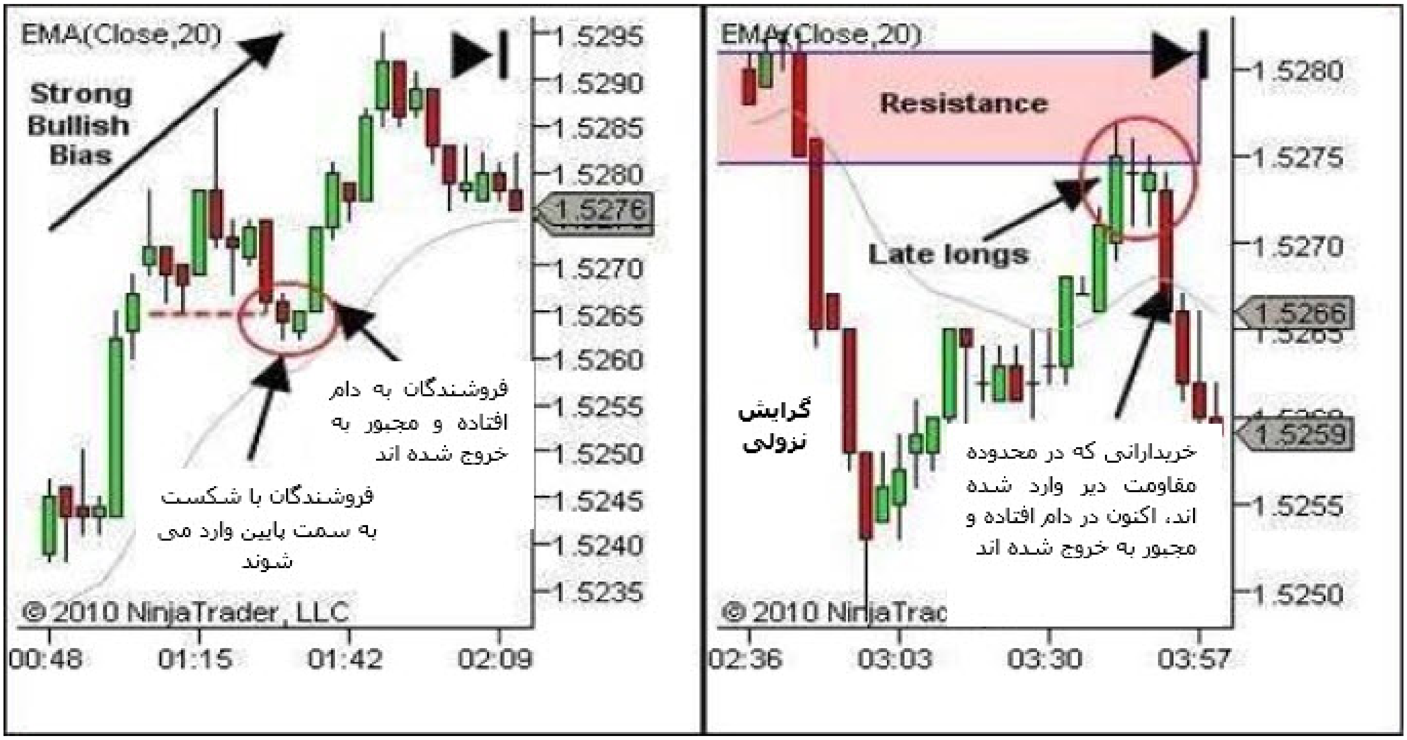
ورود خود را به شکستی کامل و بی نقص که به ناگاه به زیر سطح شکست برگشته و شما را به سرعت وارد ضرر و معامله ای با احتمال پایین می کند را به یاد آورید. همینکه می بینید قیمت حد ضرر شما را تهدید می کند دچار هراس می شوید، امیدوارید که وضعیت به حالت عادی بازگردد؛ ولی اغلب موارد خارج شدن نتیجه ای اجتناب ناپذیر به نظر می رسد.

معامله گران گرفتار خودشان را به روش های مختلف روی نمودار نشان می دهند.

در هر ست آپ معامله گری پرایس اکشن این افراد را مشاهده خواهید کرد.

به هرحال جهت معرفی این مفهوم دو نمونه در تصویر ۳-٤ ارائه شده است. در سمت چپ ما بازار با روند صعودی را با یک گرایش صعودی قوی می بینیم. یک پولبک درست خلاف گرایش اتفاق می افتد که نشان دهنده یک کندل نزولی قوی (کندل نزولی با قیمت بسته شده پایین تر) است که پیرو آن شکست زیر منطقه حمایت سوئینگ پایینی آمده است. معاملات فروش به امید بازگشت وارد می شوند. هرچند علی رغم بی میلی شان مشخص می شود که کندل شکست یک کندل نزولی باریک با قیمت بسته شده میانی از آب در می آید. مومنتوم به سمت پایین نمی رود و یک کندل خنثی با قیمت بسته شده بالاتر در پی آن می آید. هنوز هیچ نشانه ای از ادامه حرکت رو به پایین نیست! سپس بازار، فروشنده ها را با حرکتی وسیع به سمت بالا (کندل صعودی با قیمت بسته شده بالاتر) به دام می اندازد. محدوده بزرگی از این کندل سبز رنگ نتیجه فعال شدن نخستین حد ضررها

وقتی فروشندگان در دام افتاده مجبور به خروج از بازار می شوند است. فشار صعودی جدید قیمت را به سمت بالاتر می راند.



نمودار۳-٤ معامله گران در دام افتاده

در سمت راست ما شکل متفاوتی از موقعیت معامله گران گرفتار را داریم. بازار با بازگشت قیمت زیر ناحیه تراکم، گرایشی نزولی دارد و سپس با حرکت به سمت بالا به طرف ناحیه تراکم پیش می رود.

گاوهایی که وارد معامله خرید می شوند با تاخیر وارد می شوند و درست در ناحیه مقاومت، وارد معاملاتی با احتمال بسیار پایین می شوند. احتمال زیادی دارد که اینها معامله گرانی باشند که با گرفتن تریگر از سوی اندیکاتورهای تاخیری وارد بازار

می شوند. اینها همان معامله گرانی هستند که مزد ما را می دهند (از اشتباه آنها ما سود می کنیم).

رالی متوقف و سپس حرکت قیمت به سمت پایین شروع می شود. کندل قوی نزولی با قیمت بسته شده پایین از نتیجه فعال شدن نخستین حد ضرر های خریداران گرفتار در زمانی است که مجبور به خروج در زیان شده اند.

معامله گران گرفتار دیگری هم در همین نمونه هستند. آنهایی را در نظر بگیرید که در محدوده مقاومت و پیش از شروع نزولی اصلی خرید انجام دادند. این ضرر شدید باعث آزار و درد روحی روانی آنهاست و سرسختانه در انتظار این هستند که قیمت با کمترین احتمال به نقطه سر به سر بازگشته تا بتوانند با کمترین زیان خارج شوند. امیدشان وقتی رالی، قیمت را به محدوده تراکم برمی گرداند بیشتر می شود.

اگر این معامله گران باهوش بودند با یک زیان کوچک از معامله خارج می شدند. گرچه بیشتر آنها این کار را نمی کنند. امید کوچکی به ادامه مقاومت در برابر قیمت و سودگیری کافی است تا کمی بیشتر در معامله بمانند. با این اوصاف همینکه قیمت دوباره از محدوده مقاومت سقوط می کند، مجبور به ترک بازار می شوند درحالیکه از خودشان و بازاری که اجازه نداد تا سر به سر خارج شوند، عصبانی اند.

بنابراین می بینید که چطور این ست آپ دربردارنده دو دسته از خریداران گرفتار است، خریداران از شکست پیشین و خریدارانی که دیر وارد رالی شده اند.

هنگامی که در کل صفحات باقی مانده کتاب و سپس کل آینده معامله گری خودتان، به هرگونه ستاپ نگاهی می اندازید، همیشه مراقب معامله گران در دام افتاده باشید. آنها را شناسایی و خلاف آنها کار کنید؛ بخشی از جریان سفارشی باشید که از روی تله می پرند.

این معامله گران به دام افتاده برتری معاملاتی شما را فراهم می کنند. یاد بگیرید که عاشق آنها باشید.

نکته مهمی که پیش از ادامه باید به آن اشاره کنم...

برای پیداکردن ستاپها خودتان را گرفتار نکنید. مهم ترین کار شما در تحلیل های بازاری حفظ آگاهی تان از ساختار بازار و حس کردن گرایش مسیر احتمالی جریان سفارشات آینده است.

آگاهی موضعی خود را حفظ کنید تا ستاپهای معاملاتی خودشان را به شما نشان دهند. الگوهای معامله گران گرفتار از مقابل چشمان شما رد می شوند.

در جست و جوی ستاپ ها بودن باعث از بین رفتن آگاهی موضعی شما در رابطه با تصویر بزرگتری از ساختار بازار می شود که در این صورت شما از پیدا کردن ستاپ های با احتمال بالا منحرف شده و ستاپ ها و معاملاتی را می گیرید که در زمان بررسی متن حرکات قیمت تایم فریم بالاتر، دارای احتمال کمتری هستند.

آنگاه بجای اینکه ببینید معامله گر گرفتار چگونه به نظر می رسد، خودتان را در دام خواهید دید.

نمودار ٤-٤ یک نمونه از این وضعیت را نمایش می دهد. با نگاه کردن به نمودار سمت چپ، به راحتی می توانید خود را راضی کنید که فروشندگان گرفتار را پیدا کرده اید. بازار به سمت عدد رند ۱,۵۱۰۰ حرکت کرده و مورد حمایت واقع است و تصور می کنید که فروشندگانی که دیر وارد شده اند در حرکت قیمت به سمت بالا گرفتار شده و سفارش حدضرر را بالای سقف آخرین کندل سبز برای ورود زود هنگام قرار می دهند.



نمودار ٤-٤ الگوی معامله گر شکست خورده به دلیل تحلیل های بازاری ضعیف

تحلیل های بد!

نمودار سمت راست نشان دهنده ضرر سریع شما است، در حالیکه تله گذار خودش گرفتار می شود. تحلیل های بازار موفق به در نظر گرفتن موارد زیر نمی شود:

(۱) قدرت گرایش نزولی

(۲) این واقعیت که سطح ۱,۵۱۰۰ سطح حمایتی قابل توجهی نبود (گواهی درمورد حمایت/مقاومت قبلی یا حمایت در ناحیه سوئینگ بالایی/پایینی وجود نداشت).

من معمولا وقتی تمرکز ندارم، این نوع از معاملات را انجام می دهم. به سادگی متوجه می شوم وقتی حواسم جای دیگری است پریشانم و ذهنم تنها درست در زمانی که توقف را در سطح ۱,۵۱۰۰ و ورودی بالقوه را برای خرید ببینم، به نوعی توجهم به صفحه نمایش باز می گردد. تا اینکه کار خودم را متوقف کرده و مشغول تجزیه و تحلیل از ابتدای اصول معامله گری می شوم، که این به قیمت ضرر من تمام می شود. چه چیزی ممکن است شما را راضی به ورود در این محدوده کند؟ چرا تا بازار برایتان یک برگشت واضح ارایه دهد منتظر نمی مانید؟ با اینکار در یک منطقه اثبات شده از نظر عدم تعادل عرضه/تقاضا و بر خلاف ضعف، مشغول معامله می شویم.

برای ورود به معامله عجله نکنید. ضعف و همچنین معامله گران گرفتار را شناسایی کنید. بر خلاف ضعف وارد شده و بخشی از جریان سفارشی شوید که از روی تله می پرد.

مهم ترین عامل در جست و جوی فرصت های معاملاتی این است... حفظ یک آگاهی خوب نسبت به ساختار بازار و جهت احتمالی روند آینده.

معامله گری، در مورد تحلیل های هدفدار نیست.

معامله گری درمورد شناسایی ضعف بازار و داشتن اعتماد به نفس برای ورود در سطح عمده فروشی و حرکت در جهت خلاف آن ضعف است.

معامله گری در مورد مدیریت فعالانه معامله به منظور حداکثرسازی فرصت درصورت محق بودن شما و حداقل سازی ریسک در صورت خطا کار بودن شماست.

٤-٣ ست آپ های معامله گری پرایس اکشن

در سطوح مقاومت/حمایت (مقاومت/حمایت تایم فریم بالاتر، مقاومت/حمایت رنج، سوئینگ بالایی/پایینی) و روی پولبک های در روند، شاهد فرصت هستیم. در این محدوده ها ضعف در حرکت قیمت به چشم می خورد، درحالی که سایر معامله گران گرفتار معاملاتی با احتمال پایین می شوند.

اجازه دهید با دقت در جزئیات هر یک از انواع ست آپها آغاز کنیم و سپس با بحث درمورد اینکه ما در جست و جوی کدامیک از ست آپها در هر فضای خاص بازار هستیم، ادامه دهیم. فعلا نگران ورود و خروج نباشید، فقط موقعیت های ست آپهای معاملاتی را شناسایی کنید.

۱-۳-٤تعریف ست آپ

پنج ست آپ معامله گری پرایس اکشن اصلی وجود دارد.

سه ست آپ در تعامل قیمت با سطوح حمایت و مقاومت صورت می گیرد:

1. TST- تماس حمایت یا مقاومتی که انتظار می رود موقعیت خود را حفظ کند.
2. BOF- ناموفق بودن شکست، در حالیکه قیمت به محدوده حمایت یا مقاومت نفوذ و سپس برمی گردد.
3. BPB- پولبک بعد از شکست، با ورود قیمت به محدوده حمایت یا مقاومت و استقامت آن ناحیه در برابر قیمت.

دو ست آپ بعدی در خلال یک روند اتفاق می افتند:

1. PB- یک پولبک ساده (تک موجی) در یک روند .
2. CPB- یک پولبک پیچیده (نوسان چندگانه یا با زمان طولانی) در یک روند.

ست آپ TST

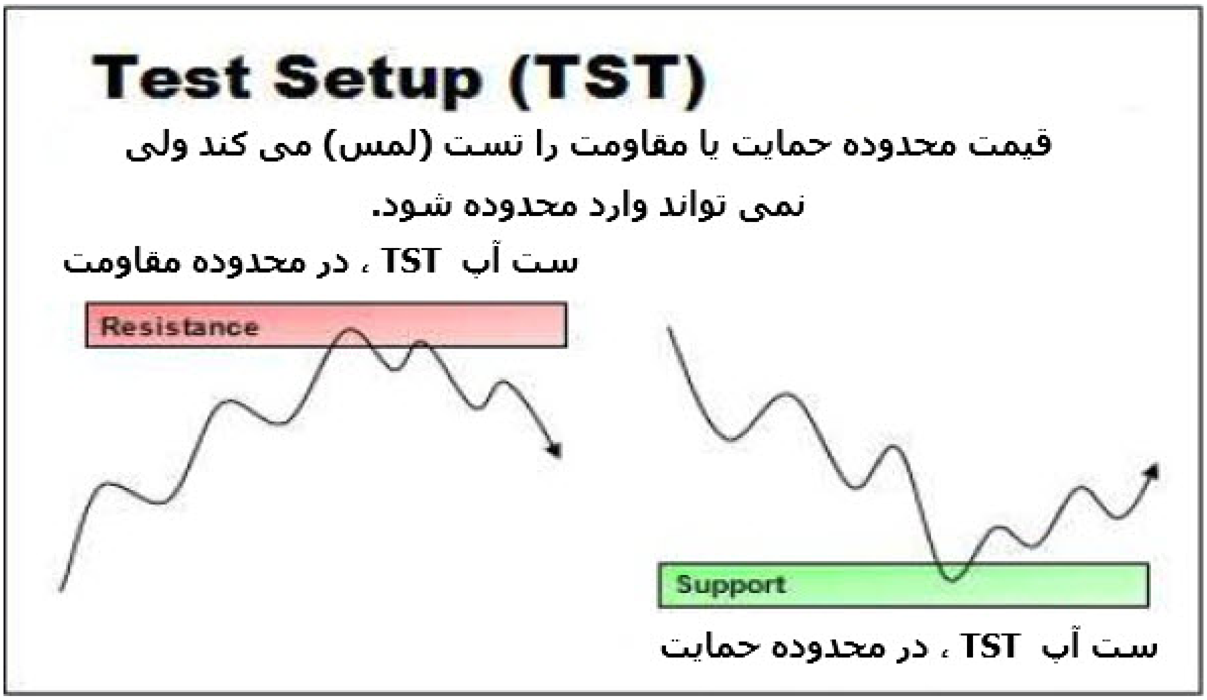
این ست آپ تماس با حمایت یا مقاومتی است که انتظار داریم در برابر حرکت قیمت استقامت نشان دهد.

حمایت یا مقاومت به شکل مطلوبی در حمایت/مقاومت تایم فریم بالاتر یا محدوده های بالاتر یا پایین تر یک رنج معاملاتی خنثی خواهد بود.

در یک محیط دارای روند ضعیف ممکن است یک سوئینگ بالا یا پایین تایم فریم معاملاتی باشد که یک ورودی ضد روند را برای یک اسکلپ کوچک در پولبک پیشنهاد می دهد (و احتمالا اگر خوش شانس باشد، احتمالا یک ورود زودتر از موعد برای برگشت) اگرچه این ست آپ، ست آپی با احتمال بسیار کمتر است.

وقتی اصول ما برای جهت روند آینده منجر به این می شود که انتظار داشته باشیم محدوده ای از حمایت یا مقاومت در برابر حرکت قیمت ایستادگی کند، در این محدوده ، ما ست آپ TST را پیش بینی می کنیم. ما تنها زمانی که ست آپ، پارامترهای قابل قبول ریسک به سود را فراهم کند و یک تریگر با قیمت عمده فروشی در محدوده حمایت/مقاومت فعال شود، معامله می کنیم.

تصویر ٤-٥ یک نمایش نموداری از ست آپ TST در هر دو محدوده حمایت و مقاومت را نشان می دهد.



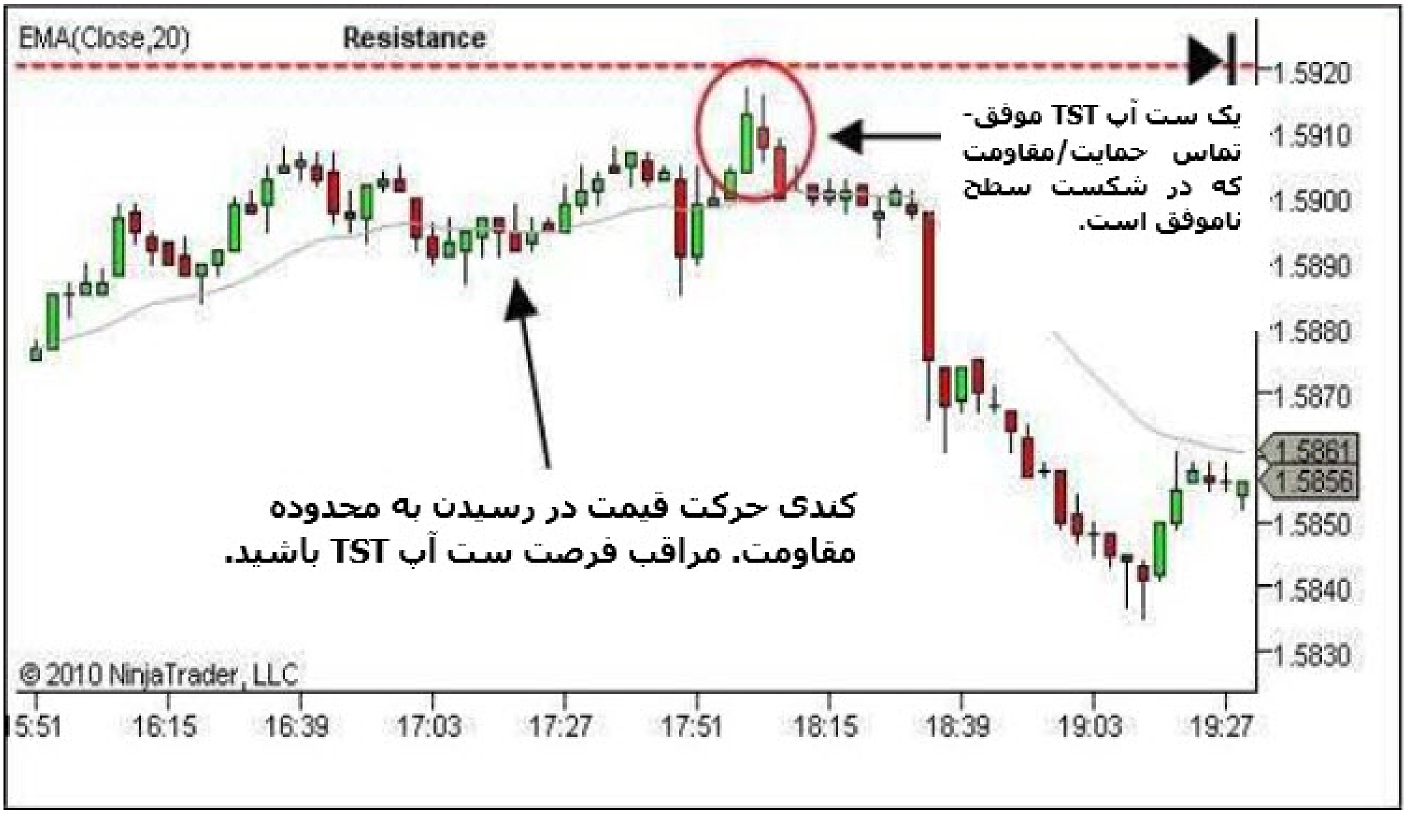
نمودار ٤-٥ ست آپ (TST)

این ست آپ به طور معمول ضعف در محدوده حمایت/مقاومت را نشان می دهد، اگرچه ممکن است گاهی اوقات نیز به خاطر هرگونه حرکتِ شدیدا گسترش یافته، در محدوده حمایت/مقاومت لحاظ شود. معامله گرانی که در این حرکت به سمت داخل محدوده حمایت/مقاومت دیر وارد می شوند معامله ای با احتمال پایین انجام داده و به دام خواهند افتاد.

این برگشت، حد ضررهای آنها را فعال و به جریان سفارشات برگشتی اضافه می کند.

هدف ما معامله با جریان سفارشات برگشتی است که از حد ضرر معامله گران به دام افتاده سود می بریم.

تصویر ٤-٦(زیر) نموداری از ست آپ TST را درمحدوده مقاومت تایم فریم بالاتر (سی دقیقه) نشان می دهد.



نمودار ٤-٦ TST در محدوده مقاومت

همین که قیمت به محدوده مقاومت می رسد، ما مراقب ست آپ TST می مانیم. تنها وقتی که به پارامترهای معاملاتی قابل قبولی از ریسک به سود و یک تریگر معاملاتی مناسب دست پیدا کنیم (بعدا بیشتر درباره آنها صحبت خواهیم کرد) واقعا معامله می کنیم. فعلا، فقط به شناسایی موقعیت های ست آپ می پردازیم.

توجه داشته باشید که در این ست آپ قیمت لزوما خط مقاومت من را لمس نمی کند، ولی قطعا محدوده مقاومت را لمس می کند. اینکه به یاد بسپارید که مقاومت/حمایت یک محدوده است و نه یک خط، مهم است. خطوط روی نمودار به ما در مورد حضور این محدوده ها هشدار می دهند. به سمت چپ نمودار برای پیدا کردن محدوده واقعی تاثیرگذار توجه کنید.

تصویر ٤-٧ (زیر) مثال نموداری از یک ست آپ TST در محدوده تایم فریم بالاتر (سی دقیقه) را نشان می دهد.

بار دیگر، با رسیدن قیمت به محدوده حمایت، ما مراقب ست آپ TSTمی مانیم. تنها و تنها در صورتی معامله می کنیم که به پارامترهای قابل قبول ریسک به سود و یک تریگر معاملاتی مناسب دست پیدا کنیم.

توجه کنید که در این مورد، تماس، شامل دو نوبت حرکت قیمت به داخل محدوده حمایت و دو موقعیت ورود معاملاتی بالقوه است.



نمودار ٤-٧ ست آپ TST در محدوده حمایت

ست آپ BOF

این ست آپ عدم موفقیت در شکست حمایت یا مقاومت است.

حمایت یا مقاومت، (مقاومت/حمایت تایم فریم بالاتر، مقاومت/حمایت رنج، سوئینگ بالایی/پایینی). در یک موقعیت با روند ضعیف ممکن است یک فرصت معاملاتی ضد روند در سوئینگ بالا/پایین فراهم شود (گرچه این فرصتی با احتمال پایین تر است).

وقتی اصول ما برای جهت روند آینده منجر به این می شود که انتظار داشته باشیم احتمالا محدوده ای از حمایت یا مقاومت شکسته شود، ما با دقت، مراقب حرکت قیمت در هر شکست برای یافتن نشانه بیشتری از

ضعف خواهیم بود. ضعف در شکست به ما در مورد فرصت احتمالی ست آپ BOF خبر می دهد. تنها زمانی وارد معامله می شویم که ست آپ، پارامترهای ریسک به سود قابل قبول و یک تریگر ورود با قیمت عمده فروشی را فراهم کند.

تصویر ٤-٨ نمایشی از ست آپ BOF را در هر دو محدوده حمایت و مقاومت نشان می دهد.

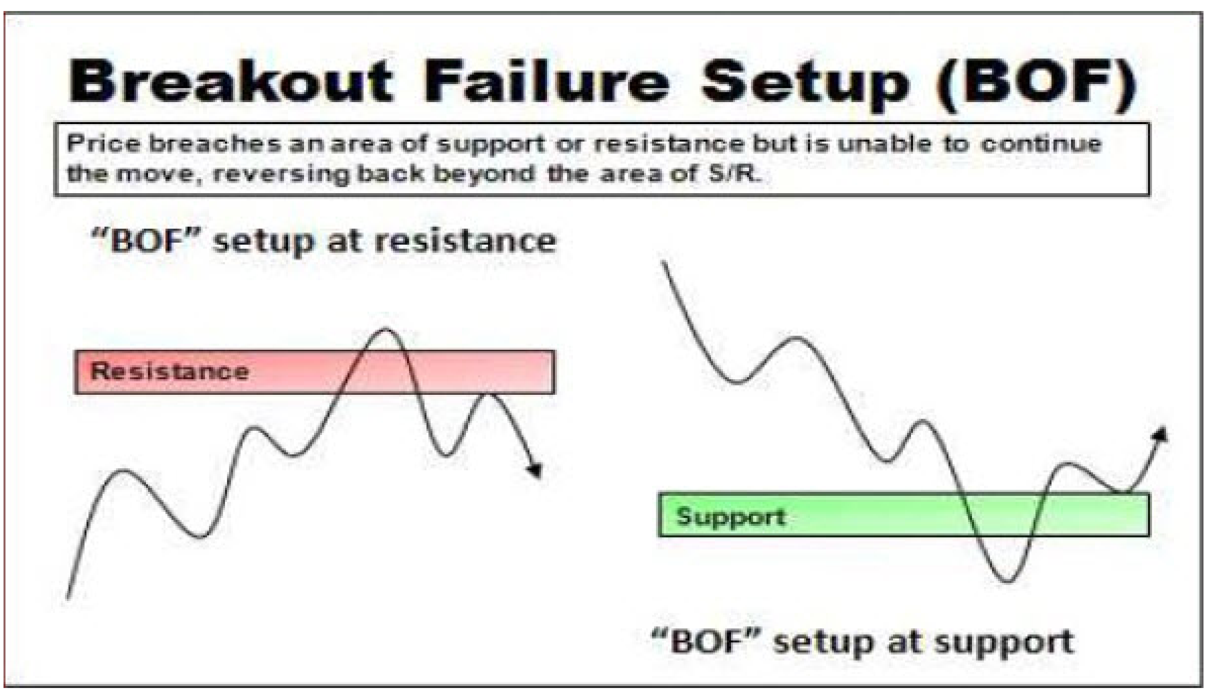
این ست آپ به دلیل شکست محدوده حمایت/مقاومت، معامله گرانی که درشکست وارد می شوند را جذب می کند. هرچند، شکست قادر به جذب جریان سفارشات جدید و کافی برای ادامه حرکت نیست و بنابراین ضعف را به نمایش می گذارد. معامله گران شکست (معامله گرانی که در شکست وارد می شوند) در دام افتاده اند. عدم موفقیت شکست و برگشت به داخل ناحیه پیشین آنها را وادار به خروج از معاملاتشان می کند، که این به جریان سفارشات خلاف جهت شکست اصلی اضافه می کند. هدف ما معامله در محدوده شکست در بازگشت به محدوده پیش از حمایت/مقاومت است.

پرسش متداول این است، « پیش از آنکه دست از جستجو برای عدم موفقیت در شکست بردارید، عبور چند کندل قیمتی بعد از شکست مورد قبول شماست؟»

عدد ثابتی وجود ندارد. با هر حرکت باید با شایستگی خودش رفتار شود و از این چشم انداز بررسی شود که چطور برای دیگر معامله گران شکست به نظر می آید.

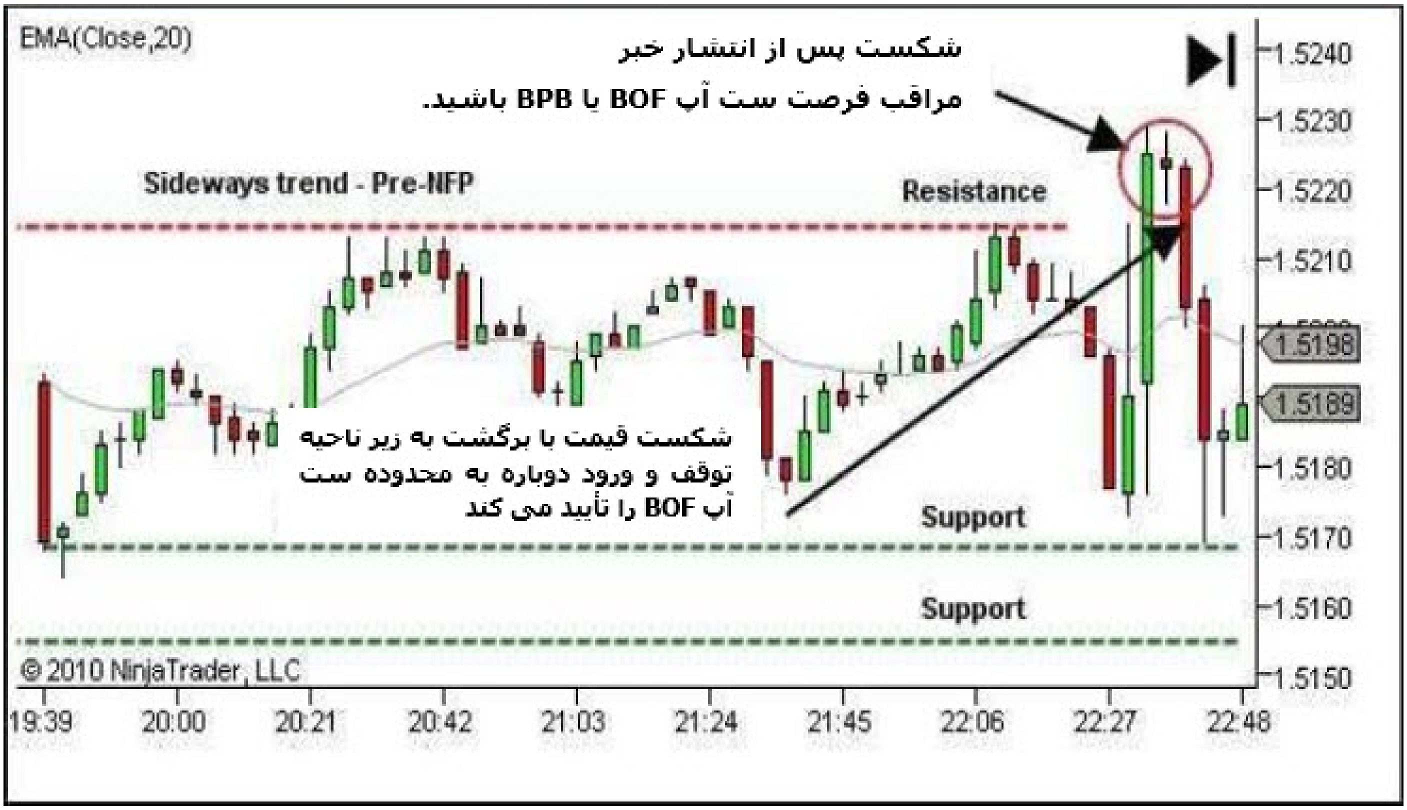
آیا حرکت قیمت باعث می شود این معامله گران دچار ترس شده و به طور بالقوه موقعیت خود را رها کنند؟ اگر چنین است، هنوز هم این ست آپ یک ست آپ BOF بالقوه است صرف نظر از آنکه چند کندل قیمت ایجاد شده باشد.

برای نمونه زمانی که بازار دو تلاش برای حرکت پس ازشکست انجام می دهد، عدم موفقیت دوم در راستای انجام هر کاری اغلب نشانه خوبی است از اینکه بازار خلاف آن را انجام خواهد داد. اگر پس از شکست شاهد دو تلاش ناموفق برای صعود به بالاتر باشم، سعی می کنم تا یک ورود بر اساسBOF را برنامه ریزی کنم. هرچند، با همه اینها، به ندرت پیش می آید که شاهد باشیم قیمت بیشتر از ۳ الی ۵ کندل قیمتی در تایم معاملاتی موقعیت خود را حفظ نماید. هرچه سریع تر، بهتر.



نمودار ٤- ٨   ست آپ BOF

تصویر ٤-٩ (زیر) ست آپ BOF را در محدوده مقاومت نشان می دهد.



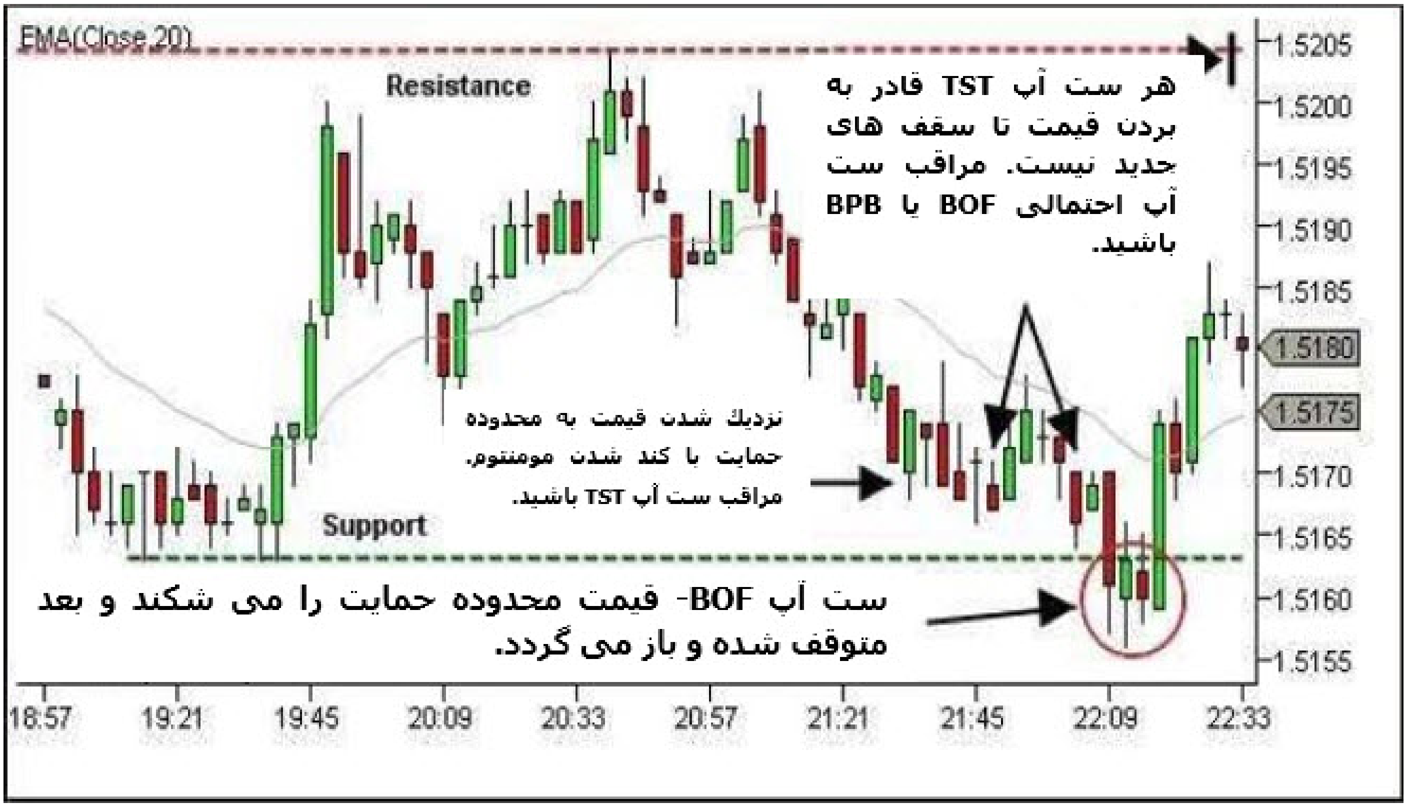
نمودار ٤-٩ BOF در محدوده مقاومت

در این مورد، شکست محدوده مقاومت روند خنثی به واسطه یک رویداد خبری آغاز شد، گزارش ماهانه حقوق بگیران بخش غیرکشاورزی NFP که در زمان نوشتن این کتاب به طور بالقوه پرنوسان ترین گزارش های اقتصادی ماهانه منتشره درنظر گرفته می شود.

بنابراین، یک شکست با احتمال بالا در نظر گرفته شد.

با زیر نظر گرفتن شکست، شاهد این هستیم که قیمت به طور واضح فورا بالای محدوده مقاومت از حرکت ایستاد. این نشانه ضعف است. شکست شامل قدرت بود و ممکن بود ادامه یابد و پس از آن، پارامترهای قابل قبول ریسک به سود و یک تریگر مناسب ورود را داشته باشد و اینجاست که می توانیم خود را معامله گر بنامیم.

توجه: مراقب خبرهای به شدت پرنوسان باشید. پیشنهاد من این است که تا بازگشت قیمت به نرخ عادی حرکت، وارد نشوید. در این مورد، ست آپ شش دقیقه پس از انتشار اخبار اتفاق افتاد و مشخصا هرگونه نوسان پس از انتشار را متوقف کرده بود.



نمودار ٤- ١٠ BOF در محدوده حمایت

تصویر ٤-١٠ در بالا نشان دهنده ناموفق بودن شکست در محدوده حمایت است.

در حالیکه حرکت قیمت به کندی وارد محدوده حمایت می شود، ما درابتدا در جست و جوی هرگونه ست آپ TST (و ست آپ های احتمالی معاملاتی) خواهیم بود.

هرچند توجه دارید که هر ست آپ TST قادر به بردن قیمت به سقف های تازه تر نیست و این نشان دهنده ضعف در جهت صعودی است. تا زمانی که نشانی از قوت زیاد در جهت صعود وجود ندارد، عدم موفقیت در ادامه خرید نشانه ای از این است که جهت قوی تر، نزولی است. ما همچنان مراقب یک شکست و هر نشانه

ای از ضعف در حرکت قیمت پس از شکست هستیم. در این مورد، شکست قادر به جذب جریان سفارشات نزولی کافی برای ادامه نبود. جریان سفارشاتی که جذب خود کرده بود اکنون فروشندگان را گرفتار کرده و اگر قیمت در برگشت به بالای محدوده حمایت شکست انجام دهد، آنها را مجبور به خروج خواهد نمود.

ست آپ BPB

این ست آپ شکست حمایت یا مقاومت است که پذیرش قیمت را در محدوده جدید به نحوی نشان می دهد که قیمت را آن سوی نقطه شکست حفظ کرده و یک پولبک ضعیف تر را ترتیب می دهد.

حمایت یا مقاومت، (مقاومت/حمایت تایم فریم بالاتر، مقاومت/حمایت رنج، سوئینگ بالایی/پایینی).

وقتی اصول ما برای جهت آینده روند، در ما انتظار شکست احتمالی برای محدوده حمایت یا مقاومت را ایجاد می کند، ما با دقت در هر شکست برای نشانه های بیشتری از ضعف مراقب حرکت قیمت هستیم. ضعف در شکست درمورد فرصت احتمالی ست آپ BOF به ما خبر می داد در حالی که ضعف در یک پولبک در مورد فرصت احتمالی ست آپ BPB به ما هشدار می دهد. معامله تنها در صورتی انجام می شود که ست آپ،

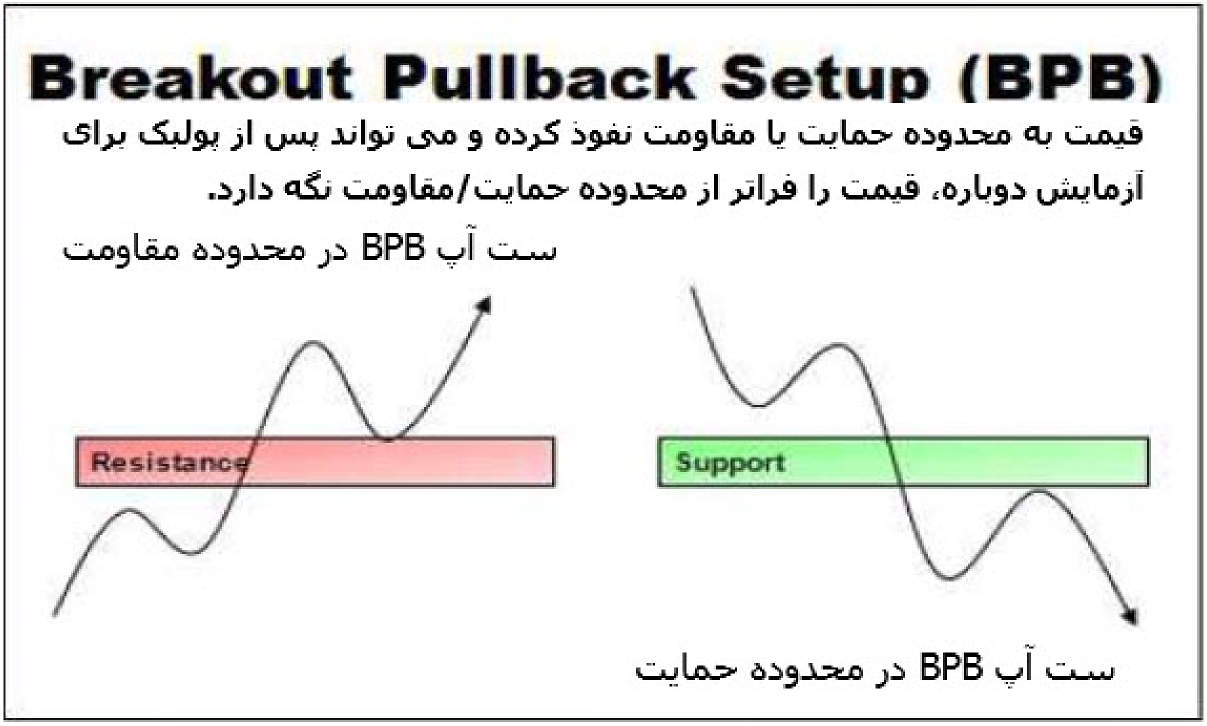
پارامترهای قابل قبول ریسک به سود و تریگر ورود با قیمت عمده فروشی را فراهم آورد.

تصویر ٤-١١ نموداری از یک ست آپ BPB را در هر دو محدوده حمایت و مقاومت نشان می دهد.

این ست آپ به این صورت کار می کند که بسیاری از معامله گران بطور خودکار در جهت ضعف یک شکست وارد می شوند، چون انتظار عدم موفقیت آن را دارند. اگر چنین عدم موفقیتی به اندازه کافی از سوی دیگر معامله گران حمایت نشود، هر پولبکی ضعیف، و به خودی خود ناموفق خواهد بود. ناموفق بودن یک شکست ناموفق، یک پولبک بعد از شکست است (BOF ناموفق = BPB).

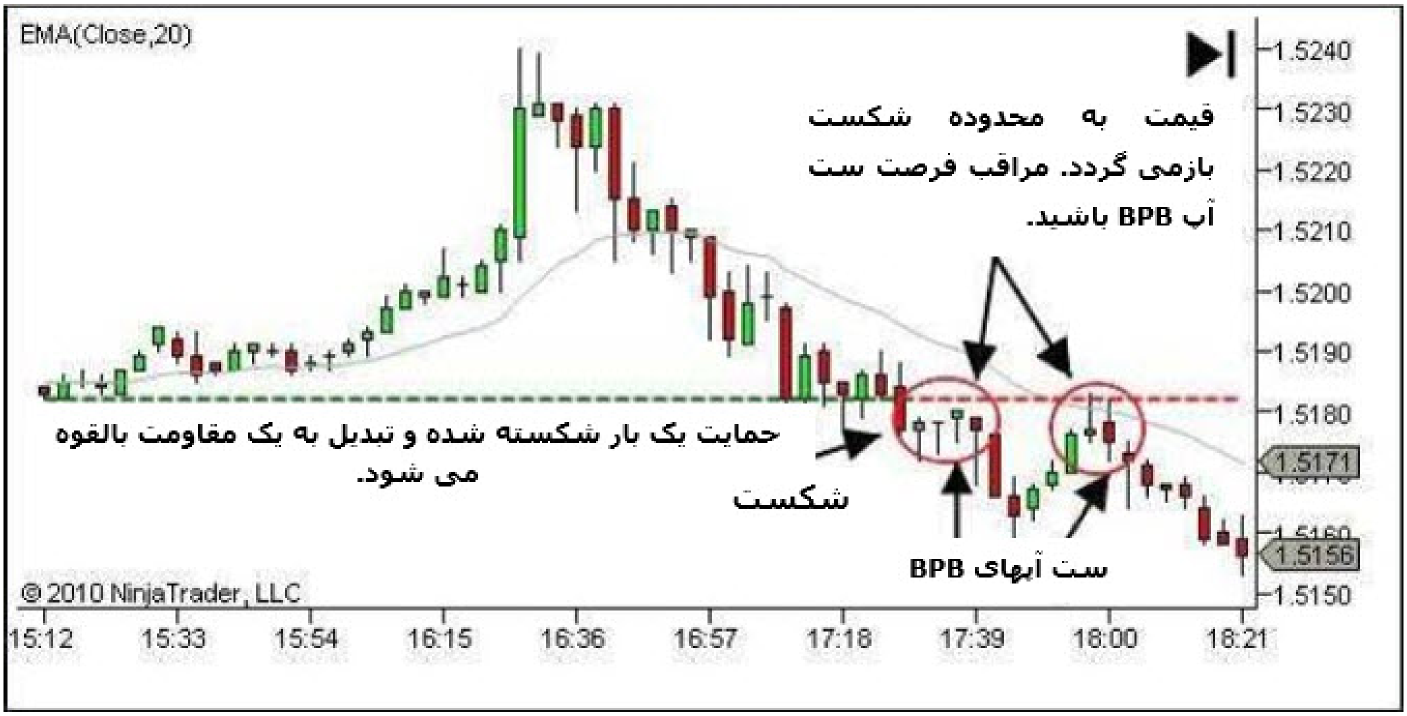
آنهایی که با پولبک ضعیف معامله می کنند، به دام افتاده و شکست باید ادامه یابد. جریان سفارشات خروج آنها در بالا بردن قیمت بعد از شکست تا سقف یا کف جدید کمک خواهد نمود.

توجه: هر ست آپ BOF که پیش از عبور در برگشت مجدد به سطح حمایت/مقاومتی وارد آن می شوید باید کاملا تهاجمی مدیریت شود. همچنان مراقب نشانه های ضعف و آماده بستن سریع معامله خود و ورود در جهت عکس باشید، شاید یک فرصت ست آپ BPB خود را نشان دهد.



نمودار ٤-١١ ست آپ پولبک پس از شکست

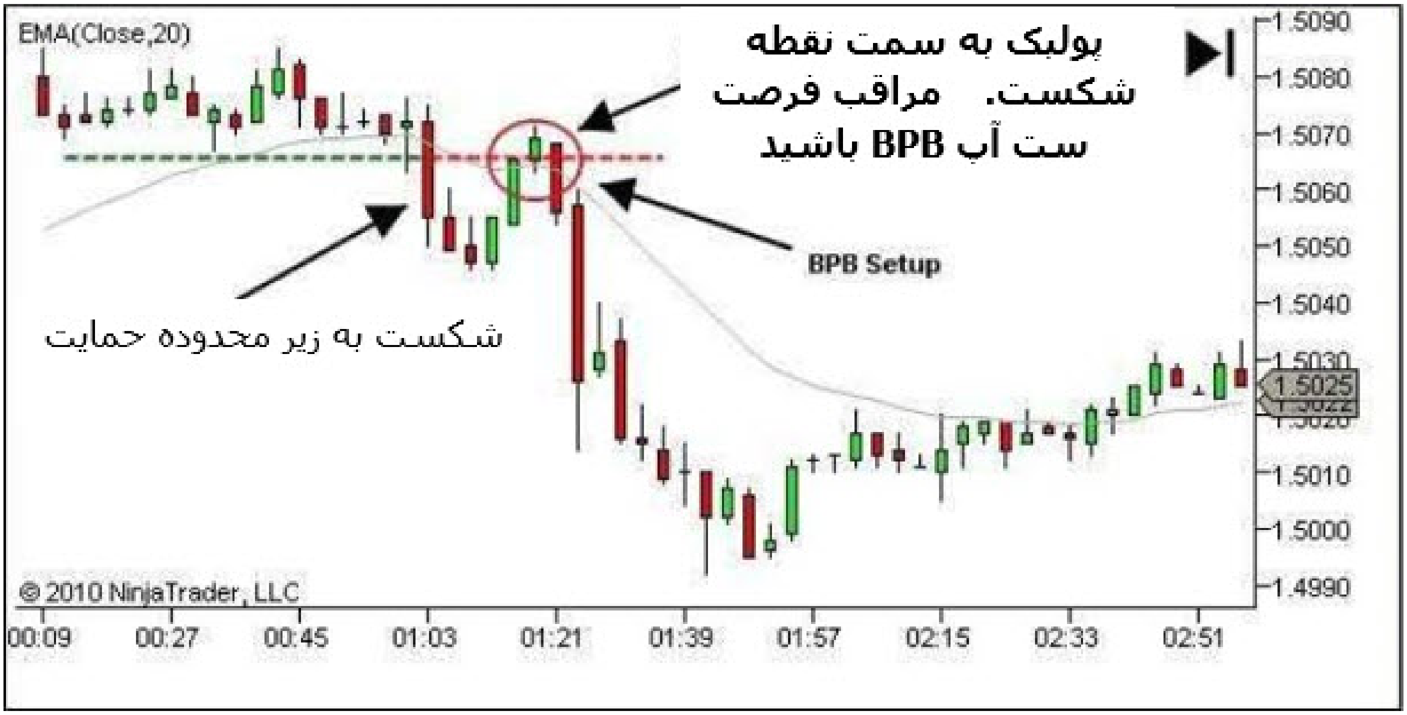
نخستین ست آپ طی ده دقیقه پس از شکست اولیه شکل می گیرد. حرکت قیمت در شکست نشان از ضعف دارد و به احتمال زیاد، شما در جست و جوی فرصت ست آپ BOF بوده اید. با این حال پولبک هم ضعیف است. همانگونه که پیش از این اشاره شد، یک BOF ناموفق یک ست آپ BPB است. معامله BOF که از آن سریع خارج شدید زیان مختصری را ایجاد کرده است. نخستین BPB پس از آن، سود مختصری را پیش رو می نهد.



نمودار ٤-١٢ BPB، محدوده حمایت تبدیل به محدوده مقاومت می شود

دومین فرصت ست آپ BPB تقریبا نیم ساعت بعد از شکست ارائه شد و توقف قیمتی بسیار بهتری را در داخل محدوده مقاومت با سایه بالاتر و عدم پذیرش نشان می دهد. این ست آپ فرصت های بسیار بهتری را فراهم کرده است (با فرض پارامترهای ورودی ریسک به سود قابل قبول و تریگر فروش با قیمت عمده فروشی).

تصویر ٤-١٣ (زیر) شکستی را نشان می دهد که هم فرصت برای ست آپ BOF جهت اسکلپ و هم ست آپ BPB را برای معامله گر زیرک تر پیشنهاد می دهد.



نمودار ٤-١٣ BPB، حمایت تبدیل به مقاومت می شود

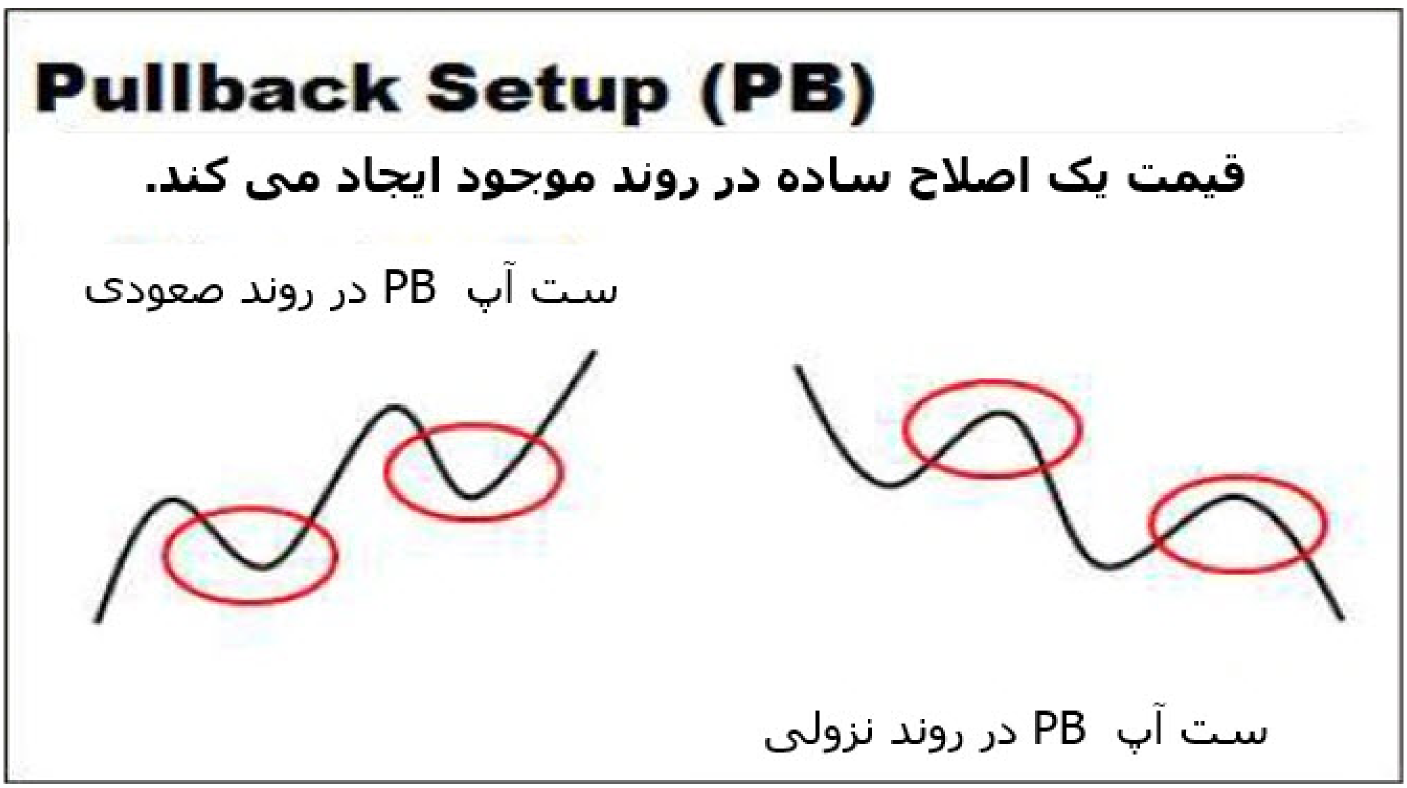
ست آپ PB

ست آپ PB یک پولبک ساده (تک پایه) در یک روند است.

وقتی اصول ما برای جهت روند آینده باعث می شود تا انتظار ادامه یک روند نزولی یا صعودی را داشته باشیم، دقیقا مراقب حرکت قیمت روی هر پولبک هستیم تا نشانه های ضعف را ببینیم.

ضعف در پولبک به ما در مورد احتمال ست آپ PB هشدار می دهد. معامله تنها وقتی شروع می شود که ست آپ، پارامترهای قابل قبول ریسک به سود و تریگر ورود در قیمت عمده فروشی را فراهم کند.

نمودار ٤-١٤ (زیر) تصویری از ست آپ PB داخل یک روند را نشان می دهد. این ست آپ به دلیل گرایش بسیاری از معامله گران برای تلاش در انتخاب نقاط برگشت جواب می دهد. درحالی که همه با این جمله « روند، دوست توست» آشنا هستند، طبیعت اکثر ما همیشه در جست و جوی فرصت ضد روند است.



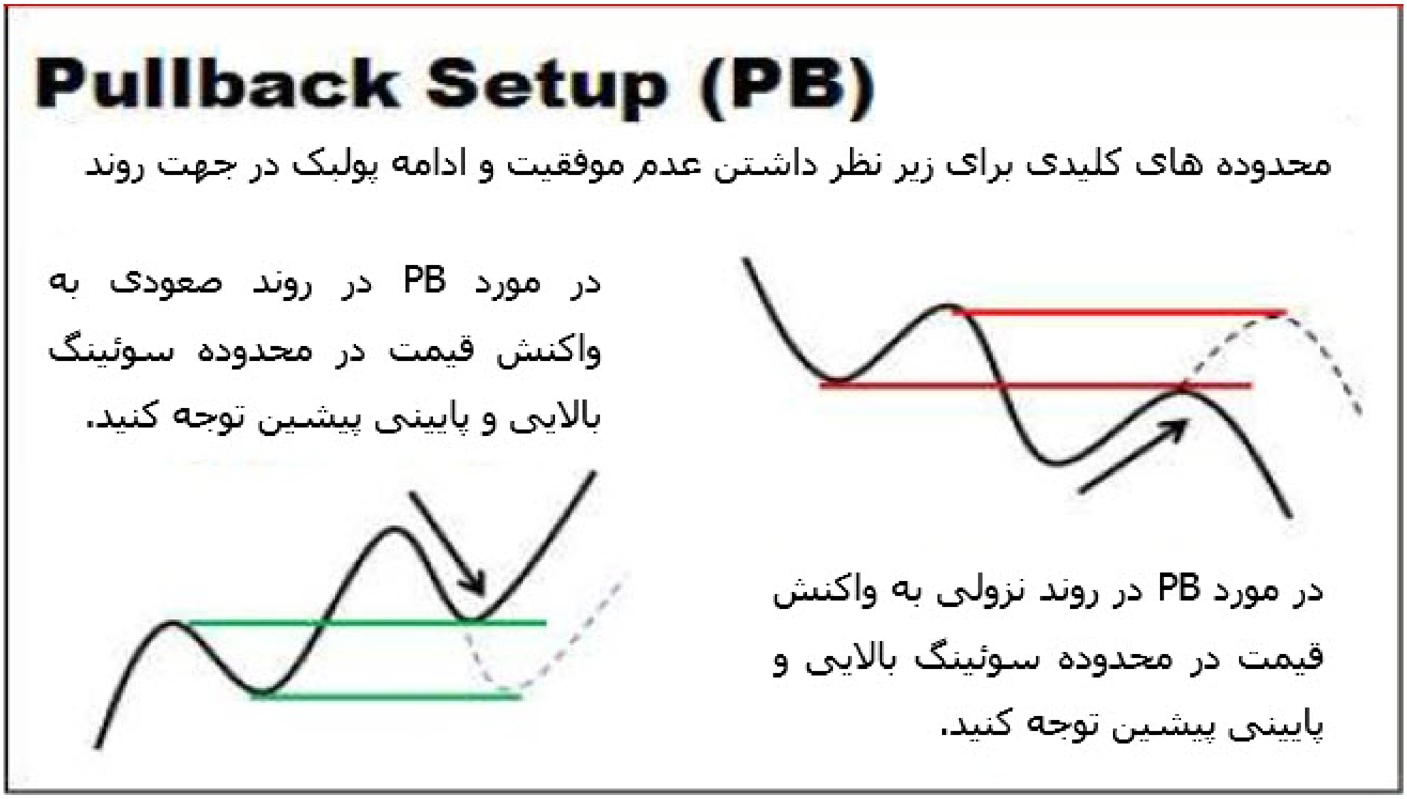
نمودار ٤-١٤ ست آپ PB

واقعیت این است که بازار در جهت قوت و خلاف ضعف حرکت می کند. ما مراقب این پولبک های ضعیف تر هستیم تا نشانه های عدم موفقیت را ببینیم که معامله گران ضد روند را در موقعیت باخت گرفتار کرده و وادار به خروج خواهد نمود. جریان سفارشات خروج این بازندگان کمک می کند تا ما معامله PB خود را به سوددهی برسانیم.

در حالیکه که پولبک ممکن است در هر نقطه ای با شکست روبه رو شود، با دقت مراقب قیمت در محدوده های سوئینگ بالا/پایین پیشین هستیم. این محدوده ها منابع جریان سفارشات بالقوه هستند و کلیدهایی درمورد ضعف یا قوت پولبک و زمان بندی هر حرکت ناموفق در اختیار ما قرار می دهند. این توضیح در نمودار زیر (٤-١٥) نشان داده می شود.

نمی شود گفت که این محدوده ها تنها مکان هایی هستند که ما انتظار عدم موفقیت پولبک و ورود به معامله را داریم. ساده تر بگوییم که ما مراقب این محدوده ها هستیم و تعامل قیمت با این محدوده های سوئینگ بالا/پایین را برای یافتن کلیدهایی در مسیر حرکتمان رو به جلو زیر نظر می گیریم.

تحلیل همزمان کندل به کندل حرکت قیمت به شما در مورد ناموفق بودن پولبک می گوید، نظارت بر نمودار تایم فریم پایین تر فرصت ورود به معامله را برایتان فراهم می کند که بهتر است پیش از محدوده های سوئینگ بالا/پایین باشد.



نمودار ٤-١٥ محدوده های کلیدی برای نشانه های عدم موفقیت پولبک

نمودار ٤-١٦ (زیر) نمونه نموداری ست آپ PB در روند نزولی را نشان می دهد.



نمودار ١٦-٤ ست آپ PB در یک روند نزولی

توجه داشته باشید که هر دو پولبک A و B، پولبک های تک پایه ای هستند که منجر به ادامه روند نزولی می شوند.

قیمت پیش از آنکه متوقف شود در قالب پولبک A به محدوده سوئینگ پیشین که نقش حمایت در کف را داشت و اکنون نقش مقاومت را بازی می کند رسیده و سپس روند نزولی را ادامه می دهد. این توقف قیمت، نشان آشکاری از ضعف در پولبک است.

در مورد پولبک B هم که پیش از ادامه روند متوقف می شود همین داستان برقرار است. گرچه قیمت این بار به محدوده بالای سوئینگ پیشین برمی گردد. (توجه

داشته باشید که این یک محدوده است و نه یک خط؛ در این مورد، قیمت به بخش پایین تر محدوده سوئینگ بالا پولبک می کند).



نمودار ٤-١٧ ستاپ PB در یک روند صعودی

در نمودار ٤-١٧ ما پولبک تک پایه C را می بینیم که در محدوده تراکم D متوقف می شود. و بعد، پولبک E که در محدوده سوئینگ پیشین G توقف می کند. توجه داشته باشید که شکست به بالاتر از سوئینگ بالای G در F نشانه ای از عدم تعادل زیاد بین عرضه/تقاضا است. هر محدوده دیگری از حرکت سریع قیمت برای حمایت یا مقاومت آینده ارزش مراقب بودن را دارد و قیمت باید به همان محدوده بازگردد.